

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



طراحی و زبان بصری

مشترک رشته‌های گروه هنر
شاخه فنی و حرفه‌ای
پایه دهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



- نام کتاب: طراحی و زبان بصری - ۲۱۰۲۱۳
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: سمیه نسیم‌صفت، خدیجه بختیاری، پرستو آریانزاد، بشری گلبخش و حسن سروندی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- محمدعلی خان محمدی و عبدالمجید حسینی‌راد (اعضای گروه تألیف)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: خدیجه بختیاری (مدیر هنری) - فرشته شیخ‌زاده (طراح جلد) - مهلا مرتضوی (صفحه‌آرا) - محمد سعیدی و سمیه نسیم‌صفت (عکاس)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبسایت: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)
- تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ نهم ۱۴۰۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



اگر یک ملتی نخواهد آسیب ببیند باید این ملت اولاً با هم متحد باشد و ثانیاً در هر کاری که اشتغال دارد آن را خوب انجام بدهد. امروز کشور محتاج به کار است. باید کار کنیم تا خودکفا باشیم، بلکه ان شاء الله صادرات هم داشته باشیم. شما برادرها الآن عبادت تان این است که کار نکنید. این عبادت است. امام خمینی «قُدَسَ سِرُّهُ»

این کتاب در سال ۱۴۰۲ پس از دریافت نظرات هنرآموزان سراسر کشور،
توسط اعضای کمیسیون تخصصی مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت.

۷	مقدمه
۹	پودمان اول: نقطه و خط
۴۷	پودمان دوم: سطح، شکل و حجم
۶۷	پودمان سوم: نور و سایه
۸۹	پودمان چهارم: عمق‌نمایی و ترکیب‌بندی
۱۱۳	پودمان پنجم: کاربرد رنگ در هنرها
۱۵۷	منابع و مآخذ

وضعیت دنیای کار و تغییرات در فناوری، مشاغل و حرفه‌ها، ما را بر آن داشت تا محتوای کتاب‌های درسی را همانند پایه‌های قبلی براساس نیاز کشور خود و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در نظام جدید آموزشی تغییر دهیم. مهم‌ترین تغییر در کتاب‌ها، آموزش و ارزشیابی بر اساس شایستگی است. شایستگی، توانایی انجام کار واقعی به‌طور صحیح و درست تعریف شده است. توانایی شامل دانش، مهارت و نگرش می‌شود. در این برنامه برای شما، چهار دسته شایستگی در نظر گرفته شده است:

۱- شایستگی‌های فنی برای جذب در بازار کار

۲- شایستگی‌های غیرفنی برای پیشرفت و موفقیت در آینده

۳- شایستگی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات

۴- شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر

بر این اساس دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش مبتنی بر اسناد بالادستی و با مشارکت متخصصان برنامه‌ریزی درسی و خبرگان دنیای کار مجموعه اسناد برنامه درسی رشته‌های فنی و حرفه‌ای را تدوین نموده‌اند که مرجع اصلی و راهنمای تألیف کتاب‌های درسی هر رشته است. برای تألیف هر کتاب درسی بایستی مراحل زیادی قبل از آن انجام پذیرد.

کتاب حاضر مشترک گروه هنر است و شما در طول یک‌سال تحصیلی پیش‌رو شایستگی‌های فنی و مهارتی طراحی و مبانی را آموزش خواهید دید. کسب شایستگی‌های این کتاب برای موفقیت در شغل و حرفه برای آینده بسیار ضروری است و پایه‌ای برای دیگر دروس می‌باشد. هنرجویان عزیز سعی کنید تمام شایستگی‌های آموزش داده شده در کتاب را کسب نمایید و فرا گیرید.

کتاب درسی طراحی و زبان بصری شامل پنج پودمان است و هر پودمان شامل واحد یادگیری است و هر واحد یادگیری از چند مرحله کاری تشکیل شده است. شما هنرجویان عزیز پس از یادگیری هر پودمان می‌توانید شایستگی‌های مربوط به آن پودمان را کسب نمایید. علاوه بر این کتاب درسی شما می‌توانید از بسته آموزشی نیز استفاده نمایید.

فعالیت‌های یادگیری در ارتباط با شایستگی‌های غیرفنی از جمله مدیریت منابع، اخلاق حرفه‌ای، حفاظت از محیط‌زیست و شایستگی‌های یادگیری مادام‌العمر و فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه با شایستگی‌های فنی طراحی و در کتاب درسی و بسته آموزشی ارائه شده است. شما هنرجویان عزیز کوشش نمایید این شایستگی‌ها را در کنار شایستگی‌های فنی آموزش ببینید، تجربه کنید و آن‌ها را در انجام فعالیت‌های یادگیری به کار گیرید.

رعایت نکات ایمنی، بهداشتی و حفاظتی از اصول انجام کار است لذا توصیه‌ها و تأکیدات هنرآموز محترم درس را در خصوص رعایت این نکات که در کتاب آمده است در انجام مراحل کاری جدی بگیرید.

برای انجام فعالیت‌های موجود در کتاب می‌توانید از کتاب همراه هنرجو استفاده نمایید. همچنین همراه با کتاب اجزای بسته یادگیری دیگری برای شما در نظر گرفته شده است که با مراجعه به وب‌گاه رشته خود با نشانی www.tvoccd.oerp.ir می‌توانید از عناوین آن مطلع شوید.

امیدواریم با تلاش و کوشش شما هنرجویان عزیز و هدایت هنرآموزان گرامی‌تان، گام‌های مؤثری در جهت سربلندی و استقلال کشور و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و تربیت شایسته جوانان برومند میهن اسلامی برداشته شود.

مقدمه

هنر در انواع مختلف آن اعم از هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی، هنرهای نمایشی و صنایع دستی هدف و اصولی را دنبال می‌کنند و در همه آن‌ها تلاش هنرمندان اصیل و خلاق بر آن است که با مطالعه تفکر، شناخت و خلاقیت و با استفاده از قالب‌های زیبا و جذاب افق‌های جدیدی را باز کنند، عوالم متعال‌تر و بهتری را به ظهور رسانند و قدم در فردای مطلوب جامعه بگذارند و زندگی انسان‌ها را زیباتر کنند. این هنرها نه تنها از نظر هدف بلکه از نظر مبانی و ابزار نیز نکات مشترک زیادی با هم دارند. مجموعه هنرهای فوق اعم از گرافیک، معماری داخلی، پویانمایی، طراحی صنعتی، عکاسی، سینما و تئاتر، نقاشی و مجسمه‌سازی، طراحی لباس و دوخت و صنایع دستی و... همه واجد ویژگی‌های بصری هستند و همه از طریق شکل دادن هدفمند و هنرمندانه به ماده و تصویر خلق می‌شوند. لذا همه واجد عناصر بصری مانند نقطه، خط، سطح و حجم بوده و در آن‌ها عناصری مانند شکل، بافت، رنگ و فرم، نور و سایه وجود دارد و از قواعد ترکیب خلاقانه، اصیل و زیبایی این عناصر به صورت هنرمندانه استفاده شده است که به آن طراحی نیز می‌گویند.

در این کتاب شما در سه موضوع مهم آموزش دیده و مهارت عملی پیدا می‌کنید که عبارت‌اند از:

۱- شناخت و مهارت در کاربرد عناصر بصری و اصول ترکیب‌بندی آن‌ها

۲- شناخت و مهارت عمق‌نمایی و پرسپکتیو و طراحی دست آزاد

۳- شناخت و مهارت رنگ‌شناسی و کاربرد آن.

طراحی در هنرهای بصری به معنای مختلفی به کار می‌رود. در این کتاب طراحی دست‌آزاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در هنرهای بصری مورد توجه قرار می‌گیرد. هنرمندان با استفاده از مهارت‌های طراحی دست‌آزاد می‌توانند اشیاء و مجموعه طبیعی یا مصنوعی و آثار هنری را با دید تحلیلی بررسی کنند، ساختارهای اصلی و ابعاد مهم آن‌ها را مشخص سازند و با استفاده از ابزارهای ساده و با روش‌های مختلف به خوبی بر روی کاغذ طراحی کنند و ما را یک قدم به شناخت بهتر موضوع طراحی نزدیک‌تر سازند.

مهارت طراحی دست‌آزاد به همان اندازه که در طراحی از موضوعات موجود و شناخت عناصر تشکیل‌دهنده اثر و اصول همنشینی و ترکیب عناصر طرح اهمیت دارد، به همان اندازه در ثبت گرافیکی پدیده‌های موجود و یا خلق آثار هنری بدیع و زیبا نیز کاربرد پیدا می‌کند. شما به عنوان هنرجویان این رشته‌های مختلف، برای موفقیت در هنر و حرفه خود لازم است علاوه بر رشته تحصیلی خود، با رشته‌های هنری دیگر، هدف، روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده در آن‌ها آشنا شوید و مشخصات محصولات این هنرها را بدانید. در جهت تأمین اهداف فوق، این کتاب در پنج پودمان تنظیم شده است.

در پودمان اول، طراحی دست‌آزاد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای درست دیدن پدیده‌ها و نقش آن در خلق آثار هنری بررسی خواهد شد و به بررسی عناصر بصری ویژگی‌ها و کاربردهای نقطه و خط در هنرهای مختلف پرداخته می‌شود.

در پودمان دوم با عناصر بصری دیگر مانند سطح، شکل و حجم و کاربردهای آن‌ها آشنا شده و در چگونگی استفاده از آن‌ها مهارت پیدا می‌کنید و همچنین با اصول ترکیب‌بندی عناصر بصری آشنا شده و کاربردهای آن‌ها در هنرهای مختلف را تجربه خواهید کرد.

در پودمان سوم ترسیم انواع فرم‌ها و فضاها، اثرات نور و سایه در کیفیت بصری سطوح فرم‌ها و فضاها مورد توجه قرار می‌گیرد.

در پودمان چهارم اصول استفاده از روش‌های عمق‌نمایی و روش‌های ترسیم پرسپکتیو و ترکیب‌بندی را تمرین خواهید کرد. مهارت در این موضوع شما را قادر به طراحی بهتر می‌سازد.

در پودمان پنجم نیز با دو موضوع بسیار اثرگذار در خلق آثار هنری و کاربردهای رنگ و ارائه رنگی آثار هنری آشنا شده و مهارت پیدا می‌کنید.

امید می‌رود مطالب و آموزش‌های عملی این کتاب مکمل خوبی برای درس‌های تخصصی در سال دهم باشد. آموزش مطالب کتاب مبتنی بر تجربه عملی شما هنرجویان عزیز در قالب تمرینات فردی یا گروهی انجام می‌گیرد. پس از ورود به هر کدام از مباحث کتاب ابتدا توضیحات ضروری مختصری جهت آشنایی اولیه با آن موضوع ارائه می‌شود، بلافاصله موضوع یک تجربه عملی جهت کار گروهی یا تجربه فردی ارائه می‌گردد که باید در کمال دقت انجام شود. اما تجربه به تنهایی وسیله تولید دانش نیست بلکه تجربه همراه تفکر و تعمق است که وسیله مناسبی برای تولید دانش و نگارش متون علمی قرار می‌گیرد.

انجام هر تجربه با سه مرحله از تفکر و تحلیل همراه است:

الف) تفکر راجع به موضوع تجربه، قبل از تجربه و انجام کار عملی؛

ب) توجه آگاهانه و تفکر در تجربه حین انجام کار و فعالیت؛

ج) تحلیل تجربه انجام‌یافته پس از پایان فعالیت تجربی؛

و در نهایت بازبینی و اصلاح کار انجام‌شده و تدوین یافته‌های حاصل از تجربه در قالب یک متن مدون یا فهرستی از اصول انجام کار، یا نموداری در مورد فرایند انجام کار و یا جدولی که بتوان مجموعه اطلاعات به‌دست آمده را در آن خلاصه کرد.

در تألیف کتاب از منابع علمی مختلفی از جمله کتاب «مبانی هنرهای تجسمی» و «طراحی» استفاده شده است.

برای آموزش بهتر و کسب مهارت در موضوعات یاد شده با راهنمایی‌های هنرآموز:

۱- بیندیشید: قبل از شروع هر موضوع درسی، راجع به آن فکر کنید. میزان دانش، نگرش، نظرات و سؤالات خود را یادداشت کنید.

۲- متن را به دقت بخوانید.

۳- پژوهش و تجربه کنید: حین انجام تمرین عملی، به نمونه انجام آن، مراحل اجرا، مشکلات احتمالی، ابهامات موجود توجه کرده و آن‌ها را یادداشت کنید. سؤالات شما به نقطه شروع خوبی برای تلاش‌های علمی بعدی شماست. یعنی سؤالات امروز، دانش فردا هستند.

۴- پرسش را در کلاس بررسی کرده و گفت‌وگو کنید.

۵- با تحلیل تجربه تولید دانش کنید.

۶- یافته‌ها را بازنگری مدون کنید، شما یک نویسنده‌اید.

۷- مرحله به مرحله کارپوشه خود را کامل سازید.

در بخش پیوست‌ها دو موضوع اهمیت دارد.

۱- دیدن رنگ‌ها و فرم‌های رنگی که بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده‌اند و کیفیت رنگی آن‌ها را ملاک قرار دهید.

۲- کاربرد رنگ در رشته‌های تحصیلی متنوع را ببینید و مورد توجه قرار دهید.

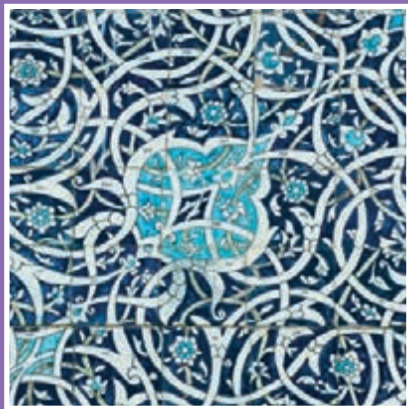
در این بخش می‌توانید متناسب با رشته تحصیلی خود تمرین‌هایی را انجام دهید.





پودمان ۱

نقطه و خط



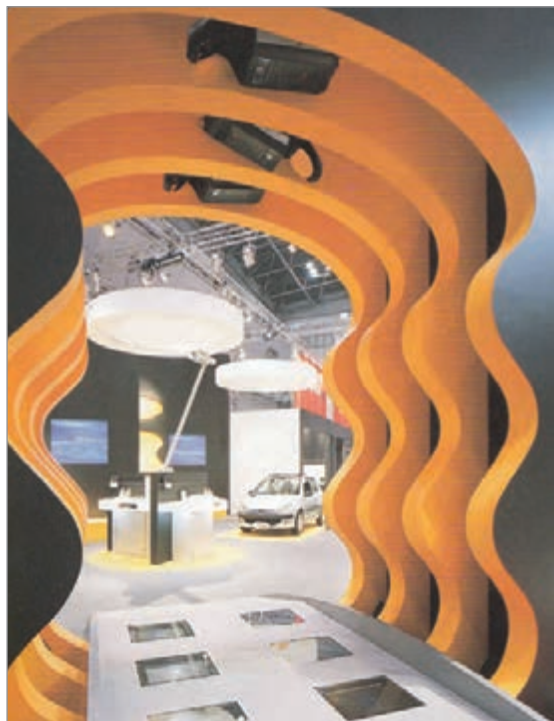
برای ورود به مباحث اصلی در زبان بصری، باید مفاهیم عناصر بصری را شناخت و تمرین‌های آن را انجام داد. برای درک بهتر عناصر بصری با فعالیت‌هایی از فن طراحی و مبانی هنر با دو عنصر نقطه و خط و کاربردهای آن در هنرهای گوناگون آشنا خواهیم شد.

زبان بصری و هنر طراحی

آفرینشگری در هنر با دو موضوع مهم و همبسته مرتبط می‌شود. یک محتوا، اندیشه و پیام نهفته در اثر و دیگری، صورت، شکل و نمود بیرونی اثر هنری است. «زبان بصری» در کنار «فن طراحی» از مهم‌ترین ابزارها در خلق و ارائه آثار هنری در رشته‌های مختلف هنری است.

زبان بصری؛ به بیان مبانی شکل‌گیری آثار هنری (دیداری) می‌پردازد، عناصر تشکیل‌دهنده اثر هنری مانند نقطه، خط، شکل، بافت، حجم، رنگ و نور را تشریح کرده و اصول همنشینی و ترکیب‌بندی عناصر بصری در هنرهای مختلف را توضیح می‌دهد.

فن طراحی؛ علاوه بر افزایش مهارت در طراحی درست آثار هنری، بیان راحت و شفاف ایده‌ها با ابزار ترسیمی است و شیوه مناسبی برای دیدن، بازترسیم و تحلیل عناصر بصری در طبیعت، مصنوعات بشری و آثار هنری می‌تواند باشد و امکان مناسبی برای خوب‌دیدن، بررسی دقیق روش همنشینی و ترکیب‌بندی عناصر است.



▲ تصویر ۱-۲- استفاده از فرم در معماری داخلی



▲ تصویر ۱-۱- استفاده از خط در طراحی صنعتی

در یک معنای کلی عمل دیدن واکنشی طبیعی و خودبه‌خود است که عضو بینایی در مقابل انعکاس نور از خود نشان می‌دهد و انسان به‌طور طبیعی رنگ، جهت، بافت، بُعد و حرکت چیزها را به‌وسیلهٔ پیام‌های بصری دریافت می‌کند. اما در هنر و نزد هنرمندان، دیدن می‌تواند فراتر از یک عکس‌العمل طبیعی تعبیر شود. در نگاه هنرمند جهان به‌صورتی عمیق‌تر ادراک و دیده می‌شود. او علاوه بر دیدن اشیا به روابط و تناسبات آن‌ها با یکدیگر به دقت توجه می‌کند. همین توجه و نگاه موشکافانه به جهان و پدیده‌ها به‌نحوی در آثار او جلوه‌گر می‌شود که گویی هیچ‌کس دیگر قبلاً آن‌ها را آن‌گونه ندیده است.

برای درک بهتر موضوع براساس دیده‌های قبلی خود به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ پیراهن یا مانتوی شما چند دکمه دارد؟

۲ در کفش ورزشی شما چند قلاب یا سوراخ برای بند کفش پیش‌بینی شده است و فاصلهٔ تقریبی آن‌ها چقدر است؟

۳ از خانه تا کلاس درس هر روز چند پله را طی می‌کنید؟

۴ نسبت ارتفاع چراغ راهنمایی و رانندگی به پایهٔ آن چقدر است؟

۵ هر کدام از موارد فوق دارای چه مشخصات و جزئیات دیگری است؟

مشاهده می‌کنید که پاسخ دقیق به سؤالات فوق عموماً مشکل است درحالی‌که هر کدام از آن‌ها را بارها و بارها دیده‌ایم. چرا جزئیات این تصاویر آشنا را ندیده‌ایم؟ همه نگاه می‌کنند ولی همه نمی‌بینند و خیلی از آن‌ها هم، فقط ابعاد ظاهری مسائل را می‌بینند. ساختمان حقیقی اجسام را نمی‌توان با یک نگاه گذرا تشخیص داد. به‌همین دلیل هنرمند باید سعی کند به جای نسخه‌برداری صرف از ظاهر پدیده‌های خلقت، پدیده‌ای به موازات آفرینش طبیعت بیافریند. چشم هنرمند شاهراه برخورد عمیق با همهٔ واقعیات است.

تقویت چشم فقط از راه ورزش دائمی (نگاه کردن، فکر کردن و تحلیل کردن) صورت می‌گیرد؛ تحلیلی که ممکن است با ترسیمات تحلیلی همراه باشد.



▲ تصویر ۴-۱- طراحی از جزئیات بدن انسان، اثر داوینچی



▲ تصویر ۳-۱- طراحی از اشیا، اثر داوینچی

تجربه
و دانش



- ۱ نمونه‌های متنوع از برگ‌ها، گلبرگ‌ها، پوست و بخش درونی میوه‌ها و سبزیجات، پوسته درختان، بال حشرات، بافت پوست دست انسان را انتخاب کنید. نمونه‌ها را با دقت ببینید و ویژگی‌های اصلی آنها را در قالب اسکیس‌های ساده و توضیحات مختصر بیان کرده و با هم مقایسه کنید.
- ۲ اگر یکبار دیگر با ذره‌بین نمونه‌ها را مشاهده کنید چه تفاوت‌ها و ویژگی‌های جدیدی را کشف می‌کنید؟
- ۳ نمونه‌ها را بر روی مقوا با قطع A۳ ترسیم و همراه با توضیحات لازم در ابعاد مختلف در کلاس ارائه دهید.

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



- ۱ موضوعات ارائه شده در کلاس را دسته‌بندی کنید.
- ۲ هر کدام از موضوعات در چه ابعادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند؟
- ۳ ترسیمات ارائه شده چقدر به معرفی کیفی موضوعات کمک می‌کند؟
- ۴ کارهای ارائه شده در کلاس را ارزیابی کنید.
- ۵ کار خود را با کارهای همکلاسی‌ها مقایسه کنید.

تحلیل و
نتیجه‌گیری



- ۱ نتایج حاصل از این تجربه را خلاصه کنید.
- ۲ کار خود را ارزیابی و بازبینی کنید و برای ارائه نهایی در کارپوشه خود قرار دهید.

تجربه
و دانش



- چهار مورد از لوازم شخصی خود را در نظر گرفته و طرحی از آنها را با مداد و در قطع A۳ و به صورت ذهنی اجرا کنید. پس از اتمام طراحی، طرح‌های تهیه شده را با لوازم خود مقایسه کرده و به سؤالات زیر پاسخ دهید:
- ۱ نسبت به انجام این تمرین چقدر آمادگی دارید؟
 - ۲ اصلی‌ترین کمبودها در طرح‌های تهیه شده کدام‌اند؟
 - ۳ انجام بهتر این کار مستلزم تقویت چه مهارت‌هایی است؟
 - ۴ در این تجربه با چه سؤالاتی مواجه شدید؟

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



- ۱ کارهای تهیه شده را در کلاس ارائه کنید.
- ۲ عنوان موضوعات طراحی شده را فهرست و دسته‌بندی کنید.
- ۳ چه موضوعاتی بیشتر در ذهن هم کلاسی‌ها باقی‌مانده است؟
- ۴ چه موضوعاتی بیشتر فراموش شده بودند؟
- ۵ اصلی‌ترین پرسش‌های بحث شده کدام‌ها بودند؟



- ۱ مباحث کلاس و تجربه خودتان را خلاصه و سازماندهی کنید.
- ۲ طرح خود را بازبینی و کامل کنید.
- ۳ کار خود را مرور و ارزیابی کنید.
- ۴ نتیجه را برای ارائه نهایی در کارپوشه قرار دهید.

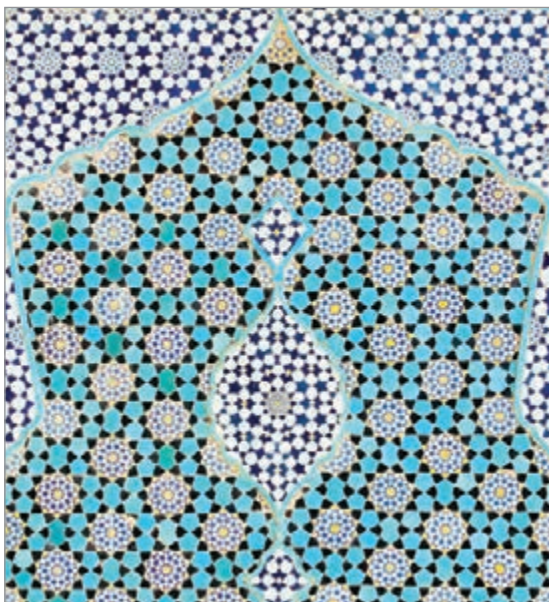
عناصر بصری



▲ تصویر ۱-۵

همه اشیایی که در اطراف ما قرار دارند سه‌بعدی هستند. نقطه، سازنده همه فرم‌هاست. وقتی نقطه حرکت می‌کند خط را به وجود می‌آورد که عنصری یک‌بعدی است. وقتی خط در جهتی غیر از امتداد خود حرکت می‌کند، سطح به وجود می‌آید که دوبعدی است و از جابه‌جایی صفحه حجم سه‌بعدی ایجاد می‌شود. نقطه، خط، سطح و حجم عناصر تشکیل‌دهنده فرم هستند. عناصر تشکیل‌دهنده فرم همراه با بافت و رنگ، نور و سایه، عناصر بصری را تشکیل می‌دهند.

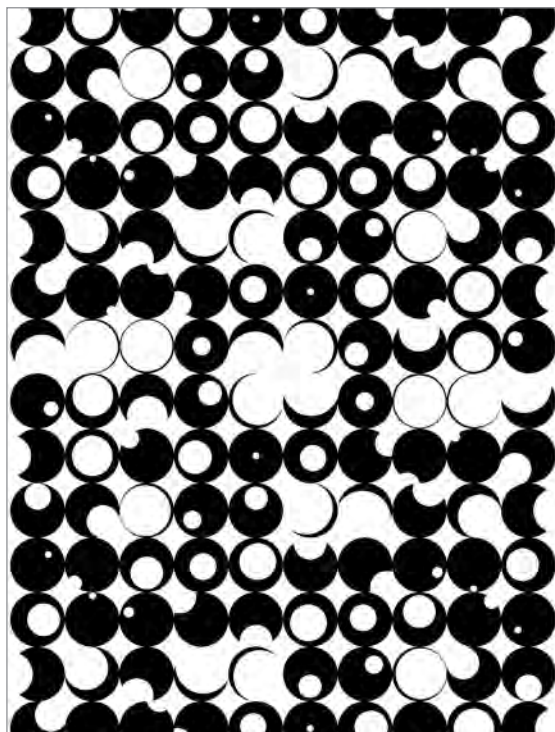
نقطه



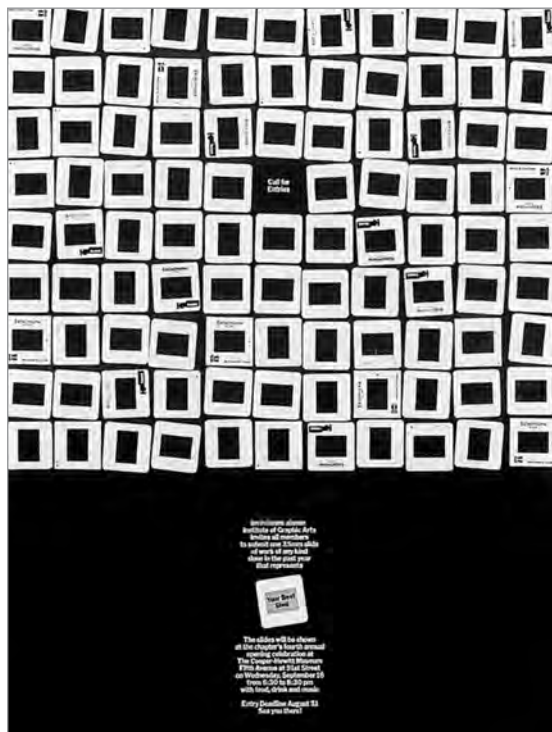
▲ تصویر ۱-۶

در هنرهای تجسمی و کاربردی منظور از نقطه چیزی است نسبتاً کوچک و قابل رؤیت که دارای تیرگی یا روشنی، اندازه و گاهی جرم و حجم است که به آن نقطه تجسمی می‌گویند. در ریاضیات، نقطه موضوعی ذهنی است که در فضا یا بر صفحه تصور می‌شود. نقطه تجسمی ممکن است به وسیله یک ابزار اثرگذار به وجود آید، مثل اثر یک مداد، یک قلم‌مو یا فشار و ضربه چیزی سخت به روی یک سطح یا مثل یک لکه روشن بر سطح تیره و بالعکس. نقطه تجسمی ممکن است به وسیله جسمی که دارای حجم نسبتاً کوچکی است در فضا شکل بگیرد و یا بخش فرورفته یا برجسته یک اثر حجمی باشد، یا با توجه به انتها و محل تقاطع خطوط درک شود. بنابراین، نقطه در زبان هنر تجسمی چیزی است کاملاً ملموس و بصری که بخشی از اثر

تجسمی را تشکیل می‌دهد و دارای شکل و اندازه نسبی است. نقطه تجسمی نه تنها در آثار هنرمندان دیده می‌شود بلکه در طبیعت محیط پیرامون و محصولات هنرهای کاربردی نیز فراوان دیده شده و نقش آفرین است. مثلاً ستاره‌ها و هلال ماه در آسمان شب، ردیف پرندگان و هواپیما در آسمان روز به مثابه نقطه دیده می‌شوند. (تصاویر ۱-۸ تا ۱-۹).



▲ تصویر ۱-۸



▲ تصویر ۱-۷



▲ تصویر ۱-۱۰



▲ تصویر ۱-۹



مانند تصاویر، نمونه‌های قابل توجه از حضور نقطه در طبیعت، در آثار هنری و هنرهای کاربردی را انتخاب و با استفاده از تصویر در کلاس معرفی کنید. آنگاه از طریق پاسخ به سؤالات زیر، ابعاد موضوع را بیشتر بررسی کنید.

۱ در هر نمونه پیشنهادی شما چند نقطه قرار دارد و اندازه نسبی آن‌ها با توجه به زمینه و عناصر هم‌جوار چقدر است؟

- ۲ رابطه نقاط با یکدیگر و دیگر عناصر چگونه است؟
- ۳ از نظر بصری نقاط واقع شده در هر تصویر چه تأثیری دارند؟
- ۴ با استفاده از نقطه یا نقاط چه ویژگی‌هایی را می‌توان در اثر تقویت کرد؟
- ۵ در این تجربه با چه پرسش‌هایی مواجه شدید؟

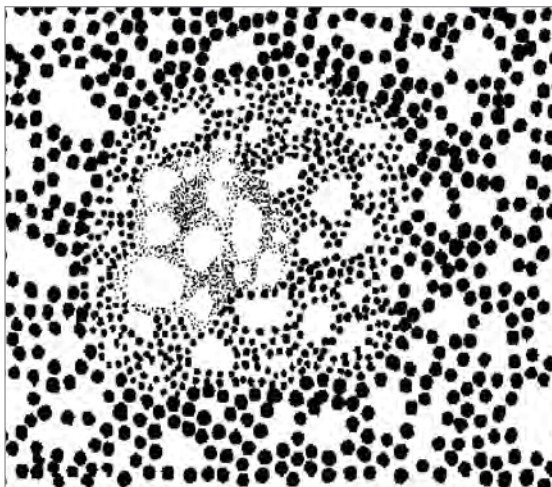


- ۱ کارها را در کلاس ارائه داده، بررسی و تحلیل کنید.
- ۲ کارهای شاخص را مشخص کنید.
- ۳ سؤالات مطرح شده را دسته‌بندی و مورد بحث قرار دهید.



- ۱ دریافت‌های خود را درباره نقطه و کاربردهای آن در طبیعت، آثار هنری و هنرهای کاربردی تدوین کنید.
- ۲ کارهای خود را ارزیابی و بازبینی کنید.
- ۳ کارها را جهت ارائه نهایی در کارپوشه قرار دهید.

رابطه نقطه با فضا، زمینه و کادر

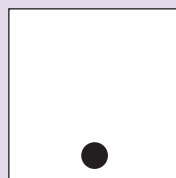
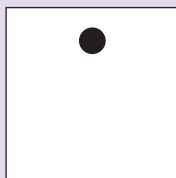
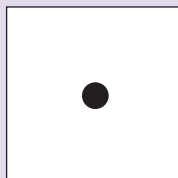


▲ تصویر ۱۱-۱

در طبیعت، پدیده‌ها در فضای واقعی قرار دارند. هنگام ترسیم یا طراحی، موضوعات در فضای محدودی به نام کادر قرار می‌گیرند. اندازه نسبی نقاط و خطوط با توجه به فضا یا کادری که در آن قرار دارند سنجیده می‌شود. محل استقرار نقطه در کادر یا فضا، ویژگی‌ها و حالت‌های متفاوتی به وجود می‌آورد. یک نقطه در فضا یا کادر جلب توجه کرده و ایجاد تمرکز می‌کند. نقاط متعدد در یک کادر یا فضا براساس روابطی که از نظر شکل، اندازه، تیرگی، روشنی، رنگ، بافت و دوری یا نزدیکی به یکدیگر دارند اثرات بصری متفاوتی به وجود می‌آورند.



در هر کدام از کادرهای مربع در شکل‌های زیر نقطه در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارد. به نظر شما ویژگی‌هایی مانند سبکی، سنگینی، تعلیق، اوج، فرود و... را با کدام یک از اشکال می‌توان مرتبط کرد؟ آیا نمونه‌های واقعی برای هر کدام سراغ دارید؟ با توجه به نظرات هم‌کلاسی‌ها میزان هم‌نظری و تفاوت دیدگاه‌ها چقدر است؟ به کمک هنرآموز درس ویژگی‌های هر کدام را مشخص و دسته‌بندی کنید.

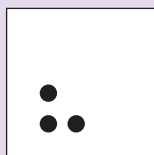
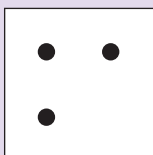


از آنجا که نقاط بصری، از انرژی و تأثیر بصری زیادی برخوردارند، تنظیم رابطه نقاط در فضا یا کادر جهت پرهیز از آشفتگی و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب و تمرکز بصری قوی‌تر، از اهمیت خاصی برخوردار است.

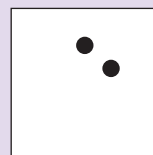
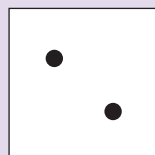
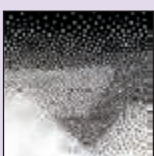
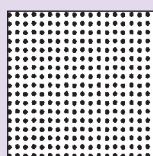
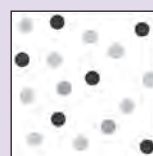
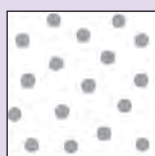


۱ به تصاویر دوگانه زیر توجه کنید. کدام ویژگی را به کدام تصویر نسبت می‌دهید. مشخص کرده و تشریح کنید.

تأثیر بصری قوی یا ضعیف



تمرکز و پراکندگی

یکنواختی و جاذبه بصری،
حرکت و سکونتیرگی یکسان و حالت مسطح یا تنوع تیره
و روشن، عمق و حرکت بیشتر

۲ آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری اضافه کنید؟

۳ چه ویژگی دیگری را می‌توان در تصاویر در نظر گرفت؟

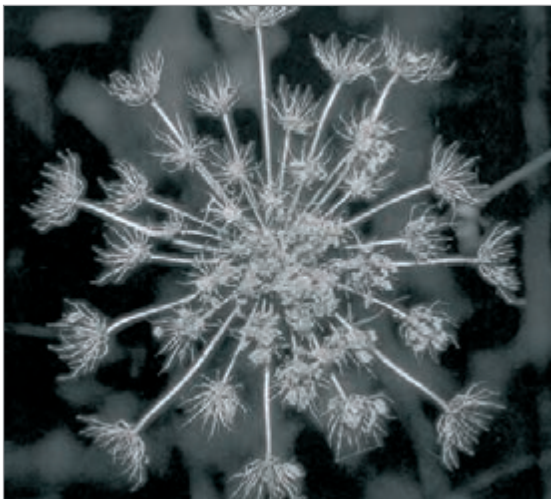


- ۱ کارهای تهیه‌شده را در کلاس ارائه کنید.
- ۲ به تنوع نمونه‌ها توجه کرده، آن‌ها را دسته‌بندی کنید.
- ۳ به نظر شما هر کدام از نمونه‌ها از نظر بصری چه کیفیتی دارند؟
- ۴ چه کاربردی برای هر کدام از آن‌ها می‌توان در نظر گرفت؟

- ۱ نتایج کار را خلاصه و دسته‌بندی کنید.
- ۲ کارهای خود را ارزیابی و نقد کنید.
- ۳ کارهای خود را برای ارائه نهایی آماده کنید.

خط و عناصر خطی در هنر

خط عنصر بصری یک‌بعدی است. خط نشانگر حرکت، جهت، رشد و پویایی بصری است. در زندگی روزمره و در طبیعت، خط حضور چشمگیری دارد. ما با خط و جلوه‌های گوناگون آن زندگی می‌کنیم. منظور از خط تجسمی معنایی نسبی از خط است و آن، نشان‌دادن یک حرکت ممتد و پیوسته بر سطح یا در فضا است. خط می‌تواند دو بُعدی باشد، مثلاً یک قطار در حال حرکت از فاصله‌ای دور به صورت یک خط ممتد دیده می‌شود. در حالی که وقتی با قطار مسافرت می‌کنیم و در داخل آن هستیم دیگر این برداشت بصری را نداریم. بخش‌هایی از یک نقش برجسته، خط و مرز پیرامون یک سطح یا حجم، محل برخورد دو سطح با دو زاویه مختلف مثل دیوار کلاس و سقف، مرز حاصل از تباین دو سطح با رنگ مختلف یا با تیرگی متفاوت و اثر حرکت مداد، قلم‌مو یا یک شیء نوک تیز بر یک صفحه خط قابل مشاهده است.



▲ تصویر ۱۳-۱



▲ تصویر ۱۲-۱



▲ تصویر ۱-۱۶



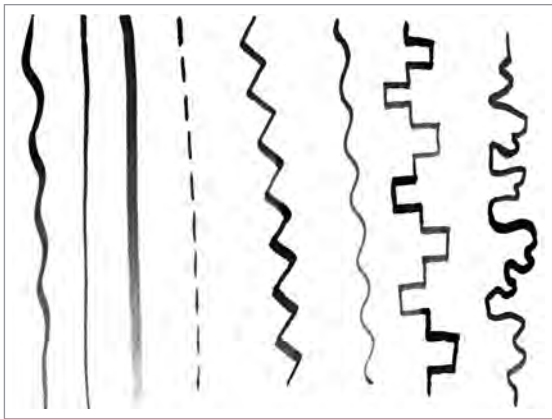
▲ تصویر ۱-۱۵



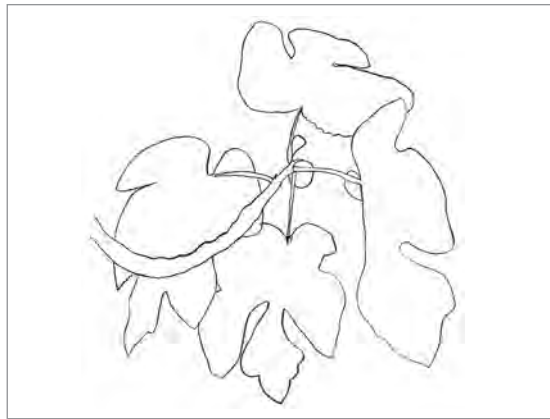
▲ تصویر ۱-۱۴

انواع خط

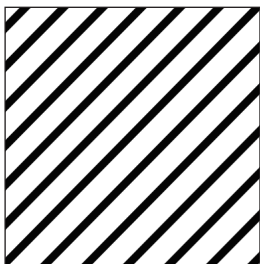
خط از نظر جهت، شکل و حالت قرارگیری به خطوط افقی، عمودی، مایل و منحنی تقسیم می‌شود. خط‌ها از نظر کیفیت به خط پیرامونی و خط بیانی تقسیم می‌شوند.



▲ تصویر ۱-۱۸- انواع خطوط



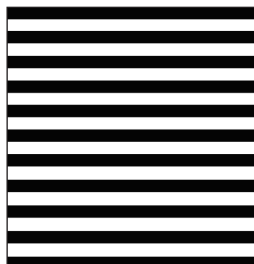
▲ تصویر ۱-۱۷- خطوط پیرامونی



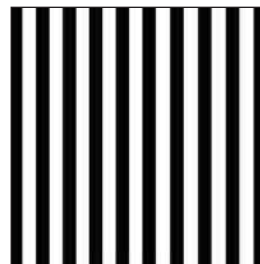
▲ تصویر ۱-۲۲- خطوط مورب



▲ تصویر ۱-۲۱- خطوط منحنی



▲ تصویر ۱-۲۰- خطوط افقی



▲ تصویر ۱-۱۹- خطوط عمودی



▲ تصویر ۱-۲۳ خطوط بیانی



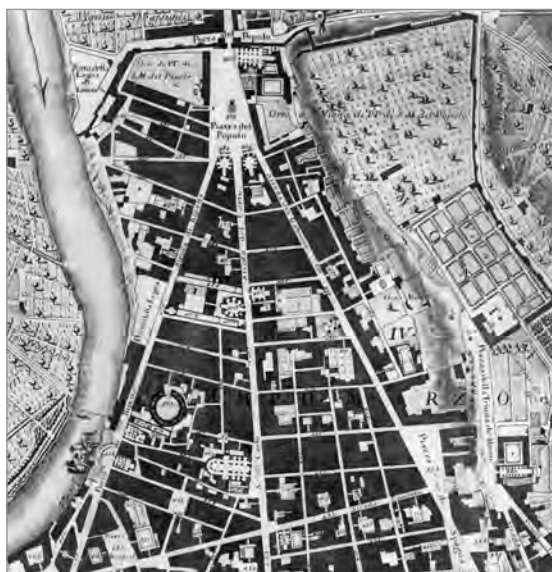
▲ تصویر ۱-۲۵ خطوط بیانی



▲ تصویر ۱-۲۴ خطوط بیانی



▲ تصویر ۱-۲۷ خطوط پیرامونی



▲ تصویر ۱-۲۶ خطوط پیرامونی



▲ تصویر ۱-۲۸- خطوط عمودی

خطوط تجسمی براساس جهت حرکت مداوم در یک مسیر کلی به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

الف) خطوط عمودی: در طبیعت به شکل تنه درختان، تیرهای برق و ساختمان‌های مرتفع دیده می‌شوند. این نوع خط در یک اثر تجسمی ممکن است به مفهوم ایستادگی، مظهر مقاومت و استحکام باشد و یا صرفاً رابطه مناسبی را از نظر بصری و زیبایی‌شناسی با سایر خطوط و اشکال یک ترکیب به وجود بیاورد.



▲ تصویر ۱-۳۰- خطوط عمودی



▲ تصویر ۱-۲۹- خطوط عمودی



▲ تصویر ۱-۳۱- خطوط افقی

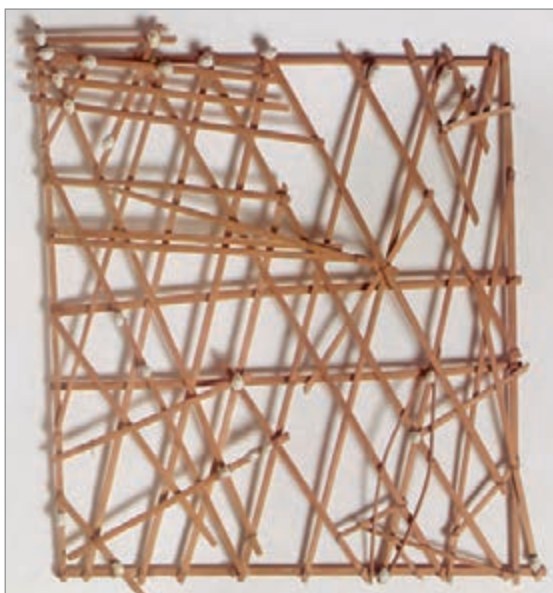
ب) خطوط افقی: در طبیعت به صورت سطح زمین، خط افق، پهنه دریا، یا یک انسان خوابیده دیده می‌شود. این نوع خط در یک اثر تجسمی ممکن است برای نشان دادن آرامش، سکون و اعتدال باشد و یا صرفاً رابطه مناسبی را از نظر بصری و زیبایی‌شناسی با سایر خطوط و عناصر یک ترکیب به نمایش بگذارد.



▲ تصویر ۱-۳۳- خطوط افقی در عکاسی



▲ تصویر ۱-۳۲- خطوط افقی در طراحی داخلی

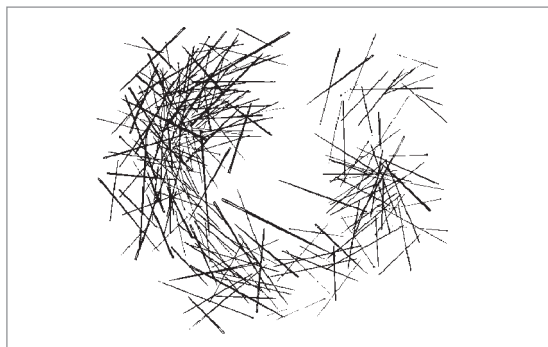


▲ تصویر ۱-۳۴

ج) خطوط مایل: معمولاً در طبیعت به شکل کناره‌های کوه، خط رعد در آسمان و سرایشی دیده می‌شوند و در یک اثر تجسمی ممکن است برای نشان دادن تحرک، پویایی، خشونت و عدم سکون و ثبات اختیار شوند یا اینکه رابطه مناسبی را از نظر بصری با سایر عناصر یک ترکیب ایجاد کنند.



▲ تصویر ۱-۳۶



▲ تصویر ۱-۳۵



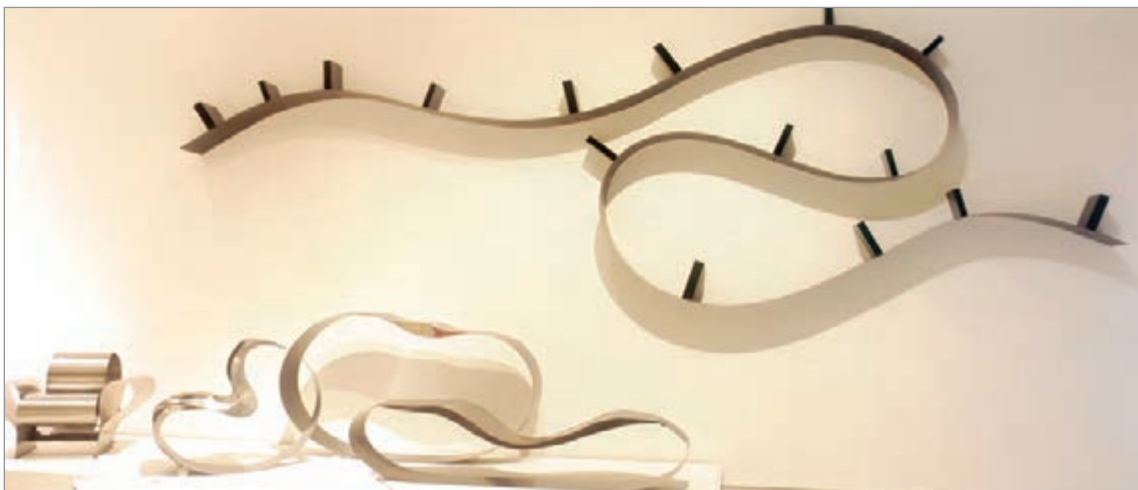
د) خطوط منحنی: معمولاً در طبیعت به شکل تپه ماهور انتشار امواج، پستی و بلندی زمین و حرکت بعضی از جانوران دیده می‌شوند و در یک اثر تجسمی ممکن است برای نمایش حرکت سیال و مداوم، ملایمت و ملاطفت به کار گرفته شوند.

▲ تصویر ۱-۳۷- خطوط منحنی در طبیعت



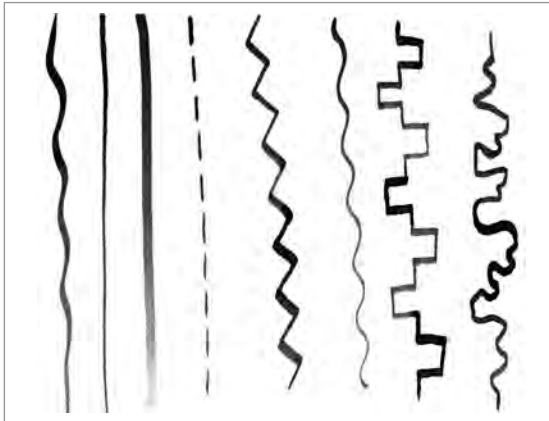
▲ تصویر ۱-۳۹- خطوط منحنی در مجسمه‌سازی

▲ تصویر ۱-۳۸- خطوط منحنی در اثر هنری



▲ تصویر ۱-۴۰- خطوط منحنی در طراحی داخلی

حالات خطوط



▲ تصویر ۴۱-۱ حالات مختلف خطوط

خطوط می‌توانند از نظر ضخامت و وزن، ظرافت و خشونت، نرمی و سختی، صافی و زبری حالات مختلفی به خود بگیرد. خطوط ممکن است ضخیم یا نازک، قوی یا ضعیف، تیره یا روشن شوند. به صورت خطوط باریک و یا ضخیم یکنواخت باشند. می‌توانند در جهت مسیر اصلی خود به صورت بریده بریده، متغیر و یا ممتد باشند. در جهت مسیر اصلی خود به شکل زیگزاگ، شکسته و یا موجی درآیند. می‌توانند به صورت منظم و یا نامنظم در مسیر اصلی حرکت خود تغییر جهت دهند و ابزار مناسبی را با انتقال حالات و کیفیات متفاوت ایجاد کنند.

- ۱ حالا که با انواع خطوط و مصادیق آن در طبیعت و هنر آشنا شدید در قالب تیم دونفره و در قطع A۳ از انواع خط چند نمونه طبیعی خوب پیدا کرده معرفی کنید و حالت و ویژگی‌های بصری آن را از طریق طراحی و عکاسی بیان کنید.
- ۲ عنوان پنج رشته از رشته‌های هنری را با نظر هنرآموز کلاس مشخص کنید و دو اثر خوب از هر رشته هنری انتخاب کنید. کاربرد انواع خط را در هر کدام از آثار بررسی کنید و نتیجه را در قطع A۳ در کلاس ارائه دهید.

تجربه و دانش



- ۱ از نمونه‌های انتخابی خود در کاغذ A۳ و A۴ طراحی کنید و آن‌ها را در کارگاه خود نصب کنید.
- ۲ درباره طرح‌های یکدیگر گفت‌وگو کنید.

پرسش و گفت‌وگوی کلاسی



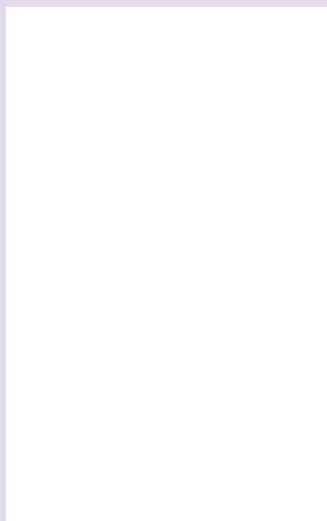
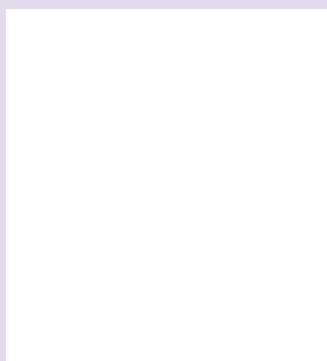
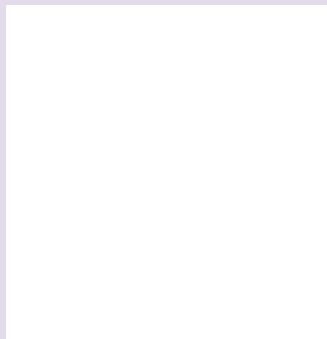
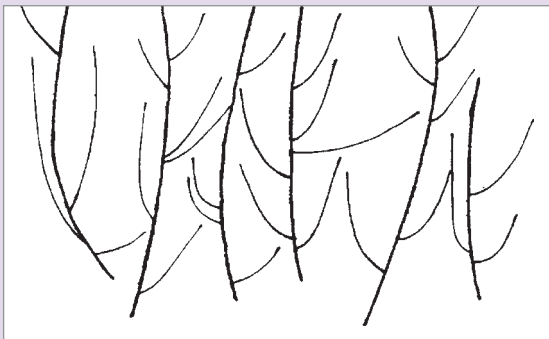
- ۱ گزارشی از انواع خط در طراحی از طبیعت و طراحی نقوش سنگی و طراحی معماری از کارهای کلاسی تهیه کنید.
- ۲ طراحی‌ها و گزارش‌ها را در کارپوشه خود قرار دهید.

تحلیل و نتیجه‌گیری

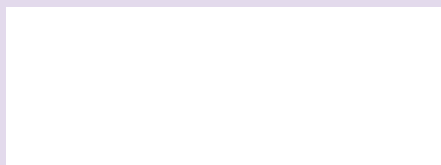
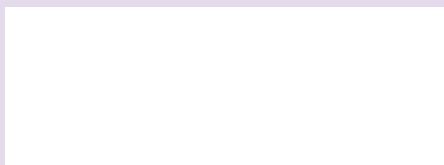


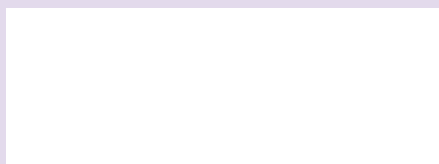
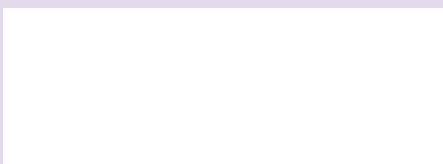
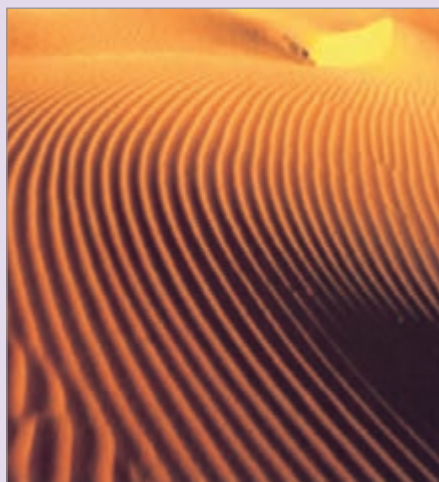
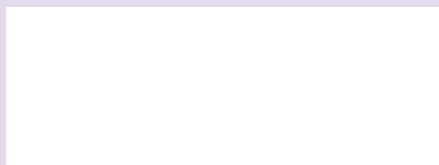
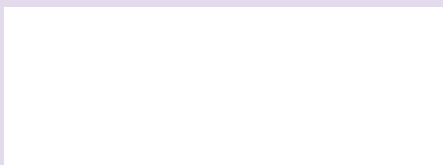


در تصاویر زیر کاربرد خط در انواع مختلف هنر دیده می‌شود. با توجه به محتوا یا توضیحات هر اثر، نوع خطوط، حالت، کیفیت و نظم خطوط از نظر ضخامت، نازکی، تیرگی، روشنی، تجمع و پراکندگی و نرمش و خشونت آن‌ها را بررسی کنید، روش و ابزار احتمالی ترسیم خطوط را در کنار هر کدام بنویسید.







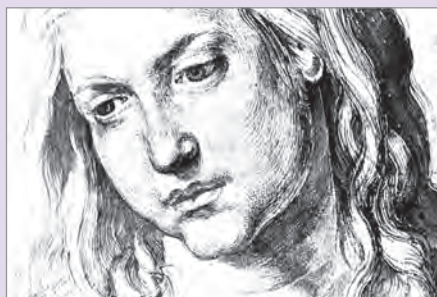




طرح‌های زیر هر کدام حالت روحی و احساسی طراح نسبت به موضوعی را بیان می‌کند، آن‌ها را به دقت بررسی کنید. به کیفیت خطوط از نظر نوع، ضخامت، وزن، تداوم، سنگینی، نرمش، تجمع و... دقت کنید. بر روی کاغذ A3، نحوه ترسیم انواع خطوط را با استفاده از مداد یا قلم روان‌نویس تمرین کنید و نتایج کار را در کلاس ارائه دهید:

۱ از هر نوع خط برای نمایش چه ویژگی‌هایی استفاده شده است؟

۲ آیا می‌توانید آثاری مشابه آن‌ها طراحی کنید؟



تمرین‌های خود را که از چهار نوع طراحی حالت انجام داده‌اید در کارگاه طراحی نصب کنید و دربارهٔ هریک با سایر هنرجویان گفت‌وگو کنید.



۱ طراحی‌ها و نیز نتایج گفت‌وگوی کلاس را در کارپوشه قرار دهید.

۲ نتایج حاصل از طراحی‌ها را به صورت گزارش کار تهیه کنید.



طراحی خطی

اهمیت خط در طراحی، همپایه ارزش رنگ در نقاشی و صدا در موسیقی است. در طراحی خطی درون مایه اصلی اشیا به شکل خلاصه و با استفاده از خطوط ساده نمایش داده می شود. یکی از بهترین روش های نمایش اشیا، نمایش آن ها با استفاده از خط پیرامون آن ها است که آن ها را از زمینه خود متمایز می سازد. نحوه ساده کردن موضوع به نوع نگرش، حساسیت بصری، نظم ذهنی و دید شخصی طراح بستگی دارد. همان گونه که هر فردی دست خط خاصی برای نوشتن دارد، در طراحی خطی هم ویژگی های شخص طراح در نوع و کیفیت خطوط آثارش نمایان می شود.

کنترل دست و استفاده از مداد در طراحی:

طراحی واسطه بیان احساسات و افکار انسان است. مهارت دست در ترسیم انواع خطوط و اشکال به توان کنترل دست، در حالت های مختلف وابسته است؛ لذا کنترل حرکت دست از مهم ترین عوامل طراحی خوب است.



وقتی حرکت از آرنج به بازو و شانه منتقل می شود امکان کار روی زمینه های بزرگ فراهم می آید. با جابه جایی انگشتان فشار وارده و تیرگی خطوط تغییر می کنند.

وقتی حرکت از مچ به آرنج منتقل می شود حرکت دست آزادتر شده و با سرعت به تمام سطح کار دسترسی می یابد.

وقتی حرکت دست از مچ کنترل می شود امکان ترسیم خطوط پررنگ کوتاه و دقیق فراهم می شود مانند نوشتن.

▲ تصویر ۴۲-۱- کنترل دست در طراحی

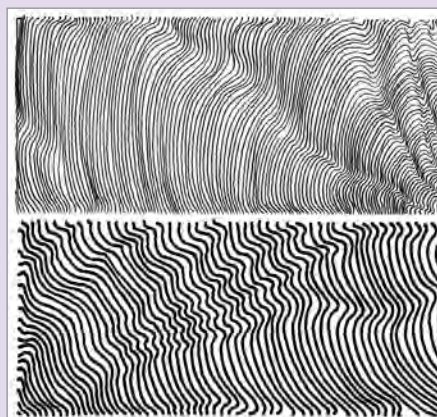
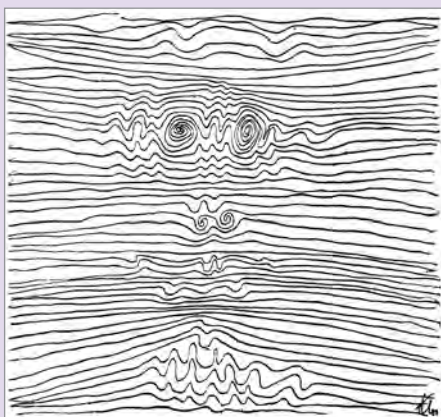
برای کسب مهارت در استفاده از ابزارهای مختلف، استفاده از مداد و قلم طراحی را در حالت های مختلف تمرین و امتحان کنید. کار طراحی را هم زمان با استفاده از مچ، آرنج و بازو تجربه کنید و کیفیت خطوط طراحی شده را بررسی کنید تا از کنترل بر دست خود اطمینان پیدا کنید.

برای شناخت و کسب مهارت در استفاده از ابزارهای طراحی به بخش تجهیزات کتاب همراه هنرجوی خود مراجعه کنید.

توجه



مهارت در طراحی دست و کیفیت انواع خطوط لازمه طراحی است. بر روی شش صفحه کاغذ A3 و با نظر معلم کلاس، انواع خطوط مستقیم، منحنی و بیانی را ترسیم کنید. استفاده کامل از تمام سطح کاغذ را مورد توجه قرار دهید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.



- ۱ آیا خطوط مستقیم اعم از قائم، افقی و مایل در پهنای کاغذ از استقامت خوبی برخوردار هستند؟
- ۲ آیا وزن و ضخامت خطوط در طول خط همسان است؟
- ۳ آیا خطوط منحنی از تداوم پیوستگی و نرمش و تنوع لازم برخوردارند؟
- ۴ آیا خطوط بیانی کیفیاتی مانند سبکی، سنگینی، نرمش، خشونت و... را بیان می کنند؟
- ۵ در ترسیم کدام دسته از خطوط نیاز به تمرین بیشتری دارید؟ با استفاده از کاغذهای باطله و روزنامه و قلم روان نویس تمرین را ادامه دهید.



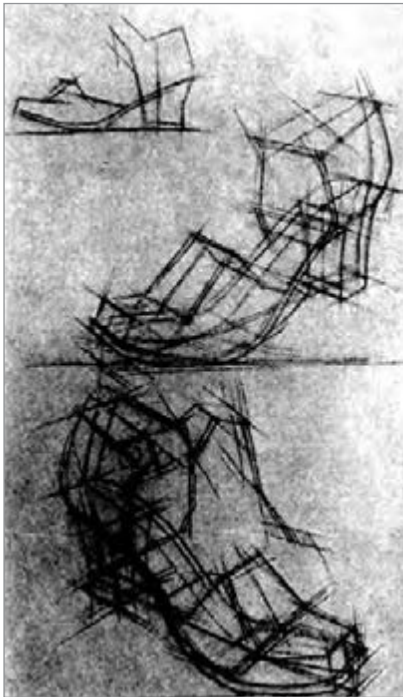
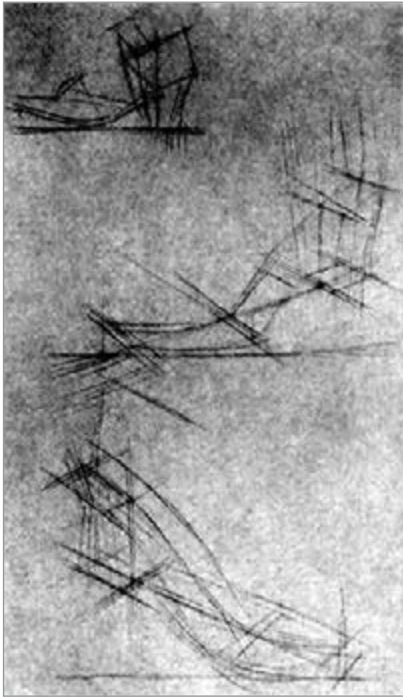
پس از ارائه و تحلیل کارها در کلاس، کیفیت و روش کار دوستان خود را دقیقاً بررسی کنید. برای انجام بهتر کار از چه روش‌هایی می توان استفاده کرد؟



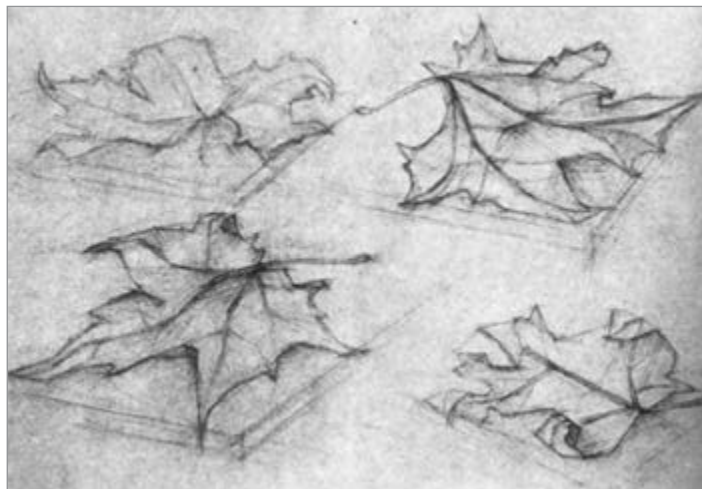
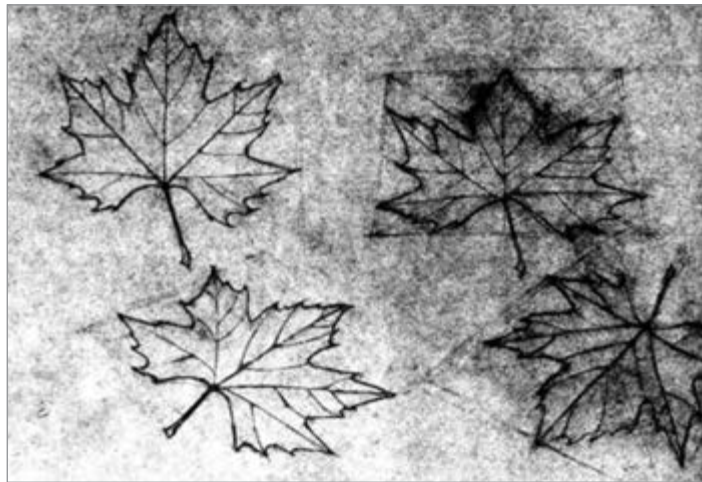
با توجه به مجموعه تجارب، ترسیمات خود را بازبینی و کامل کنید. نتیجه کار را با شرح مختصری از نکات مهم و عملی، در قالب کارپوشه برای تحویل نهایی آماده کنید.

ساده‌سازی موضوعات در طراحی خطی

ما در هنگام دیدن فقط به آن بخش از موضوعات که برای ما مهم و معنی‌دار است توجه می‌کنیم. هنگام ترسیم و نمایش موضوعات مختلف نیز باید جزئیات غیرمهم حذف شده و مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد موضوع ترسیم شوند. طراح با حذف جزئیات به درک بهتری از کل موضوع نزدیک می‌شود. حالت ساده‌شده موضوعات مختلف را اغلب با سطوح یا احجام هندسی نشان می‌دهند. لذا فرایند کار طراحی با دیدن دقیق و بررسی ویژگی‌های موضوع و ساده کردن آن به کمک خطوط و اشکال انجام می‌شود. هنگامی که بتوانیم اشیا و موجودات مختلف را به شکل ساده‌شده آن‌ها ببینیم طراحی از همه موضوعات آسان می‌شود.



▲ تصویر ۱-۴۴- مراحل طراحی اشیا از کل به جزء



▲ تصویر ۱-۴۳- حالت ساده‌شده برگ‌ها



مطالعه و بررسی دقیق پدیده‌های متنوع خلقت و ساده سازی آن‌ها، نقطه آغاز خوبی برای توسعه توان طراحی است.



با نظر هنرآموز کلاس نمونه‌های زیبایی از برگ درختان، انواع گل‌ها، سبزیجات و بوته‌های خشک یا میوه‌ها و میوه‌های برش خورده انتخاب کنید، آن‌ها را روی یک پارچه سفید یا دستمال کاغذی بچینید، در فاصله و زاویه دید مناسب از آن‌ها قرار بگیرید. پس از سنجش و بررسی محل قرارگیری تناسبات، هندسه شکلی، با استفاده از خطوط آزمایشی و کم‌رنگ بر روی کاغذ A3 از آن‌ها طراحی کنید. موضوع طرح شما در قالب کدام یک از اشکال هندسی قابل خلاصه شدن است؟ سطوح و یا احجام اصلی به نظر شما کدام‌اند؟ پس از کنترل کار، خطوط اصلی را پررنگ کنید.



نتیجه تمرینات را در کلاس ارائه دهید. پرسش‌های خود را با معلم کلاس و هم‌کلاسی‌ها به بحث بگذارید. روش کار و نتیجه کار همدیگر را بررسی کنید و در پایان ضمن تنظیم گزارش کار به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- ۱ به نظر شما کار طراحی را از کجا باید آغاز کرد؟
- ۲ در انجام کدام قسمت نیاز به تمرین بیشتری دارید؟ و کدام مهارت را باید تقویت کنید؟
- ۳ آیا مقیاس طرح‌ها و رابطه آن‌ها با زمینه درست انتخاب شده است؟
- ۴ آیا تناسبات، اندازه‌ها و زوایا به درستی رعایت شده‌اند؟
- ۵ آیا خلاصه سازی طرح در قالب اشکال و احجام هندسی موفقیت آمیز است؟



- ۱ مطالب کلاس را خلاصه کنید.
- ۲ طرح‌های خود را ارزیابی نمایید.
- ۳ طرح‌های تهیه شده و پاسخ سؤالات و گزارش انجام کار را در قالب کارپوشه جهت تحویل نهایی گزارش آماده کنید.



همیشه قبل از شروع طراحی، ترسیم خطوط مستقیم، مورب و منحنی را تمرین کنید. با استفاده از روش ساده کردن و تأکید بر مهم‌ترین ویژگی آن‌ها، تناسبات و ارتباط میان اجزا بهتر درک می‌شود. با نظر هنرآموز، پنج نمونه از اشیای در دسترس مانند، جامدادی، پایه چسب، کلید، گیره‌های کاغذ، کاتر، خودکار، قاشق، لیوان، گلدان و وسایل آشپزخانه و... را انتخاب کنید و از آن‌ها بر روی کاغذ A۳ ساده‌سازی کرده و طراحی کنید.



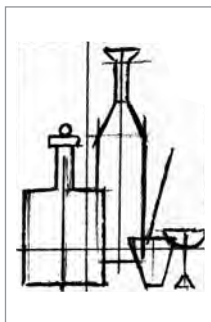
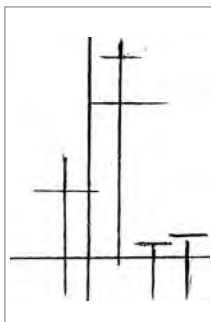
طرح‌های تهیه شده را در کلاس ارائه دهید. پس از بررسی دقیق کارهای انجام شده به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ کدام قسمت از طرح شما موفق‌تر است؟
- ۲ کدام یک از کارهای ارائه شده در کلاس را می‌پسندید؟
- ۳ چه تفاوتی در کارهای شاگردان مختلف از نظر فرایند انجام و نتیجه کار وجود دارد؟



گزارش کار را تدوین و به همراه طرح‌های تهیه شده در قالب کاربرگ، جهت تحویل نهایی آماده کنید.

محور تقارن در طراحی



بسیاری از عناصر طبیعی اطراف مانند لیوان، گلدان، نوارچسب، قلم ماژیک و... دارای محور یا محور تقارن هستند. محور تقارن می‌تواند در درک و ساده‌سازی موضوعات طراحی به ما کمک کند. محور تقارن ممکن است قائم، افقی یا مایل باشد. برخی از اشیاء به جای محور تقارن صفحه تقارن دارند.

▲ تصویر ۴۵-۱- محور تقارن در طراحی اشیا



پنج موضوع مصنوعی یا طبیعی انتخاب کنید که دارای محور یا صفحهٔ تقارن هستند و با استفاده از محور تقارن و ساده‌سازی آن را ساده کرده و سپس طرح آن را کامل کنید. محصول کار را بر روی کاغذ A3 تنظیم و در کلاس ارائه دهید. تمرین فوق را یک بار دیگر با ترکیب موضوعات مختلف در کنار هم تکرار کنید.

- ۱ اشیا ی معرفی شده که دارای محور تقارن هستند را فهرست کنید.
- ۲ اشیایی را که دارای صفحهٔ تقارن هستند، معرفی کنید.
- ۳ به روش تولید و کارکرد آن‌ها توجه کرده و ویژگی‌های مشترک هر دسته را مشخص کنید.
- ۴ آیا با روش دیگری می‌توان ساده‌سازی فرم موضوعات را انجام داد؟
- ۵ کدام نمونه‌ها از نظر شما بهتر هستند؟ کدام روش ارائه را در کارهای کلاسی بهتر می‌دانید؟

- ۱ با توجه به کارها و مباحث مطرح شده در کلاس کار خودتان را ارزیابی کنید.
- ۲ خلاصهٔ مطالب مهم را تدوین کنید.
- ۳ نواقص کار خود را رفع و برای ارائه نهایی آماده کنید.

اندازه‌گیری در طراحی

علاوه بر ساده‌سازی و استفاده از محور تقارن، استفاده از اندازه‌گیری درک ارتباط میان اجزا و نسبت‌های موضوعات طراحی را آسان می‌سازد و امکان می‌دهد طرح کلی موضوع را، ارزیابی و اصلاح کنیم. برای اندازه‌گیری، اندازهٔ بخشی از موضوع را به عنوان معیار در نظر می‌گیریم و آن را معیار سنجش اندازه‌های بزرگ‌تر قرار می‌دهیم یا نسبت طول و عرض موضوع را می‌سنجیم. برای اندازه‌گیری در جای ثابتی قرار گرفته، دست را به صورت کشیده و به سمت موضوع دراز کرده و با استفاده از یک شاخص ساده عمودی مانند مداد طراحی، اندازهٔ نسبی بخش‌های مختلف را می‌سنجیم. با استفاده از اندازهٔ نسبی بخش‌های مختلف و یا استفاده از خطوط افقی و عمودی فرضی و خط‌چین، اندازه‌ها و نسبت‌ها را در طراحی کنترل کرده و طرح را کامل می‌کنیم.



▲ تصویر ۴۶-۱- اندازه‌گیری در طراحی

چند شیء ساده مانند «گلدان، پارچ و...» انتخاب کنید. روی کاغذ A۳ با دقت از آن‌ها طراحی کنید. قبل از تکمیل طرح با روش اندازه‌گیری، اندازه‌ها و تناسب‌ات طرح را کنترل کنید و سپس طرح‌ها را کامل کنید. پس از انجام طراحی، اندازه‌های واقعی اشیاء را اندازه‌گیری کرده و میزان خطای خود را محاسبه کنید.

تجربه و دانش



پرسش و گفت‌وگوی کلاسی



تحلیل و نتیجه‌گیری

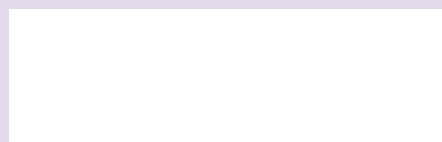
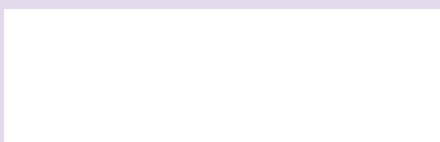
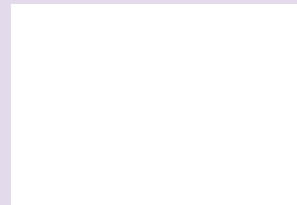


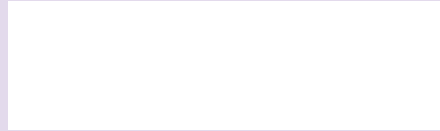
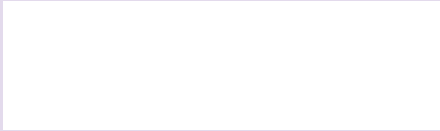
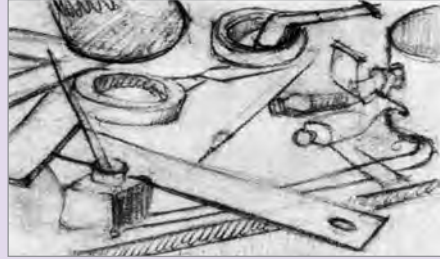
- ۱ طرح‌ها را در کلاس ارائه داده و نقاط قوت و ضعف کارها را بررسی کنید.
- ۲ اندازه‌ها و نسبت‌های واقعی را با طرح‌های تهیه شده تطبیق دهید، موارد اشکال و دلایل آن را بررسی کنید.

- ۱ خلاصه مطالب و مباحث مطرح شده در کلاس را تدوین کنید.
- ۲ کار خود را ارزیابی کنید.
- ۳ کارهای خود را بازبینی کرده و جهت تحویل نهایی آماده نمایید.

به ویژگی‌ها و نحوه طراحی در مثال‌های ارائه شده دقت کنید. تحلیل و برداشت خود را از هر کدام بنویسید. برای هر نمونه، تمرین مشابه طراحی و اجرا کنید. از تکرار عینی تمرین خودداری نمایید.

تجربه و دانش





طراحی خطی از مناظر

مناظر طبیعی و شهری معمولاً ترکیب متنوعی از عناصر مختلف مانند پستی یا بلندی زمین، خط افق درخشان، بوته‌ها، صخره‌ها و ... را شامل می‌شود. برای طراحی بهتر از مناظر، ابتدا نحوه ساده‌سازی طراحی از تک تک عناصر را به خوبی تمرین کنید.

برای طراحی از درختان، به فرایند رویش و شکل و نسبت بخش‌های مختلف آن مانند شکل تاج درخت، نسبت تاج به تنه، ساختار و شکل شاخه‌ها و الگوی رویش و پراکندگی برگ‌ها توجه کنید. برای طراحی از درختان و بوته‌های مختلف، شکل آن‌ها را ساده کرده و در محدوده کادر پیاده کنید. آنگاه از طریق اندازه‌گیری و استفاده از خطوط فرضی افقی و عمودی آن‌ها را تصحیح و تکمیل کنید. در لبه‌های نزدیک آسمان خطوط کمرنگ و محو می‌شوند و در لابه‌لای برگ‌ها، بخش‌هایی از شاخه‌ها و آسمان دیده می‌شود.

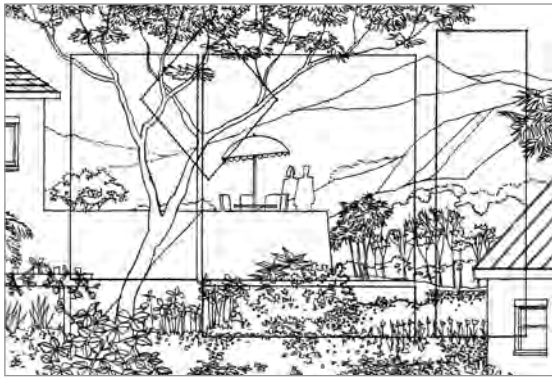
برای طراحی از مناظر بهتر است ابتدا شکل‌های بزرگ و عناصر اصلی و موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر و خط افق در نظر گرفته شوند و سپس اشکال کوچک‌تر به طرح اضافه شوند. هنگام طراحی می‌توان بخش‌های غیراساسی را حذف و رابطه میان بخش‌های اصلی را تقویت کرد. در طراحی خطی علاوه بر مداد و قلم می‌توانید از گچ، زغال و خودنویس نیز برای طراحی استفاده کنید. (تصاویر ۱-۴۷ تا ۱-۵۰)



▲ تصویر ۱-۴۸



▲ تصویر ۱-۴۷



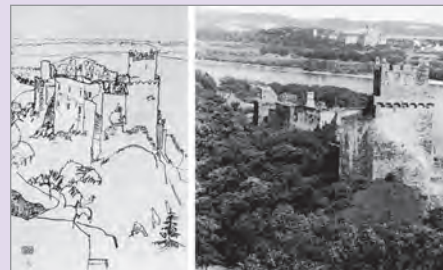
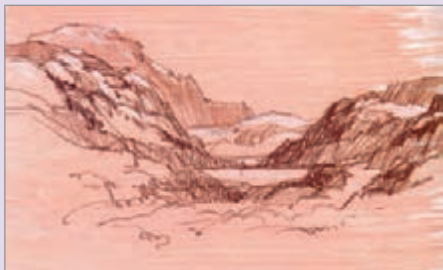
▲ تصویر ۱-۵۰



▲ تصویر ۱-۴۹

با نظر هنرآموز، چهار منظره مشابه مناظر زیر از مناظر واقعی محیط طبیعی یا فضاهای شهری را انتخاب کرده و از آن‌ها طراحی کنید.

تجربه
و دانش



پس از انجام تمرین و ارائه نتایج کار در کلاس، مجموعه کارهای کلاس را بررسی کنید، نکات مهم کارهای شاخص کلاس را یادداشت کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



۱ موضوع طراحی شما، چه شباهت و تفاوتی با نمونه‌های ارائه شده دارد؟

۲ در طرح‌های ارائه شده عناصر اصلی کدام‌اند؟

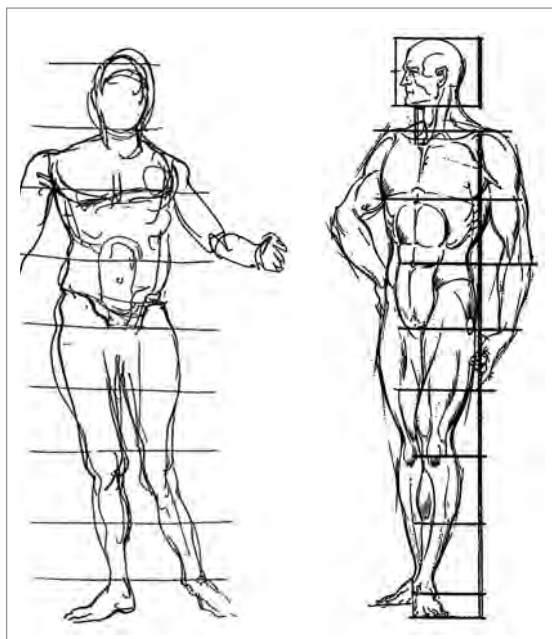
۳ رابطه عناصر اصلی با یکدیگر با خط افق و زمینه کار چگونه است؟

۴ برای انجام کدام قسمت نیاز به تمرین بیشتر دارید؟



طرح‌های تهیه شده و یافته‌های خود را در قالب گزارش تنظیم و در قالب کاربرگ برای تحویل نهایی آماده کنید.

طراحی خطی از انسان

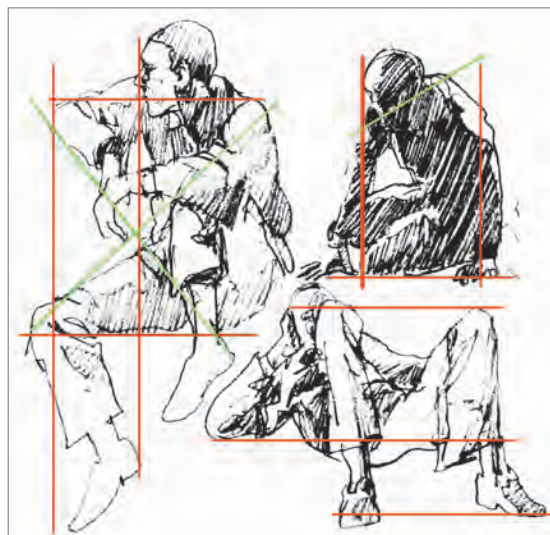


▲ تصویر ۱-۵۱

حالات بدن انسان علاوه بر ساختار استخوان‌ها، عضلات، نظام حرکتی به شدت تحت تأثیر حالات روحی و کیفیات رفتاری قرار دارد. به همین دلیل طراحی از انسان و نمایش ویژگی‌های جسمانی و شرایط عاطفی و رفتاری به مهارت دست نیاز دارد. طراحی از معصومیت و شادابی کودکان، فعالیت و تلاش رقابتی یک ورزشکار، صلابت یک رزمنده، تلاش صبورانه یک مادر و محبت دوستانه و... نیازمند مطالعه و تمرین زیادی است که با استفاده بجا از خطوط، عملی می‌شود. در طراحی از انسان، سه موضوع مهم باید در نظر گرفته شود: اندازه افراد که بسته به سن و جنسیت آن‌ها تغییر می‌کند. تناسب بدنی که رابطه بین بخش‌های مختلف بدن است و در نهایت نوع فعالیت و حالتی که فرد در آن قرار دارد.



▲ تصویر ۱-۵۳

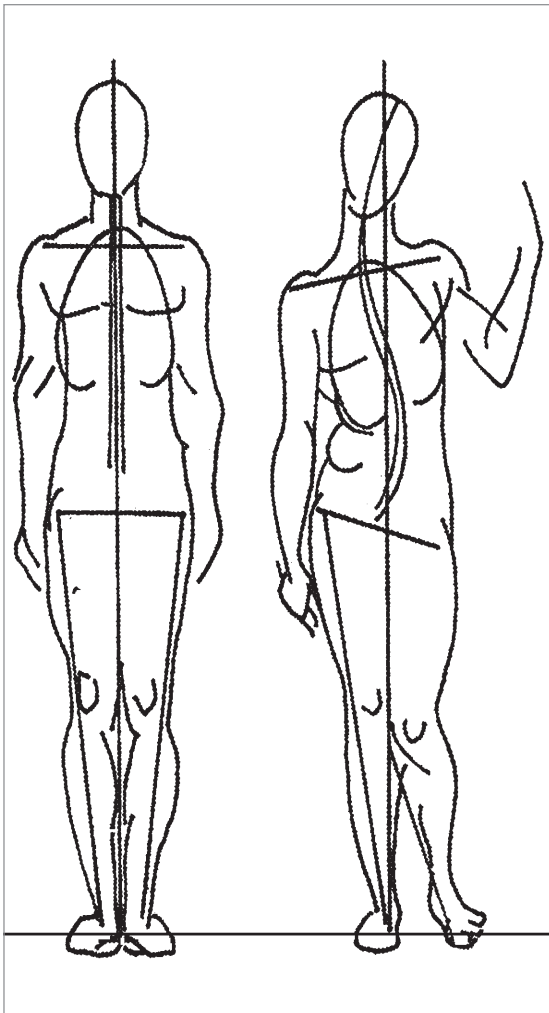


▲ تصویر ۱-۵۲ به کارگیری تناسب در طراحی از انسان

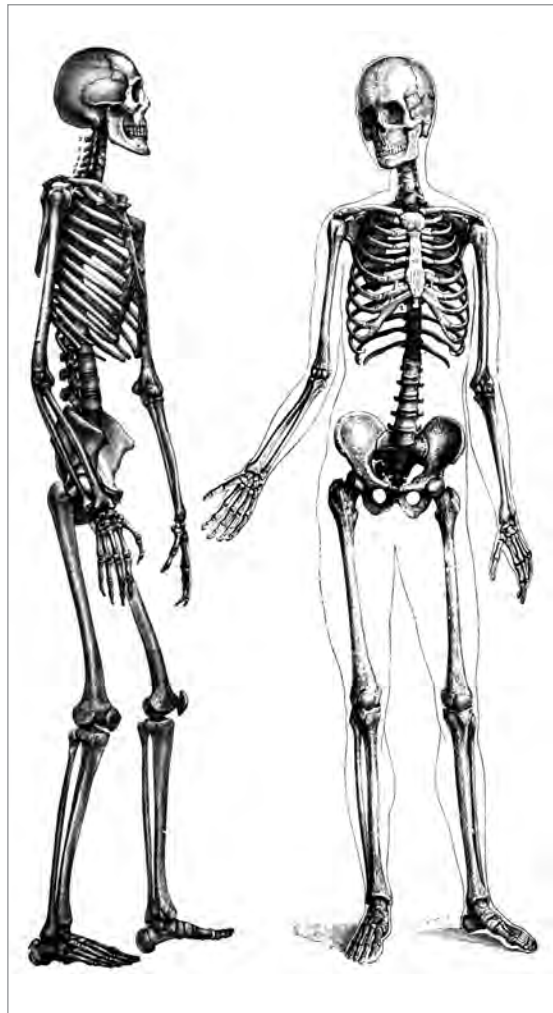


▲ تصویر ۱-۵۴ طراحی سریع از بدن انسان

طراحی سریع بدون توجه به جزئیات همراه با ساده کردن موضوع و خطوط آزاد بهترین راه طراحی حالت بدن در شرایط مختلف است. آشنایی با ساختار استخوان بندی، و آناتومی بدن و رابطه آن با حالات مختلف فعالیت و حرکت بدن در طراحی درست از انسان بسیار مؤثر است.



▲ تصویر ۱-۵۶ به ایستایی بدن و سنگینی وزن در طراحی باید توجه شود.



▲ تصویر ۱-۵۵ آشنایی با اسکلت بدن انسان



▲ تصویر ۱-۵۸



▲ تصویر ۱-۵۷



▲ تصویر ۱-۵۹ - طراحی با خطوط سریع و آزاد



حالات بدن انسان را از روبه‌رو مانند زمانی که در ایستگاه اتوبوس آمادهٔ سوارشدن هستند و یا زمانی که قصد گرفتن عکس را دارند، در نظر بگیرید و با استفاده از مداد بر روی کاغذ A۳ طراحی کنید. بار دیگر حالات بدن انسان را در حالت نیم‌رخ مانند زمانی که در صف وارد موزهٔ علوم می‌شوند در نظر بگیرید و بر کاغذ A۳ طراحی کنید (این حالات را می‌توانید به کمک هم‌کلاسی‌ها، دوستان یا اعضای خانواده ایجاد کنید). تمرین را آن‌قدر تکرار کنید تا در طراحی تناسبات و حالات بدن مهارت کافی پیدا کنید.



نتایج کار را در کارگاه ارائه دهید. راجع به مشکلات، تجارب و دستاوردهای خود با هنرآموز و هم‌کلاسی‌ها صحبت کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ در هر مورد کار طراحی از کجا شروع شده و چه فرایندی را طی کردید. رابطهٔ کل و جزء چگونه در طراحی مورد توجه قرار گرفته است؟
- ۲ در ساده‌سازی موضوعات طراحی، به کدام عناصر توجه بیشتری داشتید؟
- ۳ نسبت اعضای بدن به یکدیگر تا چه میزان درست است؟
- ۴ در چه وجهی از خطوط پررنگ استفاده می‌کنید؟
- ۵ برای رفع نقاط ضعف چه کاری باید انجام دهید؟



گزارش حاصل از تجارب خود و بازخورد تجارب دوستان خود را در قالب کارپوشه تنظیم و همراه با طرح‌های تهیه شده جهت تحویل نهایی آماده نمایید. شیوه‌نامه‌ای را حاوی اصول و فرایند طراحی از انسان برای خود تنظیم و ارائه کنید.



در طراحی از افراد به حالت بدن، نوع حرکت، زاویهٔ سر، زاویهٔ محور شانه‌ها و لگن خاصره نسبت به محور تقارن بدن دقت کنید و از حالات مختلف افراد در محیط اطراف خود طراحی کنید تا به کمک تجارب پی‌درپی و از طریق هماهنگی کامل چشم، دست و مغز، مهارت لازم را به‌دست آورید و در صورت لزوم از روش اندازه‌گیری استفاده کنید و یا اندازهٔ سر را به عنوان واحد اندازه‌گیری بقیهٔ قسمت‌ها مورد استفاده قرار دهید.



- ۱ مهارت در طراحی از افراد، مستلزم تمرین و تجربه زیاد است.
- ۲ طرح‌های تهیه شده را در کلاس ارائه کرده و کارها را از نظر صحت ترسیم و کیفیت کار نهایی بررسی کنید.
- ۳ دوستان شما در طراحی از چه روش‌هایی استفاده کرده‌اند؟
- ۴ کارها در چه بخش‌هایی واجد کیفیت هستند؟
- ۵ مشکلات مشترک در طراحی از افراد به کدام بخش مربوط می‌شود و چه اقدامات تکمیلی را برای رفع نواقص باید در نظر گرفت؟
- ۶ در منابع علمی دیگر برای طراحی از نفرات چه روش‌هایی پیشنهاد شده است؟

- ۱ طرح‌ها را بازبینی و برای ارائه نهایی آماده کنید.
- ۲ اصول طراحی از افراد را برای خود مدون کنید.
- ۳ کار خود را ارزیابی کنید.

طراحی خطی با دیگر وسایل ترسیم



علاوه بر مداد، قلم و روان‌نویس یا خودنویس برای طراحی، از ابزارهای ترسیمی دیگری مانند زغال، گچ پاستل، آبرنگ، قلم فلزی و آب‌مرکب و... نیز می‌توان استفاده کرد. زغال و گچ پاستل از نظر امکانات طراحی تفاوت چندانی با مداد ندارند ولی تغییر میزان فشار، تفاوت ملموسی در کیفیت خطوط ایجاد می‌کند. متنوع‌ترین خطوط در طراحی با آب‌مرکب ایجاد می‌شود که با استفاده از مرکب سیاه یا قهوه‌ای، قلم‌موی مناسب و نرم، پالت مخصوص آبرنگ با خانه‌های گود، ظرف آب و کاغذ با مقوای ضخیم که آب‌مرکب را به خوبی جذب کند و بر روی تخته شاسی محکم گردد، انجام می‌شود. در طراحی با آب‌مرکب، پس از آنکه کلیات طرح با رنگ‌مایه رقیق کم‌رنگ بر روی کاغذ مشخص شد، طراحی ابتدا از سطوح کم‌رنگ شروع می‌شود. پس از خشک شدن هر لایه از رنگ، لایه‌های پررنگ‌تر به طرح اضافه می‌شود.

▲ تصویر ۶۰-۱- طراحی با گچ سیاه و قلم



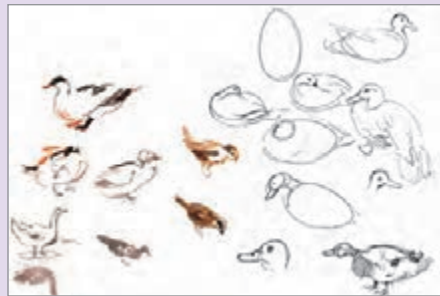
▲ تصویر ۱-۶۲- طراحی با آب مرکب



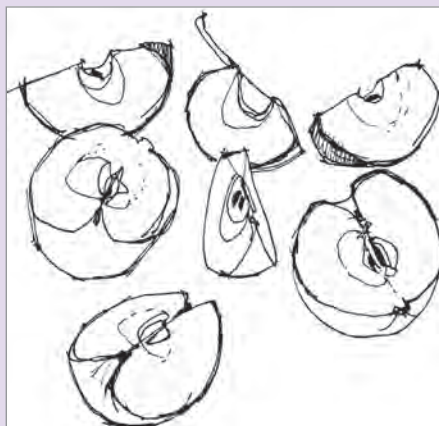
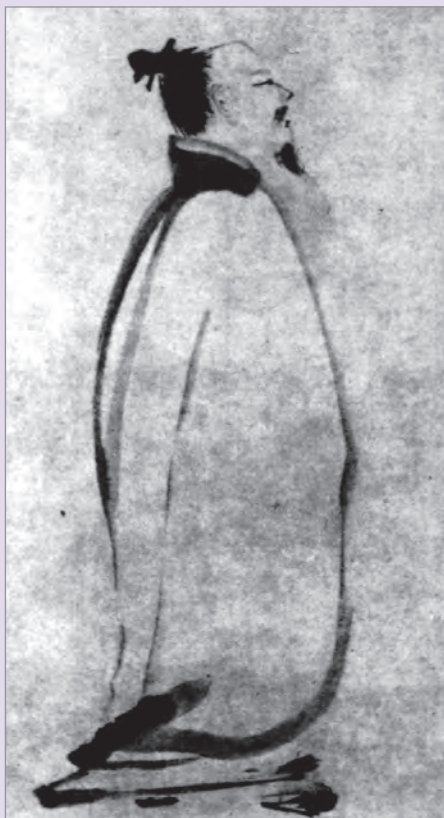
▲ تصویر ۱-۶۱- طراحی با آب مرکب

به نمونه طرح‌های ارائه شده در تصاویر زیر دقت کنید. با چه ابزاری می‌توان خطوطی با کیفیت مشابه ایجاد کرد؟ به نظر شما هر کدام از خطوط برای بیان چه حالت یا کیفیتی مناسب هستند؟ پس از تمرین ترسیم انواع خطوط از میان نمونه‌های ارائه شده سه مورد انتخاب کنید و با مدل قرار دادن افراد یا اشیای واقعی محیط خود، آثار مشابهی طراحی کرده در کلاس ارائه دهید.

تجربه
و دانش







پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



- ۱ طرح‌ها را در کلاس ارائه کرده و بررسی کنید.
- ۲ چند خط بیانی در طرح‌ها به کار رفته است؟ از هر نوع خط، در بیان چه موضوعی استفاده شده است؟
- ۳ نمونه کارهای ارائه‌شده در کلاس در چه مواردی موفق هستند؟
- ۴ سؤالات و مشکلات اصلی به چه مواردی مربوط می‌شود؟
- ۵ از بررسی تجارب کلاسی چه نتایجی به دست می‌آید؟

تحلیل و
نتیجه‌گیری



- ۱ نتایج را خلاصه کنید.
- ۲ طرح خود را بازبینی و کامل کرده جهت تحویل نهایی آماده کنید.
- ۳ کارهای خود را ارزیابی کنید.



حال که با انواع خط و کاربردهای آن در هنرها و طراحی خطی آشنا شدید در قالب این تمرین با راهنمایی هنرآموز کلاس یک اثر شاخص از هر کدام از هنرها انتخاب کنید. هر کدام از آن‌ها را معرفی کنید و پس از خلاصه‌سازی، طرح خطی آن‌ها را در کاغذ A۳ ارائه دهید.



پس از ارائه طرح‌ها در کلاس درس و بررسی کارهای کلاس و مقایسه دستاوردها به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ در هر کدام از آثار از چه خطوطی استفاده شده است؟
- ۲ وجه تشابه و تفاوت هنرها در استفاده از خط کدام است؟
- ۳ در رشته تحصیلی شما، انواع خطوط چه کاربردی دارند؟
- ۴ به نظر شما آشنایی با رشته‌های دیگر چه کمکی به کارهای تخصصی شما می‌کند؟



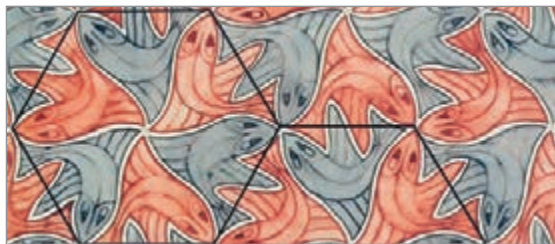
- ۱ با مقایسه کارهای کلاسی کار خود را ارزیابی کنید.
- ۲ مطالب مفید مطرح‌شده در کلاس را خلاصه و مدون کنید.
- ۳ طرح‌های خود را بازبینی و برای ارائه نهایی در کارپوشه قرار دهید.



پودمان ۲

سطح، شکل و حجم





▲ تصویر ۲-۱

در پودمان قبل با عناصر بصری نقطه و خط و کاربرد آن در هنرهای مختلف آشنا شدیم و روش استفاده از خط در طراحی خطی را بررسی کردیم. در این پودمان با سطح، شکل و حجم به عنوان دیگر عناصر بصری و کاربرد آن‌ها در هنرهای مختلف آشنا خواهیم شد.

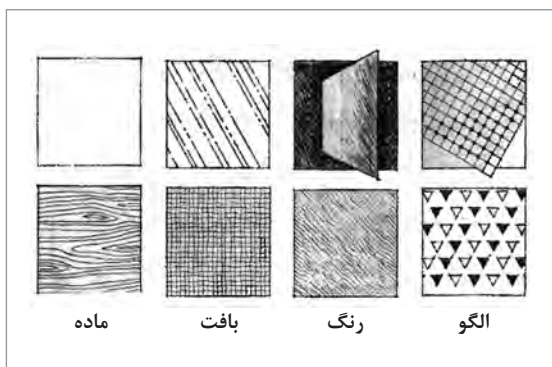
سطح

سطح، عنصری دو بعدی است که «شکل آن» اصلی‌ترین ویژگی آن را بیان می‌کند. شکل واقعی یک سطح فقط زمانی رؤیت پذیر است که به آن نگاه کنیم. عامل مهم دیگر کیفیت سطح است که تابع ماده‌ای است که از آن ساخته شده است. نوع رنگ، بافت، الگو و زمینه بر ویژگی‌های آن اثر گذاشته و کیفیت آن را مشخص می‌کند.

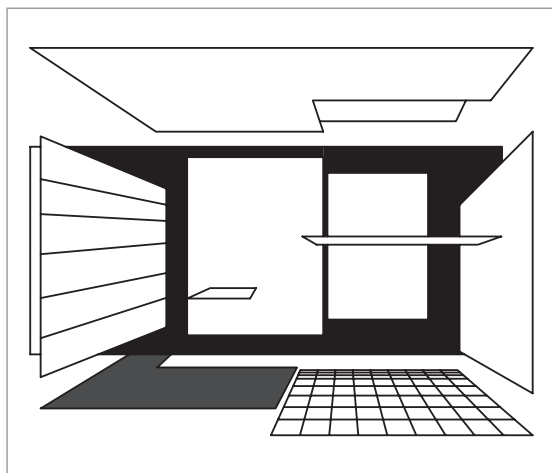
کیفیت سطوح، اصلی‌ترین عنصر در شکل‌گیری بسیاری از هنرهاست: در بافت، چاپ پارچه، در طراحی محصولات صنعتی، در معماری داخلی، گرافیک، نقاشی و در صنایع دستی، کیفیت سطوح، تأثیر اساسی بر کیفیت آثار و محصولات دارد.

در هنر تجسمی سطح را به صورت‌های مختلف می‌توان تجسم بخشید و به وجود آورد. به عنوان مثال از حرکت یک پاره خط در فضا یا روی صفحه در یک جهت خاص، سطح ساخته می‌شود. همچنین اگر نقطه‌ای را در دو بُعد گسترش دهیم سطح تشکیل می‌شود و به همین ترتیب فضای تجسمی میان حداقل سه نقطه جدا از هم و یا فضای بین دو پاره خط می‌تواند سطح را تداعی کند.

سطح ممکن است مانند دیوار یا کف اتاق، روی جلد یک کتاب، سطح تابلوی نقاشی یا کارت ویزیت صاف و یکنواخت باشد و همچنین سطح ممکن است مانند سطح یک گنبد، سطح یک پیکره، رویه ماشین جاروبرقی یا کوزه، برجسته و به شکل منحنی یا کروی باشد.



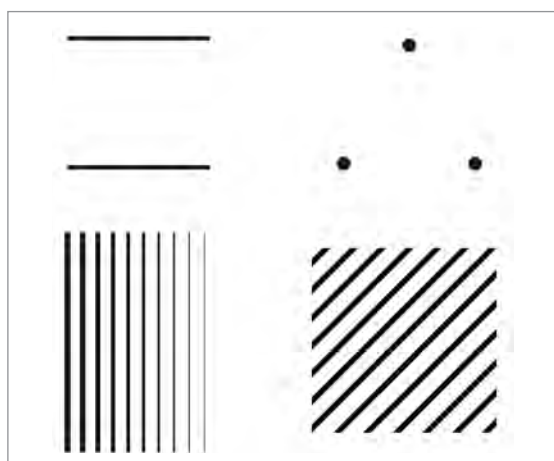
▲ تصویر ۲-۲ عوامل اثرگذار بر کیفیت سطح



▲ تصویر ۲-۳ کیفیت مناسب سطوح، کف، دیوارها و سقف بر فضای معماری شکل داده و کیفیت آن را مشخص می‌کند.



▲ تصویر ۲-۵- کیفیت سطح در صنایع دستی



▲ تصویر ۲-۶



▲ تصویر ۲-۷- کاربرد سطوح در یک اثر گرافیکی



▲ تصویر ۲-۴- کاربرد سطوح در نقاشی



▲ تصویر ۸-۲- کاربرد شکل‌های پایه هندسی در اثر نقاشی

اصلی‌ترین ویژگی سطح، شکل آن است. شکل‌های طبیعی، اشکال دنیای طبیعی اطراف ما را نشان می‌دهند. صورت ساده‌شده این اشکال در هنرهای تجسمی کاربردی وسیع دارند.

بعضی از اشکال هندسی هستند که براساس کیفیت بصری، بر احساس و ادراک انسان تأثیر می‌گذارند. مثلث، مربع و دایره اصلی‌ترین شکل‌های هندسی هستند. این اشکال در بعد سوم هرم، مکعب، مخروط و استوانه را ایجاد می‌کنند.

در هنرهای تجسمی و هنرهای کاربردی از انواع اشکال برای بیان مفاهیم و کیفیات مورد نظر بهره می‌گیریم.



▲ تصویر ۱۰-۲- کاربرد شکل در صنایع دستی



▲ تصویر ۹-۲- کاربرد شکل در تصویرسازی



▲ تصویر ۲-۱۲ به کارگیری شکل در نقاشی



▲ تصویر ۲-۱۱ به کارگیری شکل در طراحی گرافیک



▲ تصویر ۲-۱۴ به کارگیری شکل در طراحی لباس



▲ تصویر ۲-۱۳ به کارگیری شکل در طراحی گرافیک

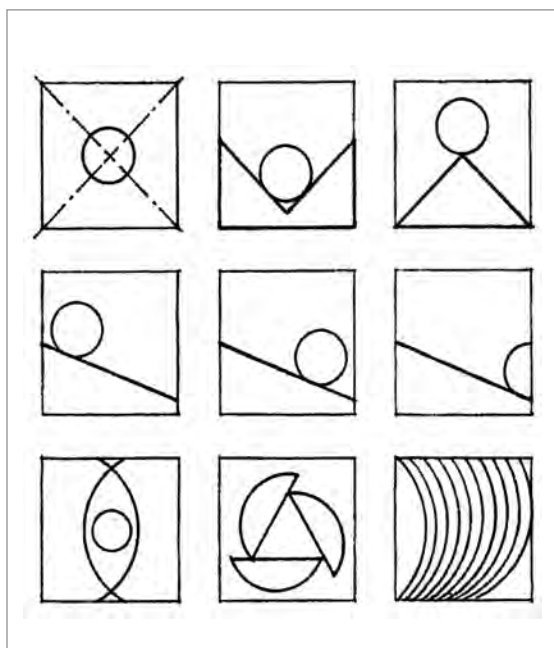
الف) دایره و شکل‌های منحنی: دایره شکلی است متمرکز و درونگرا که بر مرکز خود تأکید دارد. دایره نماد نرمی، لطافت، سیالیت، تکرار، درون‌گرایی، آرامش روحانی و آسمانی، پاکی و صمیمیت و آن جهانی بودن به‌شمار می‌آید. به همین دلیل دایره همیشه به‌عنوان یک شکل کامل مورد توجه هنرمندان بوده است.

دایره در ترکیب با سایر اشکال و خطوط، پویا و پرتحرک ظاهر می‌شود. اشکال و فرم‌های دایره‌ای شکل کاربرد زیادی در هنرهای تجسمی و کاربردی دارند و بیانگر نرمی در فرم و سیالیت در حرکت‌اند و رشد بیولوژیک را القا می‌کنند.

بسیاری از هنرمندان در شرق و غرب سعی کرده‌اند آثار خود را بر مبنای دایره و یا ترکیب‌هایی از دایره به‌وجود آورند (تصاویر ۲-۱۵ و ۲-۱۶) به‌ویژه در هنر ایرانی نقاشان بزرگ برای ساختن آثار خود از ترکیب‌هایی براساس حرکت چرخشی دایره الهام گرفته‌اند.



▲ تصویر ۲-۱۵- دایره به‌عنوان شکل زیرساخت در ترکیب پیکره‌ها در نقاشی ایرانی



▲ تصویر ۲-۱۷- دایره و ترکیب آن در کادر



▲ تصویر ۲-۱۶- دایره نماد حرکت جاودانه، تکرار و تبدیل



▲ تصویر ۱۸-۲- استفاده از ترکیب مربع در کاشی کاری

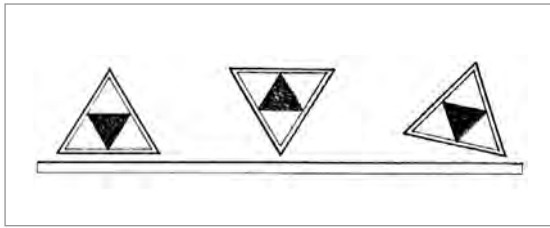
ب) مربع و شکل‌های چهارگوشه: مربع به‌عنوان یک عنصر بصری بیانگر خلوص و عقلانیت است. تساوی چهار ضلع و چهار زاویه بیانگر قانونمندی و وضوح آن است. از تغییرات زاویه‌ها و ضلع‌های آن، اشکال چهارگوش متنوعی به وجود می‌آید. مربع بر خلاف دایره نماد صلابت، استحکام و سکون است. این شکل مظهر قدرت زمین و مادی و در عین حال از زیباترین اشکال هندسی است.



▲ تصویر ۲۰-۲- ترکیب مربع در طراحی دکوراسیون داخلی



▲ تصویر ۱۹-۲- ترکیب مربع در طراحی گرافیک



▲ تصویر ۲-۲۱- در صورتی که مثلث بر قاعده‌اش قرار نگیرد، ناپایدار به نظر می‌رسد.



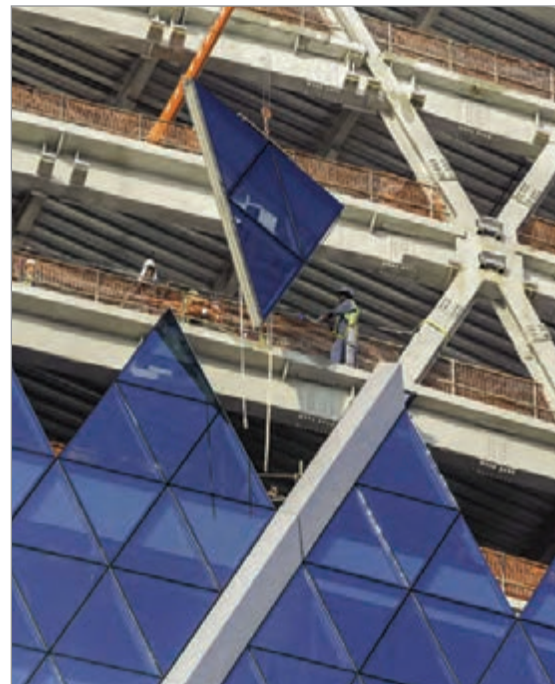
▲ تصویر ۲-۲۲- ترکیب سطوح مثلث در کاشی کاری

ج) مثلث و شکل‌های سه‌گوش: مثلث شکلی سه‌ضلعی در انواع مختلف است. مثلث به واسطهٔ زوایای تندی که دارد سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده به نظر می‌رسد که همواره در حال تحول و پویایی است. هنگامی که این شکل بر سطح قاعده‌اش قرار بگیرد پایدارترین شکل هندسی است و مثل یک کوه استوار به نظر می‌رسد اما چنانچه بر یکی از رأس‌های خود قرار بگیرد حالتی کاملاً ناپایدار و متزلزل دارد.

بر اساس ترکیب‌هایی از مثلث، می‌توان ترکیب‌های ساختاری بسیاری به‌وجود آورد. استفاده از مثلث و شبکه‌های مثلثی یک اصل ساختاری در طبیعت و در معماری به شمار می‌رود. از تکرار و ترکیب شکل‌های مثلث، مربع و دایره می‌توان سطح‌های متعدد منظم و غیرمنظمی به‌دست آورد. همچنان که اگر اشکال پیچیده و آلی طبیعت را تجزیه و ساده‌کنیم مجدداً به اشکال ساده دایره، مثلث و مربع خواهیم رسید.



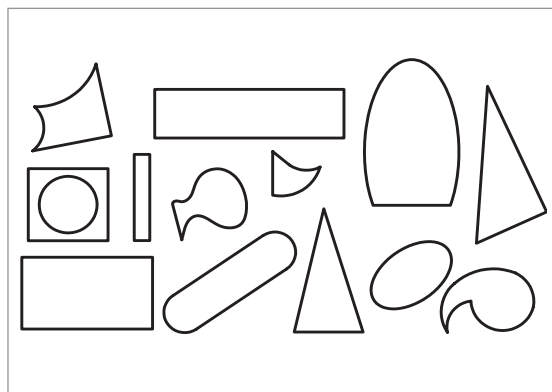
▲ تصویر ۲-۲۴- ترکیب سطوح مثلث در وسایل کاربردی (روتختی)



▲ تصویر ۲-۲۳- ترکیب سطوح مثلث در نمای معماری

شکل‌ها یا هندسی و ساده هستند، مثل دایره، مثلث و چهارگوش و یا تلفیقی پیچیده و مرکب از شکل‌های ساده می‌باشند، مثل شکل‌های آلی موجودات زنده، سنگ‌ها و درختان.

اشکال بصری از ترکیب یا تغییر شکل اشکال ساده هندسی پدید می‌آید و در هنرهای مختلف به کار گرفته می‌شوند. در طبیعت شکل‌های متنوع و زیادی وجود دارد که هر کدام به نحوی ذهن و احساسات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در هنرهای تجسمی نیز با تغییراتی که در یک شکل ساده می‌توان به وجود آورد، شکل‌های جدیدی ساخته می‌شود.

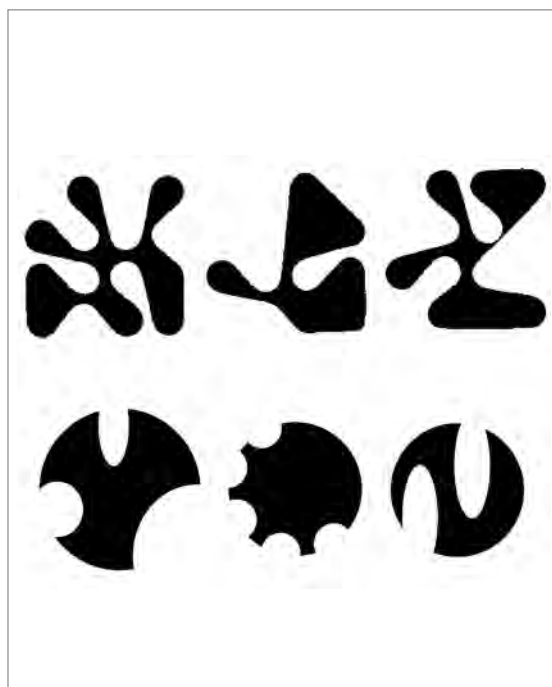


▲ تصویر ۲۶-۲- شکل‌های مختلف



▲ تصویر ۲۵-۲- شکل آلی یک نمونه سنگ در طبیعت

الف) با حذف قسمتهایی از شکل می‌توان به اشکال جدیدی دست یافت.

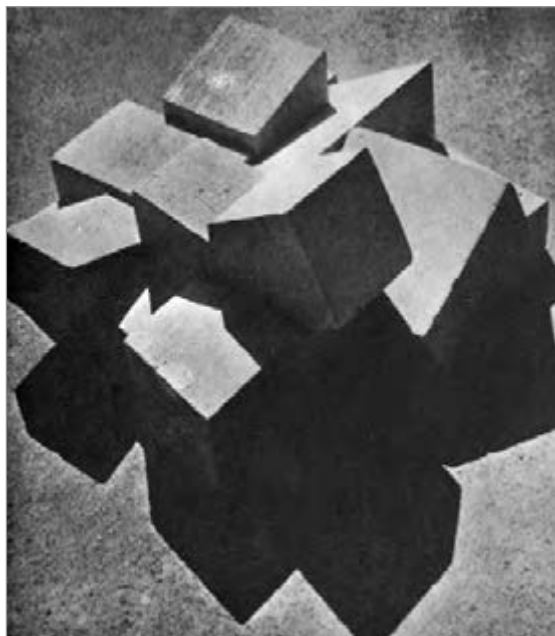


▲ تصویر ۲۸-۲

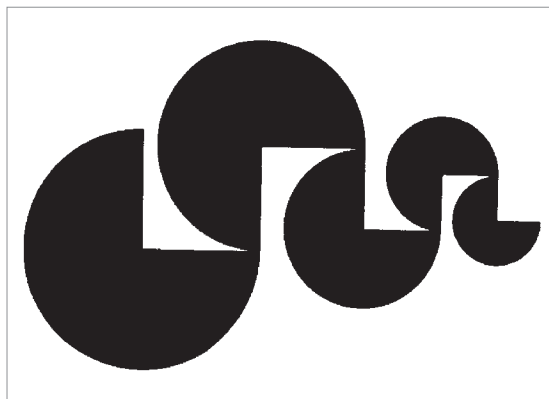


▲ تصویر ۲۷-۲

ب) با ترکیب، کنار هم قرار دادن و تکرار دو یا چند شکل ساده می‌توان به شکل‌های جدید و بسیار متنوعی دست یافت که هر یک ماهیت مستقل و ویژه خود را داشته باشد.

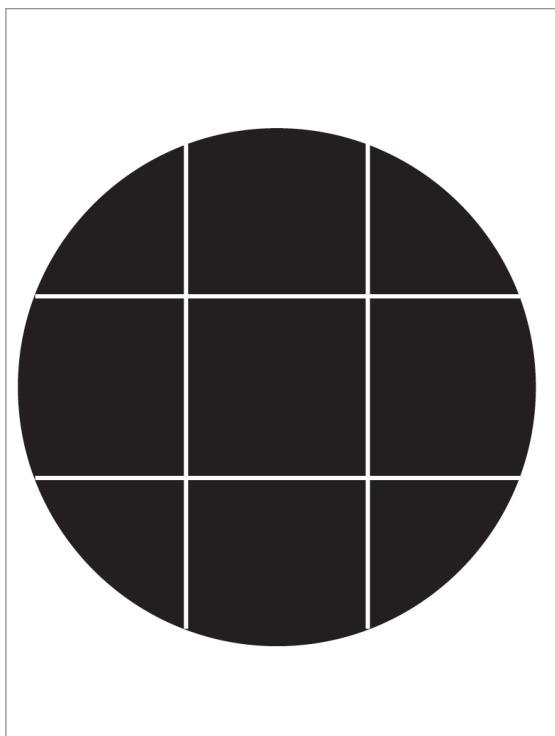


▲ تصویر ۲-۳۰



▲ تصویر ۲-۲۹

ج) از طریق برش دادن و یا اصطلاحاً شکستن اشکال ساده و ترکیب مجدد آن به صورت دیگر، شکل‌های تازه‌تر با حالت‌های بصری متنوع و خلاقانه‌تری به دست می‌آید که می‌تواند در هر کدام از رشته‌های هنری به تناسب مورد استفاده قرار گیرد.



▲ تصویر ۲-۳۲



▲ تصویر ۲-۳۱



تمرین: در کاغذ A۳، شش مربع به ابعاد تقریبی 10×10 سانتی متر ترسیم کنید. با استفاده از برش مقوا و با استفاده از روش حذف، روش ترکیب و روش برش و جابه جایی سطوح متنوع زیبا بسازید.

حجم



▲ تصویر ۲-۳۳

در عالم خلقت، همه اشیا یادی دارای حجم هستند و بخشی از فضا را اشغال می کنند. احجام طبیعی گاهی مانند حجم برخی از درختان، میوه ها، تخم پرندگان نظم نسبی دارند و گاه مانند صخره ها و گیاهان و حیوانات غیر منظم هستند. در هنرها حجم یک عنصر بصری سه بعدی است که «فرم» اصلی ترین ویژگی آن است. فرم ویژه یک حجم شکل ظاهری و ساختار بصری آن را نشان می دهد که حاصل رابطه متقابل خطوط، اشکال، سطوح مرزی آن می باشد.



▲ تصویر ۲-۳۵

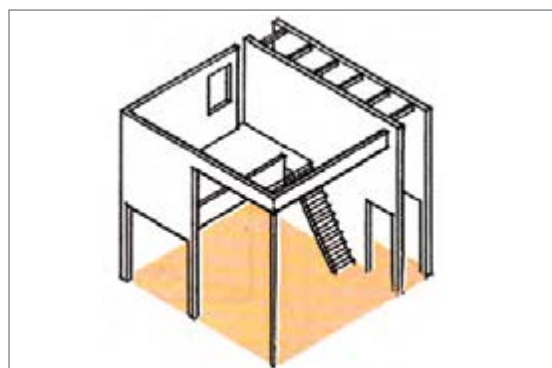


▲ تصویر ۲-۳۴

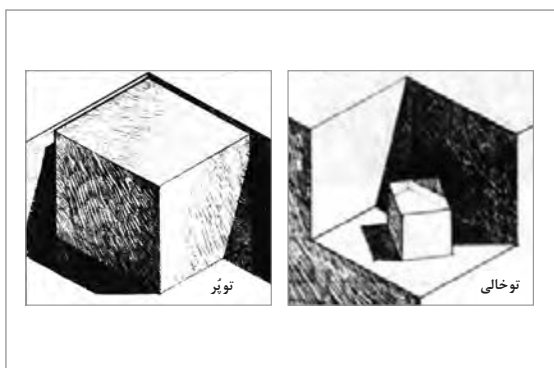
در معماری و مجسمه‌سازی طراحی صنعتی و سفالگری، حجم به‌عنوان عنصر سه‌بعدی می‌تواند توده‌ای توپر باشد که با ماده اشغال شده است و یا به صورت فضای خالی باشد که با سطوح محدود و تعریف شده است. مانند حجم یک اتاق که مفهوم فضای مثبت و منفی را نیز منتقل می‌کند.



▲ تصویر ۲-۲۶



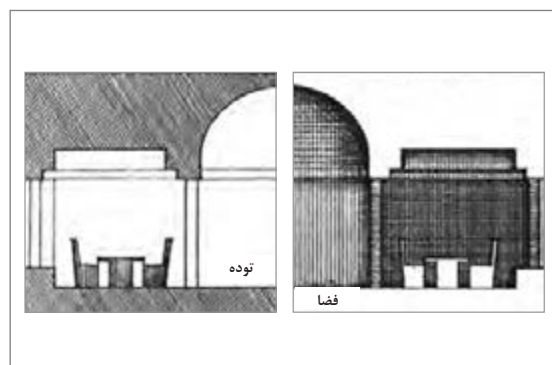
▲ تصویر ۲-۳۷- فضای مثبت و منفی در معماری



▲ تصویر ۲-۳۸- حجم توپر و توخالی



▲ تصویر ۲-۴۰- حجم اشیاء در طراحی صنعتی



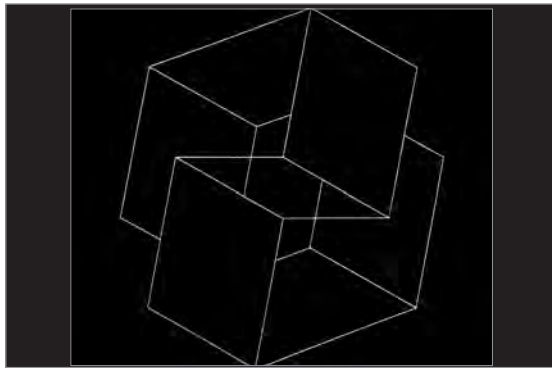
▲ تصویر ۲-۳۹- فضا و توده در معماری



▲ تصویر ۲-۴۱

حجم مجازی: با استفاده از ویژگی‌های زبان بصری، اتصال سنجیده خطوط و تغییر شکل‌ها، احساسی از عمق نمایی و توهم حجم و دوری و نزدیکی به وجود می‌آید. لذا در هنرهای تجسمی، حجم ممکن است ملموس و مادی نباشد ولی از نظر بصری وجود داشته باشد که به آن حجم مجازی گفته می‌شود. مثلاً زمانی که یک اطاق یا یک جعبه مقوایی یا یک توپ پلاستیکی را طراحی می‌کنیم حجم مجازی را به نمایش گذاشته‌ایم. (تصاویر ۲-۴۱ تا ۲-۴۴)

ثابت سه‌بعدی اشیا و طبیعت در عکاسی به واسطه وجود نور و سایه روشن صورت می‌گیرد. درحالی که با نوعی نورپردازی خاص می‌توان برجستگی و فرورفتگی اجسام را از میان برد و آن‌ها را به صورت دوبعدی و مسطح نمایش داد و یا در نمایش فرورفتگی و برجستگی آن‌ها اغراق نمود.



▲ تصویر ۲-۴۳

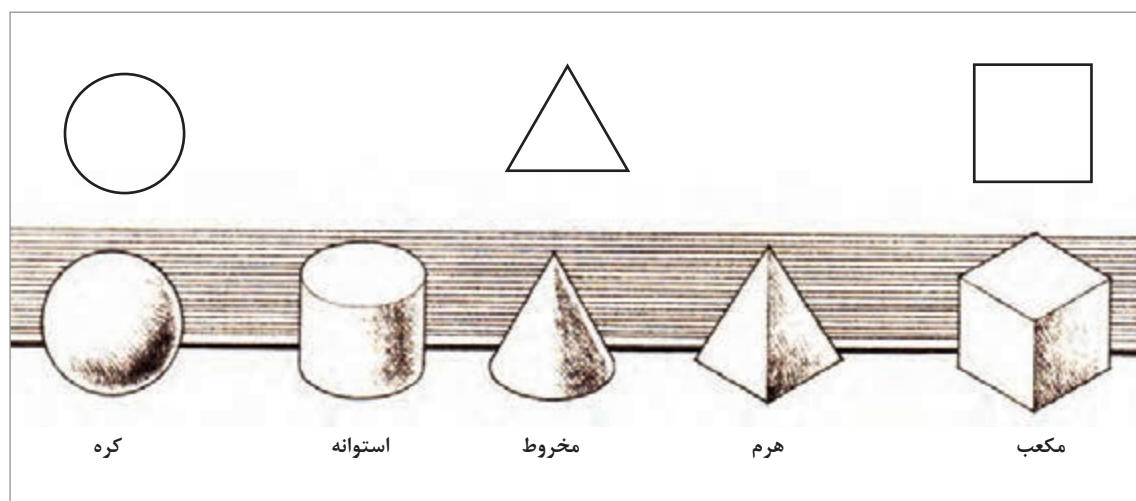


▲ تصویر ۲-۴۲



▲ تصویر ۲-۴۴

حجم‌های پایه: همان‌طور که سه شکل دایره، مربع و مثلث به‌عنوان اشکال پایه برای سطح نام برده شدند، کره، مکعب و هرم را نیز می‌توان به‌عنوان احجام هندسی پایه نام برد. این سه نوع حجم به‌طور کاملاً منظم به‌ندرت در طبیعت دیده می‌شوند. اما به‌طور کلی همهٔ حجم‌های طبیعت از ترکیب یا تغییر شکل این سه حجم پایه و هندسی به وجود می‌آیند. پس می‌توان گفت از چرخش مثلث به دور محور عمودی خود مخروط به دست می‌آید. از حرکت دورانی سطوح مربع و مستطیل استوانه و از چرخش دایره به دور محور قطری خود کره حاصل می‌شود. احجام گاهی به صورت نقش برجسته از یک سمت بسته و محدود بوده و گاهی مانند مجسمه‌ها حجم‌های کامل و قابل رؤیت از همهٔ جهات هستند.



▲ تصویر ۲-۴۵- حجم‌های پایه هندسی



▲ تصویر ۲-۴۷- نمایش حجم به صورت نقش برجسته



▲ تصویر ۲-۴۶- حجم در مجسمه سازی



- با نظر معلم کلاس چهار نمونه از آثار هنرهای مختلف را انتخاب کرده و به شرح زیر معرفی کنید.
- ۱ ابعاد و اندازه‌های کار چقدر است و از چه موادی ساخته شده است؟
 - ۲ ویژگی‌های شکلی سطوح چگونه است و چگونه در کنار هم قرار گرفته‌اند؟
 - ۳ کیفیت سطوح از نظر نوع بافت، تیره و روشنی و رنگ چگونه است؟
 - ۴ توده و فضا، عمق و برآمدگی چگونه در آثار به کار گرفته شده‌اند و ترکیب احجام در آثار انتخابی چگونه است؟
 - ۵ کدام بخش از اثر از نظر شما چشمگیرتر و زیباتر است و چرا؟
 - ۶ از تحلیل آثار فوق چه نتایجی می‌توان به دست آورد؟



- ۱ آثار معرفی شده را در کلاس ارائه داده و کارهای دوستان خود را به دقت بررسی کنید.
- ۲ تفاوت‌های کار دیگران و نکات برجسته کار آن‌ها چیست؟
- ۳ آیا می‌توانید دسته‌بندی جامعی از ویژگی‌های سطوح در آثار هنری ارائه دهید؟



پس از مرور و تحلیل مجموعه تجربیات، نظرات خود را در خصوص استفاده از سطح و انواع اشکال در هنرها جمع‌بندی و در قالب کارپوشه جهت تحویل نهایی آماده کنید. آیا لازم است در تمرین انجام‌شده اصلاح یا بازبینی کنید؟

بافت

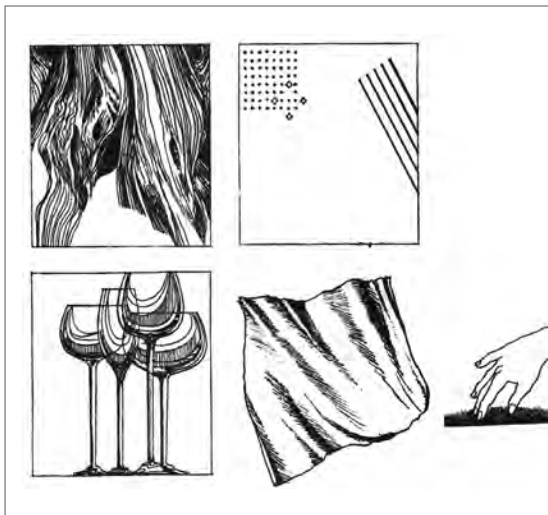


▲ تصویر ۴۸-۲- بافت در طبیعت

با نگاه یا لمس خارجی لیوان شیشه‌ای، یک میز چوبی و یا یک قالی مشاهده می‌کنیم که کیفیت سطح آن‌ها با هم تفاوت بارز دارند. هر ماده‌ای سطح و رویه‌ای دارد که کیفیت آن منحصر به فرد است. بافت یعنی ویژگی خاص یک سطح که به ماده و ساختار آن مربوط است. بافت، بیانگر نرمی یا سختی نسبی سطح و گویای کیفیت ظاهری مواد، مانند زبری و صلابت سنگ، لطافت چوب، نرمی لاستیک، صاف و صیقلی بودن شیشه و... می‌باشد.

بافت بر دو نوع است:

الف) بافت‌های قابل لمس: که واقعیت فیزیکی داشته و اجزای آن دارای طول و عرض و عمق است، و با لمس کردن درک شده و قابل رؤیت است. «بافت بصری» که فقط از طریق چشم مشاهده می‌شود. مانند نقش روی یک صفحه صاف که بافت خاصی را نشان می‌دهد. در هنرهای تجسمی، درک بافت‌های مختلف و مقایسه آن‌ها با یکدیگر معمولاً با دیدن و به صورت بصری اتفاق می‌افتد. حس بینایی و لامسه ما بسیار نزدیک و مرتبط با هم عمل می‌کنند. وقتی بافتی را مشاهده می‌کنیم به دلیل تجارب قبلی، مانند این است که آن را لمس می‌کنیم. به همین دلیل بافت مواد موجود در آثار هنری تأثیر ادراکی عمیقی بر انسان دارد. به تصاویر نگاه کنید و حس خود را درباره بافت هر یک از نظر نرمی، زبری، صافی، صیقلی و... بیان کنید.

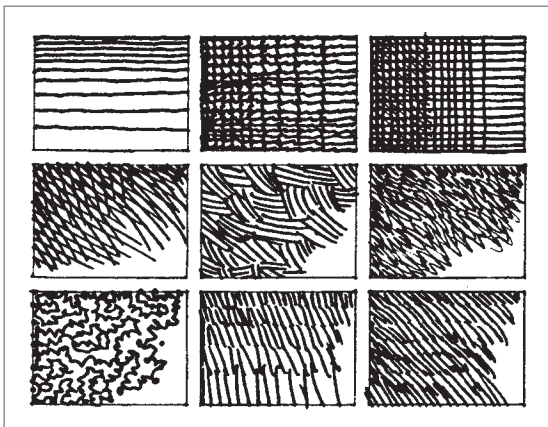


▲ تصویر ۴۹-۲. بافت در گفت‌وگوی همزمان با حس لامسه و باصره ما قرار دارد.



▲ تصویر ۵۰-۲. بافت قابل لمس

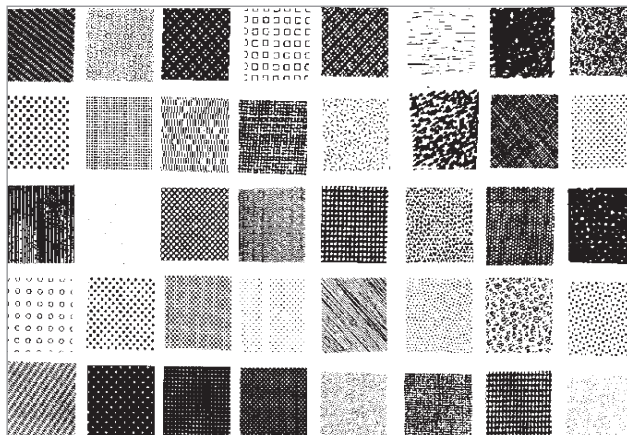
ب) بافت‌های ترسیمی: این بافت‌ها به روش‌های گوناگون تجربی و برای ایجاد تأثیرات بصری خاصی به وجود می‌آیند. بدون اینکه هدف از ایجاد آن‌ها نمایش شبیه‌سازانه اشیا در طبیعت باشد. بخش قابل توجهی از تأثیرات بصری در آثار نقاشی انتزاعی، آثار حجمی و آثار گرافیک معاصر ناشی از به کار گرفتن بافت‌های ترسیمی است که به روش‌های گوناگونی توسط هنرمندان با استفاده از مواد مختلف ابداع می‌شوند. بافت‌های ترسیمی با استفاده از تراکم و تکرار خطوط در ترکیب‌های متنوع و یا با استفاده از لکه‌های تیره روشن و رنگی و یا با به کار گرفتن مواد و ابزارهای مختلف به وجود می‌آیند (تصاویر ۵۱-۲ تا ۵۳-۲) برخی از بافت‌ها از طریق به کارگیری مواد مختلف مانند ماسه، کاهگل، سیمان، چوب و رنگ‌ها با حالت‌های متنوع به دست می‌آیند.



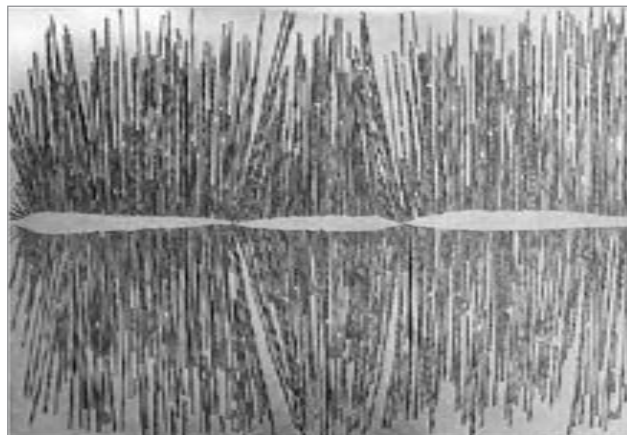
▲ تصویر ۵۱-۲

برای انجام تمرینات این بخش، به کتاب راهنمای هنرجوی خود مراجعه بفرمایید.

توجه



▲ تصویر ۲-۵۳



▲ تصویر ۲-۵۲



▲ تصویر ۲-۵۵- کاربرد بافت در نمایش طراحی داخلی



▲ تصویر ۲-۵۴- کاربرد بافت در تصویرسازی



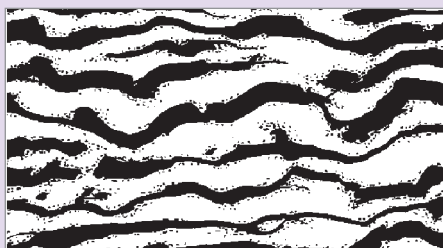
▲ تصویر ۲-۵۷- کاربرد بافت در صنایع دستی



▲ تصویر ۲-۵۶- کاربرد بافت در مجسمه‌سازی



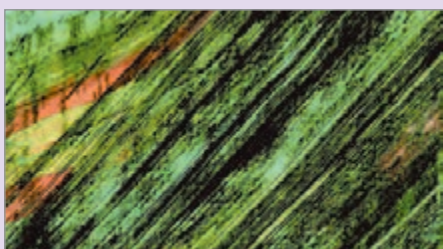
بافت‌های بصری به روش‌های مختلف تولید می‌شوند. در تصاویر زیر نمونه‌هایی از آن‌ها ارائه شده‌اند. روش تولید و کیفیت هر کدام از بافت‌ها را در نظر بگیرید، با توجه به رشته تحصیلی خود نمونه‌های دیگری با الهام از نمونه‌ها تولید کنید، چه نمونه‌های متفاوتی را اضافه می‌کنید؟ و در هر نمونه چه تغییراتی می‌توان اعمال کرد؟



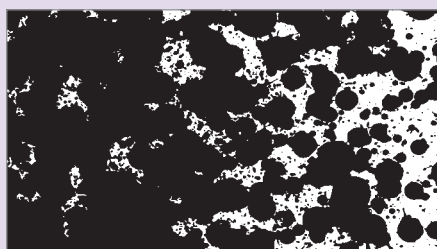
ایجاد بافت با ترسیم و تکرار خط و اضافه کردن نقاط ریز



ایجاد بافت با تکرار یک نقش مایه با خط ضخیم و خط باریک



ایجاد بافت با کشیدن و مالیدن رنگ روی سطح با کاردک نقاشی



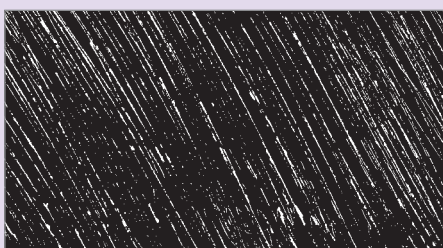
ایجاد بافت به وسیله چکاندن قطره‌های مرکب روی کاغذ



ایجاد بافت با برگرداندن یک سطح مرکب مالی شده روی کاغذ به کمک غلتک چاپ



ایجاد بافت با استفاده از نقش در بطری و غلتک چاپ



ایجاد بافت به وسیله خراشیدن سطح مقوای گلاسه که از قبل با مرکب سیاه پوشیده شده است.



بافت بتن در یک قالب‌گیری حجمی

نمونه کارهای تولیدشده را در کلاس ارائه و با هم مقایسه کنید. آیا می‌توان دسته‌بندی خاصی برای روش‌های تولید بافت ارائه کرد؟

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



طرح‌های تهیه‌شده را به همراه نتایج برگرفته از کلاس تدوین و جهت ارائه نهایی آماده کنید.

تحلیل و
نتیجه‌گیری



در محیط اطراف خود به سطح خارجی عناصر طبیعی مانند پوسته درختان، سطح برگ‌ها و یا سطح سنگ‌های طبیعی توجه کنید و یا سطح انواع مصنوعات مانند پارچه، میز، آجرکاری، کاشی، انواع ظروف را مورد توجه قرار دهید و یا کیفیت سطوح بافت استفاده شده در آثار نقاشی و گرافیک را با دقت مورد بررسی قرار دهید. ۱۲ نمونه از آن‌ها را انتخاب کنید. با استفاده از کاغذ نازک و مداد بافت آن‌ها را بر روی کاغذ منتقل کنید. نتیجه کار را که می‌تواند شامل قطعاتی از سطوح بافت‌دار و نیز طرح بافت آن‌ها بر روی کاغذ باشد را بر روی مقوا به ابعاد A۳ قرار دهید. از نظر کیفی برداشت و احساس خود را در مورد هر کدام از بافت‌ها بیان کنید.

تجربه
و دانش



- ۱ نتایج کار را در کلاس ارائه کرده و مورد بررسی قرار دهید.
- ۲ بافت‌های ارائه شده در کلاس را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد.
- ۳ نمونه کارهای برجسته کلاس کدام‌اند و چه ویژگی‌ای دارند؟
- ۴ با توجه به رشته هنری شما هر کدام از بافت‌های ارائه شده چه کاربردی ممکن است داشته باشند؟
- ۵ برای انجام بهترین تمرین چه توصیه‌هایی دارید؟

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



نواقص احتمال تمرین خود را رفع کنید و همراه با گزارش فنی حاصل مباحث کلاسی مجموعه یافته‌ها را به صورت مدون در قالب کاربرگ تنظیم و برای ارائه نهایی آماده سازید.

تحلیل و
نتیجه‌گیری





- ۱ با استفاده از شکل‌های ساده هندسی در سه کادر 15×15 سانتی‌متر، ترکیب‌هایی دلخواه از شکل‌ها را به روش ترسیم و کلاژ طراحی و اجرا کنید.
- ۲ با استفاده از هر یک از روش‌های سه‌گانه تغییر و ابداع شکل‌های جدید (برداشتن قسمتی از یک شکل / تکرار و در کنار هم قرار دادن یک شکل / شکستن شکل) در سه کادر جداگانه چند شکل جدید ایجاد کنید.
- ۳ برای هر کدام از ترکیب‌های متقارن و غیرمتقارن دو نمونه تصویری پیدا کنید.
- ۴ با استفاده از بریده‌های مقوای خاکستری و سیاه به صورت اشکال ساده هندسی و استفاده از خطوط در کادر 25×20 سانتی‌متر سه نمونه از ترکیب نامتقارن به وجود آورید.
- ۵ با استفاده از یک شکل ساده هندسی (چهارگوش، سه‌گوش یا دایره) و تغییراتی که از نظر اندازه، تیرگی، روشنی، بافت یا تناسب آن به وجود می‌آورید، دو نمونه ترکیب متقارن و دو نمونه ترکیب نامتقارن در کادر 20×20 سانتی‌متر به وجود آورید.
- ۶ در ده کادر 10×10 سانتی‌متر، ده نمونه بافت ترسیمی با استفاده از ابزارهای اثرگذار متنوع و به شیوه‌های مختلف به وجود آورید. تلاش شود حداقل نیمی از تعداد بافت‌ها به روش‌های ابداعی باشد که ممکن است در کتاب هم توضیح داده نشده باشند.
- ۷ با استفاده از روش‌های مختلف به کارگیری مواد طبیعی از قبیل چوب، فلز، گچ، سیمان، کاهگل، ماسه و... تعدادی بافت با راهنمایی هنرآموز به وجود آورید.



پودمان ۳

نور و سایه

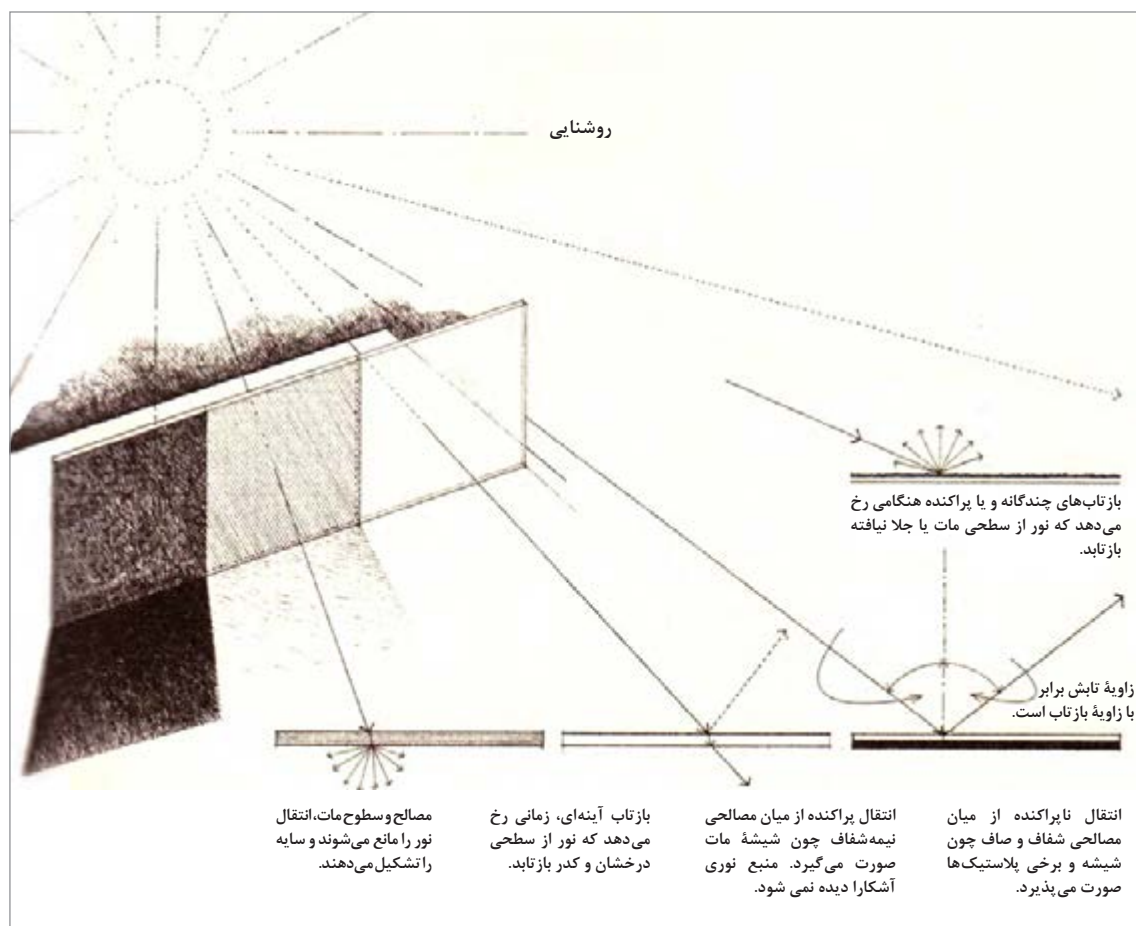


نور و دیدن اشیا



با وجود نور است که پدیده‌های خلقت برای انسان قابل رؤیت می‌شوند. بدون نور چیزی دیده نمی‌شود. با تغییر شدت رنگ یا جهت نور اشیای اطراف ما تغییر می‌کنند. اشیا برحسب جنس و نوع سطوحی که دارند وقتی در مسیر تابش نور قرار می‌گیرند یا نور را جذب می‌کنند، یا نور از آن‌ها عبور می‌کند و یا نور را باز می‌تابانند، به همین سبب اجسام به «کدر»، «نیمه‌شفاف» و «شفاف» تقسیم می‌شوند. همین ویژگی درباره رنگ اشیا و اجسام وجود دارد.

▲ تصویر ۳-۱



▲ تصویر ۳-۲- تأثیر نور بر سطوح مختلف

تجربه
و دانش



در پدیده‌های طبیعی و هنری و وسایل انسان ساخت، انواع منابع تولید نور را شناسایی و معرفی کنید. انواع سطوح که در معرض تابش نور قرار می‌گیرند را انتخاب کرده و در کاغذ A۳ معرفی کنید.

۱ منابع تولید نور را با توجه به طبیعی یا مصنوعی بودن، با توجه به شدت و کیفیت نور و با توجه به نوع کاربرد دسته‌بندی کنید.

۲ انواع سطوح را با توجه به نوع ماده‌ای که از آن ساخته شده‌اند، نوع رنگ و از نظر کدر و نیمه‌شفاف بودن دسته‌بندی کنید.

۳ کیفیت سطوح را در رابطه با نور و از نظر شکل سطح، بافت و انعکاس، بررسی کنید.

۴ در هر کدام از محورهای فوق، کدام کیفیات و ویژگی‌ها برای شما جالب و مهم است و چرا؟

۵ نور در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف از چه جایگاهی برخوردار است؟

۶ در انجام تمرین چه سؤالاتی برای شما مطرح شده است؟

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



پس از ارائه کارها در کلاس، پرسش‌های مطرح شده را به بحث بگذارید، تفاوت‌ها و نکات مشترک کارها را مشخص کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

در نحوه ارائه دوستان هم‌کلاسی چه نکات آموزنده‌ای مشاهده می‌کنید به شکل خلاصه بیان کنید؛ در کارهای ارائه شده در کلاس، چه نمونه‌های جالب و ارزشمند قابل توجهی وجود دارند؟ از طرح سؤالات و مباحث داخل کلاس چه نکات جدیدی به دست می‌آید؟

تحلیل و
نتیجه‌گیری



ضمن تکمیل نواقص کار خود مجموعه یافته‌های حاصل از این تجربه را به صورت مدون در کارپوشه خود وارد کرده و برای تحویل نهایی آماده کنید.

تجربه
و دانش



واژه‌های معادل و ترکیبات واژه «نور» را در فرهنگ پیدا کنید. از نمونه‌های اشعار شاعران ایرانی در مورد هر چند نمونه انتخاب کنید. از ضرب‌المثل‌ها و عبارات حکیمانه مرتبط با نور، نمونه‌هایی را جمع‌آوری کنید. با تحلیل مطالعات جمع‌آوری شده اهمیت نور ابعاد مفهومی نور، کیفیات نور و جایگاه فرهنگی نور را در قالب یک گزارش حداکثر دو صفحه‌ای تنظیم کرده در کلاس ارائه دهید.

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



با نظر هنرآموز کلاس، کارهای ارائه شده را ارزیابی کنید و از منتخب آثار دانش‌آموزان یک پوستر بزرگ برای ارائه در تابلوی اعلانات مدرسه آماده کنید.



نظر و رأی شخصی خود را به عنوان جمع‌بندی در کارپوشه خود وارد کرده و برای ارائه نهایی آماده کنید.

نور و سایه در هنر و طراحی

با توجه به اهمیت و ابعاد چندبعدی اثرات نور و سایه آیا نحوه استفاده از نور و سایه در همه هنرها یکسان است؟ چه تفاوتی میان استفاده از نور و سایه در معماری داخلی با نور در نقاشی، نور در عکاسی، نور در تئاتر و نور در تصویر متحرک وجود دارد؟ نور چه تأثیری بر انتخاب مصالح، رنگ و بافت محصولات طراحی صنعتی دارد؟ در عکاسی به کارگیری درست نور به اندازه ترکیب‌بندی اهمیت دارد. برای مثال «نور بالا» که درست میان روز می‌تابد، برای عکاسی از صورت، نور خوبی نیست زیرا سایه می‌اندازد، درحالی که «نور جانبی» در هنگام صبح یا غروب بسیار شاعرانه است و سایه‌روشن‌های زیبایی ایجاد می‌کند. با «نور زمینه» مانند تصویر یک منظره در حالت غروب می‌توان تصاویر نمایشی زیبایی گرفت.

برای عکاسی در شب و عکاسی با استفاده از نور مصنوعی یا عکاسی در سرعت بالا و... نیز باید ملاحظات هر کدام رعایت شود. در عکاسی باید با توجه به تغییرات نور با برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده اقدام نمود. نور در عکاسی علاوه بر آشکار ساختن سوژه سه کاربرد مهم دارد: نشان دادن عمق و حجم، حالت دادن به عکس، و ایجاد طرح‌های سیاه و سفید که بسته به جهت شدت نور، کیفیت آن‌ها متفاوت است. تصاویر ۳-۳ تا ۳-۵ به کارگیری نور در عکاسی را نشان می‌دهند.



▲ تصویر ۳-۴



▲ تصویر ۳-۳



▲ تصویر ۳-۵

ما بخش قابل ملاحظه‌ای از ساعات شبانه‌روز را در فضاهای داخلی سپری می‌کنیم. کیفیت زندگی ما با کیفیت این فضاها بستگی پیدا می‌کند. در معماری داخلی، نور اصلی‌ترین عامل کیفیت، پویایی و سرزندگی فضای معماری است. نور هم از نظر مفاهیم کیفی، سمبلیک و زیبایی‌شناختی و هم از نظر کارکرد عملی از جایگاه ویژه‌ای در میان عناصر تشکیل‌دهنده و فضای معماری برخوردار است.

بدون نور هیچ فرم، رنگ یا بافتی وجود ندارد. اولین وظیفه نور روشن کردن فضا و فرم‌های ساختمانی است تا امکان زندگی، حرکت و فعالیت را برای استفاده‌کننده فراهم آورد و بتواند با سهولت، سرعت و دقت به انجام امور روزمره بپردازد. در طراحی معماری سعی می‌شود از نور طبیعی روز، حداکثر استفاده ممکن به عمل آید و از نور مصنوعی به‌عنوان مکمل در ساعات دیگر شبانه‌روز استفاده شود (تصاویر ۳-۶ و ۳-۷). نورپردازی فضا با توجه به ویژگی‌های معماری فضا، نیاز استفاده‌کننده و ایجاد کیفیت بصری مناسب در فضا انجام می‌گیرد.

اجسام نورانی و روشن، به‌طور طبیعی توجه ما را به خود جلب می‌کنند. این اصول کاربرد زیادی در نورپردازی فضاهای داخلی مثلاً موزه‌ها و مراکز تجاری دارند (تصویر ۳-۸).

اگر به منظره ساحل دریا در هنگام طلوع یا غروب و نیز وسط روز توجه کنید تفاوت به‌خوبی قابل‌درک است. نور و سایه در هنرهای نمایشی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

نور و سایه در سینما نه‌تنها عامل انتقال مفاهیم والا و زیبایی‌شناختی است، بلکه عامل ایجاد حالات عاطفی - احساسی متفاوت مانند ترس، امید، سرور، وحشت، اجبار و... است (تصویر ۳-۹).



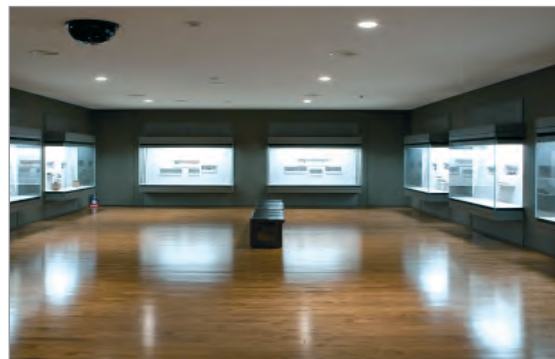
▲ تصویر ۳-۷



▲ تصویر ۳-۶



▲ تصویر ۳-۹



▲ تصویر ۳-۸

طراحی با استفاده از نور و سایه



▲ تصویر ۳-۱۰

در پودمان‌های قبلی با خط و طراحی خطی از اشیاء، انسان، ساختمان‌ها و عناصر طبیعی آشنا شدیم. در این پودمان طراحی با استفاده از نور و سایه را تجربه خواهیم کرد. طراحان علاوه بر خط، برای نمایش اشیاء و رنگ سطوح آن‌ها از سایه‌روشن نیز استفاده می‌کنند. یعنی انواع خاکستری را جایگزین رنگ کرده و رنگ‌ها را با توجه به درجهٔ تیرگی و روشنی آن‌ها نشان می‌دهند.

استفاده از تضاد سطوح تیره و روشن، جذابیت کار را بیشتر می‌کند. سطوح خاکستری مشابه، حالت محو و ملایمی در کار ایجاد کرده و در کار ایجاد تحرک می‌کند و چشم بیننده را از یک بخش طرح به بخش دیگر آن هدایت می‌کند (تصاویر ۳-۱۰ تا ۳-۱۲). نمایش حجم اشیاء به کمک سایه روشن به سه عامل بستگی دارد:

الف) نوع فرم و آشنایی با نحوهٔ نورگیری احوام

ب) معادل‌سازی رنگ‌ها با درجات خاکستری

ج) ایجاد تَن‌های (رنگسایه‌های) متفاوت و متنوع خاکستری با استفاده از ابزارهای طراحی



▲ تصویر ۳-۱۲



▲ تصویر ۳-۱۱

نکته

با توجه به اهمیت به کارگیری واژگان فارسی، به جای واژهٔ تَن (Tone) از «رنگسایه» و به جای واژهٔ تنالیت (Tonality) از «رنگسایه‌ها» استفاده کنیم.

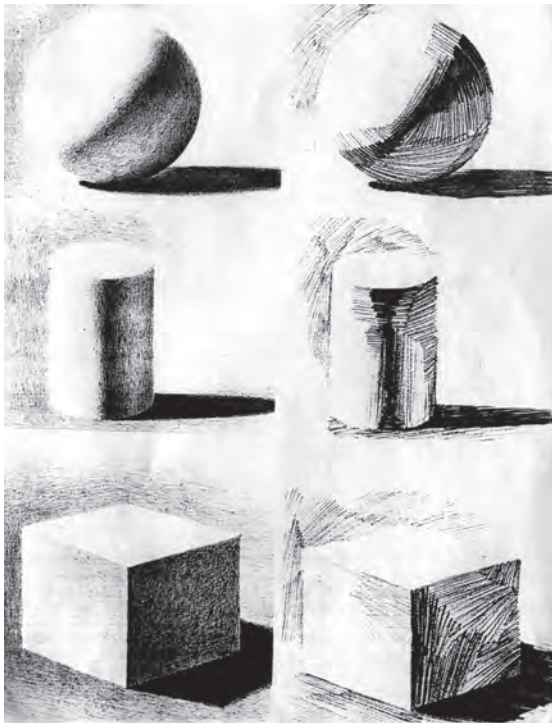


طراحان برای نمایش حجم اشیا اغلب از سایه روشن استفاده می کنند. آثار هنری زیر را مطالعه و تحلیل کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ با استفاده از چه روش هایی فرم ها و احجام سه بعدی بر روی سطح دوبعدی نمایش داده شده اند؟
- ۲ به نظر شما کدام درجه از سطوح خاکستری جایگزین عناصر سطوح رنگی شده است؟ و برای ایجاد سطوح خاکستری از چه روشی استفاده شده است؟
- ۳ کدام یک از اصول ترکیب بندی در طرح ارائه شده، استفاده شده است؟



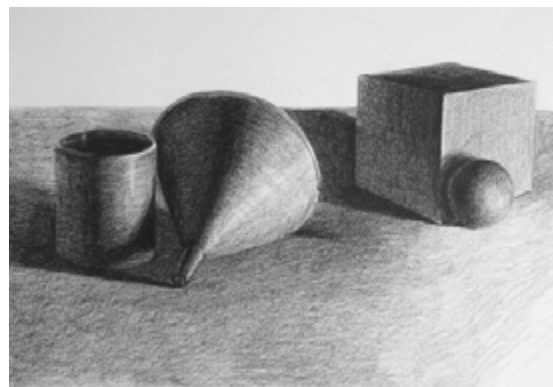
نمایش حجم از طریق سایه‌روشن



▲ تصویر ۳-۱۴

نمایش حجم اشیا بسته به نوع فرم و نحوه تابش نور، متفاوت است. زاویه تابش نور، برجستگی‌ها و فرورفتگی‌ها را نمایان می‌کند و بدون سایه‌روشن حجم اشیا سطح به نظر می‌رسد.

برای تشخیص بهتر درجات خاکستری، می‌توان با چشم نیمه‌باز به احوال نگاه کرد. برای نمایش احوال، حداقل از سه درجه خاکستری استفاده می‌شود.



▲ تصویر ۳-۱۳

تجربه
و دانش

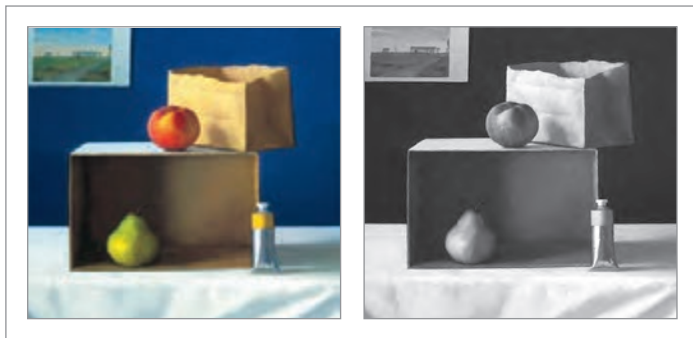


برای مهارت در طراحی از اشیای پیچیده، باید یاد بگیریم آن‌ها را در قالب اشکال و احوال ساده تصور کرده و طراحی کنیم. اشیای مختلف با احوال ساده را انتخاب کنید. نور را از زوایای مختلف به آن بتابانید. نحوه نورگیری آن‌ها را باهم مقایسه کنید. با دقت و چشم نیمه‌باز درجات خاکستری روی سطوح آن‌ها را تشخیص دهید و با استفاده از مداد، از آن‌ها طراحی کنید. طرح‌های تهیه‌شده را در قطع A۳ در کلاس ارائه دهید.

معادل‌سازی رنگ‌ها با درجات خاکستری

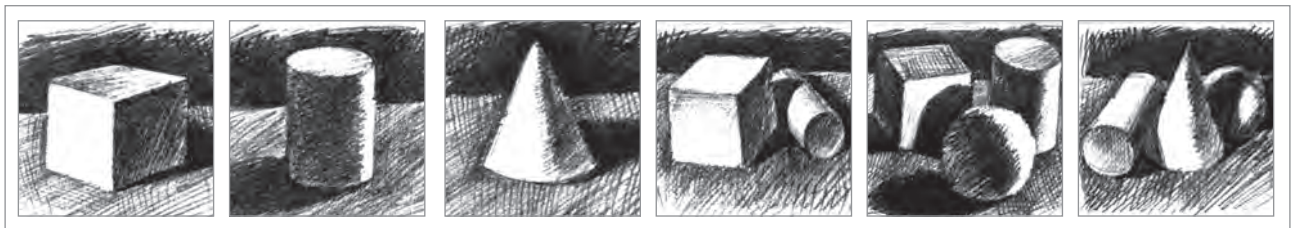
اگرچه تصور جهان بدون رنگ ناممکن است، طراحان با جایگزین کردن درجات خاکستری به جای رنگ‌ها، موضوعات مختلف را نمایش می‌دهند. تشخیص رنگ‌سایه (تن) خاکستری هر رنگ یکی از مباحث مهم در طراحی با سایه‌روشن است. سایه‌روشن‌ها درواقع ارزش خاکستری با تیرگی و روشنی رنگ‌ها را نمایش می‌دهند. ارزش خاکستری‌ها، به رنگ، موضوع، میزان تابش نور، جنس و بافت اشیا بستگی دارد.

در معادل‌سازی رنگ‌های اصلی با جدول خاکستری (رنگ‌سایه‌های خاکستری از سفید تا سیاه) زرد اصلی معادل روشن‌ترین و بنفش اصلی معادل تیره‌ترین درجات خاکستری هستند. تیرگی خاکستری میانه یا خنثی (که



▲ تصویر ۳-۱۵

فاصله آن از سیاه و سفید به یک اندازه است) معادل تیرگی سبز و قرمز اصلی است. تشخیص درجه تیرگی و روشنی رنگ‌ها کار ساده‌ای نیست. حساسیت طراح برای انتخاب خاکستری معادل رنگ‌ها به مرور افزایش می‌یابد. با تمرین زیاد، ایجاد درجات خاکستری معادل هر رنگ آسان می‌شود. با استفاده از نوک یا پهنای مداد، زغال، گچ، آب‌مربک و... می‌توان انواع سطوح خاکستری را ایجاد کرد.



▲ تصویر ۳-۱۶

۱ انواع میوه و مواد غذایی مانند تخم‌مرغ، سیب زرد، گوجه‌فرنگی، خیار و بادمجان را انتخاب کنید. آن‌ها را از نظر فرم و رنگ مورد بررسی قرار دهید. آن‌ها را در یک مجموعه کنار هم بچینید و با استفاده از درجات متفاوت خاکستری و سایه‌روشن در قطع A۳ از آن‌ها طراحی کنید.

۲ به یک مکعب نور بتابانید و سطوح تیره و روشن کلی آن را روی طرح خطی حجم پیاده کنید.

۳ یک استوانه را در نور مناسب قرار دهید و سطوح تیره و روشن کلی حجم را روی طرح خطی آن پیاده کنید (در تصویر ۳-۱۴ حالت نورگیری استوانه توپر و توخالی را باهم مقایسه کنید).

۴ یک توپ سفید یا تخم‌مرغ را در نور به کمک سطوح تیره و روشن کلی نمایش دهید.

۵ سطوح کلی تیره و روشن گلدان، پارچ، کاسه، فنجان و... را روی طرح خطی پیاده کنید. برای نشان دادن سایه‌روشن‌ها از کدام خاکستری‌های جدول استفاده کرده‌اید؟ در هر طرح چند نوع خاکستری به کار برده‌اید؟

۶ با پهنای مداد، دو موضوع تیره و روشن را سایه‌بزنید (برای این تمرین می‌توانید از سیب زرد و قرمز استفاده کنید).

۷ سه شیء مختلف را کنار هم بچینید و به آن‌ها نور بتابانید و از آن‌ها طراحی کنید. قبل از اجرای سطوح تیره و روشن اسکیس‌های کوچکی برای بررسی رابطه سطوح تیره و روشن در کادر تهیه کنید.

۸ ترکیبی از حجم‌های هندسی و اشیاء را در فضای کلاس بچینید و به کمک سایه‌روشن طراحی کنید. برای انجام این تمرینات بهترین زاویه دید را انتخاب کنید و نور مناسب به آن‌ها بتابانید (در صورتی که نور طبیعی وجود نداشته باشد). طرح کلی موضوع را با خطوط کم‌رنگ در کادر پیاده کنید. برای ترسیم دقیق اشیاء از محور تقارن خطوط رابط و اندازه‌گیری استفاده کنید. با چشم نیمه‌باز به مدل نگاه کنید تا اهمیت جزئیات و سایه‌روشن‌های فرعی از بین برود. ابتدا تیره‌ترین سطوح را اجرا کنید زیرا تشخیص سطوح روشن روی کاغذ

تجربه و دانش



سفید آسان نیست. اگر از سطوح تیره به روشن حرکت کنید تشخیص درجات خاکستری آسان تر می شود. درجه تیرگی خاکستری را با توجه به رنگ و نحوه نورپردازی موضوع انتخاب کنید. اگر می خواهید، با مداد ترسیم خطوط عمودی افقی و مورب (۴۵ درجه) را تمرین کنید.

۹ جدول خاکستری یازده خانه را به کمک خطوط هاشوری اجرا کنید.

۱۰ از مکعب کره و استوانه به صورت جداگانه طراحی کنید و آن ها را به کمک هم خطوط هاشوری سایه بزنید (زاویه خطوط هاشوری را متناسب با ویژگی های مدل انتخاب کنید). برای نمایش مکعب سه درجه خاکستری را به کمک خطوط هاشوری روی طرح خطی اجرا کنید. برای ایجاد ارتباط میان سطوح تیره و روشن در کره و استوانه از درجات خاکستری میانه جدول استفاده کنید. برای تشخیص درجه تیرگی سایه ها، با چشم نیمه باز کار کنید.

۱۱ با استفاده از روش هاشورزدن، از وسایل شخصی خود طراحی کنید. در طراحی از طبیعت با سایه روشن، ایجاد یک ترکیب بندی مناسب با حذف و اضافه اجزا انجام می شود (تصویر ۳-۱۲). بررسی موضوع، از زوایای مختلف و تهیه اسکیس های متعدد تغییر و جابه جایی بزرگ و کوچک کردن اجزای تصویر، حذف برخی از بخش ها علاوه بر ترکیب بندی خطی در مورد ارتباط سطوح تیره و روشن هم انجام می شود. در (تصویر ۳-۱۶) به تعادل میان سطوح تیره و روشن، تنوع خاکستری ها، تأکید روی بعضی بخش ها و رها کردن بعضی از قسمت ها دقت کنید. در (تصویر ۳-۱۴) از هاشور برای نمایش سطوح تیره و روشن استفاده شده است. به کمک هاشور زنی یک طرفه (استفاده از خطوط موازی در یک جهت) سطوح تیره و روشن موضوع با ظرافت کارش است. به طرح کلی سطوح تیره و روشن موضوع با دو درجه خاکستری توجه کنید.

۱۲ میوه ها، سبزی ها، کتاب ها و... را با هاشور سایه بزنید.

۱۳ تصاویر طبیعت را با هاشور سایه بزنید.

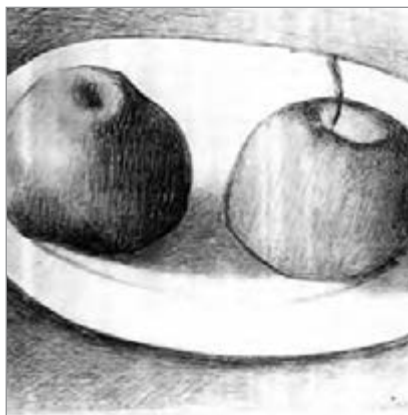
طراحی و ایجاد درجات خاکستری با مداد

مدادها از نظر نرمی و سختی، میزان تیرگی باهم متفاوت اند. مدادهای طراحی به سه گروه، H و B و HB دسته بندی می شوند. مدادهای گروه B نرم و تیره هستند و درجات خاکستری متنوعی به وجود می آورند.

به کتاب همراه هنرجوی خود برای شناخت ابزارهای طراحی مراجعه کنید.

توجه

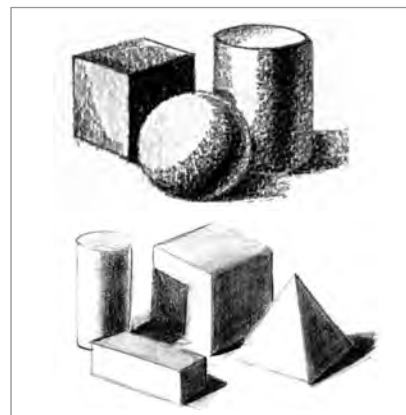
با استفاده از پهنای مداد و با تنظیم میزان فشار دست می توان اقدام به ایجاد سطوح تیره و روشن در درجات مختلف کرد. بسته به نوع مداد و نوع کاغذ کیفیت این سطوح متفاوت می شود. برای انجام کار طراحی می توان طرح اولیه را با خطوط کمرنگ پیاده کرد و سپس با استفاده از پهنای مداد و بهره گیری از رنگسایه های مختلف خاکستری طرح را کامل کرد.



▲ تصویر ۳-۱۹



▲ تصویر ۳-۱۸



▲ تصویر ۳-۱۷



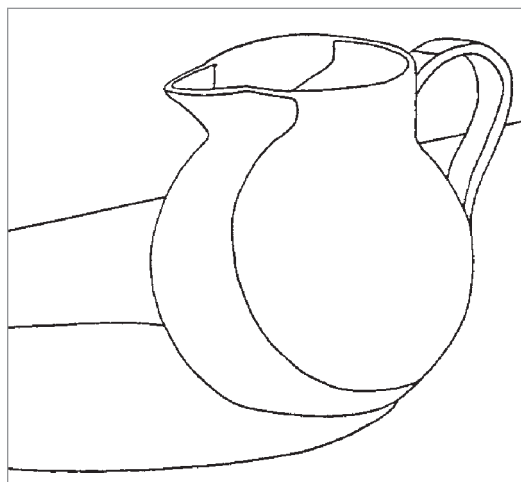
▲ تصویر ۳-۲۱

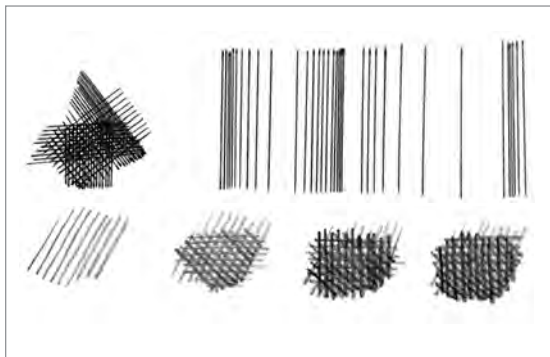


▲ تصویر ۳-۲۰



▲ تصویر ۳-۲۲





با استفاده از نوک مداد و ترسیم خطوط نزدیک به هم با فواصل یکسان و انواع هاشور نیز می‌توان اقدام به طراحی سطوح تیره و روشن و درجات متفاوتی از انواع خاکستری نمود. با تغییر میزان تیرگی و وزن خطوط و یا با تغییر فاصله خطوط موازی ارزش‌های متفاوت تیرگی و روشنی ایجاد کرده با ترکیب چند دسته خط موازی که در جهات مختلف ترسیم می‌شوند، می‌توان سطح تیره‌تری تولید کرد.



▲ تصویر ۳-۲۳



▲ تصویر ۳-۲۴



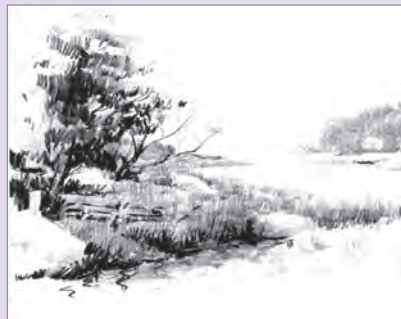
به روش استفاده از خطوط، جهت‌هاشورها، میزان تیره و روشن آن‌ها در نمایش عناصر مختلف مصنوع و طبیعی، جامد و جاندار دقت کنید. در محیط مدرسه فضای شهری یا فضاهای اطراف شهر مناظر مشابه را انتخاب کرده و با استفاده از مداد و در قطع A۳ از آن‌ها طراحی کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هر کدام از مناظر کدام است و چگونه می‌توان آن‌ها را در قالب اشکال هندسی خلاصه کرد و رابطه میان بخش‌های مختلف را سنجید؟

۲ چه رنگ‌هایی در منظره وجود دارند و کدام درجه از تیرگی را در طراحی از آن‌ها به کار می‌گیرید؟

۳ جهت نور چگونه است و چه تأثیری بر طرح شما دارد؟

۴ نحوه تبدیل سطوح تیره و روشن به یکدیگر چگونه است؟ از کدام بخش طراحی رضایت بیشتری دارید؟ برای طراحی بهتر نیاز به تقویت چه مهارت‌هایی دارید؟





طرح‌های خود را در کلاس به نمایش گذاشته و دربارهٔ جهت‌هاشورها و استفاده از انواع خطوط و تأثیر بصری آن‌ها، با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

سه طرح‌هاشوری خود را به کارپوشه اضافه کنید.

دیگر ابزارها و روش‌های طراحی



▲ تصویر ۲۵-۳

روش نقطه نقطه (ترام): از طریق ضربه زدن بر روی زمینه با هر کدام از ابزارهای ترسیم مانند مداد، قلم‌مو و قلم فلزی مجموعه‌ای از نقاط در روی صفحه شکل می‌گیرند که با اندازه یا دوری و نزدیکی نقاط می‌توان به درجات مختلفی از تیرگی و روشنی دست یافت.

به کتاب همراه هنرجوی خود برای شناخت ابزار و روش‌های به‌کارگیری آن در مهارت طراحی مراجعه کنید.

توجه



▲ تصویر ۲۷-۳



▲ تصویر ۲۶-۳



▲ تصویر ۳-۲۸

روش هاشورزنی یک‌طرفه: با استفاده از خطوط موازی که به وسیله مداد، قلم فلزی، راپیدوگراف، روان‌نویس و خودنویس ایجاد می‌شود می‌توان ارزش‌های کیفی تیره‌روشن ایجاد کرد. برحسب ضخامت خطوط و دوری خطوط موازی ایجاد شده ارزش تیرگی و روشنی سطوح هاشوری را تغییر می‌دهد، بنابراین متناسب با موضوع و میزان تیرگی و روشنی آن می‌توان از ابزارهای مناسب و تغییر فاصله خطوط موازی استفاده کرد. در تصاویر ۳-۲۸ و ۳-۲۹ نمونه طراحی با خطوط موازی را می‌بینید. در طراحی اغلب از خطوط هاشوری ۴۵ درجه استفاده می‌شود اما گاه طراح برای نمایش موضوع و ویژگی‌های آن از خطوط هاشوری در جهات مختلف استفاده می‌کند.

■ با ابزارهای مختلف و مرکب ترسیم خطوط موازی، افقی، عمودی و مورب را تمرین کنید.

■ چند کتاب را کنار هم بچینید و به کمک خطوط هاشور یک‌طرفه جهت آن‌ها را نمایش دهید. با تمرین پی‌درپی می‌توانید تجربه کافی در این زمینه به دست آورید.



▲ تصویر ۳-۲۹

روش هاشورزنی متقاطع: به کمک این روش هم می‌توان درجات متنوع خاکستری ایجاد کرد، برای مثال سایه‌های کم‌رنگ از ترکیب دو دسته خطوط موازی و سایه‌های پررنگ‌تر از ترکیب خطوط موازی در چند جهت ایجاد می‌شوند. این روش نیاز به دقت زمان و حوصله زیاد دارد (تصاویر ۳۰-۳ و ۳۱-۳) طراحی با این روش چندین ساعت و گاه چندین روز طول می‌کشد.

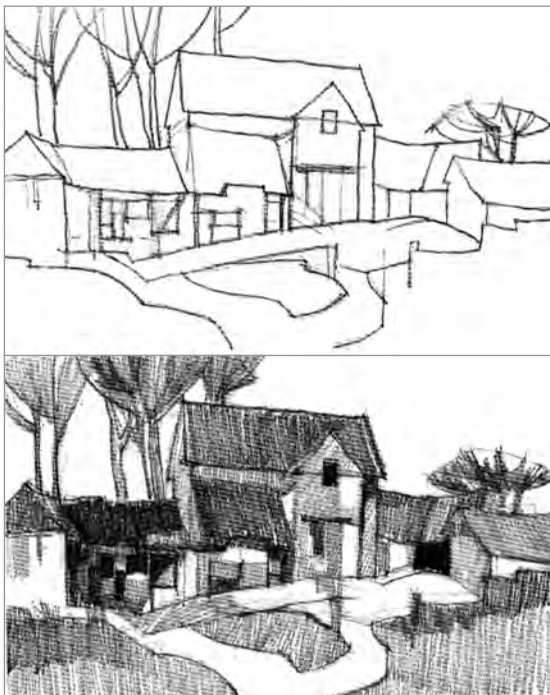


▲ تصویر ۳۰-۲

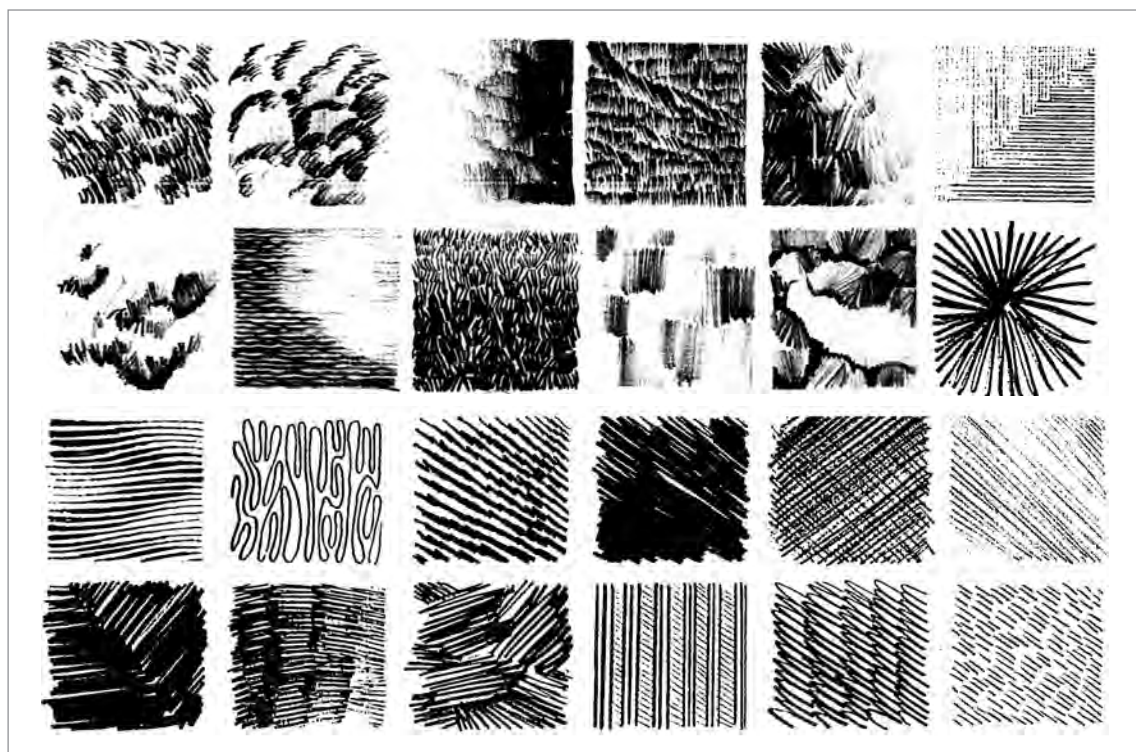


▲ تصویر ۳۱-۳

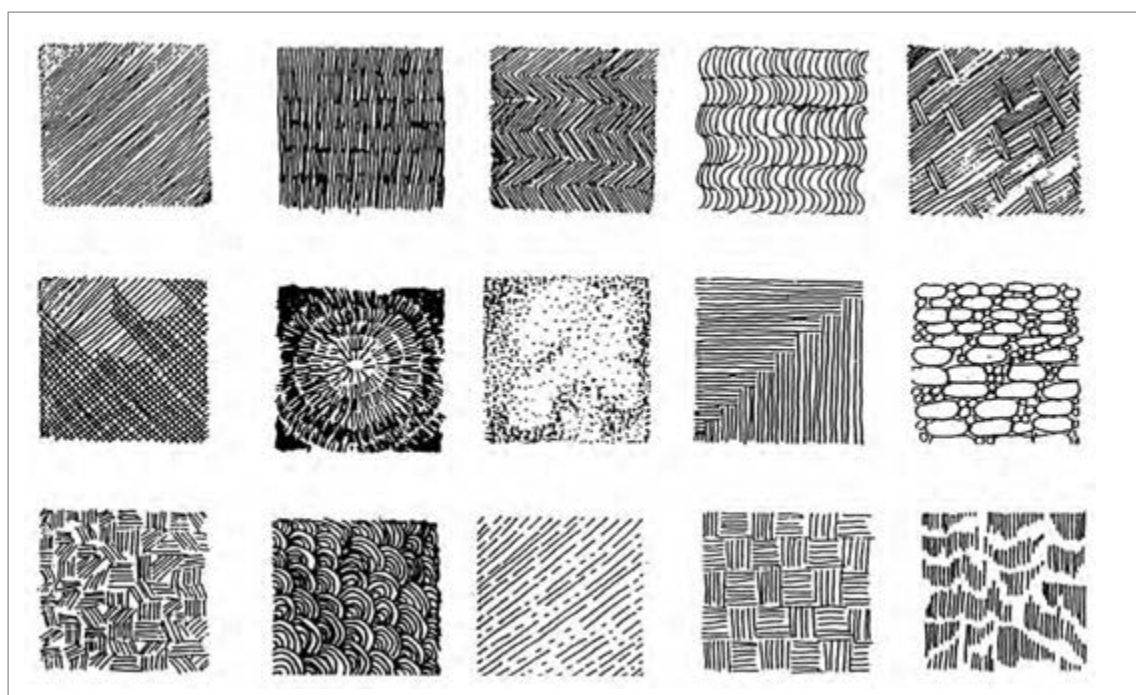
روش ایجاد بافت‌های متنوع: با نوک ابزارهایی مانند قلم فلزی، راپیدوگراف، روان‌نویس و خودنویس می‌توان از خطوط آزاد پهن و نازک، خطوط منحنی درهم‌پیچیده، خطوط شکسته، خطوط موج و برای ایجاد درجات متنوع تیره و روشن استفاده کرد. به این ترتیب علاوه بر نمایش درجات تیرگی و روشنی سطوح بافت خاصی متناسب با ویژگی‌های موضوع ایجاد می‌شود که جذابیت تصاویر زیادی دارد. به علاوه چون کار با این ابزارها روی کاغذهای هموار و بدون بافت انجام می‌شود با این روش بافت‌های متنوع بصری به وجود می‌آید. تصاویر ۳۲-۳ تا ۳۴-۳ نمونه‌هایی از انواع بافت را نشان می‌دهد.



▲ تصویر ۳۲-۳



▲ تصویر ۳-۳۳



▲ تصویر ۳-۳۴



به نمونه کارهای ارائه شده توجه کنید. کیفیت آن‌ها را بررسی کنید. به نظر شما در طراحی از هر کدام از آن‌ها از چه ابزارهایی استفاده شده است و چگونه؟ با الهام از نمونه‌های ارائه شده و با استفاده از ابزارهای مختلف از طبیعت، اشیاء و فضاهای معماری طراحی کنید در صورت لزوم به جای نمونه‌های واقعی می‌توانید از تصاویر استفاده کنید.

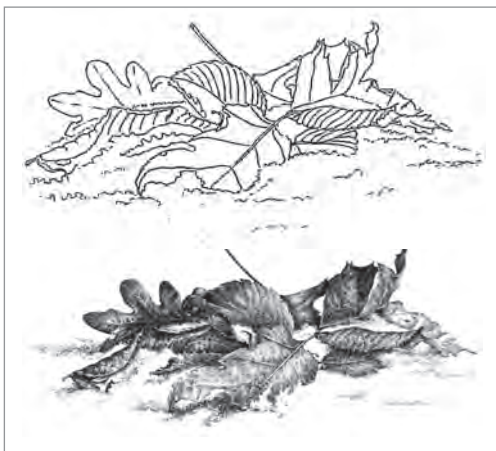




- ۱ کارها را در کلاس ارائه دهید. احساس و برداشت شما نسبت به کار ارائه‌شده در کلاس چیست؟
- ۲ ابزارهای مختلف در کجا به خوبی استفاده شده است؟
- ۳ ارائه کدام کارها برای شما آموزنده بود؟

طرح‌های خود را بازبینی کنید و مجموعه تجربیات و یافته‌های خود را برای ارائه نهایی در کارپوشه آماده نمایید.

طراحی و نمایش جنس اشیا



▲ تصویر ۳-۳۵



▲ تصویر ۳-۳۷

چنان که می‌دانید اشیا و پدیده‌های طبیعی از نظر نوع و جنس همان گونه که سایه‌روشن‌های کلی موضوع حجم آن را نمایان می‌کند اجرای کوچک‌ترین و ظریف‌ترین رنگسایه‌های خاکستری هم‌بافت و جنس موضوع را نمایش می‌دهد. به‌اشیای مختلف با دقت نگاه کنید، با مقایسه نحوه قرارگیری سطوح تیره و روشن روی حجم‌های مختلف درمی‌یابید که جنس اشیا براساس شیوه قرارگیری خاکستری‌ها مشخص می‌شود.

اغلب طراحان بزرگ توصیه می‌کنند که برای شناخت دقیق اشیای مختلف از حس لامسه کمک بگیریم، به این ترتیب درک ما از موضوع کامل‌تر می‌شود و تجربه عمیق‌تری پیدا می‌کنیم. برای نمایش جنس و بافت موضوعات مختلف مانند حجم‌نمایی به نورپردازی مناسب نیاز داریم؛ زیرا بافت در سایه یا طرح تیره چندان نمایان نیست.

برای نمایش جنس موضوعات مختلف سایه‌روشن‌های دقیق‌تر و جزئیات را اجرا کنید، اجرای این مرحله نیاز به زمان بیشتری دارد. کیفیت کار به حساسیت نمایش درجات خاکستری و ایجاد ارتباط مناسب میان آن‌ها بستگی دارد.



▲ تصویر ۳-۳۶

در طراحی پارچه طرح خطی چین و چروک‌ها به دقت ترسیم می‌شود. نمایش حجم این چین‌ها با حساسیت نسبت به درجه تیرگی و روشنی خاکستری‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها صورت می‌گیرد. اگرچه چروک‌ها شکل‌های مشخصی دارند اما لبه آن‌ها محو می‌شود. روی هر چین پارچه خاکستری‌های مختلف متناسب با رنگ پارچه اجرا می‌شوند. به همین دلیل حرکت از یک درجه خاکستری به درجه دیگر به نرمی انجام می‌گیرد و حالت پارچه نمایش داده می‌شود. نشان دادن نحوه ارتباط این درجات مهم‌ترین عامل نمایش پارچه است.



▲ تصویر ۳-۳۸



▲ تصویر ۳-۴۰



▲ تصویر ۳-۳۹



از موضوعات زیر طراحی کنید:

- ۱ بافت یک برگ را با سایه‌روشن و همراه با میوه‌ها و سبزیجات طراحی کنید.
- ۲ سطوح کلی تیره و روشن پارچه یا لباس را متناسب با رنگ آن اجرا کنید. سپس به کمک محو کردن درجات خاکستری حجم آن را نمایش دهید و خاکستری‌های جزئی و چین‌وچروک‌های کوچک را روی آن پیاده کنید (برای این تمرین به کمک سایه‌روشن کاری جنس یک شیء شیشه‌ای را نمایش دهید).
- ۳ از یک شیء صیقلی و براق مانند سماور، قوری و لیوان استیل به کمک سایه‌روشن کاری طراحی کنید و انعکاس فضای اطراف را در آن نشان دهید.
- ۴ موضوعات مختلف را در اطراف خود جست‌وجو کنید. ویژگی آن‌ها را از نظر جنس، بافت، سطوح تیره و روشن و... بررسی کنید. از یک موضوع بارها طراحی کنید.



- ۱ رابطه سایه‌روشن و جنسیت اشیا چیست؟
- ۲ در طراحی برای جنسیت اشیا و موضوعات، فضای اطراف (پس‌زمینه) چه نقشی دارد؟
- ۳ در مورد این موضوعات با یکدیگر گفت‌وگو کنید.



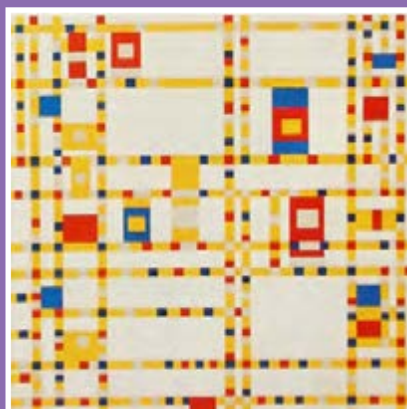
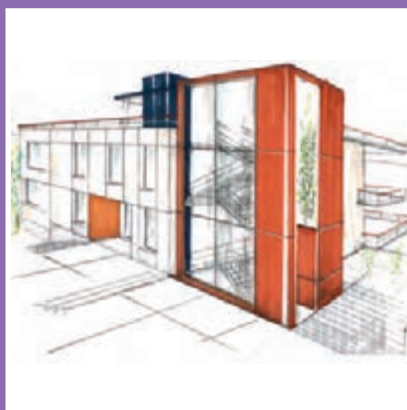
از موضوعات با محوریت بافت، سایه‌روشن و جنسیت طراحی کنید و در کارپوشه خود قرار دهید.

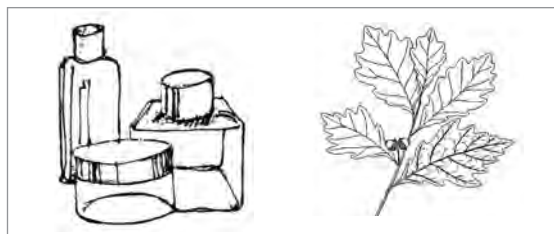




پودمان ۴

عمق‌نمایی و ترکیب‌بندی

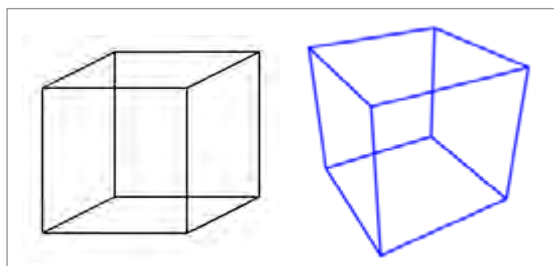




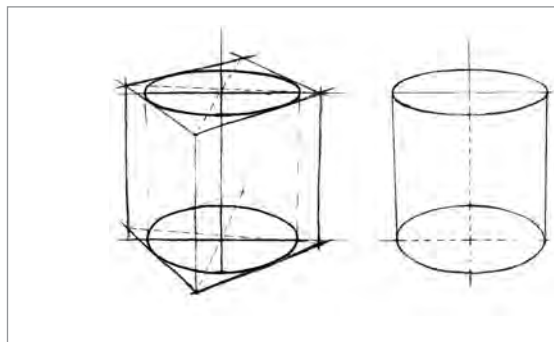
▲ تصویر ۱-۴- تفاوت در به‌کارگیری عمق‌نمایی در نمایش اشیا



▲ تصویر ۲-۴- به‌کارگیری عمق‌نمایی در طراحی



▲ تصویر ۳-۴- به‌کارگیری قواعد سه‌بعدنمایی در مربع و تبدیل آن به مکعب‌مربع



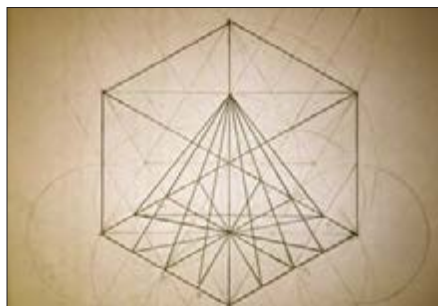
▲ تصویر ۴-۴- مکعب، پایه ترسیم دیگر شکل‌های هندسی است.

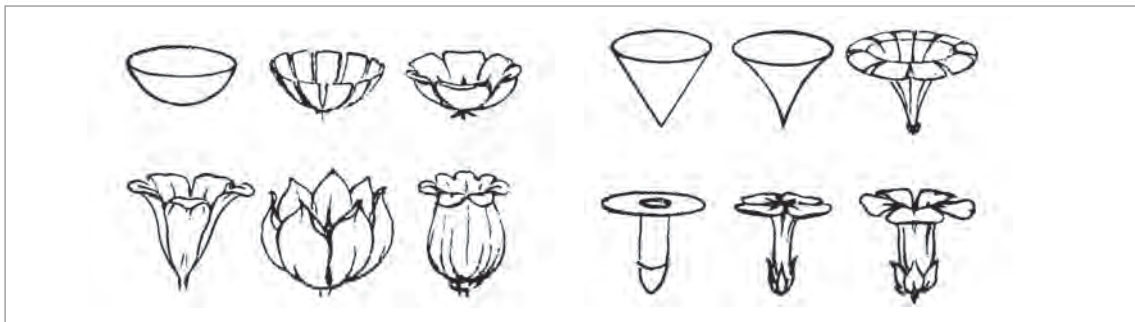
در طراحی خطی، با خط کشیدن پیرامون اشیا، شکل با رمز مشخصی محدود و به‌صورت سطح دوبعدی نشان داده می‌شود. طراحان در ادوار مختلف سعی کرده‌اند تا حجم اشیا و عمق آن را روی سطح دوبعدی نمایش دهند. ساده‌ترین راه درک عمق تصویری هنگامی است که دو شکل جلوی هم قرار می‌گیرند و با دیدن یکی پس از دیگری، دور و نزدیکی آن‌ها را درک می‌کنیم. طراحان با استفاده از تغییر حالت رنگ و با استفاده از سایه‌روشن نیز برای ایجاد ژرفا استفاده می‌کنند.

با ساده کردن موضوعات طراحی به‌صورت حجم‌های هندسی می‌توان به‌سادگی از فضاها و اشیا مختلف طراحی کرده، حجم و عمق فضای آن‌ها را نشان داد، لذا طراحی از مکعب، زیربنای طراحی از تمام حجم‌هاست. برای ترسیم کره، هرم، استوانه نیز از مکعب هم‌اندازه آن‌ها استفاده می‌کنند.

جهان خلقت از اشیا سه‌بعدی تشکیل می‌شود، در حالی که تصویر روی سطح دوبعدی شکل می‌گیرد. پرسپکتیو یعنی ترسیم تصویر اشیا بر روی صفحه تصویر دوبعدی.

اگر به اشیا در حالت نشسته، ایستاده و یا از روی بلندی نگاه کنیم برحسب تغییر تراز دید ما، شکل آن‌ها تغییر می‌کند. از این‌وی در ترسیم پرسپکتیو اشیا، خط افق که تراز دید ناظر را نشان می‌دهد، مهم است. در طراحی از مناظر طبیعی، خط افق بر محل اتصال زمین و آسمان در دوردست منطبق می‌شود.





▲ تصویر ۵-۴- ساده کردن موضوعات طراحی به اشکال ساده هندسی



▲ تصویر ۶-۴- خط افق، خط جداکننده بین زمین و آسمان است که با توجه به ارتفاع ناظر تغییر می‌کند.

سه تصویر متفاوت شامل تصویر از فضای شهری، تصویر از فضای داخلی و تصویر از مناظر طبیعی را انتخاب کنید و بر روی تصاویر:

- ۱ موقعیت خط افق و تراز دید ناظر را مشخص کنید.
- ۲ بر روی خط افق نقطه دید ناظر را مشخص کنید.
- ۳ امتداد خط مختلف، عمودی، افقی و مایل را بررسی کنید و نقطه گریز خطوط موازی را مشخص کنید.
- ۴ سؤالات خود را یادداشت کنید.
- ۵ تصویر را به صورت ترسیم خطی خلاصه کرده و در کلاس ارائه دهید.

تجربه
و دانش



پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



درباره خط افق، تراز دید ناظر، ارتفاع ناظر و تأثیر آن بر طرح و نیز روش‌های درک بهتر پرسپکتیو، در کلاس با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

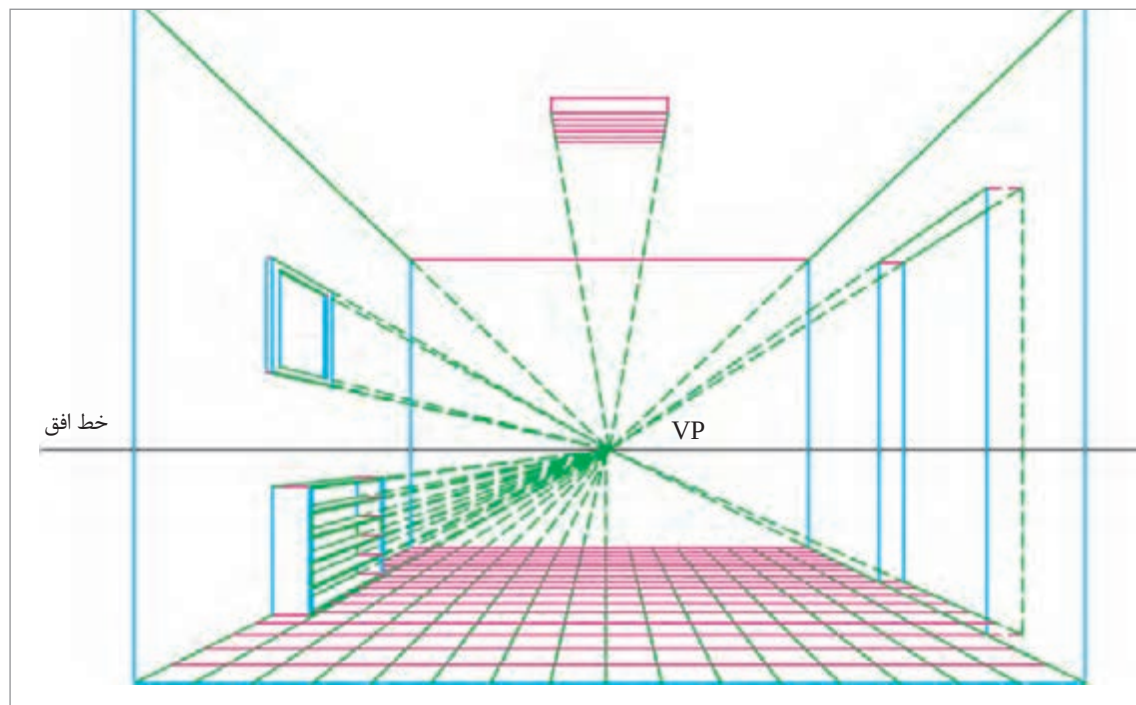


تجارب خود را در طراحی پرسپکتیو، به صورت یک کاربرگ ارائه کنید و در کارپوشه خود قرار دهید.

پرسپکتیو یک نقطه‌ای

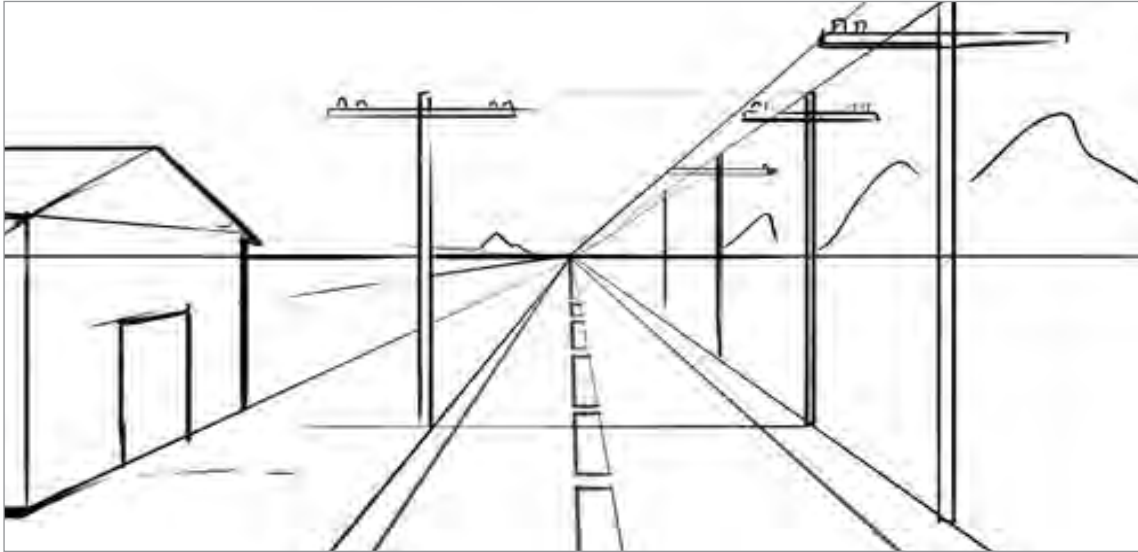
اگر به مکعب به گونه‌ای نگاه کنیم که محور دید ما بر یکی از سطوح و نماهای آن عمود باشد در این صورت: یک دسته از خطوط مکعب با صفحه تصویر موازی هستند. یک دسته به صفحه تصویر عمود هستند یعنی با محور دید ناظر موازی هستند و دسته سوم خطوطی هستند که بر صفحه تصویر عمود می‌شوند. خطوط قائم در پرسپکتیو یک نقطه‌ای قائم باقی می‌مانند و خطوطی که با صفحه تصویر موازی هستند در پرسپکتیو افقی ترسیم می‌شوند.

خطوطی که با محور دید موازی هستند به خطوط موازی با محور دید، نقطه گریز (VP) می‌گویند. می‌توان نتیجه گرفت که برای به دست آوردن نقطه گریز هر خط باید خطی از چشم ناظر به موازات آن خط ترسیم کرد تا صفحه تصویر را قطع کند. محل تقاطع نقطه گریز آن خط و خطوط موازی با آن می‌باشد. ملاحظه می‌کنید سطوحی که با صفحه تصویر موازی هستند شکل واقعی خود را حفظ می‌کنند اما سطوحی که از ناظر دور می‌شوند تغییر شکل می‌دهند و عناصر دورتر کوچک تر ترسیم می‌شوند با تغییر ارتفاع ناظر نسبت به جسم، شکل آن تغییر می‌کند.

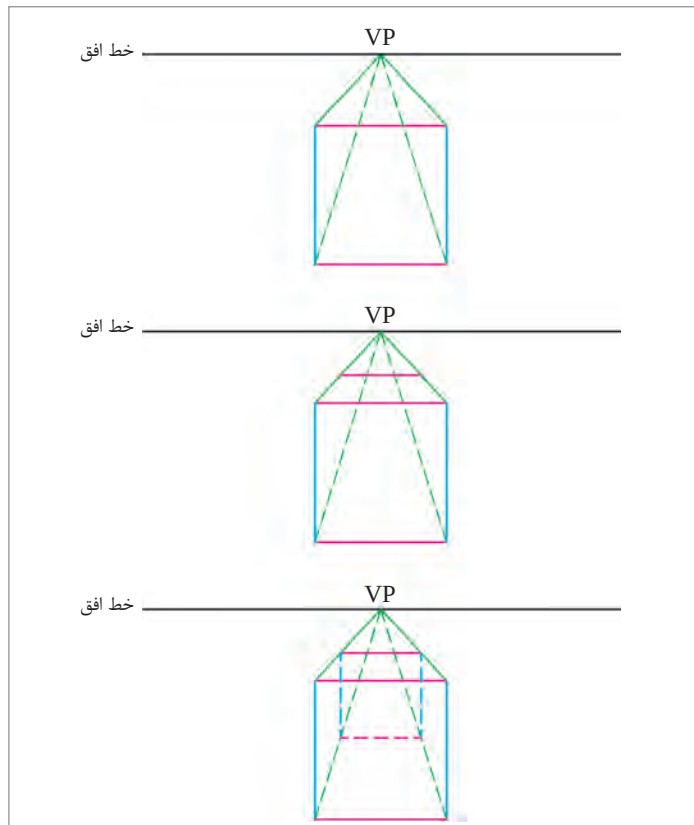


▲ تصویر ۷-۴- ترسیم فضای داخلی با استفاده از قواعد پرسپکتیو یک نقطه‌ای

در پرسپکتیو، با افزایش فاصله اشیا از ناظر، اندازه آن‌ها کوچک‌تر می‌شود و عمق فضا افزایش می‌یابد (تصویر ۴-۸).



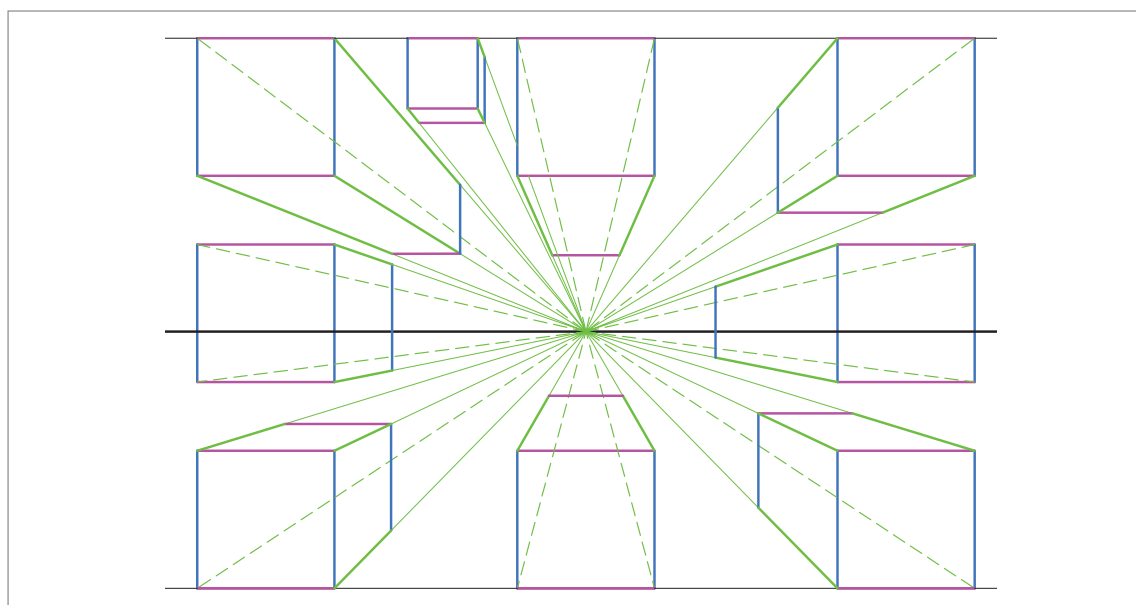
▲ تصویر ۴-۸



▲ تصویر ۴-۹

در طراحی، ترسیم مکعب یا مکعب مستطیل را با ترسیم وجهی که به ناظر نزدیک‌تر است شروع می‌کنیم. این وجه چون با صفحه تصویر موازی است، شکل و تناسبات خود را حفظ می‌کند. آنگاه، با توجه به ارتفاع دید ناظر، خط افق را مشخص می‌کنیم. با توجه به موقعیت ناظر، نقطه گریز را مشخص کرده و از چهار رأس مربع به نقطه گریز وصل می‌کنیم. با رعایت تناسبات و با ترسیم خط افقی، عمق را مشخص کرده و ترسیم را کامل می‌کنیم (تصویر ۴-۹).

محل قرارگیری اولین وجه، نسبت به نقطه گریز و خط افق، وضعیت‌های مختلف مکعب را در پرسپکتیو یک نقطه‌ای نشان می‌دهد. در این نمودار چهار مکعب دوجهی دیده می‌شوند. اگر ناظر در ارتفاع خط افق به حجمی در سمت راست یا چپ نقطه گریز نگاه کند آن را دوجهی می‌بیند. همچنین اگر حجم در راستای دید ناظر بالا و پایین نقطه گریز قرار داشته باشد، به صورت دوجهی دیده می‌شود. حجم‌های دیگر علاوه بر اینکه بالاتر یا پایین‌تر از خط افق هستند در سمت راست یا چپ ناظر قرار دارند و به همین دلیل به صورت سه‌وجهی دیده می‌شود، بنابراین با جابه‌جایی ناظر تعداد و وسعت وجوه و زاویه خطوطی که به عمق می‌روند، تغییر می‌کند. در همه حالت‌ها آنچه دورتر قرار دارد کوچک‌تر و کوتاه‌تر دیده می‌شود (تصویر ۴-۱۰).



▲ تصویر ۴-۱۰

تجربه
و دانش



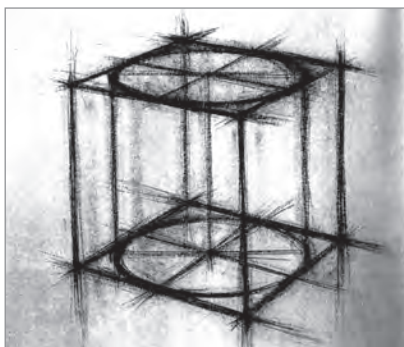
با راهنمایی هنرآموز کلاس، در موقعیت مناسبی در کلاس مستقر شوید به نحوی که محور دید شما بر یکی از دیواره‌های کلاس عمود باشد. با توجه به موقعیت خود و به ارتفاع دید خود، برحسب اینکه ایستاده یا نشسته باشید پرسپکتیو یک نقطه‌ای از کلاس را ترسیم کرده و به سؤالات زیر پاسخ دهید. در این تمرین، موقعیت و جهت دید و ارتفاع هر کدام از شما ممکن است متفاوت باشد و می‌توانید از ترسیم عناصر فرعی صرف نظر کنید.

- ۱ آیا تراز خط افق را به درستی انتخاب کرده‌اید؟ و آیا نقطه گریز، با موقعیت شما در کلاس هماهنگ است؟
- ۲ آیا خطوط قائم در ترسیم به درستی ترسیم شده‌اند؟
- ۳ آیا عمق فضا به درستی در ترسیم تعیین شده است؟
- ۴ آیا می‌توانید محل عناصر موجود در فضا مانند میز، وایت‌برد و لامپ را با رعایت تناسبات تعیین کنید؟
- ۵ سؤالات خود را یادداشت کنید. کدام قسمت از کار برای شما آسان یا مشکل است؟ ترسیمات در کلاس را ارائه داده و یا نتایج را با هم مقایسه کنید.



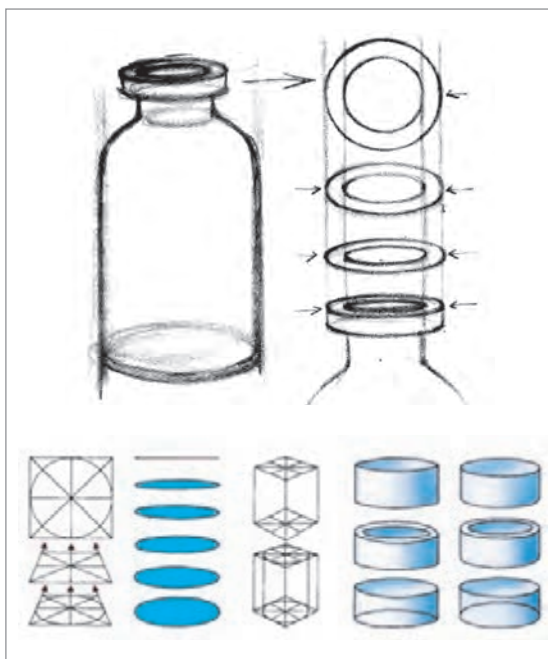
- ۱ در طراحی مکعب‌ها چه مشکلاتی موجب می‌شود تا وجوه مکعب به خوبی طراحی نشوند؟
- ۲ درک نقطهٔ گریز و ارتفاع دید ناظر در این طراحی‌ها چه نقشی دارند؟
- ۳ دربارهٔ این موضوعات با هم‌کلاسی‌ها و هنرآموز خود، گفت‌وگو کنید.

طرح‌های تهیه‌شده و نیز گزارش‌هایی که هم‌زمان با طراحی تهیه کرده‌اید را به کارپوشهٔ خود اضافه کنید.



▲ تصویر ۱۱-۴ به کمک قطر‌ها، دو بیضی وجوه بالا و پایین مکعب ترسیم می‌شود. با خطوط عمود، دو بیضی به هم وصل می‌شوند و استوانه کامل می‌شود.

با کمک گرفتن از پرسپکتیو مکعب می‌توانید از انواع موضوعات به صورت پرسپکتیو یک نقطه‌ای طراحی کرده طراحی مکعب را با خطوط کم‌رنگ و از سطوحی که به شما نزدیک‌تر است شروع کنید. نیازی به پاک کردن این خطوط کمکی نیست. با تمرین طراحی از استوانه و مخروط، طراحی دقیق انواع ظروف و بطری‌ها آسان می‌شود (تصویر ۱۱-۴). به کمک این روش، حالت سه‌بعدی آن‌ها بهتر نمایش داده می‌شود (تصویر ۱۲-۴). طراحی استوانه را با ترسیم بیضی، داخل وجه رویه مکعب شروع کنید. بیضی دایره‌ای است که به پرسپکتیو رفته و می‌توان به کمک محورهای تقارن عمودی و افقی آن را ترسیم کرد (تصویر ۱۳-۴).



▲ تصویر ۱۳-۴



▲ تصویر ۱۲-۴



با رعایت اصول پرسپکتیو یک نقطه‌ای و استفاده از مکعب مستطیل، از انواع ظروف مانند، بطری، پارچ آب، گلاب‌پاش، کاسه و... به صورت خطی طراحی کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ ترسیم خط چین اضلاع و وجوهی که دیده نمی‌شوند، چه کمکی به طراحی شما می‌کند؟
- ۲ چگونه می‌توان با ترسیم قطرهای مربع، دایره را در پرسپکتیو نشان داد؟
- ۳ محور تقارن در ترسیمات پرسپکتیو یک نقطه‌ای چه نقشی پیدا می‌کند؟
- ۴ در طراحی با چه مشکلات و سؤالاتی مواجه شدید و برای طراحی بهتر نیاز به تقویت چه مهارت‌هایی دارید؟



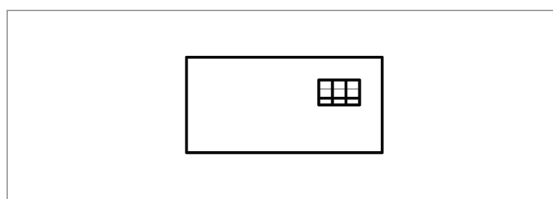
طراحی‌های خود را در کارگاه به صورت نصب بر روی دیوار و یا بر روی میز قرار داده و در مورد آن‌ها با هم کلاسی‌های خود صحبت کنید.



- ۱ در طراحی‌هایی که توسط گروه در کارگاه ارائه شد، به چه نتیجه‌ای رسیدید؟
- ۲ می‌توانید نتایج خود را در قالب کاربرگ در کارپوشه خود ضمیمه کنید.

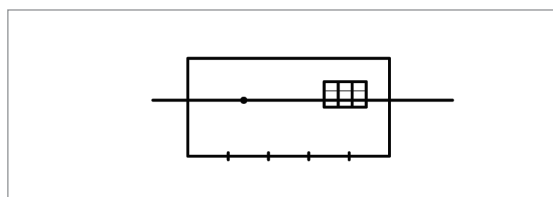
پرسپکتیو یک نقطه‌ای در طراحی از فضای داخلی

به کمک قواعد پرسپکتیو داخلی می‌توان علاوه بر اشیا و حجم‌های کوچک از فضاهای مختلف داخلی نیز به شرح زیر طراحی کرد:



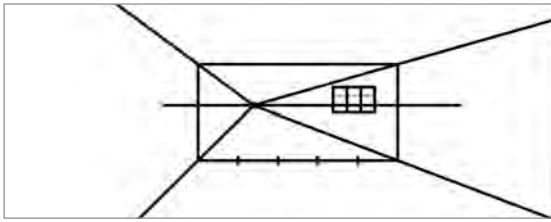
▲ تصویر ۴-۱۴

- ۱ فرض کنیم که دیوار روبه‌روی شما همان صفحه تصویر در پرسپکتیو باشد در این صورت صفحه دیوار روبه‌رو را با حفظ تناسبات آن ترسیم می‌کنیم (صفحه روبه‌رو را با تناسبات واقعی ترسیم می‌کنیم) (تصویر ۴-۱۴).



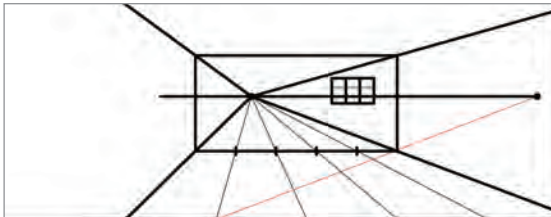
▲ تصویر ۴-۱۵

- ۲ با توجه به تراز دید ناظر و موقعیت وی خط افق و نقطه گریز را مشخص می‌کنیم و خط پایین دیوار را به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌کنیم (تصویر ۴-۱۵).



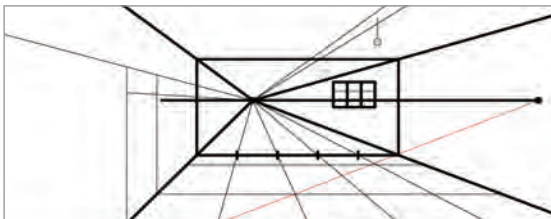
▲ تصویر ۴-۱۶

۲ از نقطه گریز به چهار گوشه دیوار مقابل وصل کرده و امتداد می‌دهیم (تصویر ۴-۱۶).



▲ تصویر ۴-۱۷

۴ به اندازه فاصله ناظر از دیوار روبه‌رو نقطه A را بر روی خط افق مشخص کرده و به گوشه دیوار وصل می‌کنیم و (A نقطه گریز خط و ۴۵ درجه است) تا تقسیم‌بندی‌های کف را قطع کند (تصویر ۴-۱۷).



▲ تصویر ۴-۱۸

۵ با استفاده از نقاط تقاطع تقسیمات کف را کامل می‌کنیم تا کف به صورت شطرنجی به مربع‌های کوچک تقسیم شود. با استفاده از تقسیمات کف طرح را کامل می‌کنیم. این تقسیم‌بندی کمک می‌کند جای عناصر مختلف را در عمق فضا روی دیوارها و سقف به دقت مشخص کنیم (تصویر ۴-۱۸).

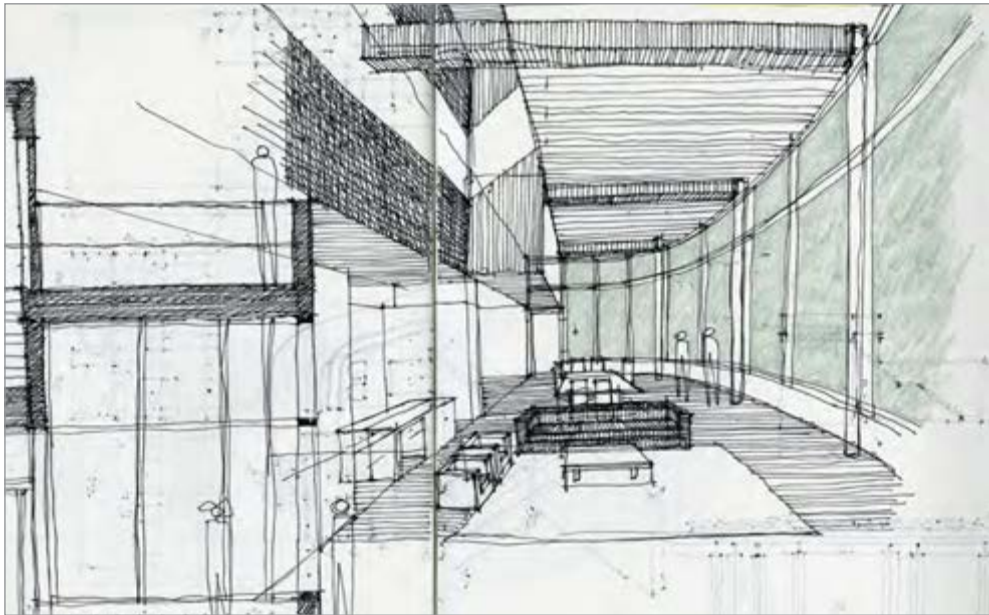
در تصاویر ۴-۱۹ تا ۴-۲۱ نمونه‌هایی از پرسپکتیو یک نقطه‌ای را می‌بینید.



▲ تصویر ۴-۲۰



▲ تصویر ۴-۱۹



▲ تصویر ۴-۲۱

پرسپکتیو یک نقطه‌ای در طراحی از طبیعت و انسان

اگرچه پرسپکتیو بیشترین کاربرد را در ترسیم احجام هندسی دارد، قواعد آن در مورد طبیعت نیز صدق می‌کند. طول درختان در عمق منظره و اندازه اعضای بدن انسان در زوایای خاص تغییر می‌کند. در تصاویر ۴-۲۲ و ۴-۲۳، خط افق و نقطه گریز و زاویه خطوطی که به عمق می‌روند را پیدا کنید. چنان که می‌بینید درختان در عمق کوچک و با فاصله کمتر به نظر می‌رسند و نوک آن‌ها با خط افق زاویه درست می‌کند. هنگام طراحی، درختان نزدیک با جزئیات بیشتر و هرچه دور‌ترند با اهمیت کمتر نشان داده می‌شوند. تناسبات بدن انسان در پرسپکتیو تغییر می‌کند. تقسیم‌بندی طول بدن و استفاده از خط وسط بدن به طراحی درست بدن کمک می‌کند (تصاویر ۴-۲۴ تا ۴-۲۶).



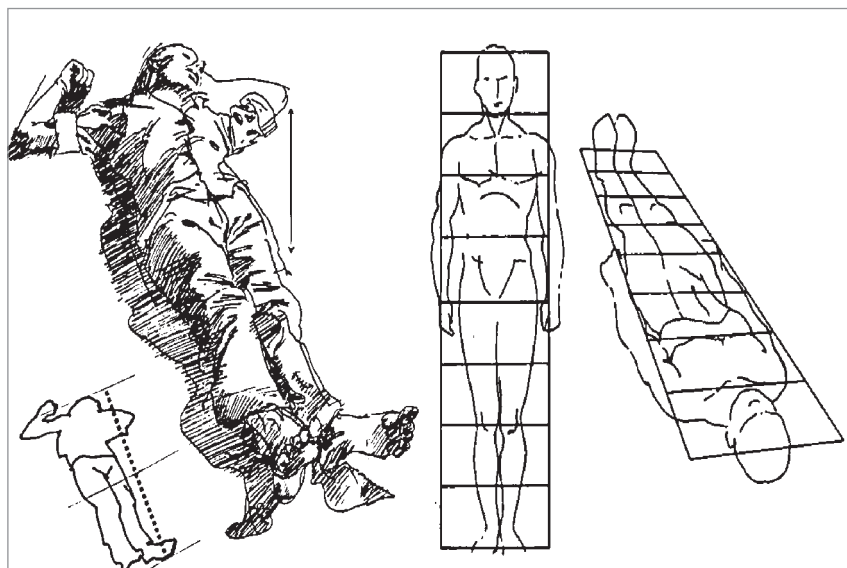
▲ تصویر ۴-۲۲



▲ تصویر ۴-۲۴



▲ تصویر ۴-۲۳



▲ تصویر ۴-۲۶



▲ تصویر ۴-۲۵ - به کارگیری پرسپکتیو در عکاسی

اگر هیچ کدام از دیواره‌های مکعب با صفحه تصویر موازی نباشد پرسپکتیو دو نقطه گریز پیدا می‌کند. مراحل ترسیم پرسپکتیو دو نقطه‌ای به شرح زیر است:

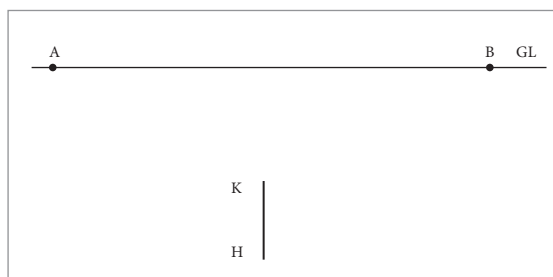
۱ خط افق را ترسیم می‌کنیم و با فاصله مناسب دو نقطه گریز مانند A و B بر روی آن انتخاب می‌کنیم.

۲ با توجه به ارتفاع مکعب و تراز دید ناظر یال جلوی مکعب را به صورت یک خط قائم ترسیم می‌کنیم.

۳ ابتدا و انتهای یال قائم را به نقطه‌های گریز وصل می‌کنیم.

۴ با رعایت تناسبات دیگر یال‌های مکعب را ترسیم کرده و حجم مکعب را کامل می‌کنیم.

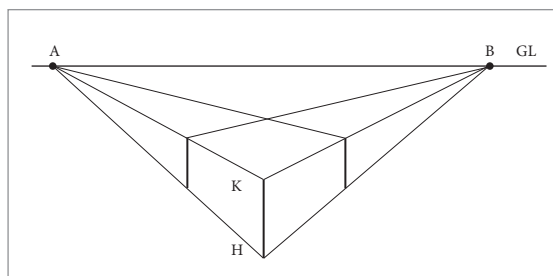
در صورت نیاز به جای حجم مکعب می‌توان فضای داخلی مکعب را ترسیم کرد. در پرسپکتیو احجام اساس زاویه دید، ارتفاع چشم و فاصله ناظر ترسیم می‌شوند.



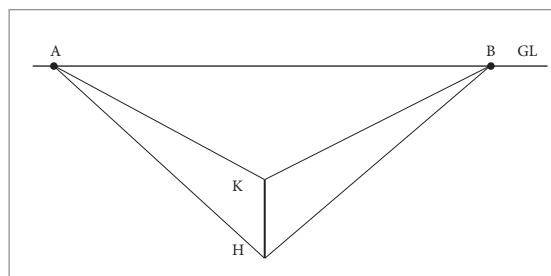
▲ تصویر ۴-۲۸



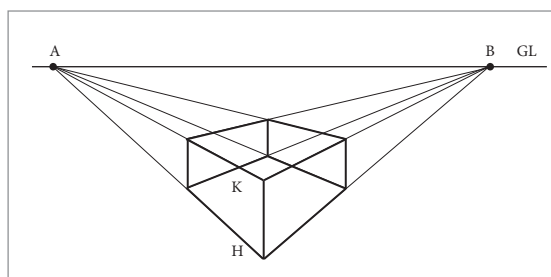
▲ تصویر ۴-۲۷



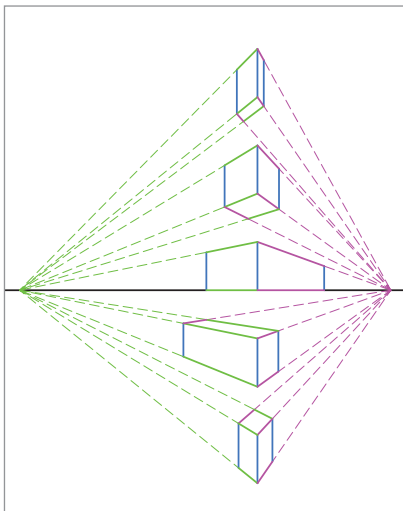
▲ تصویر ۴-۳۰



▲ تصویر ۴-۲۹

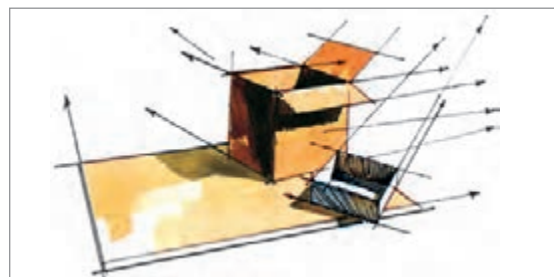


▲ تصویر ۴-۳۱



▲ تصویر ۴-۳۲ در پرسپکتیو احجام بر اساس زاویه دید، ارتفاع چشم و فاصله ناظر ترسیم می‌شوند.

برای طراحی از اشیا در پرسپکتیو دونقطه‌ای نقاط گریز را خارج از صفحه کاغذ تصور کنید. با خطوط کم‌رنگ و متعدد حالت قرارگیری شیء را جستجو کنید و به کمک روش ارائه شده (روابط خطوط موازی) از آن طراحی کنید (تصویر ۴-۳۳). بدون پاک کردن خطوط کم‌رنگ اولیه خطوط پررنگ‌تری روی اضلاع نزدیک‌تر ایجاد کنید. هنگام طراحی از اشیای مختلف آن‌ها را به صورت مکعب ساده کنید. در تصویر ۴-۳۴ ترکیبی از حجم‌های مختلف با طرح‌های مقدماتی انتخاب شده است. قواعد پرسپکتیو برای طراحی این حجم‌ها به کار گرفته شده است. این روش برای طراحی اشیا و حجم‌های گوناگون مناسب است. تصویر ۴-۳۵ استفاده از قواعد پرسپکتیو را برای طراحی از کفش و پوتین نشان می‌دهد. به کمک تجسم احجام به صورت مکعب و با استفاده از قواعد پرسپکتیو می‌توان اشیای دیگر مانند پله‌ها را هم به سادگی طراحی کرد (تصویر ۴-۳۶).



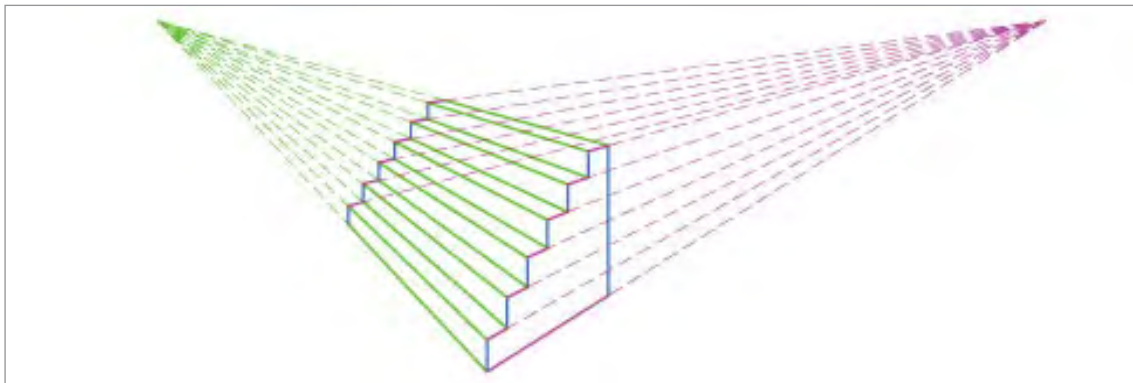
▲ تصویر ۴-۳۳



▲ تصویر ۴-۳۴



▲ تصویر ۴-۳۵



▲ تصویر ۴-۳۶



▲ تصویر ۴-۳۷

در تصاویر ۴-۳۷ تا ۴-۳۸ فضای داخلی به کمک قواعد پرسپکتیو طراحی شده است. به انتخاب زاویه دید جستجو برای ترکیب بندی مناسب و ترکیب سطوح دقت کنید.



▲ تصویر ۴-۳۹



▲ تصویر ۴-۳۸



ابتدا عکسی از یک خیابان را که عمق خیابان و ساختمان‌های طرفین را نشان می‌دهد انتخاب کرده، احجام و خطوط اصلی خط افق و نقطه‌گریز آن‌ها را مشخص کنید. سپس با مشورت هنرآموز کلاس محیط مناسبی در حیاط مدرسه یا منزل و یا فضای شهری انتخاب کنید. زاویه دید خود را عمود بر یکی از دیواره‌ها تنظیم کنید و با استفاده از قواعد پرسپکتیو یک نقطه‌ای، از آن طراحی کنید.



- ۱ در طراحی از پرسپکتیو چه مشکلاتی داشتید؟
- ۲ در پرسپکتیو یک نقطه‌ای، رسم و طرح کدام دسته از خطوط برای شما مشکل‌تر بود؟ آیا پاسخی برای آن دارید؟
- ۳ برای انجام بهتر طراحی با پرسپکتیو چه پیشنهادی دارید؟



نتایج حاصل از طراحی پرسپکتیو و مشکلات در این نوع از طراحی را به صورت یک کاربرگ ضمیمه کنید.

به خلقت زیبا و باشکوه گل‌های زیبا، بوته‌های کویر، درختان سرافراز و... دقت کنید. آنچه سبب بقا و رشد و تداوم حیات است، همنشینی دقیق، ترکیب مناسب اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها با کل وجود آن‌هاست. وحدت و هماهنگی در طبیعت پیرامون ما مثال آشکار و روشنی از واژه «ترکیب‌بندی» است (تصاویر ۴۰-۴ تا ۴۰-۴۲).

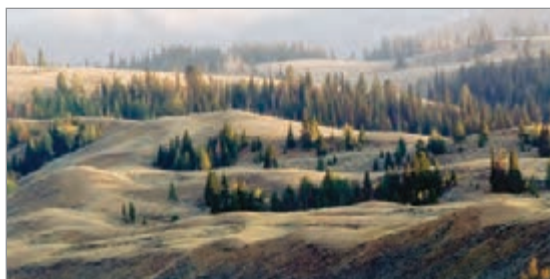
در به‌وجود آوردن آثار هنری در تمام رشته‌ها، همین اصل همنشینی و ترکیب درست عناصر بصری مهم و مؤثر هستند. ترکیب‌بندی هم در شکل و هم در معنای یک اثر هنری نقش بسزایی دارد.

به نظر شما اصول ترکیب‌بندی هنری بُعد شکل و صورت آن را شامل می‌شود یا مفهوم و معنا را نیز در بردارد؟ درباره آن در کلاس با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

ایجاد یک ترکیب موفق هم در جلب توجه مخاطب و بیننده و هم در رساندن پیام هنری مورد نظر به مخاطب مؤثر است. همچنین زمینه یا کادری که عناصر بصری در آن قرار می‌گیرند در تعامل با عناصر طرح بر کیفیت طرح، اثر می‌گذارند. بدون در نظر گرفتن ارتباط میان عناصر بصری و زمینه و کادر، ترکیب نمی‌تواند به‌وجود بیاید و در نهایت ترکیب و سامان‌بخشی به عناصر بصری در ارتباط با شکل کادر است که انجام می‌شود. به همین ترتیب بسته به اینکه کادر، مستطیل، مربع یا مدور باشد، ترکیب خاص خود را خواهد داشت. از انواع ترکیب‌بندی‌ها می‌توان ترکیب متقارن (بر اساس محورهای تقارن) و ترکیب نامتقارن را نام برد.



▲ تصویر ۴۲-۴



▲ تصویر ۴۰-۴



▲ تصویر ۴۱-۴



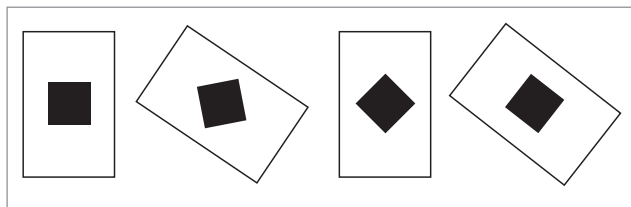
▲ تصویر ۴-۴۴ ترکیب متقارن در معماری داخلی



▲ تصویر ۴-۴۳ ترکیب متقارن در طراحی فرش



▲ تصویر ۴-۴۶ ترکیب نامتقارن در نقاشی



▲ تصویر ۴-۴۷ نمایش مربع سیاه در کادر مستطیل و روابط بصری آن در موقعیت‌ها و جهت‌های مختلف با کادر



▲ تصویر ۴-۴۵ ترکیب نامتقارن در نمای معماری



۱ شناخت اجزای اثر هنری مقدمه بررسی اصول ترکیب‌بندی آن‌هاست. چهار نمونه زیر را از جهات مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار دهید، عناصر آن‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده و ویژگی‌های آن‌ها را بررسی کنید و سپس دسته‌بندی و معرفی نمایید.



۲ با استفاده از انواع خط (ضخیم و نازک، تیره و روشن، بلند و کوتاه یا صاف و ناصاف) دو نمونه ترکیب نامتقارن و دو نمونه ترکیب متقارن در کادر 20×20 سانتی‌متر به وجود آورید.

۳ در دو کادر 20×25 دو نمونه ترکیب با طراحی از پیرامون خود با ترکیب متقارن و نامتقارن انجام دهید.



۱ در کلاس درباره نمونه‌های ترکیب‌بندی که بررسی کردید، گفت‌وگو کنید.

۲ آیا می‌توان برای ترکیب‌بندی‌های مذکور دسته‌بندی خاصی را ارائه داد؟



پس از مرور و بررسی انواع ترکیب‌بندی‌ها با موضوع ترکیب‌بندی، چند کار طراحی انجام دهید و در کارپوشه خود قرار داده و پس از به نمایش گذاشتن آن‌ها در کارگاه، در صورت نیاز آن‌ها را اصلاح کنید.

تناسب



▲ تصویر ۴۸-۴۰- زیبایی اثر خوان میرو بیشتر مربوط به روابط متناسب میان رنگ‌ها، سطوح و خطوط است.



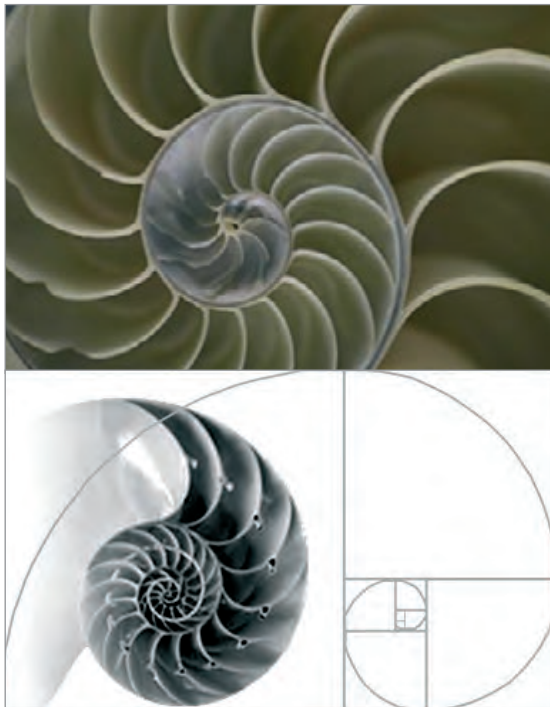
▲ تصویر ۴۹-۴۰- جست‌وجوی تناسبات زیبا در اندام انسان، یکی از اهداف نقاشان در دوره‌های مختلف بوده است.

تناسب، مفهومی است که در هنر تجسمی بر کیفیت رابطه مناسب میان اجزای اثر با یکدیگر و با کل اثر، دلالت دارد. کاربرد تناسبات به دلیل ایجاد زیبایی بصری در هنرهای تجسمی از اهمیتی ویژه برخوردار است. تقریباً همه آثار هنری براساس نوعی تناسب به وجود آمده‌اند. یکی از دلایل زیبایی یک اثر تجسمی، وجود تناسب میان رنگ‌ها، خط‌ها، سایه‌روشن و شکل‌های آن است.

می‌توان در یک تابلوی نقاشی روابط متناسبی میان خطوط سیال خیال‌انگیز، رنگ‌ها، فرم‌ها و... برقرار کرد و یا در یک اثر حجمی، روابط مناسبی میان فرورفتگی‌ها و برجستگی‌ها، فضای منفی و فضای مثبت، بافت‌ها و سطوح مختلف ایجاد کرد. همان‌طور که گوش یک نوازنده بلافاصله وجود یک نت خارج را تشخیص می‌دهد، یک دیده حساس و کارآزموده به سرعت عدم تناسب در رنگ‌ها و شکل‌های یک اثر تجسمی را می‌بیند (تصویر ۴۸-۴۰).

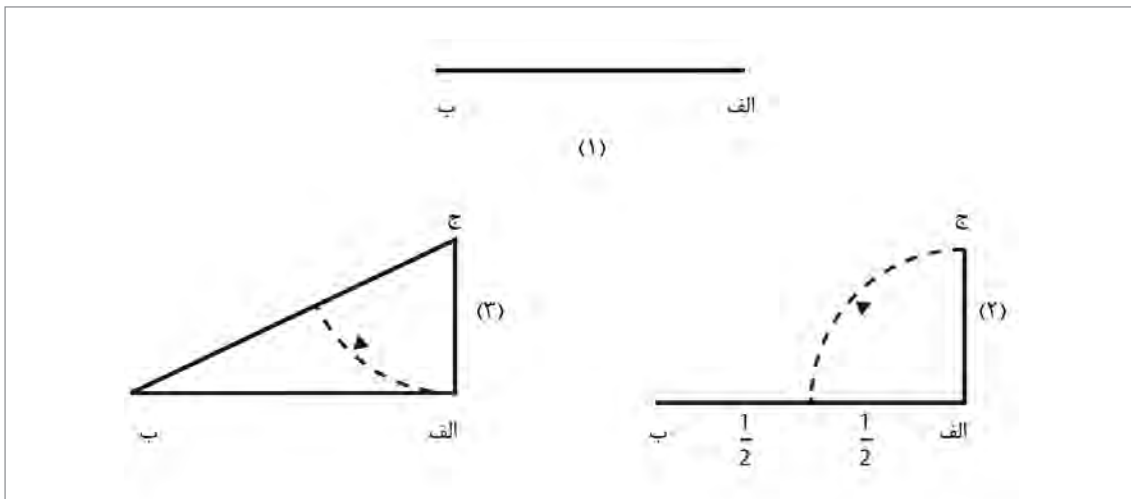
در اجزا و در کل پدیده‌های طبیعت و موجودات زنده نیز تناسب و روابط متناسب وجود دارد. موزون‌ترین و پیچیده‌ترین نمونه آن پیکره انسان است که از تناسبی بسیار دقیق در اجزا و در کل برخوردار است.

اندازه قسمت‌های مختلف بدن و تناسبات آن، از دیرباز مورد توجه هنرمندان بوده است. آن‌ها همواره سعی کرده‌اند پیکره انسان را با زیباترین تناسبات طراحی کنند. این موضوع به ویژه در دوران رنسانس، بسیار مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است (تصویر ۴۹-۴۰).



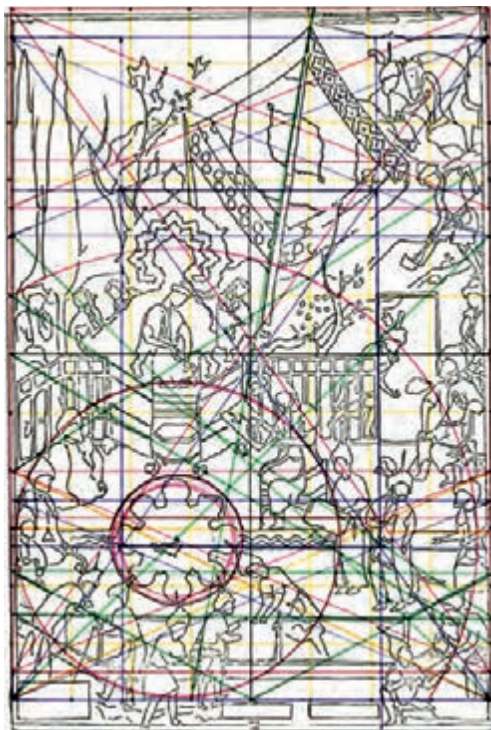
▲ تصویر ۵۰-۴- تناسب در طبیعت

ایجاد تناسب میان رنگ‌ها و رنگ‌سایه‌های یک تابلوی نقاشی و در عین حال تناسب در اندازه‌ها، از قوانین خاصی پیروی می‌کند که به آن‌ها اصول و قواعد تقسیمات طلایی و یا تناسبات طلایی گفته می‌شود. براساس تناسبات طلایی یک پاره خط را می‌توان طوری به دو قسمت تقسیم کرد که نسبت قسمت کوچک‌تر به قسمت بزرگ‌تر مساوی با نسبت قسمت بزرگ‌تر به کل پاره خط باشد. این نوع تقسیم از نظر بصری و همین‌طور از نظر منطقی، نسبت‌های زیبایی را میان اجزا با یکدیگر و با کل پدید می‌آورد که هم در معماری و هم در هنرهای بصری از آن استفاده بسیار شده است. در شکل مقابل مراحل تقسیم پاره خط الف و ب یا AB به نسبت طلایی را مشاهده می‌کنید. با استفاده از نسبت‌های طلایی می‌توان چهارگوش‌های منظم با نسبت‌های طلایی به دست آورد که هم در کادربندی آثار هنری و هم در ترکیب عناصر بصری در هنرهای کاربردی از آن‌ها استفاده می‌شود.

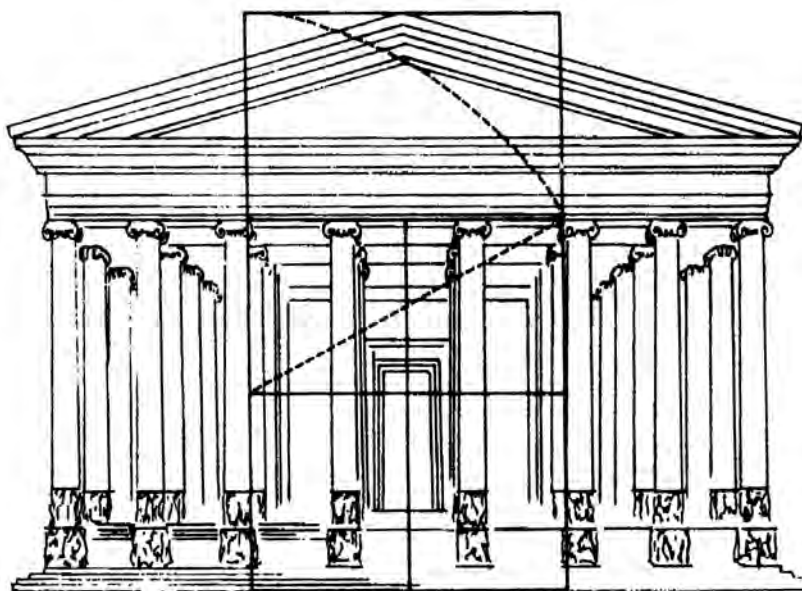


▲ تصویر ۵۱-۴

- ۱- ابتدا پاره خط الف ب را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم.
- ۲- سپس از مرکز الف به شعاع نصف پاره خط الف ب قوس می‌زنیم به طوری که خط عمود ج الف به وجود بیاید.
- ۳- نقطه ج را به ب وصل می‌کنیم تا مثلث الف ب ج ساخته شود.



▲ تصویر ۴-۵۲- تناسب تقسیم‌بندی اجزای این اثر در ساختار درونی آن و تناسب اجزای آن با کادر اصلی نشان می‌دهد که نگارگران ایرانی زیباترین ترکیب‌های ساختاری را در آثار خود مورد توجه قرار داده‌اند.



▲ تصویر ۴-۵۳- چگونگی استفاده از تناسبات طلایی در بناهای مربوط به یونان باستان



با دقت به پدیده‌های طبیعی، هنری و مصنوعات اطراف خود نگاه کنید. با نظر معلم کلاس تعدادی از آن‌ها را انتخاب کرده و با دقت از آن‌ها در قطع A۳ طراحی کنید، با اندازه‌گیری خطای طرح‌های خود را اصلاح کنید. حال در ابعاد مختلف، تناسبات موجود در آن‌ها را بررسی کنید و به سؤالات زیر جواب دهید:

- ۱ آیا موضوعات انتخابی شما از الگوهای هندسی خاصی پیروی می‌کنند؟
- ۲ آیا نسبت خاصی وجود دارد که اندازه بخش‌های مختلف طرح مضرب یا تابعی از آن باشد؟
- ۳ در کدام یک از کارهای انتخابی شما نسبت‌های طلایی صدق می‌کند؟
- ۴ با توجه به مطالعه تجربی که انجام دادید نظر شما راجع به موضوع تناسبات چیست؟
- ۵ در موضوع تناسبات و تناسبات طلایی چه نظرانی داده شده و کدام نمونه‌های بارز را می‌شناسید؟



- کارهای انجام‌شده را در کلاس ارائه کرده و مورد بررسی قرار دهید.
- ۱ چه نمونه‌های دیگری از تناسبات زیبا توجه شما را جلب می‌کند؟
 - ۲ آیا قواعد تازه‌ای برای تناسبات زیبا می‌توان به دست آورد؟



طرح‌های خود را بازبینی و کامل کنید. با توجه به نمونه‌ها و مطالب ارائه شده در کلاس، اصول و قواعد استفاده از تناسبات در هنر و طراحی را خلاصه و مدون کنید و برای تحویل نهایی در کارپوشه وارد کنید.

تعادل (Balance)

از واژه تعادل چه می‌فهمیم؟ تعادل چه کاربردی دارد؟ وقتی واژه تعادل را می‌شنوید چه چیزی به ذهن شما می‌رسد؟ تعادل، یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین قوانینی است که تداوم حیات موجودات زنده، توسعه اجتماعی، رشد فردی و کار هنری هم‌زمان به آن نیاز دارند.

اصولاً تعادل به طور فطری در زندگی و در طبیعت و در حیات و قوای فکری و در ساختمان اندام انسان و سایر موجودات وجود دارد. در طبیعت، همه چیز به شکل متعادلی جریان دارد. در آمدن شب و روز از پی یکدیگر، تغییرات فصل‌ها و مانند این‌ها. چنانچه یک رویداد غیرمنتظره یا زلزله این تعادل را بر هم بزند همه چیز درهم می‌شود و انسان در این وضعیت، احساس سردرگمی و پریشانی خواهد کرد. همان‌گونه که برای حرکت یا ایستادن انسان، تعادل فیزیکی لازم است و اگر تعادل او به هم بخورد مشکلاتی برای وی به وجود می‌آید. بنابراین تعادل حاصل از خنثی شدن نیروهای بصری اثرگذار در یک اثر هنری است که احساس ثبات و توازن خوشایند را ایجاد می‌کند. در هنر نیز تعادل اجزای اثر، نقش عمده‌ای دارد. در یک اثر تجسمی، وجود تعادل بصری برای ایجاد تأثیر مثبت

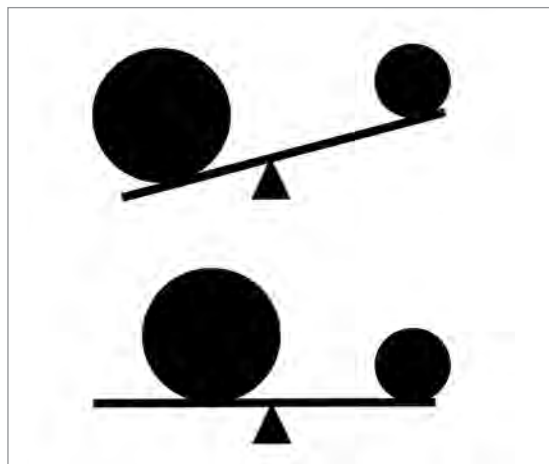
بر مخاطبان ضروری و لازم است. در صورت عدم تعادل میان نیروهای بصری مختلف پیام اثر خدشه‌دار می‌شود. به‌طور طبیعی انسان هنگام مشاهده چیزها آن‌ها را با محورهای افقی و عمودی دید در ذهن خود مقایسه می‌کند و وجود یا عدم تعادل را در آن‌ها تشخیص می‌دهد (تصویر ۴-۵۴) و در می‌یابد که آیا مجموعه عناصر در حال موازنه و آرامش هستند یا نه؟ و آیا بخشی از عناصر بر دیگر عناصر غلبه و سنگینی می‌کنند؟ و یا حس توازن در ترکیب برقرار است؟ هر کدام از عناصر بصری، برحسب اندازه، رنگ، بافت و یا تعداد، وزن بصری خاصی پیدا می‌کنند. در طرح هنری، تعادل به سه روش ایجاد می‌شود. تعادل نامتقارن، تعادل متقارن و تعادل مرکزی و نیز به واسطه وزن یعنی با ایجاد توازن عناصر بصری در یک اثر هنری، نوعی تعادل موزون پدید می‌آید.



▲ تصویر ۴-۵۴- تعادل در حرکت ورزشی



▲ تصویر ۴-۵۶- تعادل در تایپوگرافی کلمه (Balance)



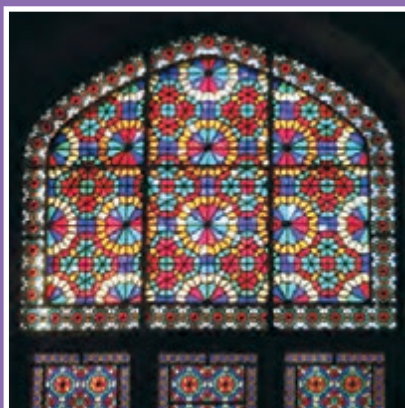
▲ تصویر ۴-۵۵- تعادل





پودمان ۵

کاربرد رنگ در هنرها





▲ تصویر ۵-۱

مشاهده و دیدن هر چیزی در نور امکان‌پذیر است. دیدن در نور با مشاهده و ادراک رنگ همراه است. رنگ در عالم طبیعت همیشه به نور بستگی دارد، زیرا هر نوری بسته به طول موجی که دارد دارای رنگی ویژه می‌باشد. اشیا قسمتی از نوری که بر آن‌ها می‌تابد را بازتاب می‌کنند و قسمتی دیگر را جذب می‌کنند. بنابراین اشیا به رنگ آن دسته از نورهای بازتابی دیده می‌شوند. تصور زندگی بدون نور غیرممکن است. پدیده نور موهبت شگفت‌انگیز و شکوهمند هستی است و به زندگی انسان احساس غنا و سرزندگی می‌دهد. لذا نور و رنگ علاوه بر رؤیت‌پذیری و دیدن اشیا یکی از مهم‌ترین عوامل تشخیص و شناخت اشیا هستند. رنگ کاربردهای گسترده در همه شئون فرهنگ زندگی دارد و در همه هنرهای بصری به‌عنوان یک عنصر مهم کیفی، با معنی و کارآمد مورد توجه قرار می‌گیرد (تصاویر ۵-۱ تا ۵-۳).



▲ تصویر ۵-۳



▲ تصویر ۵-۲

تجربه
و دانش



واژه رنگ و کلیدواژه‌های مرتبط با آن را از فرهنگ لغات پیدا کنید. ضرب‌المثل‌ها و اشعاری که در آن‌ها واژه رنگ یا ترکیبات آن به کار رفته است را جمع‌آوری کنید.

پس از بررسی و دسته‌بندی آن‌ها به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ در فرهنگ و ادبیات ما کدام رنگ‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟
- ۲ کدام ارزش‌های زیبایی‌شناختی و کیفی به رنگ‌ها نسبت داده شده است؟
- ۳ بین مفاهیم مطرح‌شده در مورد رنگ و پدیده‌های زندگی روزمره یا کاربرد رنگ در هنر و صنعت چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۴ کدام موضوعات مربوط به رنگ از نظر شما مهم است؟ در فرایند این تجربه چه سؤالاتی برای شما مطرح شده است؟

- ۱ آیا رنگ در نوع ذائقه و علائق شخصی و حتی رفتار و ارتباط اجتماعی ما تأثیرگذار است؟
- ۲ در مورد تأثیرات روان‌شناسی رنگ‌ها با هم‌کلاسی‌های خود گفت‌وگو کنید.

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



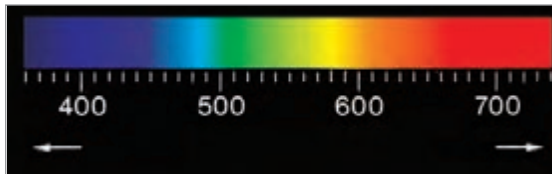
تحلیل و
نتیجه‌گیری



از نمونه کارهای اجرایی رنگی خود، نمونه‌ای را انتخاب کرده و در کارپوشه قرار دهید.

فیزیک رنگ

رنگ و شکل اشیا در تاریکی دیده نمی‌شوند. اشیا زمانی دیده می‌شوند که در معرض تابش نور قرار گیرند. وقتی نور سفید بر شیء مات می‌تابد برحسب رنگ‌دانه‌های سطح شیء برخی از طول موج‌های آن را جذب و باقی را می‌تاباند که همان رنگ شیء است. این رنگ‌دانه سطح است که تعیین می‌کند کدام طول موج نور جذب و کدام یک به‌عنوان رنگ شیء بازتابیده شود. سطح قرمز جلوه‌ای قرمز دارد زیرا بیشتر نور آبی و سبز همراه با نور سفید را جذب و قرمز را باز می‌تاباند.



▲ تصویر ۴-۵- طول موج نورهای مختلف

همه نورهای رنگی از تجزیه نور سفید خورشید به‌دست می‌آیند. رنگ‌های قرمز، زرد و آبی سه نور اصلی هستند. با عبور نور خورشید از منشور نور تجزیه شده و به‌صورت طیف‌های رنگین‌کمان دیده می‌شود (تصویر ۵-۵).



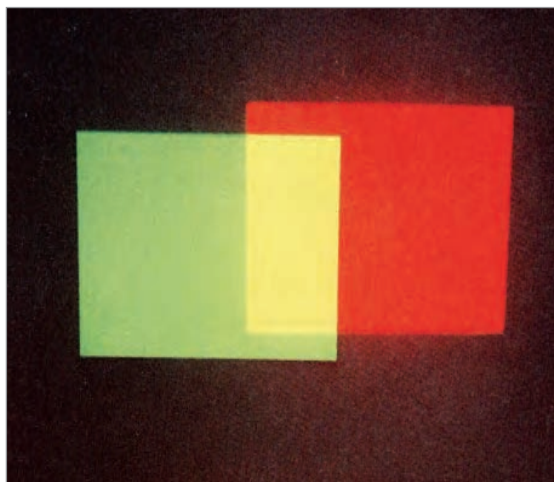
▲ تصویر ۵-۵

برای دیدن بخش‌های تکمیلی به کتاب همراه هنرجوی خود مراجعه کنید.

توجه

ترکیب افزایشی رنگ

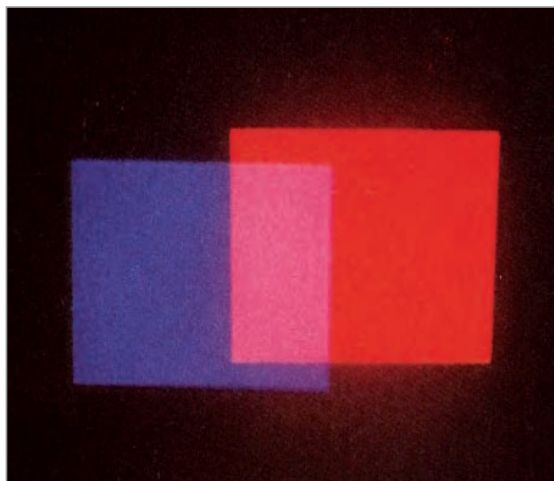
در صورتی که طیف رنگ‌های حاصل از شکست و تجزیه نور به وسیله منشور را دوباره به کمک یک عدسی همگرا (محدب) با هم ترکیب کنیم مجدداً نور سفید حاصل می‌شود، بنابراین سه رنگ اصلی نور: قرمز با طول موج بلند، سبز با طول موج متوسط و بنفش با طول موج کوتاه وقتی با یکدیگر ترکیب می‌شوند نور سفید حاصل می‌شود. این نوع ترکیب رنگ را که در آن میزان روشنی نور پس از ترکیب اشعه‌های مختلف آن با یکدیگر افزایش می‌یابد ترکیب افزایشی می‌گویند. نورهای رنگین وقتی دوبه‌دو با یکدیگر ترکیب می‌شوند، از طریق افزایشی رنگ‌های دیگر را به وجود می‌آورند (تصویرهای ۵-۶ تا ۵-۹).



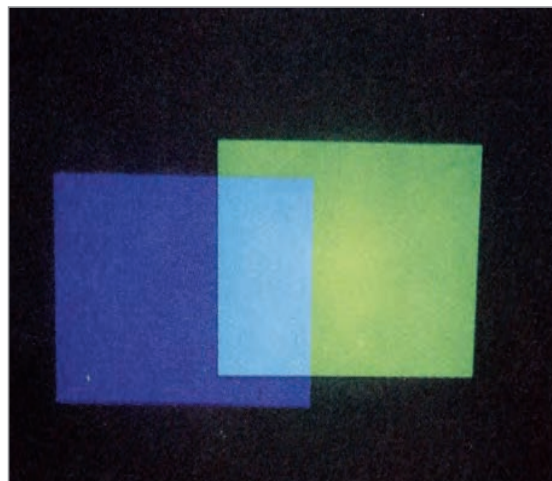
▲ تصویر ۵-۷- از ترکیب افزایشی سبز با قرمز که مجموعه طول موج‌ها متوسط و بلند است رنگ زرد حاصل می‌شود. قرمز + سبز = زرد



▲ تصویر ۵-۶- وقتی سه منبع نور بنفش، سبز و قرمز با یکدیگر تلاقی کنند، در محل تلاقی آن‌ها روی صفحه سفید از طریق ترکیب افزایشی نور سفید حاصل می‌شود زیرا هر سه طیف کوتاه، متوسط و بلند نور را در خود دارند.



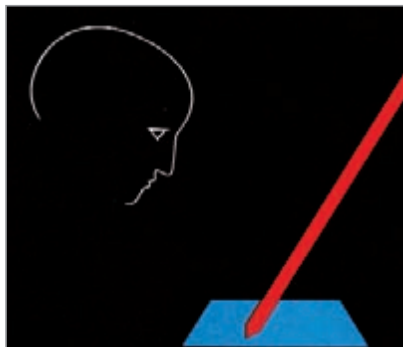
▲ تصویر ۵-۹- از ترکیب افزایشی بنفش با قرمز که مجموعه طول موج‌های کوتاه و بلند است رنگ قرمز ارغوانی (ماژنتا) حاصل می‌شود. بنفش + قرمز = قرمز ارغوانی



▲ تصویر ۵-۸- از ترکیب افزایشی بنفش با سبز که طول موج‌های کوتاه و متوسط است رنگ آبی فیروزه‌ای (سایان) خاص می‌شود. سبز + بنفش = آبی مایل به فیروزه‌ای

ترکیب کاهشی رنگ

چنانچه در مقابل نور خورشید فیلتر قرمز رنگی و یا سطحی با رنگ‌دانه‌های قرمز دهیم جلوی تابش طول موج‌های کوتاه و متوسط (همه رنگ‌ها به جز قرمز) $\frac{1}{3}$ گرفته می‌شود و تنها نور تابیده شده که دارای طول موج قرمز بلند است از فیلتر عبور کرده و یا توسط $\frac{2}{3}$ سطح منعکس می‌شود. درواقع نور توسط عناصر قرمز جذب شده و روشنایی نور کاهش پیدا می‌کند. حال چنان که در مقابل این بخش از نور قرمز فیلتری به رنگ آبی فیروزه‌ای (سایان) قرار بدهیم منبع نور موردنظر کاملاً تیره و تاریک دیده می‌شود، زیرا طول موج نور قرمز بلند است و نمی‌تواند از فیلتر آبی (سایان) که فقط طول موج‌های کوتاه نور را می‌تواند از خود عبور دهد بگذرد (تصویر ۵-۱۱). این موضوع را می‌توان با روی هم قرار دادن دو فیلتر یا دولایه رنگ شفاف قرمز و آبی فیروزه‌ای نیز نشان داد (تصاویر ۵-۱۰ تا ۵-۱۳). تیره دیده شدن منبع نور از ورای فیلترهای رنگی در اثر خاصیت کاهش دهنده آن‌هاست، زیرا فیلترهای رنگی فقط اجازه عبور طیف نور هم‌رنگ خود را می‌دهند؛ به این نوع ترکیب رنگی که باعث تیره شدن رنگ می‌شود اصطلاحاً ترکیب کاهشی رنگ می‌گویند. ترکیب مواد رنگی را نیز ترکیب کاهشی می‌گویند، زیرا وقتی سه رنگ اصلی را با یکدیگر مخلوط کنیم یک رنگ کاملاً تیره حاصل می‌شود (تصویر ۵-۱۲). خصوصیت ترکیب کاهشی رنگ‌ها را با استفاده از لایه‌های شفاف رنگ‌های آبرنگ، ماژیک یا اکولین نیز می‌توان نشان داد. اگر دولایه از رنگ‌های اصلی شفاف روی یکدیگر قرار بگیرند رنگ جدیدی به دست می‌آید و اگر سه رنگ اصلی روی هم قرار بگیرند کاملاً تیره دیده می‌شوند (تصویر ۵-۱۳).



▲ تصویر ۵-۱۱- فیلتر آبی همه نور قرمز را جذب می‌کند لذا سطح فیلتر تیره دیده می‌شود.



▲ تصویر ۵-۱۰- در این تصویر رنگ نور تابشی سفید است. فیلتر قرمز فقط نور قرمز را منتقل می‌کند. بقیه طیف‌های نور خورشید را جذب می‌کنند.



▲ تصویر ۵-۱۳



▲ تصویر ۵-۱۲- نتیجه ترکیب کاهشی در اثر روی هم قرار گرفتن دولایه شفاف به رنگ قرمز و فیروزه‌ای رنگی کاملاً تیره است.

تجربه
و دانش



چند عدد طلق یا شیشه با رنگ‌های مختلف انتخاب کنید و با ترکیب آن‌ها رنگ‌های جدیدی تولید کنید و تجربه خود را تحلیل کرده و در کلاس بیان کنید.

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



درباره ترکیب کاهشی، افزایشی و تفاوت این دو مفهوم در نورهای رنگی، از تجارب خود در کلاس گفت‌وگو کنید.

تحلیل و
نتیجه‌گیری



با استفاده از ماژیک و یا رنگ‌های جوهری در یک مقوای A4 نمونه‌های تمرین ترکیب افزایشی و کاهشی را اجرا کنید و آن را در کارپوشه خود قرار دهید.

شاخصه‌های اصلی رنگ

کاربردهای رنگ، روابط، تأثیرگذاری و چگونگی ساختن رنگ‌ها همواره مورد توجه هنرمندان هنر تجسمی، به‌ویژه نقاشان رنگ‌پرداز بوده است. علاوه بر هنرمندان، دانشمندان رنگ‌شناس و محققین نیز در زمینه شناخت رنگ تلاش‌های زیادی به‌عمل آورده‌اند. به‌خصوص در دو قرن اخیر تحقیقات گسترده‌ای روی رنگ‌ها، خواص بصری و روابط متقابل آن‌ها با یکدیگر صورت گرفته است و گستردگی این پژوهش‌ها بی‌شک مربوط به گسترش دامنه تجربه‌های علمی در زمینه نور، ساخت مواد رنگین و کاربردهای صنعتی رنگ می‌باشد و در این میان جستجو برای درک روابط متقابل رنگ‌ها و چگونگی دسته‌بندی و قاعده‌مند نشان دادن این روابط از اهمیتی ویژه برخوردار بوده است، زیرا آموزش شناخت رنگ و کار با آن بخشی از تعلیمات همگانی هنرهای تجسمی را شامل می‌شود. با نگاهی به اطراف خود و به طبیعت متوجه خواهیم شد که چگونگی دیدن رنگ‌ها تحت تأثیر محیط، رنگ‌های مجاور و نوری که بر اشیاء می‌تابد قرار دارد. به همین دلیل میزان رنگین بودن و حالت رنگ‌ها در شرایط مختلف تغییر می‌کند. بنابراین بررسی قواعد مربوط به روابط رنگ‌ها و تأثیرات آن‌ها بر یکدیگر برای کسانی که با رنگ سروکار دارند الزامی است. چشم انسان رنگ‌ها را براساس سه خصوصیت از یکدیگر متمایز می‌کند:

الف) به‌واسطه رنگین بودن خود رنگ‌ها که اصطلاحاً به آن ته‌رنگ یا فام (Hue) می‌گویند، مثل تمایز رنگ زرد، قرمز و سبز از یکدیگر به دلیل رنگ‌هایشان (تصویر ۱۴-۵-الف).

ب) به واسطه میزان تیرگی و روشنی رنگ‌ها (Brightness)، مثل تمایز نارنجی از بنفش و از زرد (تصویر ۱۴-۵-ب).

ج) به واسطه میزان خلوص یا اشباع رنگ‌ها (Saturation)، مثل تمایز رنگ آبی در حالت خالص خود با آبی‌هایی که از ترکیب آبی و رنگ‌های دیگر ساخته شده‌اند (تصویر ۱۴-۵-ج).

بر همین اساس سه اصطلاح متداول که در کار با رنگ و آموزش آن همواره مورد استفاده قرار می‌گیرند و از سه خصوصیت نام برده شده در بالا ناشی شده‌اند، توضیح داده می‌شوند.



▲ تصویر ۱۴-۵

ته رنگ یا فام^۱

منظور از ته رنگ یا فام همان کیفیت رنگین بودن رنگ‌هاست. وقتی از یک رنگ صحبت به میان می‌آید، به‌طور کلی منظور ته رنگ یا فام خاصی می‌باشد. بنابراین رنگ‌ها به نام ته رنگ یا فام آن‌ها، یا درواقع بخشی از طول موج نوری که منعکس می‌کنند نامیده می‌شوند. مثل آبی، سبز، قرمز یا نارنجی. لازم است اشاره شود علی‌رغم اینکه تعداد بسیار زیادی رنگ وجود دارد تنها تعداد محدودی از آن‌ها دارای اسم مشخصی هستند که بدون هیچ پیشوند و پسوندی دلالت بر رنگشان دارد، مثل رنگ‌های اصلی قرمز، زرد، آبی و رنگ‌های درجه دوم نارنجی، سبز و بنفش. معمولاً سایر رنگ‌ها بر مبنای مسائلی که به‌طور مختصر توضیح داده خواهد شد نام‌گذاری می‌شوند:

الف) بر مبنای ترکیب اسامی رنگ‌های خاص درجه اول و درجه دوم مثل: زردنارنجی، سبزآبی و قرمزبنفش
ب) با اضافه کردن پیشوند یا پسوندهایی به اسامی خاص رنگ‌ها که درجات مختلفی از یک رنگ را شامل می‌شود، مثل: آبی تیره، سبز روشن، قرمز مایل به قهوه‌ای و....

ج) گاهی نیز مردمان مناطق مختلف و اقوام متفاوت از اسامی بومی برای نام‌گذاری رنگ‌ها استفاده می‌کنند، مثل ارغوانی که در زبان فارسی برای نامیدن قرمزبنفش استفاده می‌شود یا فیروزه‌ای که برای نامیدن سبزآبی استفاده می‌شود.

د) گاهی از تشابه رنگ‌ها به رنگ گیاهان، میوه‌ها و چیزهای دیگر برای نام‌گذاری آن‌ها استفاده می‌شود، مثل سبز زیتونی، زرد لیمویی، قهوه‌ای، آبی آسمانی و....

ه) نام‌گذاری رنگ‌ها گاهی نیز براساس موادی است که از آن ساخته شده‌اند. مثل لاجوردی که از لاجورد به‌دست می‌آید، سیاه دوده‌ای که از دوده ساخته می‌شود و یا نقره‌ای که از نقره حاصل می‌شود.

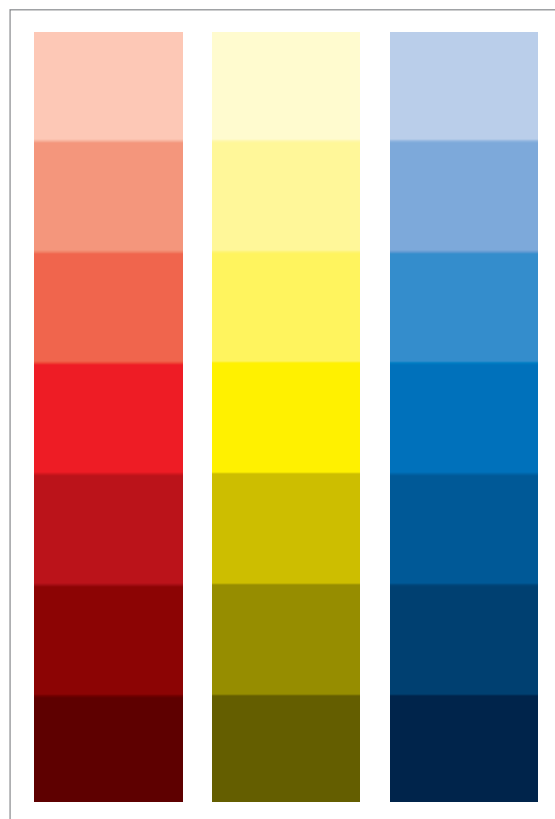
و) گاه حتی رنگ‌ها براساس نام محلی که در آن‌جا بیشتر استفاده شده‌اند شهرت یافته‌اند مثل آبی پروس (قسمتی از کشور آلمان که در قدیم کشوری مستقل بود).

ز) بعضی رنگ‌ها نیز براساس نام هنرمندانی که بیشتر از آن‌ها استفاده کرده‌اند نامیده شده‌اند، مثل سبز ورونز که بیشتر مورد استفاده ورونز، نقاش ایتالیایی سده شانزدهم بوده است. امروزه گاهی از نام شرکت‌های تجاری یا صنعتی

۱. در زبان انگلیسی به آن Hue گفته می‌شود و در فرانسه به آن La Teinte می‌گویند.

در میان هنرمندان برای مشخص کردن بعضی از رنگ‌ها استفاده می‌شود مثل زرد کدک. در هر حال نام‌گذاری‌های مختلف عموماً گام‌های مختلفی از یک رنگ را شامل می‌شود. به‌عنوان مثال وقتی می‌گوییم آبی روشن و یا قهوه‌ای درجات مختلفی از این رنگ‌ها را دربر می‌گیرد. به‌همین دلیل امروزه برخی از کارخانه‌های رنگ‌سازی رنگ‌ها را با شماره مشخص می‌کنند و نمونه هر رنگ را نیز در کتابچه‌های راهنمای محصولات خود نشان می‌دهند، زیرا تنوع رنگ‌ها بسیار زیاد است و برای همه آن‌ها نامی وجود ندارد. علاوه بر این باید در نظر داشت که ممکن است نتوان حتی تحت یک نام مشترک و خاص نیز رنگ دقیقاً یکسانی از نظر درجه خلوص و تیرگی - روشنی به‌دست آورد، زیرا تهیه رنگ‌ها بستگی به کیفیت و خلوص مواد اولیه، شرایط آزمایشگاهی، مقدار رنگدانه‌های مخلوط شده و خیلی چیزهای دیگر دارد و به‌همین دلیل چنانچه تحت یک نام خاص از دو یا چند کارخانه رنگ‌سازی رنگ‌های متفاوتی دیده شود که با یکدیگر مشابه نیستند نباید باعث تعجب شود. بنابراین بهتر است هنگام کار با رنگ محصولات کارخانه‌های رنگ‌سازی متفاوت با یکدیگر مخلوط نشوند زیرا معمولاً رنگ مورد نظر و نتیجه دلخواه به‌دست نمی‌آید.

ارزش رنگی^۱



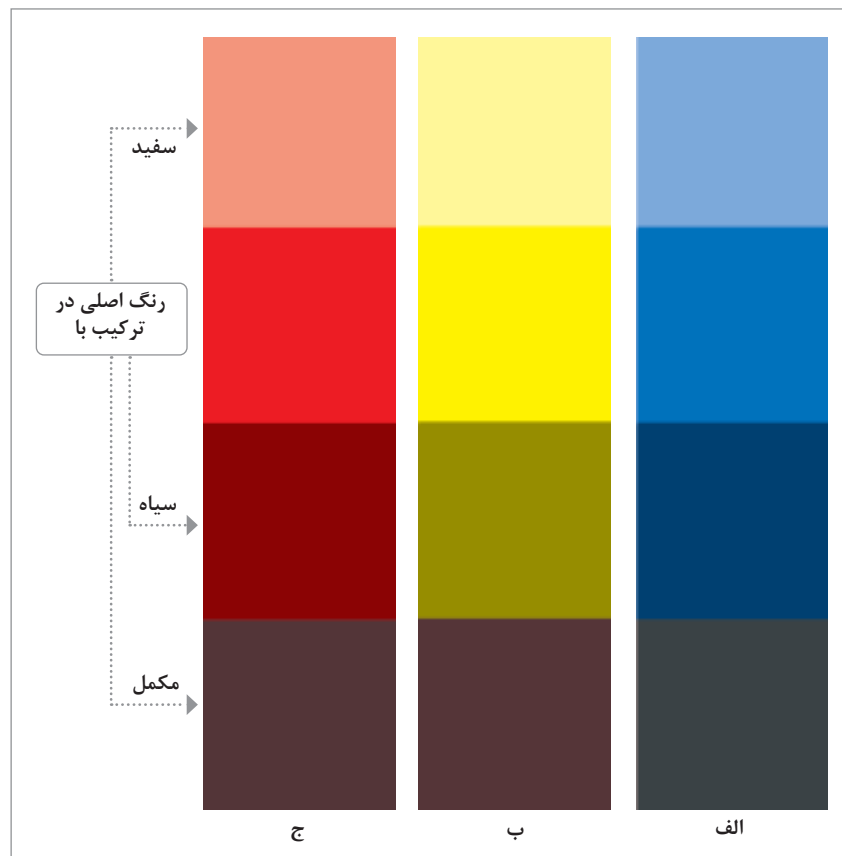
منظور از ارزش رنگی، درجه‌ای از روشنی یک رنگ است که آن را از درجه دیگری از روشنی یا تیرگی همان رنگ متمایز می‌کند. به تعبیر دیگر گام‌های رنگی مختلفی که از ترکیب یک رنگ با سیاه یا سفید به‌دست می‌آید با درجاتی از تیرگی خاکستری‌های بی‌فام (خاکستری‌های حاصل از ترکیب سیاه و سفید) قابل مقایسه هستند. به‌این ترتیب درجات مختلف روشنی یک‌رنگ را میزان ارزش‌رنگی آن می‌گویند. در بخش مربوط به کنتراست رنگ به میزان تیرگی - روشنی رنگ‌ها در حالت خلوص نیز اشاره خواهد شد، زیرا رنگ‌ها در حالت خلوص خود نیز نسبت به یکدیگر دارای درجات مختلفی از روشنی هستند. این موضوع را می‌توان با دیدن یا تهیه یک تصویر سیاه و سفید از یک تابلوی نقاشی و یا یک منظره به‌خوبی دریافت (تصویر ۱۵-۵).

▲ تصویر ۱۵-۵- درجاتی از ارزش رنگی سه رنگ اصلی که از یک سو با سفید روشن شده‌اند و از سوی دیگر در ترکیب با سیاه تیره شده‌اند.

۱. در زبان انگلیسی به آن Value می‌گویند و در زبان فرانسه به آن La Luminosité گفته می‌شود.

شدت یا خلوص رنگ^۱

منظور از خلوص رنگی درجهٔ سیری یا اشباع یک رنگ است. به بیان دیگر خلوص رنگی، درجه‌ای از اشباع است که یک رنگ را در خالص‌ترین حالت خود نشان می‌دهد. به عنوان مثال یک آبی خالص که با هیچ رنگ دیگری مخلوط نشده باشد در آبی‌ترین یا ناب‌ترین حالت خود دیده می‌شود، به طوری که هیچ آبی دیگری به آن شدت از آبی بودن دیده نمی‌شود. این درجه از خلوص رنگی را درجهٔ اشباع و سیری رنگ نیز می‌گویند. معمولاً درجهٔ سیری و خلوص یک رنگ در مقایسه آن با درجات دیگری از همان رنگ که با سیاه، سفید یا هر رنگ دیگری مخلوط شده باشد مشخص می‌شود. در مثال بالا آبی خالص از همهٔ آبی‌های دیگری که با سیاه، سفید و یا رنگ دیگری مخلوط شده باشد قابل مقایسه است (تصویر ۵-۱۶).



▲ تصویر ۵-۱۶- درجاتی از رنگ‌های اصلی آبی، زرد، قرمز و ترکیب آن‌ها با سفید، سیاه و با رنگ مکمل

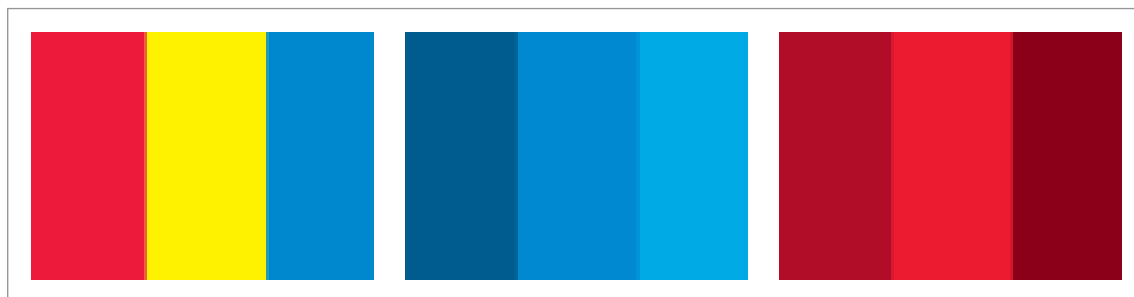
الف) رنگ آبی خالص در مقایسه با مخلوط آن با سیاه، سفید و نارنجی.
 ب) رنگ زرد خالص در مقایسه با مخلوط آن با سفید، سیاه و بنفش.
 ج) رنگ قرمز خالص در مقایسه با مخلوط آن با سفید، سیاه و سبز.

۱. در زبان انگلیسی به آن Intensity می‌گویند و در زبان فرانسه Li'intensité گفته می‌شود. در ضمن Chroma در انگلیسی نیز برای این منظور استفاده می‌شود.

نمود و اثرات متقابل رنگ‌ها

توصیف حالت و شخصیت رنگ‌ها بدون در نظر داشتن تأثیرات آن‌ها به روی یکدیگر توصیفی گمراه‌کننده و ناقص خواهد بود، زیرا رنگ‌ها در محیط و در مجاورت یکدیگر می‌توانند نمودهای متفاوتی از خود نشان بدهند و تأثیرات قابل توجهی بر روی یکدیگر بگذارند. به همین دلیل توصیف شخصیت و حالت آن‌ها در مجاورت یکدیگر و با توجه به زمینه‌ای که روی آن قرار گرفته‌اند به واقعیت رنگ‌ها نزدیک‌تر است. به عبارت دیگر نمود واقعی رنگ در یک ترکیب رنگی خود را نمایش می‌دهد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد چشم انسان رنگ‌ها را براساس سه ویژگی متمایزکننده (فام، درخشندگی و خلوص) از یکدیگر تشخیص می‌دهد. این سه خصوصیت به انسان اجازه می‌دهند تا روابط و تأثیرات رنگ‌ها را بهتر درک کند. براساس هر کدام از این سه ویژگی هر چه میزان تفاوت در میان دو یا چند رنگ مجاور بیشتر باشد، تشخیص رنگ‌ها از یکدیگر ساده‌تر خواهد شد (تصویر ۵-۱۷). با وجود اینکه هر کدام از رنگ‌ها از درخشندگی و خلوص ویژه‌ای برخوردارند، اما میزان درخشش و خلوص آن‌ها در نهایت تحت تأثیر رنگ زمینه‌ای است که بر آن قرار گرفته‌اند. این موضوع مجدداً بر این نکته تأکید می‌کند که حالت واقعی هر رنگ بستگی به میزان و موقعیت یک رنگ در میان مجموعه‌ای از رنگ‌های دیگر دارد. به طور کلی رنگ‌ها اگر در زمینه‌هایی تیره‌تر از خود قرار بگیرند خلوص رنگی و درخشش بیشتری از خود نشان می‌دهند، به مخاطب نزدیک‌تر می‌شوند و به نظر می‌رسد نسبت به هنگامی که در زمینه روشن‌تر از خود قرار گرفته‌اند از ابعاد بزرگ‌تری برخوردار هستند.

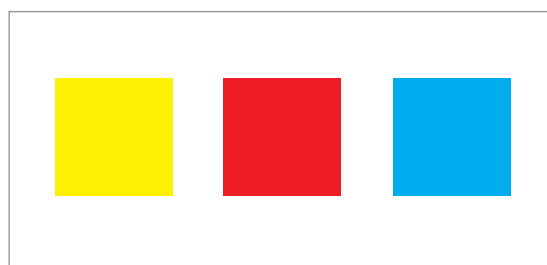
در اینجا برای نمایش تیرگی زمینه، از نهایت تیرگی رنگ یعنی سیاه و برای نمایش تأثیر روشنی زمینه از سفید که از همه رنگ‌ها روشن‌تر است استفاده شده است (تصویر ۵-۱۸ و ۵-۱۹).



▲ تصویر ۵-۱۷- تشخیص بهتر رنگ زرد در مجاورت آبی و قرمز به واسطه تمایز آن‌ها از یکدیگر با سه ویژگی فام، درخشندگی و خلوص



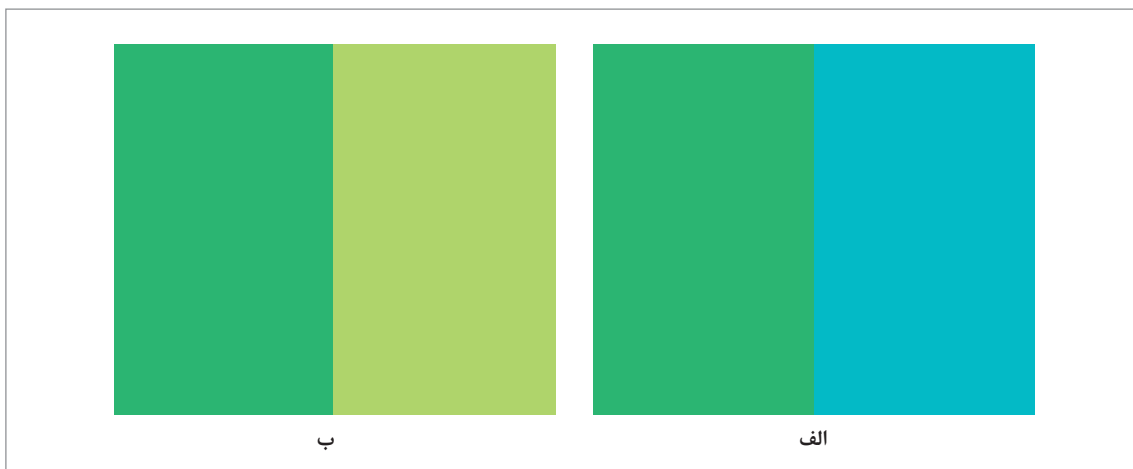
▲ تصویر ۵-۱۹



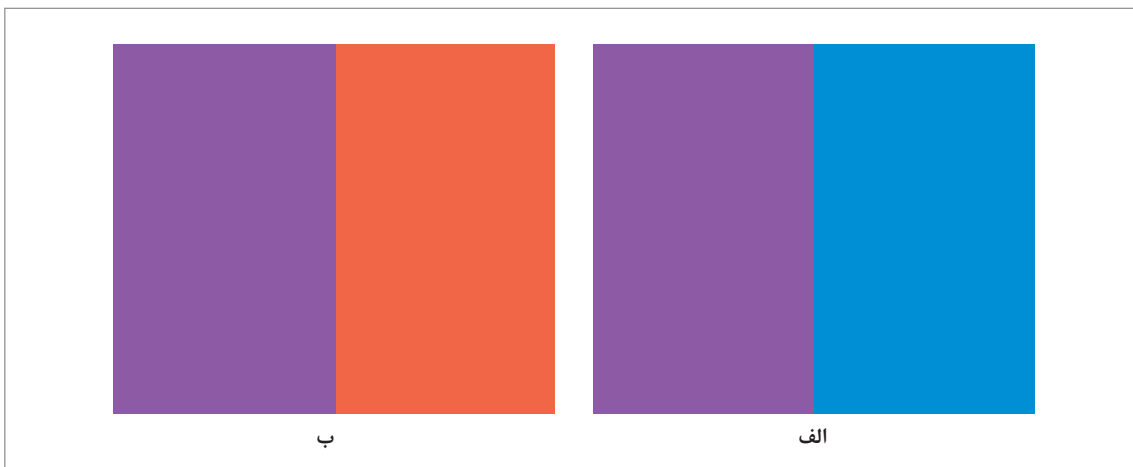
▲ تصویر ۵-۱۸

در مقایسه دو تصویر ۵-۱۸ و تصویر ۵-۱۹ به نظر می‌رسد رنگ‌ها روی زمینه سیاه از درخشش بیشتر و ابعاد بزرگ‌تری برخوردارند و به ما نزدیک‌تر هستند.

احساس سرد بودن یا گرم بودن یک رنگ نیز تحت تأثیر رنگ‌های مجاور و یا زمینه‌ای که بر آن قرار گرفته‌اند تغییر می‌کند. به‌طور معمول رنگ‌هایی مثل زرد، قرمز، نارنجی و بعضی ترکیب‌های آن‌ها به‌عنوان رنگ‌های گرم و آبی، سبز و بعضی ترکیب‌های آن‌ها با سایر رنگ‌ها به‌عنوان رنگ‌های سرد شناخته می‌شوند. در این میان سبزیابی به‌عنوان سردترین رنگ و قرمز نارنجی به‌عنوان گرم‌ترین رنگ معرفی می‌شوند. اما واقعیت این است که تأثیرات متقابل رنگ‌ها به روی یکدیگر هیچ مرز دقیق و ثابتی را میان سرد یا گرم بودن رنگ‌ها باقی نمی‌گذارد. گاهی یک رنگ گرم وقتی در کنار مجموعه‌ای از رنگ‌های گرم‌تر از خودش قرار می‌گیرد می‌تواند به‌صورت یک رنگ سرد احساس شود و گاه یک رنگ سرد، وقتی در کنار مجموعه‌ای از رنگ‌های سردتر از خودش قرار می‌گیرد کاملاً گرم احساس می‌شود (تصاویر ۵-۲۰ و ۵-۲۱).



▲ تصویر ۵-۲۰- رنگ سبز خالص در کنار سبزیابی به‌نظر گرم می‌آید در حالی که همان سبز در کنار سبزرزد، سرد به‌نظر می‌رسد.



▲ تصویر ۵-۲۱- رنگ ارغوانی در کنار آبی بنفش به‌نظر گرم می‌آید در حالی که همان ارغوانی در کنار قرمز نارنجی، سرد به‌نظر می‌رسد.



۱ با توجه به توضیحات داده شده در خصوص نام‌گذاری رنگ‌ها، به کمک هنرآموز اسم تعدادی از رنگ‌ها را که با استفاده از روش‌های مختلف نام‌گذاری شده‌اند (به غیر از موارد مشخص شده در کتاب) تهیه کرده و در کلاس ارائه دهید.

۲ تعدادی از گیاهان و مواد دیگری را که در محیط و در محل زندگی شما وجود دارند و با کمک آن‌ها می‌توان رنگ تهیه کرد نام ببرید و در صورت امکان نمونه برخی از آن‌ها را در کلاس ارائه دهید.



یک جدول 14×14 سانتی‌متر را از هر طرف به هفت خانه تقسیم‌بندی کنید، پس از آن هنجوین خانه‌های گوشه‌های جدول را با رنگ‌های زرد، بنفش، سیاه و سفید یا قرمز، سبز، سیاه و سفید یا نارنجی، آبی، سیاه و سفید رنگ‌آمیزی کنند. سپس با مخلوط آن‌ها به تدریج خانه‌های میانی را رنگ‌آمیزی کنند. در پایان نتیجه کار به کمک هنرآموز در کلاس مورد مقایسه و بررسی قرار گیرد.



۱ یک جدول 15×15 سانتی‌متر را به ۲۵ خانه مساوی تقسیم‌بندی کنید و با استفاده از گواش و تعداد دلخواهی رنگ، یک ترکیب رنگی از فام‌های مختلف ایجاد کنید.

۲ یک جدول 15×15 سانتی‌متر را به ۲۵ خانه مساوی تقسیم‌بندی کنید. سپس هریک از هنجوین یکی از رنگ‌های قرمز، زرد، آبی، نارنجی، سبز یا بنفش را انتخاب کند. آن‌گاه گام‌های مختلف حاصل از مخلوط رنگ موردنظر خود را با سیاه و سفید، با نظم دلخواه در خانه‌های جدول قرار دهد. به‌طوری که از تیره‌ترین تا روشن‌ترین گام‌های آن رنگ در جدول دیده شود. در صورت تمایل می‌توان رنگ‌آمیزی جدول را طوری انجام داد که تیره‌ترین گام‌ها در خانه‌های میانی و روشن‌ترین آن‌ها در خانه‌های کناری دیده شود و یا بالعکس.

دسته‌بندی رنگ‌ها

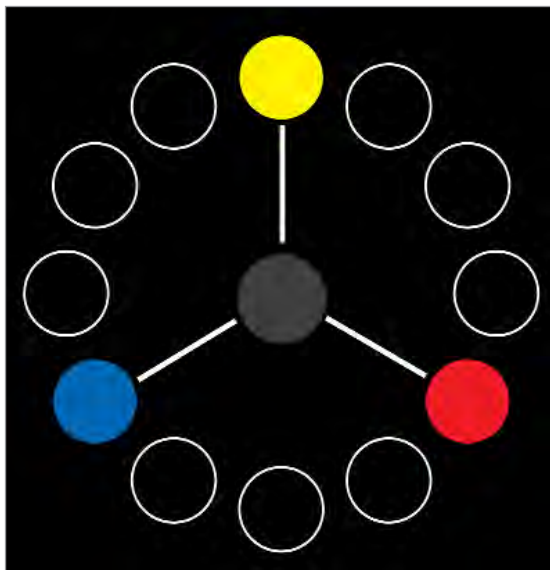
هنرمندان، رنگ‌شناسان و پژوهشگران عموماً رنگ‌ها را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. برخی از رنگ‌شناسان براساس ساختاری کروی، رنگ‌ها را میان دو قطب سیاه و سفید جای داده‌اند. برخی دیگر



▲ تصویر ۵-۲۲- دسته‌بندی رنگ‌ها در چرخه دوازده رنگی به پیشنهاد ایتن

براساس نتایج حاصل از تجزیه نور به رنگ‌های اولیه و رنگ‌هایی که از آن‌ها مشتق می‌شوند، رنگ‌ها را در شکل دایره دسته‌بندی کرده‌اند. اصولاً دسته‌بندی رنگ‌ها کار آموزش و پی بردن به خصوصیات، روابط و تأثیرات متقابل آن‌ها را ساده‌تر می‌کند. به همین دلیل سعی آموزگاران رنگ همواره بر این بوده است که به روش‌های ساده‌ای رنگ‌ها را دسته‌بندی کرده، روابط میان آن‌ها را تشریح کنند و کار با رنگ‌ها را آموزش دهند. در اینجا نیز بر اساس چرخه دوازده رنگ پیشنهادی ایتن که از همه مشهورتر و دارای اعتبار بیشتری است توضیحاتی پیرامون روابط متقابل رنگ‌ها داده می‌شود (تصویر ۵-۲۲).

رنگ‌های اصلی

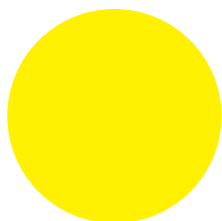


▲ تصویر ۵-۲۳- از ترکیب کردن سه رنگ اصلی زرد، قرمز و آبی خاکستری بسیار تیره‌ای حاصل می‌شود. به این نوع ترکیب رنگ، ترکیب کاهشی گفته می‌شود.

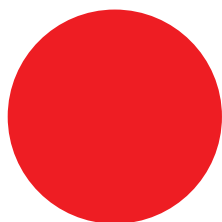
منظور از رنگ‌های اصلی یا درجه اول رنگ‌هایی است که معمولاً از ترکیب هیچ کدام از رنگ‌های دیگر حاصل نمی‌شوند، بلکه سایر رنگ‌ها از ترکیب آن‌ها با یکدیگر به وجود می‌آیند. رنگ‌های اصلی زرد، قرمز و آبی در صورتی که در خالص‌ترین حالت خود باشند و هیچ گرایشی به رنگ‌های دیگر در آن‌ها دیده نشود، وقتی با یکدیگر مخلوط شوند، خاکستری بسیار تیره‌ای را به وجود می‌آورند. این نوع ترکیب رنگ را که قبلاً توضیح داده شد ترکیب کاهشی می‌گویند (تصویر ۵-۲۳).

معمولاً رنگ‌هایی که در بازار عرضه می‌شوند رنگ‌های با کیفیت واقعی رنگ‌های اصلی نیستند و آنچه تحت نام رنگ اصلی عرضه می‌شود با رنگ اصلی کمی متفاوت است. به همین دلیل هم وقتی سه رنگ اصلی را با یکدیگر مخلوط می‌کنید ممکن است به جای خاکستری کاملاً تیره، یک رنگ مایل به قهوه‌ای

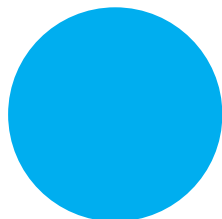
به دست بیاید، زیرا ساختن رنگ اصلی تنها در شرایط آزمایشگاهی بسیار دقیق ممکن است و آن نیز از جهت اقتصادی مقرون به صرفه نیست. با این وجود می توان از رنگ های موجود در بازار به عنوان رنگ های نزدیک به رنگ های اصلی استفاده کرد. توضیحات زیر برای راهنمایی جهت تهیه رنگ های مطلوب داده می شود. در هر حال برای ساختن دایره رنگ بایستی سعی شود از خالص ترین زرد، خالص ترین قرمز و خالص ترین آبی استفاده شود.



زرد: زردهای متعددی در بازار وجود دارد. اما زرد اصلی زردی است که هیچ گرایشی به رنگ های دیگر در آن دیده نشود. در میان زردهای موجود، زرد کادمیوم با درجه تیرگی متوسط نزدیک ترین رنگ به زرد اصلی دایره رنگ است. زرد کادمیوم با درجه تیره یا روشن نیز ساخته می شود. اما درجه متوسط آن از همه بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد.

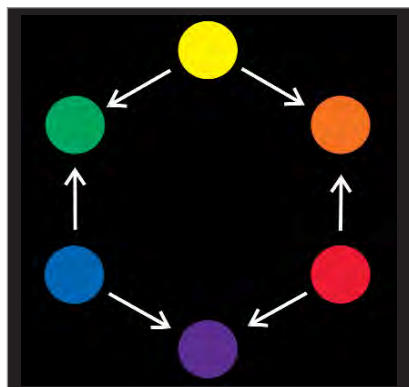


قرمز: رنگ های تحت نام قرمز بسیار متنوع هستند و علی رغم اینکه گاهی به نام قرمز اصلی نیز ارائه می شوند ولی همه خصوصیات قرمز اصلی را ندارند. از مشهورترین قرمزهایی که وجود دارند قرمز کادمیوم و قرمز آلیزارین هستند که در انواع مختلف سیر و روشن ساخته می شوند. در عین حال هیچ کدام قرمز اصلی نیستند. اما مخلوط این دو نوع قرمز به رنگ اصلی نزدیک است.



آبی: امروزه آبی های بسیار متنوعی در بازار عرضه می شوند و معروف ترین آن ها عبارت اند از آبی اولترامارین، آبی کبالت و آبی پروس، در عین حال هیچ یک از این آبی ها رنگ اصلی نیستند. تحت عنوان آبی اصلی نیز رنگ هایی ارائه می شوند اما واقعیت این است که آن ها نیز با آبی اصلی تفاوت دارند. در این میان آبی کبالت و آبی اولترامارین کمی تیره تر از رنگ اصلی هستند و می توان با کمی روشن تر کردن، از آن ها به عنوان رنگ نزدیک به آبی اصلی استفاده کرد.

رنگ های درجه دوم



▲ تصویر ۲۴-۵ از مخلوط کردن دو رنگ اصلی یک رنگ درجه دوم ساخته می شود.

هر رنگ درجه دوم معمولاً از مخلوط کردن دو رنگ اصلی ساخته می شود. به این ترتیب می توان رنگ های درجه دوم را به طریق زیر به دست آورد (تصویر ۲۴-۵):

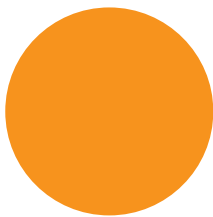
زرد + قرمز = نارنجی

زرد + آبی = سبز

قرمز + آبی = بنفش

تهیه رنگ های درجه دوم باید با دقت تمام صورت بگیرد، به طوری که هر کدام از رنگ های درجه دوم گرایشی به هیچ کدام از دورنگی که از آن ها ساخته شده اند نداشته باشد. نارنجی نه به قرمز و نه به زرد

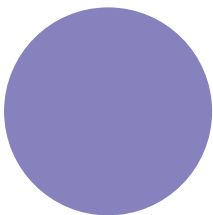
نزدیک باشد، سبز نه به زرد متمایل باشد و نه به آبی و بنفش نه به آبی گرایش داشته باشد و نه به قرمز. قابل تأکید است که برای ساختن رنگ‌های نارنجی، سبز و بنفش حتماً باید سعی کنید برای یک بار هم که شده است آن‌ها را از مخلوط کردن رنگ‌های اصلی که در اختیار دارید به دست آورید. به این ترتیب ساختن رنگ‌ها را به طور عملی خواهید آموخت و عملاً با خصوصیت رنگ‌ها و تغییرات آن‌ها هنگامی که با یکدیگر مخلوط می‌شوند آشنا می‌شوید، زیرا رنگ‌ها وقتی با یکدیگر مخلوط می‌شوند درخشش خود را تا حدودی از دست می‌دهند. البته باید سعی شود برای ساختن رنگ‌های ترکیبی حتماً از رنگ‌هایی که توسط یک کارخانه ساخته شده‌اند استفاده شود. برای کار با رنگ لازم است از مواد رنگین ساخت کارخانه‌های معتبر و کاغذ ضخیم مرغوبی که بافت محکم و رنگ سفید مات داشته باشد استفاده شود. در غیر این صورت نتیجه رضایت‌بخشی حاصل نخواهد شد و تجربه کار با رنگ نیز به طور ناقص و غلطی پیش خواهد رفت. در صورت رعایت نکاتی که ذکر شد می‌توان از ترکیب زرد و قرمز، نارنجی مناسبی تهیه کرد. اگرچه ممکن است درخشش نارنجی آماده موجود در بازار را نداشته باشد. در صورتی که بخواهید از نارنجی آماده استفاده کنید، بهتر است نارنجی کادمیوم را تهیه کنید.



با ترکیب زرد کادمیوم و آبی کبالت یا آبی اولترامارین نیز می‌توان سبزه‌ای نسبتاً راضی‌کننده‌ای به دست آورد که نه به آبی گرایش داشته باشد و نه به زرد. از میان سبزه‌های موجود در بازار نیز که از نظر تیرگی - روشنی و سرد بودن یا گرم بودن بسیار متنوع هستند، سبز کروم رنگ مناسبی است که می‌توان با اضافه کردن کمی زرد کادمیوم به عنوان یک سبز خوب از آن استفاده کرد.



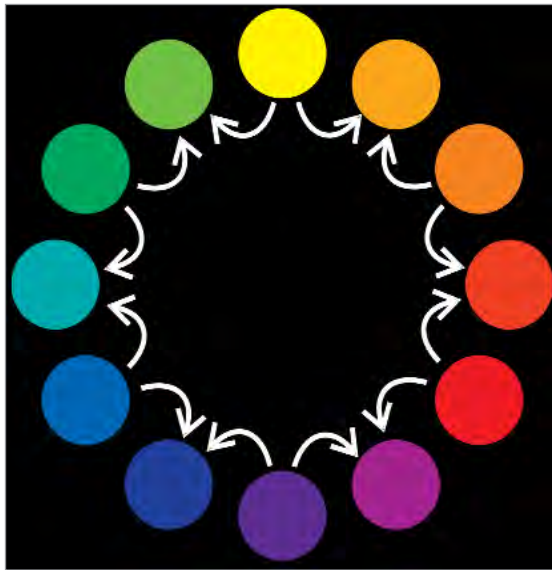
برای ساختن بنفش بهتر است از مخلوط کردن آبی اولترامارین با قرمز آلیزارین و کمی سفید استفاده کرد. در غیر این صورت برای ساختن بنفش همواره مشکلاتی وجود خواهد داشت و هیچ‌گاه بنفش خوبی ساخته نخواهد شد. در بازار نیز معمولاً دو نوع بنفش موجود است که یکی با مخلوط کردن قرمز آلیزارین با آبی کبالت و دیگر با مخلوط کردن قرمز آلیزارین با آبی اولترامارین ساخته شده است و از درخشش خوبی نیز برخوردار هستند.



رنگ‌های درجه سوم

این رنگ‌ها از مخلوط کردن رنگ‌های اصلی با رنگ‌های درجه دوم حاصل می‌شوند. در واقع هر رنگ درجه سوم از اختلاط یک رنگ درجه دوم با یک رنگ اصلی به دست می‌آید (تصویر ۲۵-۵). رنگ‌های درجه سوم عبارت‌اند از:

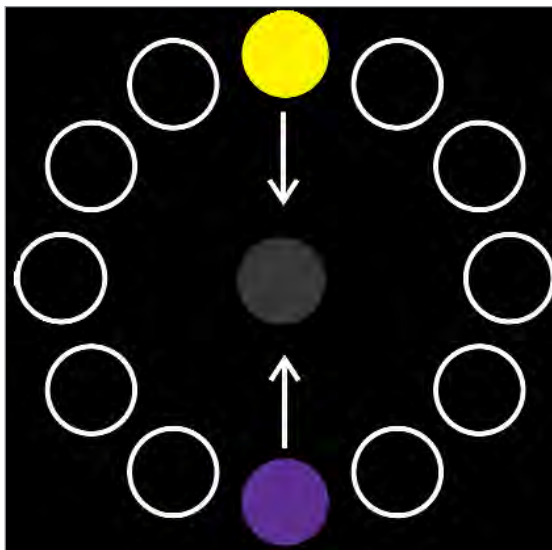
زردنارنجی، قرمز نارنجی، قرمز بنفش، بنفش آبی، سبز آبی، سبزرز. به این ترتیب با اضافه کردن این شش رنگ به سه رنگ اصلی و سه رنگ درجه دوم مجموعه رنگ‌های چرخه دوازده تایی رنگ کامل خواهد شد.



▲ تصویر ۲۵-۵- از مخلوط کردن یک رنگ اصلی با یک رنگ درجه دوم، یک رنگ درجه سوم به دست می آید.

رنگ‌های درجه دوم را به عنوان حدفاصل میان رنگ‌های اصلی و رنگ‌های درجه سوم نیز می‌توان نامید. درواقع از ترکیب دو رنگ مجاور هم در چرخه رنگ، رنگ یا رنگ‌هایی حاصل می‌شود که به عنوان حدفاصل می‌توان از آن‌ها نام برد.

رنگ‌های مکمل

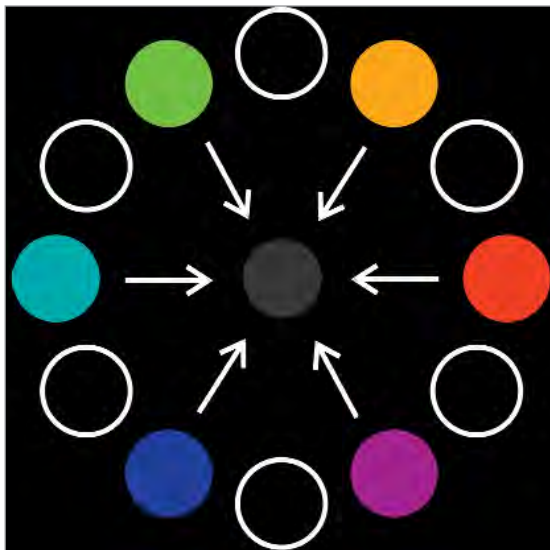


▲ تصویر ۲۶-۵- از مخلوط شدن دو رنگ مکمل، خاکستری بسیار تیره حاصل می‌شود.

هر یک از رنگ‌های درجه دوم مکمل یکی از رنگ‌های اصلی است. به عبارت دیگر از اختلاط دو رنگ اصلی رنگی به دست می‌آید که مکمل رنگ سوم اصلی است. به همین دلیل به رنگ‌های درجه دوم، رنگ‌های مکمل نیز گفته می‌شود. بنابراین همان گونه که از ترکیب کردن سه رنگ اصلی، خاکستری تیره‌ای حاصل می‌شود، از ترکیب کردن دو رنگ مکمل نیز خاکستری تیره‌ای به دست می‌آید. درواقع دو رنگ مکمل وقتی با هم مخلوط شوند، خاصیت رنگین بودن یکدیگر را خنثی می‌کنند. درحالی که وقتی در مجاورت هم قرار می‌گیرند خاصیت رنگین بودن یکدیگر را تشدید می‌کنند (تصویر ۲۶-۵).

در دایره دوازده رنگی هر دو رنگ مکمل به صورت دو سر قطری از دایره روبه روی هم قرار می‌گیرند. به این

ترتیب مکمل بودن رنگ‌ها فقط به رابطه میان سه رنگ اصلی و سه رنگ درجه دوم محدود نمی‌شود. بلکه همه رنگ‌های دیگر نیز که به صورت قطری در چرخه دوازده رنگ روبه روی یکدیگر قرار می‌گیرند مکمل یکدیگر هستند، مکمل زردنارنجی رنگ بنفش آبی، مکمل قرمز نارنجی رنگ سبز آبی و مکمل قرمز بنفش رنگ زرد سبز است. طبیعتاً تعداد رنگ‌های دایره رنگ را می‌توان به طور مناسبی افزایش داد. در این صورت باز هم رابطه



▲ تصویر ۲۷-۵- در چرخه دوازده رنگ هر دو رنگ روبه روی هم به عنوان دو رنگ مکمل محسوب می شوند که از ترکیب شدن آن ها با یکدیگر، خاکستری بسیار تیره ای به دست می آید.

مکمل بودن میان رنگ هایی که روبه روی هم قرار می گیرند برقرار است. اما اضافه کردن تعداد رنگ ها هیچ الزامی ندارد، زیرا هم نام گذاری رنگ هایی که به دست خواهد آمد و هم به خاطر سپردن آن ها بسیار مشکل خواهد بود (تصویر ۲۷-۵).

تجربه و دانش



- ۱ یک کادر 15×15 سانتی متر را از هر طرف به سه قسمت تقسیم بندی کنید. به طوری که یک جدول مرکب از ۹ خانه به دست آید. اکنون سه خانه بالا را به دقت با سه رنگ اصلی زرد، قرمز و آبی رنگ آمیزی کنید. سپس سه خانه پایین را نیز طوری با رنگ های اصلی رنگ آمیزی کنید که از ترکیب هر کدام از رنگ های خانه بالا و خانه پایین، یک رنگ درجه دوم در یکی از خانه های میانی به دست آید.
- ۲ یک کادر 24×12 سانتی متر را از طرف ضلع بزرگ تر به شش قسمت و از طرف ضلع کوچک تر به سه قسمت تقسیم بندی کنید به طوری که یک جدول مرکب از ۱۸ خانه 4×4 سانتی متر به دست بیاید. اکنون ۶ خانه بالا را به ترتیب از سمت راست با سبز، آبی، بنفش، قرمز، نارنجی و زرد رنگ کنید. سپس ۶ خانه پایین را مجدداً از سمت راست، با زرد، سبز، آبی، بنفش، قرمز و نارنجی رنگ آمیزی کنید. اینک خانه های میانی را با ترکیب یک رنگ از خانه بالا و یک رنگ از خانه پایین طوری رنگ آمیزی کنید که در هر کدام از خانه های میانی یک رنگ درجه سوم به دست بیاید.
- ۳ یک کادر 15×15 سانتی متر را از هر طرف به سه قسمت تقسیم بندی کنید. سپس سه خانه بالا را با رنگ های اصلی و سه خانه پایین را با رنگ های مکمل طوری رنگ آمیزی کنید که در خانه های میانی از ترکیب هر زوج مکمل یک خاکستری تیره به دست آید.
- ۴ با استفاده از گواش و با راهنمایی هنرآموز یک نقاشی بکشید که در آن حداقل پنج رنگ از رنگ های چرخه رنگ استفاده شده باشد. در این تمرین می توانید از سیاه و سفید نیز استفاده کنید.

وقتی از کنتراست رنگ‌ها صحبت می‌شود، منظور وجود روابط و تأثیراتی است که هم تمایز میان رنگ‌ها و هم تأثیرات متقابل میان آن‌ها را از نظر بصری مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد. به این ترتیب وجود کنتراست میان رنگ‌ها صرفاً به معنای وجود تضاد میان آن‌ها نیست. بلکه بررسی روابط و مقایسه میان آن‌هاست. به عنوان مثال وقتی از سیاه و سفید به عنوان نهایت کنتراست روشنی - تیرگی نام برده می‌شود، مقایسه‌ای براساس مفهوم تیرگی و روشنی میان آن‌ها صورت گرفته است. به همین ترتیب با مقایسه مفاهیم دیگر مثل خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، کوتاهی و بلندی از رابطه متضاد و معناداری که میان آن‌هاست سخن می‌گوییم. درحالی که بدون درک این رابطه نمی‌توانیم آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم. مثلاً نمی‌توان از کنتراست میان زشتی و بلندی سخن گفت. چون زشتی با درک زیبایی میسر می‌شود و با آن رابطه دارد و بلندی با درک کوتاهی معنی پیدا می‌کند و با آن رابطه دارد. در واقع بسیاری از امور از طریق همین مقایسه و رابطه است که درک می‌شوند. با این توصیف باید گفت وجود روابط میان رنگ‌هاست که تأثیرات آن‌ها را قوی یا ضعیف می‌کند و به کنتراست معنی می‌دهد.

چگونگی تأثیرگذاری رنگ‌ها در یک اثر تجسمی صرفاً بستگی به نحوه اختلاط و نوع رنگ‌های به کاررفته در آن اثر ندارد، بلکه بیش از هر چیز مربوط به چگونگی استفاده از کنتراست و روابط میان رنگ‌ها می‌شود. برای اینکه حالت رنگ در یک اثر تجسمی رنگین به صورتی جاندار و پرتحرک و تأثیرگذار جلوه کند، باید دانست که چگونه و براساس کدام قواعد رنگ‌ها را در ترکیب مورد نظر استفاده کنیم. نتیجه موفقیت‌آمیز بستگی به شناخت روابط میان رنگ‌ها و قواعد استفاده از کنتراست‌های رنگی دارد. این موضوع به این معنی نیست که هرکس با شناخت قوانین رنگ می‌تواند اثری خلاقانه با ارزش‌های هنری به وجود بیاورد. بلکه شناخت قوانین رنگ می‌تواند به هرچه بهتر به نمایش گذاشتن خلاقیت هنرمند کمک کند. بسیاری از هنرمندان بزرگ این قوانین را بر اثر تمرین و ممارست فرا گرفته‌اند. اما آن‌ها پیش از هر چیز براساس تجربه و با الهام از ندایی درونی آثار هنری خود را به وجود آورده‌اند. رنگ‌ها نه تنها شدت و تأثیرگذاری یکدیگر را به کمک کنتراست تقویت می‌کنند، بلکه هم‌آوایی و همراهی با یکدیگر را نیز از طریق کنتراست به دست می‌آورند.

بسیاری از هنرمندان و رنگ‌شناسان راجع به قواعد و قوانین کنتراست رنگ تحقیق کرده‌اند. آن‌ها اغلب از هم‌آوایی، روابط اسرارآمیز و گفت‌وگوی میان رنگ‌ها سخن گفته‌اند و عموماً منظورشان روابطی است که بر اساس هماهنگی کنتراست میان رنگ‌ها به وجود می‌آید.

مشهورترین نظریه در خصوص کنتراست رنگ مربوط به وجود هفت کنتراست رنگ است که عبارت‌اند از:

- ۱ کنتراست ته رنگ یا فام
- ۲ کنتراست تیرگی - روشنی رنگ
- ۳ کنتراست رنگ‌های سرد و گرم
- ۴ کنتراست رنگ‌های مکمل
- ۵ کنتراست هم‌زمانی رنگ‌ها
- ۶ کنتراست کیفیت رنگ (اشباع)
- ۷ کنتراست کمیت یا وسعت سطوح رنگ‌ها.

با توجه به اینکه کنتراست‌های هفت‌گانه از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار هستند، هرکدام از آن‌ها را در جای خود مورد بررسی قرار خواهیم داد.

کنتراست تهرنگ یا فام

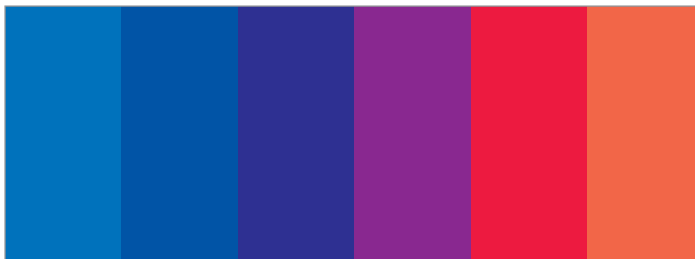


▲ تصویر ۵-۲۸- قرار گرفتن رنگ‌های اصلی در کنار یکدیگر می‌تواند شدیدترین کنتراست تهرنگ را ایجاد کند.



▲ تصویر ۵-۲۹- شدت کنتراست تهرنگ در رنگ‌های درجه دوم از رنگ‌های اصلی کمتر است.

نکته مهم در اینجاست که هرچه رنگ‌ها از سه رنگ اصلی فاصله بیشتری پیدا کنند و از وجوه مشترکی برخوردار شوند، قدرت آن‌ها برای ایجاد کنتراست تهرنگ کمتر می‌شود. به عبارت دیگر همان‌طور که شدیدترین حالت کنتراست تیرگی میان سیاه و سفید به وجود می‌آید، شدیدترین کنتراست تهرنگ نیز میان سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی که هیچ وجه مشترکی از جهت رنگین بودن با یکدیگر ندارند به وجود می‌آید (تصویر ۵-۲۸). بر همین اساس کنتراست تهرنگ در میان رنگ‌های درجه دوم یعنی سبز، نارنجی و بنفش که رنگ‌های ترکیبی هستند به مراتب کمتر است (تصویر ۵-۲۹).

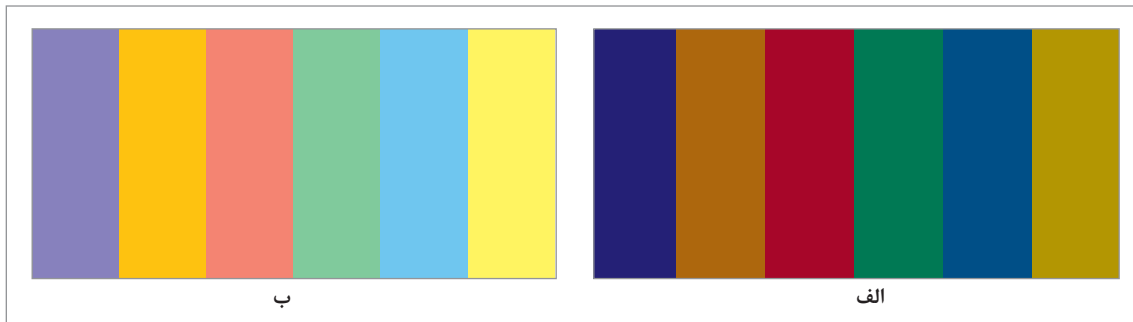


▲ تصویر ۵-۳۰- رنگ‌هایی که از نظر رنگین بودن به یکدیگر نزدیک هستند، شدت کنتراست تهرنگ کمتری ایجاد می‌کنند.

این کنتراست از ساده‌ترین کنتراست‌های هفت‌گانه رنگ است. برای رسیدن به این نوع کنتراست کافی است که از رنگ‌های خالص استفاده کنیم. وقتی گفته می‌شود رنگ‌های خالص، منظور فقط سه رنگ اصلی نیست بلکه همه رنگ‌های چرخه رنگ را تا وقتی که با سیاه، سفید، خاکستری یا رنگ مکملشان مخلوط نکرده‌ایم به عنوان رنگ‌های خالص می‌توان استفاده کرد. این رنگ‌ها وقتی در کنار یکدیگر در یک ترکیب قرار می‌گیرند چون به واسطه تفاوت رنگشان از یکدیگر متمایز هستند می‌توانند کنتراست تهرنگ را به وجود بیاورند. اما

در رنگ‌های درجه سوم از شدت کنتراست تهرنگ باز هم بیشتر کاسته خواهد شد، چون بیش از رنگ‌های درجه دوم از رنگ‌های اصلی فاصله گرفته‌اند. رنگ‌هایی که در چرخه رنگ در مجاور یکدیگر قرار گرفته‌اند، کنتراست تهرنگ ضعیف‌تری به وجود می‌آورند (تصویر ۵-۳۰).

کاربرد موفقیت‌آمیز کنتراست تهرنگ بستگی به شناخت توانایی‌ها و قدرت بصری رنگ‌ها و چگونگی استفاده از آن‌ها در یک ترکیب دارد. وقتی رنگ‌ها با سیاه و سفید مخلوط شوند از میزان کنتراست تهرنگ آن‌ها کاسته می‌شود (تصویر ۵-۳۱- الف و ب).



▲ تصویر ۵-۳۱- در قسمت (الف) رنگ‌ها با سیاه تیره و در قسمت (ب) با سفید روشن شده‌اند. در هر دو مورد از شدت کنتراست ته‌رنگ کاسته شده است.



▲ تصویر ۵-۳۲- ایجاد کنتراست ته‌رنگ با استفاده از رنگ‌های اصلی

استفاده از سیاه و سفید در کنار رنگ‌های خالص می‌تواند به ایجاد کنتراست ته‌رنگ و شدت بخشیدن به تأثیرات رنگ‌های تیره یا روشن کمک کند. زیرا سیاه به واسطه تیرگی خود وقتی به‌عنوان زمینه یا در مجاورت رنگ‌ها به کار گرفته شود می‌تواند به شدت روشنایی و درخشش آن‌ها بیفزاید. درحالی که سفید رنگ‌ها را به‌صورت تیره‌تری جلوه‌گر می‌سازد (تصویرهای ۵-۳۲ تا ۵-۳۴).



▲ تصویر ۵-۳۴- کنتراست ته‌رنگ با استفاده از رنگ‌های اصلی، رنگ‌های درجه دوم و رنگ‌های میانی آن‌ها

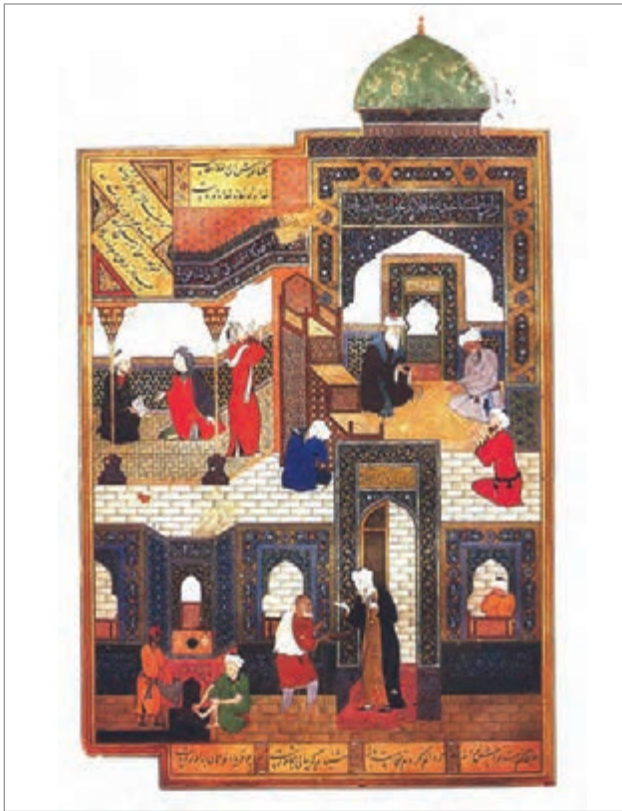


▲ تصویر ۵-۳۳- ایجاد کنتراست ته‌رنگ و استفاده از سیاه در کنار رنگ‌های اصلی

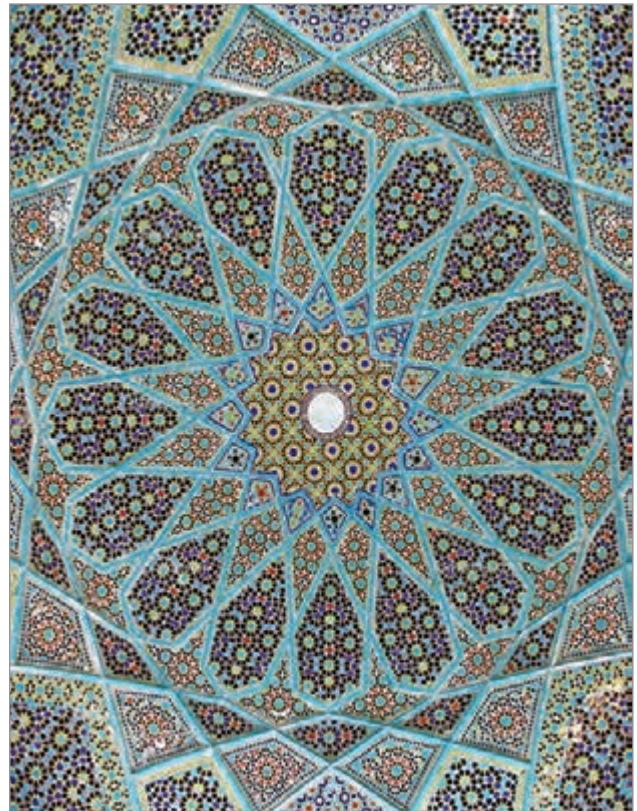
در هر حال تأثیرات دیگری همچون وسعت سطح رنگ‌ها یا تیرگی و روشنی نیز می‌تواند در ایجاد شدت کنتراست تهرنگ یا کاهش آن مؤثر باشد. همه چیز بستگی به ترکیب نهایی و چگونگی ایجاد رابطه میان رنگ‌ها دارد. از کنتراست تهرنگ می‌توان به شیوه‌های مختلفی برای ساختن آثار هنر تجسمی یا هنر کاربردی بهره گرفت. کنتراست تهرنگ می‌تواند در ساختن یک نقاشی طبیعت بی‌جان، منظره یا حتی یک نقاشی انتزاعی (آبستره) یا تزئینی به ما کمک کند یا اینکه برای رنگ‌آمیزی نقوش پارچه، طراحی لباس، انجام تزئینات داخلی، صفحه‌آرایی و یا ساختن یک پوستر تبلیغاتی یا یک اثر حجمی در میدان شهر به کار گرفته شود و یا حتی انتخاب رنگ برای صحنه‌ها و مکان‌های مختلف یک اثر سینمایی یا یک بنای معماری می‌تواند مورد نظر باشد. در بسیاری از هنرها و صنایع دستی نیز با بهره بردن از رنگ‌های خالص و کنتراست تهرنگ آثار بدیعی به وجود می‌آید. رنگ‌آمیزی بسیاری از لباس‌های محلی، اشیای زندگی بومی و بافته‌هایی مثل فرش و گلیم نیز براساس کنتراست تهرنگ انجام شده است. در هنرهای سنتی، آثار نقاشی قدیم ایرانی، آثار کتاب‌آرایی مسیحیت و تزئین برخی بناها از کنتراست تهرنگ بسیار استفاده شده است. در آثار نقاشی مدرن به ویژه آثار نقاشان انتزاع‌گرا نیز این کنتراست مورد توجه قرار گرفته است (تصویرهای ۳۵-۵ تا ۳۷-۵).



▲ تصویر ۳۵-۵- مجلس وعظ حضرت امام حسن (ع)، منسوب به قاسم‌بن علی نقاش هم‌عصر بهزاد - نیمه اول سده دهم هجری - قمری. (۲۱×۱۵/۸ سانتی‌متر)



▲ تصویر ۲۷-۵



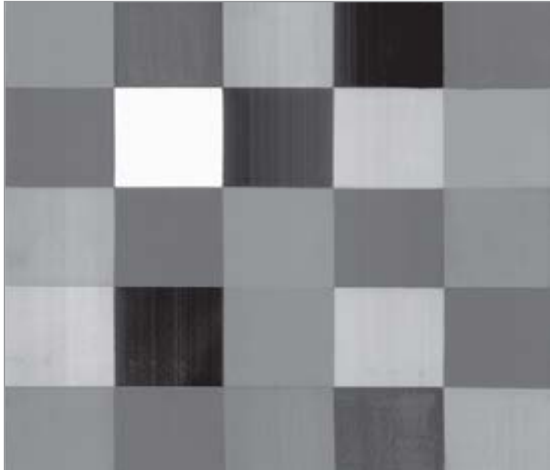
▲ تصویر ۲۶-۵ - کاشی معرق بر بنای اسلامی

کنتراست تیرگی - روشنی رنگ

تأثیراتی که کنتراست تیرگی - روشنی رنگ روی روابط میان رنگ‌ها و روی مخاطبین یک اثر هنری می‌گذارد، پس از کنتراست ته‌رنگ‌فام از اهمیتی ویژه برخوردار است. بخش قابل توجهی از موفقیت آثار هنرمندان نقاش در طول تاریخ هنر در ارتباط با چگونگی استفاده از کنتراست تیرگی - روشنی است. شاید اهمیت و گستردگی توجه به این نوع کنتراست به این دلیل است که تیرگی و روشنی نقش بسیار عمیقی در زندگی انسان و دیدن اشیا و رنگ آن‌ها دارد و همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد تیرگی و روشنی یکی از وجوه متمایزکننده رنگ‌ها و شکل‌ها از یکدیگر است. همچنان که درک بصری از برجستگی و فرورفتگی و دوری و نزدیکی اشیا نیز با توجه به میزان تیرگی و روشنی آن‌ها میسر می‌شود.

چنانچه تصور شود که رنگ‌ها میان دو قطب تیره و روشن قرار گرفته‌اند و هر رنگی از تیرگی مخصوص برخوردار است، آن‌گاه اهمیت تیرگی و روشنی رنگ‌ها را از نظر بصری بیشتر درخواهیم یافت. میزان تیرگی هر رنگ را می‌توان به‌طور مناسب با یک درجه از خاکستری بی‌فام (خاکستری حاصل از ترکیب سیاه و سفید) نشان داد. با مقایسه شکل ۳۹-۵ که برگردان رنگ‌های شکل ۳۸-۵ به درجاتی از خاکستری بی‌فام است، می‌توان نتیجه گرفت که برخی از رنگ‌ها تیره‌تر از برخی دیگر هستند و هر رنگ دارای درجه‌ای از تیرگی مخصوص به خود

است. به عنوان مثال، روشن ترین رنگ در شکل ۵-۳۸ زرد و تیره ترین رنگ آن بنفش است. این دو شدیدترین درجه از کنتراست تیرگی - روشنی رنگ را نیز در شکل ۵-۳۹ به وجود آورده اند.

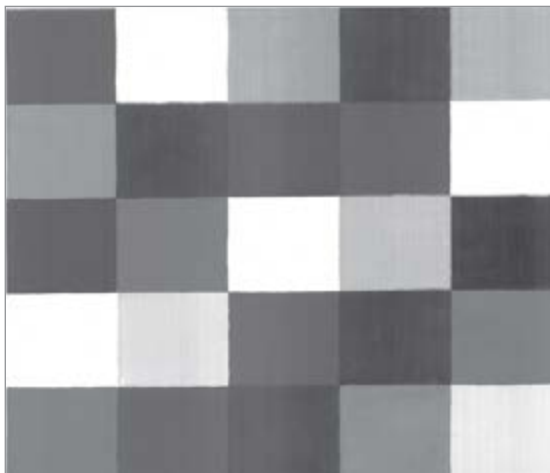


▲ تصویر ۵-۳۹- نمایش میزان تیرگی رنگ های تصویر ۵-۳۸ که به صورت درجاتی از خاکستری در کنار هم قرار دارند.

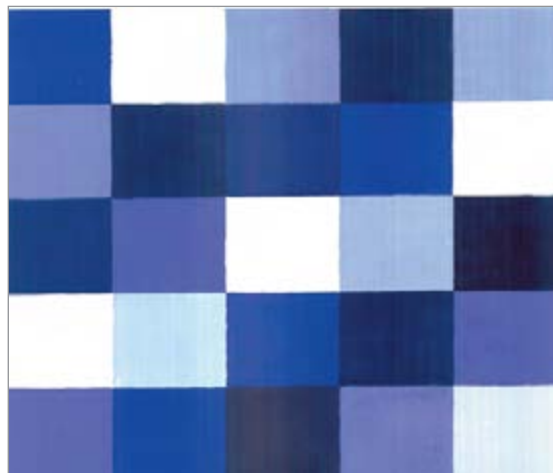


▲ تصویر ۵-۳۸- نمایش رنگ های مختلف در کنار یکدیگر

به طور کلی رنگ ها را می توان با سیاه تیره تر و با سفید روشن تر کرد. به هر میزان که رنگ ها را با سفید یا سیاه مخلوط کنیم، در مقابل درجات مختلفی از ارزش رنگی (والو) یا درجات تیرگی - روشنی یک رنگ ایجاد می شود که به راحتی قابل مقایسه با رنگسایه های (تنالیه های) مختلف خاکستری خواهد بود. درجات مختلف خاکستری های رنگی می توانند در کنار یکدیگر کنتراست تیرگی - روشنی رنگ را به وجود بیاورند. در شکل ۵-۴۰ گام های مختلفی از رنگ آبی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند، در حالی که در شکل ۵-۴۱ درجات متناسبی از خاکستری های بی فام که از نظر درجه تیرگی متناسب با ارزش های مختلف رنگ آبی شکل ۵-۴۰ است نشان داده شده است.



▲ تصویر ۵-۴۱- درجات مختلف خاکستری متناسب با تیرگی های مختلف رنگ آبی در تصویر ۵-۴۰



▲ تصویر ۵-۴۰- درجات مختلفی از رنگ آبی که با سیاه تیره و با سفید روشن شده اند.



▲ تصویر ۵-۴۲

در هنرهای کاربردی نیز توجه به شدت ارزش‌های تیرگی-روشنی رنگ‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به خصوص در طراحی و رنگ‌آمیزی نقوش پارچه. در عکاسی سیاه و سفید نیز ارزش‌های تیره-روشن بخشی جدایی‌ناپذیر از موفقیت یک عکس است. همچنان که در تصویربرداری برای سینما و تلویزیون توجه به ارزش‌های تیره و روشن براساس محاسبه‌های بسیار دقیق صورت می‌گیرد (تصویرهای ۵-۴۲ تا ۵-۴۴).



ب



الف

▲ تصویر ۵-۴۳- نصراله کسرائیان، بافنده. تصویر (الف) به صورت رنگی در حالی که از کنتراست تیرگی-روشنی زیادی برخوردار است. در چاپ آن به صورت سیاه و سفید (ب) جزئیات حفظ شده است.



▲ تصویر ۵-۴۴- در این نقاشی طبیعت بی‌جان، اثر لویی مندنز، نقاش اسپانیایی سده هجدهم میلادی، از ارزش‌های تیرگی و روشنی رنگ‌ها به خوبی استفاده شده است.

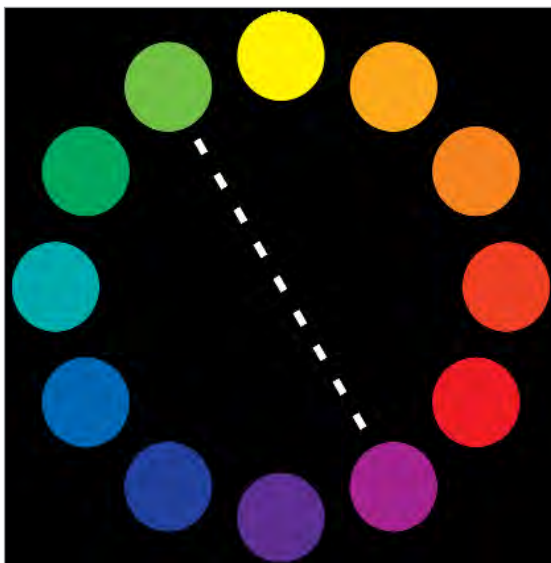
کنتراست رنگ‌های سرد و گرم

کنتراست سرد و گرم بر پایهٔ احساسی درونی از دیدن رنگ‌ها به وجود می‌آید. البته احساس سردی یا گرمی مربوط به حس لامسه است و شاید خیلی عجیب به نظر برسد که ما از طریق حس بینایی و با دیدن رنگ‌ها آن را احساس می‌کنیم، اما واقعیت این است که رنگ‌ها به طور مستقیم و توسط حس بینایی بر همهٔ وجود ما تأثیر می‌گذارند. درست همان طوری که با شنیدن صدای زیر بعضی از سازها ممکن است دردی جسمانی را احساس کنیم یا با دیدن برخی از بافت‌ها احساس زبری و خشونت یا نرمی و لطافت کنیم. واقعیت رنگ نیز چیزی است که از طریق احساس بینایی تأثیرات عمیقی بر روان و جسم انسان و سایر موجودات می‌گذارد. آن چنان که ایتن در کتاب رنگ خود نقل کرده است، دسته‌ای از اسب‌ها پس از انجام مسابقه در اصطبل‌ی که به رنگ آبی رنگ‌آمیزی شده بود به سرعت آرامش خود را بازیافتند. درحالی که در اصطبل‌ی که به



▲ تصویر ۴۵-۵

رنگ قرمز رنگ‌آمیزی شده بود دسته‌ای دیگر از اسب‌ها تا مدتی بی‌قرار و ناآرام بودند و در اصطبل آبی رنگ هیچ مگسی مشاهده نمی‌شد ولی در اصطبل قرمز رنگ تعداد زیادی مگس جمع شده بود. معمولاً احساس سردی و گرمی رنگ‌ها مربوط به خاطرات آگاهانه یا ناخودآگاهی است که از عناصر طبیعت مثل آب و آتش داریم. برخی از رنگ‌ها مثل قرمز، زرد و رنگ‌های مربوط به آن‌ها را عموماً گرم احساس می‌کنیم و رنگ‌هایی مثل سبز، آبی و ترکیب‌های مربوط به آن‌ها را معمولاً سرد و خنک احساس می‌کنیم (تصویر ۴۵-۵).



▲ تصویر ۴۶-۵ خط قطری مقطع به طور نسبی خانواده رنگ‌های گرم را در سمت راست و خانواده رنگ‌های سرد را در سمت چپ نشان می‌دهد.

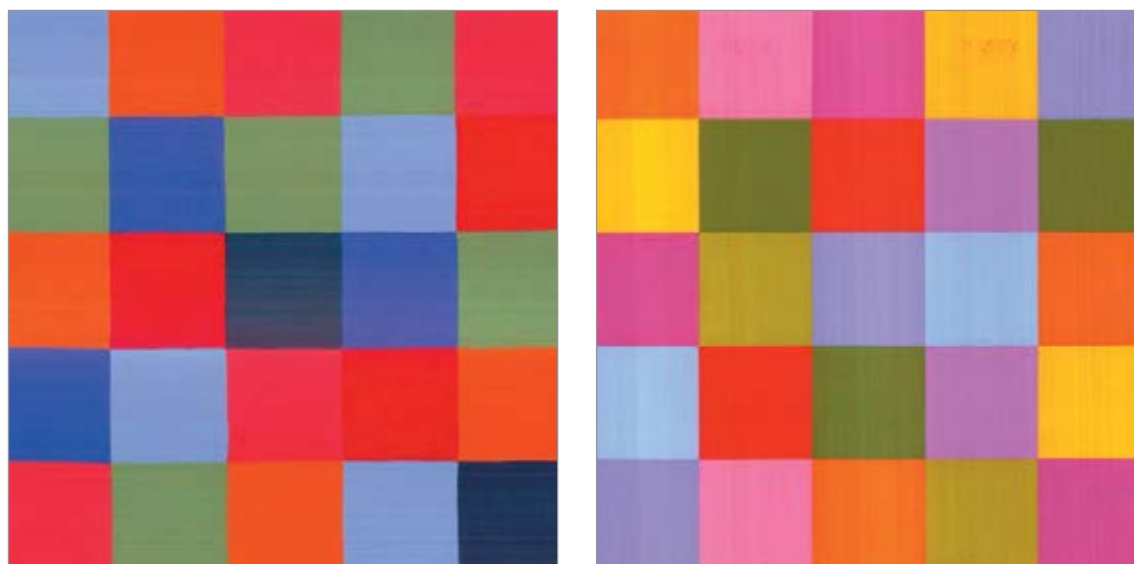
در میان رنگ‌ها می‌توان قرمز نارنجی را به عنوان پرحرارت‌ترین رنگ و سبزی را سردترین رنگ احساس کرد. اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برای سردی و گرمی رنگ‌ها هیچ حدومرز دقیقی نمی‌توان قائل گردید، بلکه سرد یا گرم حس کردن آن‌ها بستگی به رنگ‌های هم‌جوار و حس درونی مخاطب دارد. در هر حال براساس دایره رنگ با یک خط قطری که از سبز زرد به قرمز بنفش امتداد می‌یابد می‌توان یک حد تقریبی را میان رنگ‌های گرم در سمت راست دایره و رنگ‌های سرد در سمت چپ دایره تصور کرد (تصویر ۴۶-۵).

در شکل ۵-۴۷ نیز رنگ قرمز بنفش کاملاً یکسان انتخاب شده است اما در قسمت (الف) به دلیل قرار گرفتن آن در کنار یک رنگ سرد، آن را گرم حس می‌کنیم. در حالی که در قسمت (ب) به واسطهٔ مجاورت آن با یک رنگ کاملاً گرم، آن را سرد حس می‌کنیم.



▲ تصویر ۵-۴۷

در شکل‌های ۵-۴۸ و ۵-۴۹ تعدادی از رنگ‌های سرد در کنار رنگ‌های گرم قرار گرفته‌اند. برای اینکه در این جدول کنتراست سرد و گرم بیشتر احساس شود، سعی شده است از فام‌های مختلف قرمز و آبی استفاده شود، به علاوه اینکه سعی شده است رنگ‌ها از کنتراست تیرگی-روشنی زیادی نسبت به یکدیگر برخوردار نباشند. بلکه حدی متوسط از روشنایی را دارا باشند. زیرا کنتراست تیره-روشن خصوصیت سردی و گرمی رنگ‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه کنتراست سرد و گرم ضعیف‌تر جلوه می‌کند.



▲ تصویر ۵-۴۹- رنگ‌های سرد و رنگ‌های گرم برای ایجاد کنتراست سرد و گرم

▲ تصویر ۵-۴۸- رنگ‌های گرم و رنگ‌های سرد برای ایجاد کنتراست سرد و گرم، برای سردتر شدن بعضی از رنگ‌ها به آن‌ها کمی سفید اضافه شده است.

رنگ‌های گرم از نظر ایجاد بُعد فضایی، معمولاً نزدیک‌تر احساس می‌شوند، درحالی که رنگ‌های سرد حتی اگر در همان فاصله قرار داشته باشند، عقب‌تر و در فاصله‌ای دورتر دیده می‌شوند. در یک منظره طبیعی وقتی به دوردست نگاه می‌کنید، رنگ تپه‌ها و کوه‌های دوردست تغییر یافته و به سردی می‌گیرند. درحالی که همان تپه‌ها و سایر اجزا در فاصله نزدیک با رنگ‌های گرم‌تری دیده می‌شوند (تصویر ۵-۵۰).



▲ تصویر ۵-۵۰

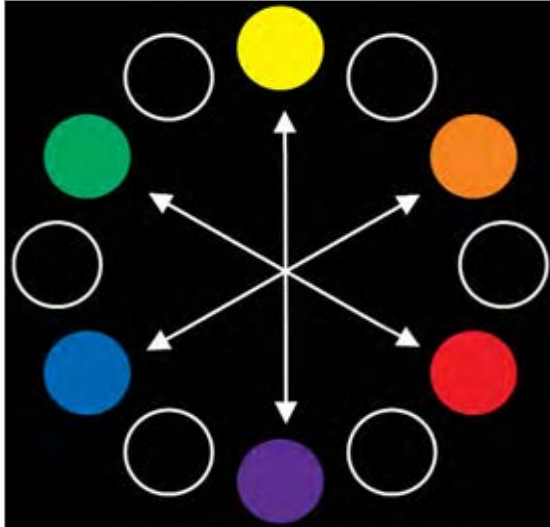
بدین ترتیب رنگ‌های سرد و گرم در ایجاد دوری و نزدیکی نقش مهمی دارند و در نمایش پرسپکتیو جوی به هنرمندان کمک می‌کنند. شناختن تأثیر و نقش رنگ‌ها روی روان و احساس افراد می‌تواند به انجام موفقیت‌آمیز تزئینات داخلی یک بنا کمک کند، همچنان که رنگ‌ها در بسیاری از جاهای دیگر نیز می‌توانند نقش عمده خود را برای بیان یک احساس و انتقال معنی داشته باشند. آثار نقاشان امپرسیونیست^۱ عموماً با رنگ‌های سرد و گرم شکل گرفته‌اند. به همین دلیل هم رنگ‌های آن‌ها روشن‌تر و با تالو بیشتر به نظر می‌رسند (تصویر ۵-۵۱).



▲ تصویر ۵-۵۱

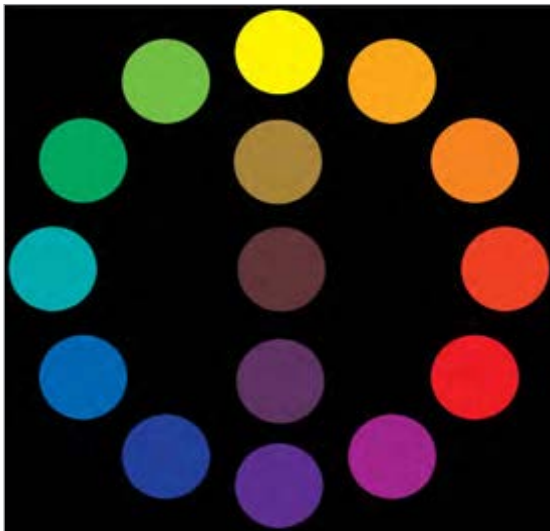
۱. امپرسیونیست‌ها در نیمه دوم سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم فعال بودند و عموماً با اعتقاد به ثبت نور و رنگ در ساعات مختلف روز و تأثیرات نور به روی رنگ‌های طبیعت نقاشی می‌کردند. آن‌ها از به کار بردن سیاه در تابلوهای خود اجتناب می‌کردند و رنگ‌ها را به صورت لکه‌های نسبتاً درشتی به روی بوم می‌گذاشتند.

کنتراست رنگ‌های مکمل



وقتی دو رنگ مکمل در کنار هم قرار می‌گیرند تأثیرگذاری آن‌ها به روی هم طوری است که یکدیگر را از نظر درخشش و قدرت فام به شدیدترین مرتبه ارتقا می‌دهند. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، در چرخه دوازده رنگی، دو رنگ مکمل به صورت قطری روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند. به‌طور مثال: زرد و بنفش، قرمز و سبز، نارنجی و آبی (تصویر ۵۲-۵).

▲ تصویر ۵۲-۵- در چرخه دوازده رنگی، هر دو رنگ مکمل روی قطره‌های دایره روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند.



وقتی دو رنگ مکمل را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که آن‌ها از سه رنگ اصلی یعنی قرمز، زرد و آبی تشکیل شده‌اند. بنابراین همان‌طور که از مخلوط کردن سه رنگ اصلی خاکستری تیره‌ای حاصل می‌شود، از اختلاط دو رنگ مکمل نیز خاکستری تیره‌ای به‌دست می‌آید. چنانچه دو رنگ مکمل به‌تناسب با یکدیگر مخلوط شوند خاکستری‌های رنگین و آرامی حاصل می‌شود (تصویرهای ۵۳-۵ و ۵۴-۵).

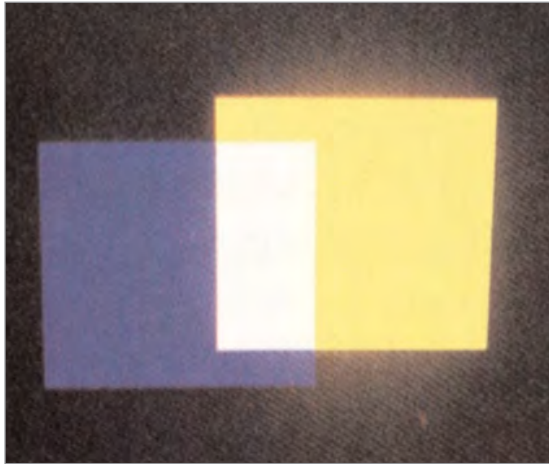
درحالی‌که از ترکیب افزایشی دو دسته از پرتوهای رنگی مثل قرمز و آبی فیروزه‌ای (سایان) مجدداً نور سفید به‌دست می‌آید.

▲ تصویر ۵۳-۵- دو رنگ مکمل وقتی با یکدیگر ترکیب می‌شوند، خصوصیت رنگین یکدیگر را خنثی و خاکستری‌های رنگین حاصل می‌کنند.

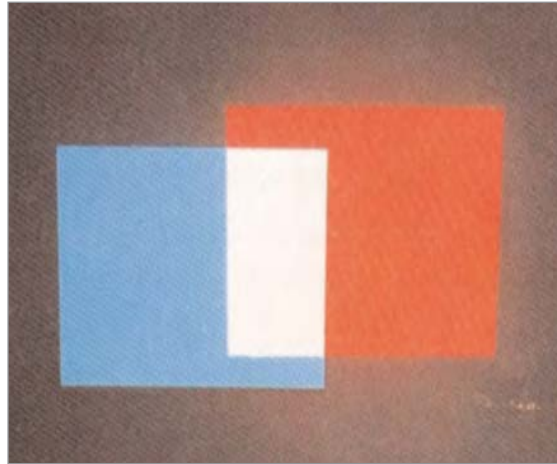


▲ تصویر ۵۴-۵- خاکستری‌های رنگین حاصل از اختلاط دو رنگ مکمل نارنجی و آبی

همان‌طور که دیدیم معمولاً دو رنگ اصلی وقتی با یکدیگر مخلوط می‌شوند و ترکیب کاهشی اتفاق می‌افتد، درخشش رنگین یکدیگر را خنثی می‌کنند و به تیرگی میل می‌کنند، درحالی که همین دو رنگ وقتی در مجاورت و در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند درجه خلوص و درخشش یکدیگر را تقویت کرده و قدرت می‌بخشند (تصویرهای ۵-۵۵، ۵-۵۶ و ۵-۵۷).

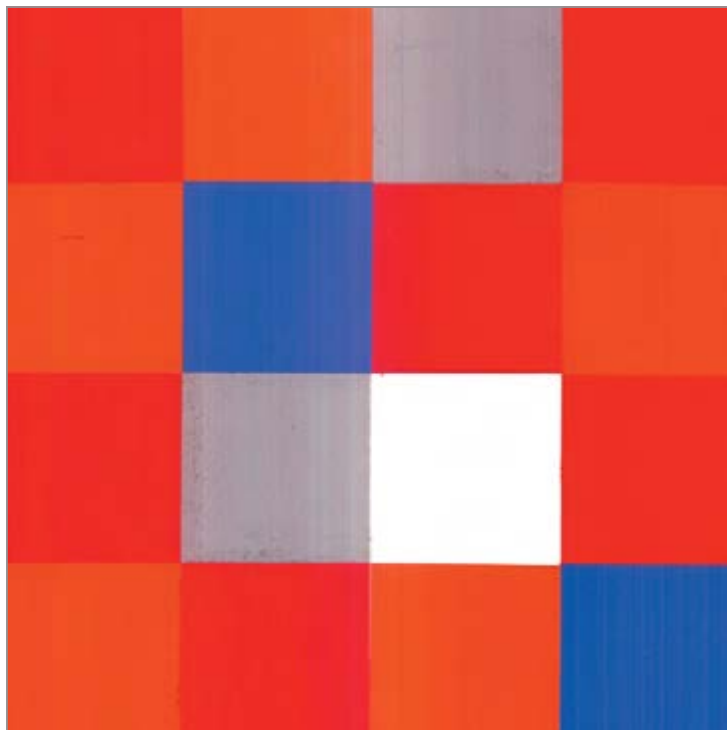


▲ تصویر ۵-۵۶



▲ تصویر ۵-۵۵

از ترکیب افزایشی پرتوهای مکمل قرمز و آبی فیروزه‌ای و پرتوهای مکمل زرد و آبی بنفش به روی یک زمینه سفید، مجدداً نور سفید حاصل می‌شود.



▲ تصویر ۵-۵۷: رنگ آبی در کنار نارنجی و قرمز نارنجی شدت کنتراست دو رنگ مکمل را نشان می‌دهد.

وجود رنگ‌های مکمل در طبیعت بر شکوه و زیبایی مناظر می‌افزاید. یک شاخه گل قرمز با شاخ و برگ سبز و یا بوته‌های گل سرخ در یک بوستان علاوه بر دو رنگ مکمل قرمز و سبز، خاکستری‌های حاصل از آن‌ها را نیز به زیبایی نمایش می‌دهند. استفاده از رنگ‌های مکمل به‌ویژه در آثار نقاشی قدیم ایرانی توانسته است مجالس پرشکوهی از زیبایی طبیعت و تصاویر چشم‌نوازی را به وجود بیاورد (تصویر ۵۸-۵).



▲ تصویر ۵۸-۵- تماشا کردن شیرین تصویر خسرو را، برگي از خمسة نظامی، هرات اواخر سده نهم هجری قمری

در آثار نقاشان پساامپرسیونیست^۱ نیز استفاده از رنگ‌های مکمل بسیار دیده می‌شود. از جمله در کارهای ون‌گوگ و گوگن که رنگ را در سطوح بزرگ و به مقیاس وسیعی به صورت تخت استفاده کرده‌اند و یا در کارهای سورا و سینیاک که رنگ‌های مکمل را به صورت لکه‌های کوچکی در کنار یکدیگر به کار گرفته‌اند (تصویرهای ۵-۵۹ و ۵-۶۰).



▲ تصویر ۵-۶۰



▲ تصویر ۵-۵۹- ونسان ون گوگ (۱۸۵۳-۱۸۹۰) رنگ روغن روی بوم، (۹۲×۷۳ سانتی‌متر)

کنتراست همزمان

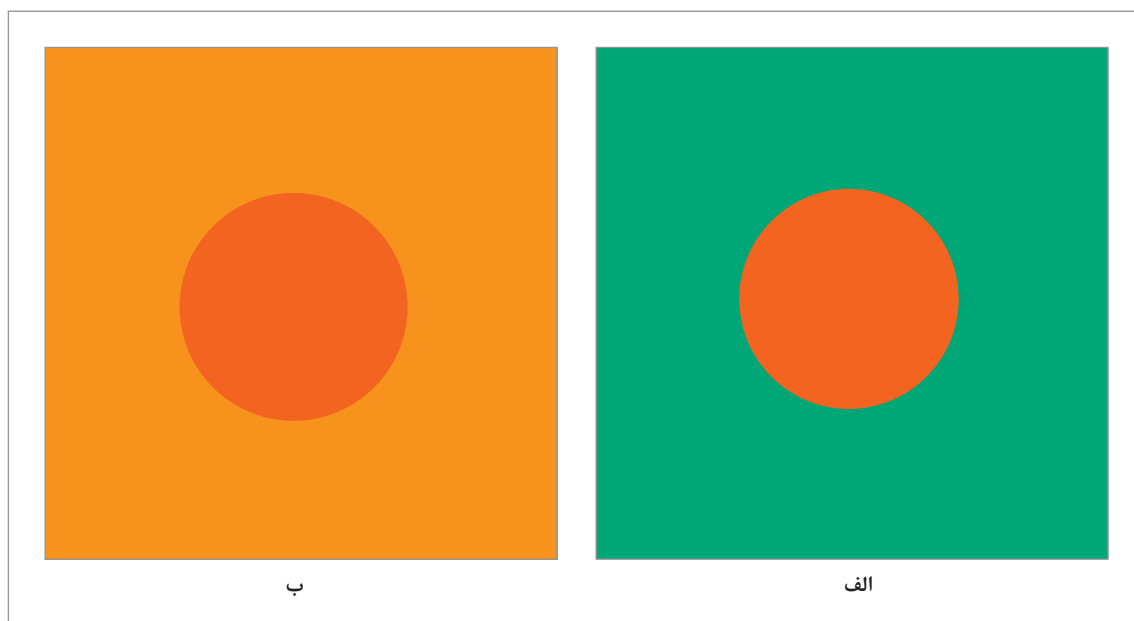
کنتراست همزمان ناشی از تأثیر عمومی رنگ‌ها به روی احساس بینایی است و با رابطه میان رنگ‌های مکمل ایجاد می‌شود. همان‌طور که در قسمت رنگ‌های مکمل توضیح داده شد، وقتی که ما یک رنگ را می‌بینیم، به‌طور همزمان و در همان لحظه رنگ مکمل آن را از نظر بصری طلب می‌کنیم و چنانچه آن رنگ وجود نداشته باشد، چشم و ذهن ما به‌طور همزمان آن را پدید می‌آورند. به‌عنوان مثال وقتی که ما رنگ قرمزی را می‌بینیم، چشم به‌طور همزمان رنگ مکمل آن یعنی سبز (مخلوط زرد و آبی) را می‌سازد البته این رنگ به‌صورت ذهنی به وجود می‌آید و ملموس نیست بلکه فقط احساس می‌شود. وجود آن نیز تحت تأثیر شرایط و رنگ‌های مجاور به‌صورت متغیری با شدت و ضعف همراه است. وقتی که از خاکستری‌ها در یک ترکیب رنگی استفاده می‌شود به نحو مؤثرتری کنتراست همزمان احساس می‌شود، زیرا خاکستری‌های بی‌فام یا خنثی (خاکستری حاصل از ترکیب سیاه و سفید) عموماً شخصیت خود را از رنگ‌هایی که در مجاورت آن‌ها قرار گرفته‌اند اخذ می‌کنند. به همین دلیل وقتی در مجاورت آن‌ها قرار می‌گیرند به‌سادگی تحت تأثیر کنتراست همزمان مایل به رنگ مکمل آن‌ها دیده می‌شوند. این حالت وقتی به اوج خود می‌رسد که تیرگی خاکستری مورد نظر متناسب با میزان تیرگی رنگ مجاور آن باشد (تصویر ۵-۶۱).

۱. نقاشانی که عموماً پس از فروکش کردن هیجان جنبش امپرسیونیستی، راه خود را از امپرسیونیست‌ها جدا کردند و هر یک به روش خاص خود به کار ادامه دادند و به تجربیات تازه‌تری پرداختند، مثل سورا، ون‌گوگ، گوگن، سزان.



▲ تصویر ۵-۶۱- خاکستری وسط که از نظر تیرگی متناسب با رنگ زمینه است، در اثر تأثیرات کنتراست همزمانی، مایل به رنگ زرد، یعنی رنگ مکمل زمینه دیده می‌شود.

کنتراست همزمان نه تنها در میان یک خاکستری و یک رنگ خالص به وجود می‌آید، بلکه در میان دو رنگ که به طور کامل مکمل یکدیگر نیستند نیز اتفاق می‌افتد. در این حالت یکی از رنگ‌ها رنگ مجاور مکمل خود را تبدیل به رنگ مکمل خود می‌کند و شدت درخشش یکدیگر را به صورت فام مکمل افزایش می‌دهند. برای این منظور می‌توان یک رنگ از چرخه دوازده‌رنگی را انتخاب کرد و آن در کنار رنگ سمت چپ یا سمت راست مکمل آن رنگ قرار داد، آن‌گاه نقش کنتراست همزمان را در آن‌ها مشاهده کرد (تصویر ۵-۶۲).



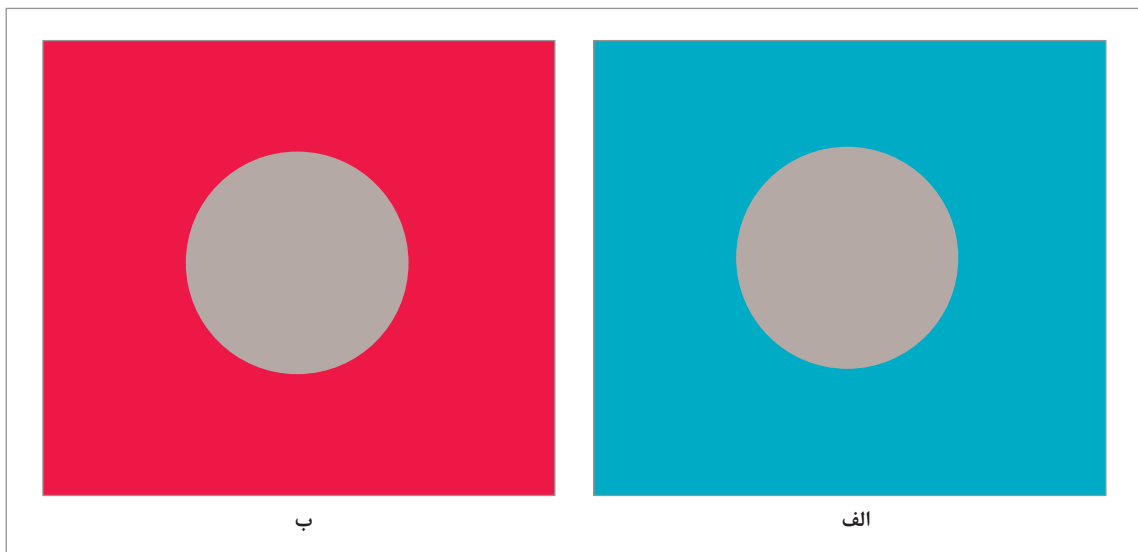
▲ تصویر ۵-۶۲- تأثیر کنتراست همزمان باعث شده است که در تصویر (الف) قرمز نارنجی بر زمینه سبز به صورت قرمز دیده شود. در حالی که تصویر (ب) همان قرمز نارنجی بر زمینه قرمز به صورت روشن‌تر دیده شود.

تأثیر کنتراست همزمان به روی رنگ‌هایی که در مجاورت یکدیگر نیز قرار گرفته‌اند وجود دارد. هم‌چنان که در شکل ۵-۶۳ با سه رنگ قرمز نارنجی، قرمز و قرمزبنفش نشان داده شده است.



▲ تصویر ۵-۶۳- در حالی که هر دو دایره رنگ قرمز یکسانی دارند، در تصویر (الف) به دلیل تأثیرات کنتراست همزمان به صورت روشن‌تری دیده می‌شود و در تصویر (ب) به صورت تیره‌تر

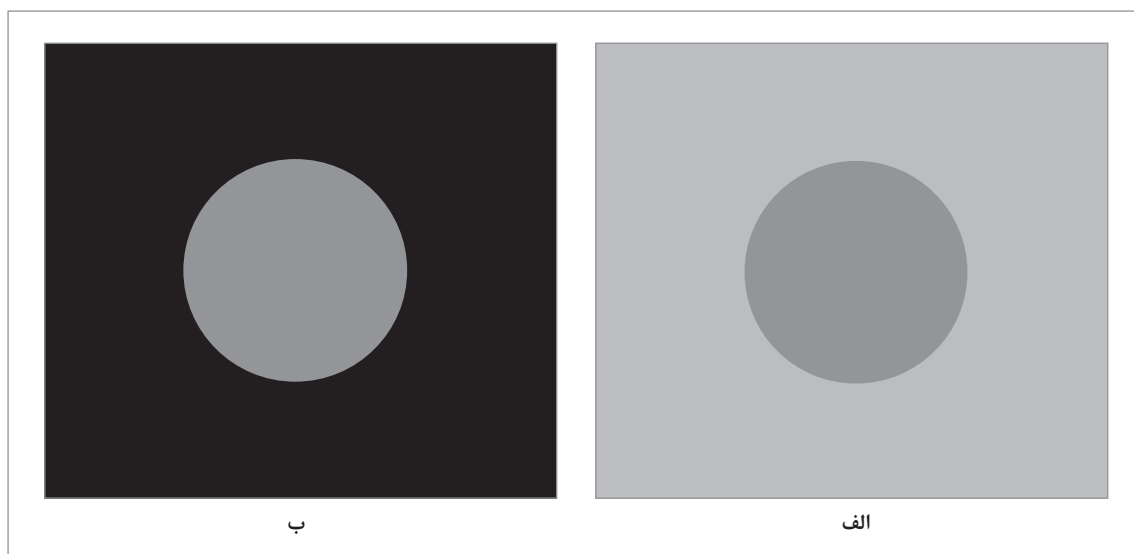
تأثیر کنتراست همزمان بر یک خاکستری که بر زمینه‌ای رنگی قرار گرفته است، به گونه‌ای است که آن را به رنگ مکمل رنگ زمینه سوق می‌دهد (تصویر ۵-۶۴).



▲ تصویر ۵-۶۴- در حالی که هر دو دایره خاکستری و از نظر تیرگی یکسان هستند، دایره‌ای که بر زمینه آبی فیروزه‌ای قرار گرفته به دلیل تأثیرات کنتراست همزمان مایل به قرمز دیده می‌شود.

تأثیر کنتراست همزمان نه تنها در مجاورت رنگ‌ها، بلکه در میان خاکستری‌های بی‌فام نیز با یکدیگر به وجود می‌آید. در شکل ۵-۶۵ دو دایره خاکستری یکسان در میان دو مربع با خاکستری‌هایی که از نظر تیرگی متفاوت هستند قرار گرفته‌اند.

در زمینه خاکستری روشن، دایره خاکستری تیره‌تر دیده می‌شود و در زمینه خاکستری تیره، دایره خاکستری روشن‌تر دیده می‌شود.



▲ تصویر ۵-۶۵- در حالی که هر دو دایره خاکستری کاملاً یکسان هستند، در اثر کنتراست همزمان به روی زمینه تیره، روشن‌تر و روی زمینه روشن، تیره‌تر دیده می‌شود.

با توجه به نمونه‌های ارائه شده در خصوص ایجاد کنتراست همزمان به اهمیت آن از نظر بصری می‌توان پی برد. برای یک هنرمند تسلط بر میزان تأثیرگذاری رنگ‌ها و شناخت روابط میان آن‌ها، به‌ویژه تأثیرات کنتراست همزمان از اهمیتی ویژه برخوردار است، زیرا تأثیرات پیش‌بینی‌نشده رنگ‌ها ممکن است منجر به حالت‌های ناخوشایندی از نظر بصری گردد. به‌خصوص در هنرهای کاربردی که در سطح وسیعی منتشر می‌شوند و مخاطبین بسیاری دارند، مثل رنگ‌آمیزی، تزیینات داخلی، معماری، طراحی و نقش پارچه و نیز آثار تبلیغات و ارتباط تصویری که بسیاری از مردم با آن‌ها روبه‌رو هستند و از آن‌ها استفاده می‌کنند.

تصویر جانشین

تصویر جانشین یا پدیدهٔ پس تصویر موضوعی است که گاهی ممکن است با مبحث کنتراست همزمان اشتباه شود. در حالی که با آن متفاوت است و معمولاً این پدیده جزو مبحث کنتراست محسوب نمی‌شود. برای آشنایی با این پدیده به توضیحات زیر توجه کنید:

وقتی که به چیزی نگاه می‌کنیم به‌طور معمول تصویر آن بر روی شبکیه چشم ثبت می‌شود. یعنی رنگ و درخشش آن روی سلول‌های بینایی تأثیر می‌گذارد و تصویرش در شبکیه نقش می‌بندد. در همین حال چنانچه بلافاصله جهت نگاه تغییر کند یا تصویر دیگری در مقابل چشم قرار گیرد، تأثیر تصویر قبلی با تصویر جدید درمی‌آمیزد. این ویژگی را تصویر جانشین یا «پس تصویر» می‌گویند. در سینما از همین ویژگی استفاده شده است. به‌طوری که هر تصویر $\frac{1}{24}$ ثانیه در مقابل چشم قرار می‌گیرد و پس از آن تصویر دیگری جایگزین می‌شود. اما پدیدهٔ تصویر جانشین باعث می‌شود که تصاویر به صورت پیوسته و متحرک دیده شوند. در مورد رنگ‌ها پدیده تصویر جانشین به صورت رنگ مکمل دیده می‌شود. یعنی پس از دیدن یک رنگ برای مدت چند ثانیه در صورتی که به یک سطح سفید نگاه کنیم مکمل آن رنگ را بر زمینه سفید احساس می‌کنیم.

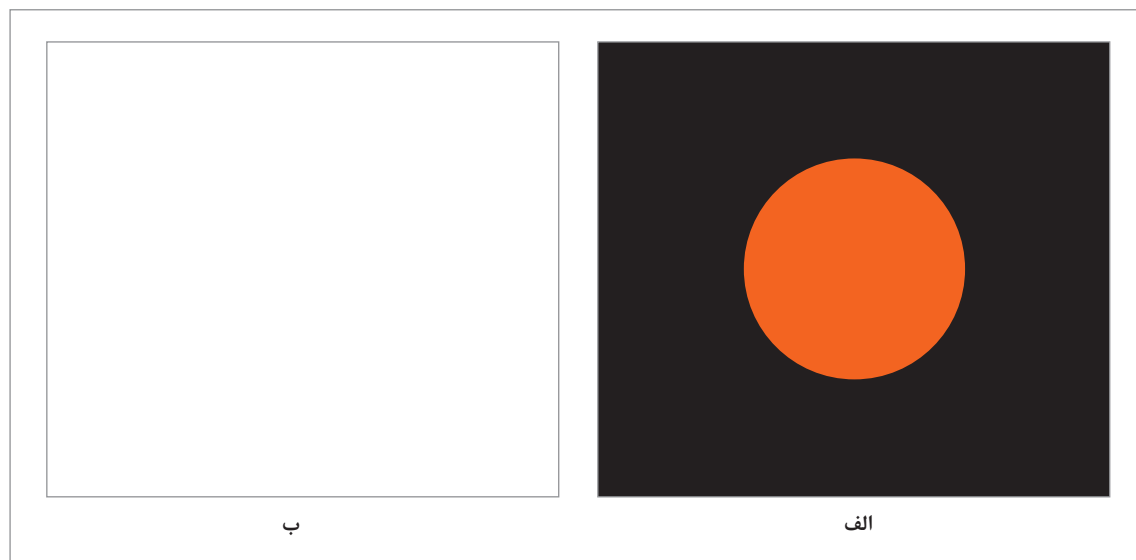
بنابراین در استفاده از رنگ روی سطوح بزرگ یا به هر شکل دیگری بایستی به پدیدهٔ پس تصویر نیز توجه داشت زیرا در دیدن نوع رنگ‌ها و تغییراتی که در اثر آن به وجود می‌آید تأثیرگذار است.

در شکل ۵-۶۶ برای مدت حدود ۳۰ ثانیه به مرکز دایره سفید خیره شوید. بایستی سعی شود در هنگام نگاه کردن به مرکز دایره پلک زده نشود و به خارج از کادر سیاه نیز نگاه نشود و سپس به سطح سفید مجاور نگاه کنید. پس از چند لحظه روی سطح سفید دایره‌ای به همان اندازه اما به رنگ تیره به عنوان تصویر جانشین دیده می‌شود.



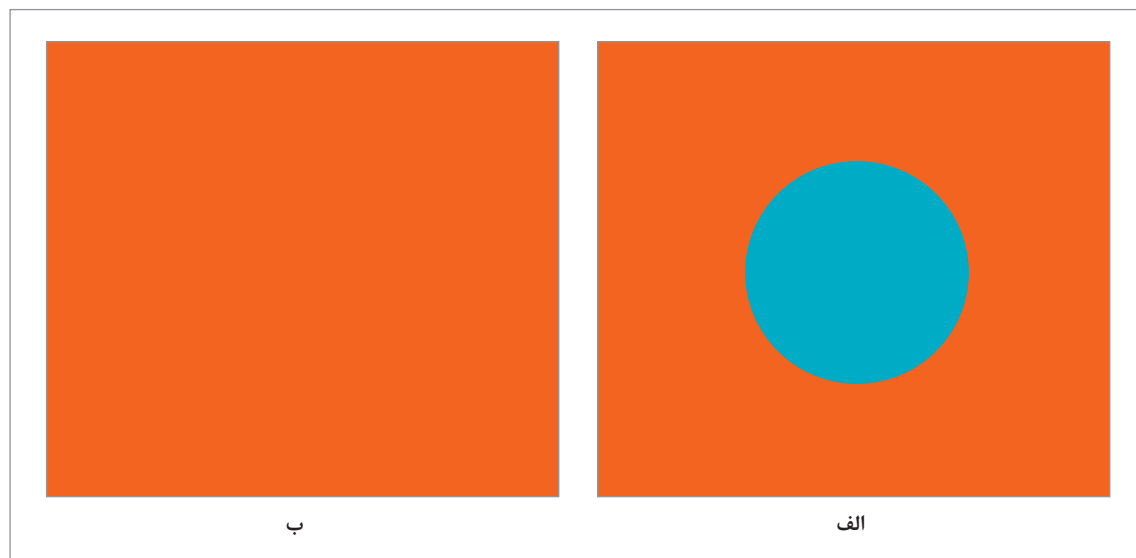
▲ تصویر ۵-۶۶- در صورتی که پس از حدود ۳۰ ثانیه خیره شدن به دایرهٔ سفید، به یک سطح سفید نگاه کنید، دایره‌ای تیره رنگ روی آن احساس می‌شود.

در شکل ۵-۶۷ الف در صورتی که پس از خیره شدن به دایره قرمز وسط مربع سیاه به سطح سفید خیره شوید، رنگ مکمل آن (سبز - آبی) را به همان شکل و همان اندازه روی شکل ۵-۶۷ ب خواهید دید.



▲ تصویر ۵-۶۷

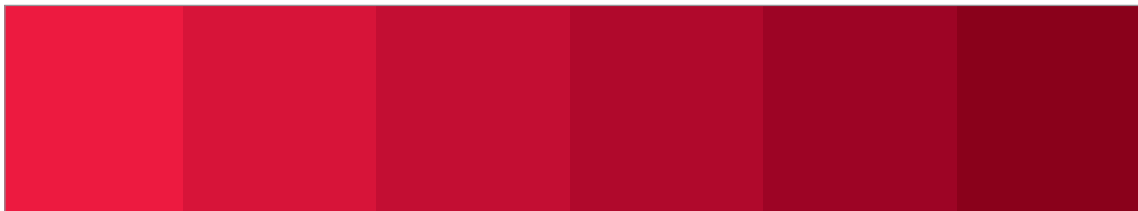
در شکل ۵-۶۸ الف برای چند لحظه به تصویر دایره فیروزه‌ای رنگ خیره شوید، پس از آن به سطح قرمز نگاه کنید. اینک در مرکز سطح قرمز شکل ۵-۶۸ ب بر اثر کنتراست جانشین به جای دایره فیروزه‌ای، رنگ قرمز نارنجی را که مکمل آن است به صورت درخشان‌تری مشاهده خواهید کرد. در حالی که بقیه سطح به صورت قرمز تیره‌تری دیده می‌شود.



▲ تصویر ۵-۶۸

کنتراست کیفیت

در اینجا منظور از کیفیت، حالت خلوص و اشباع رنگ است. وقتی که یک رنگ خالص در کنار رنگ‌های ناخالص که با سیاه، سفید و یا مکمل خود مخلوط شده‌اند قرار می‌گیرد، کنتراست کیفیت رنگ ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر به محض اینکه یک رنگ با سیاه تیره و با سفید روشن شود و یا با خاکستری، یا رنگ مکمل خود مخلوط شود از حالت خلوص خارج شده، درخشش رنگین خود را از دست می‌دهد و مایه رنگ‌های کدری به وجود می‌آید (تصویرهای ۵-۶۹ تا ۵-۷۲).



▲ تصویر ۵-۶۹- رنگ قرمز به مقدار مختلفی با سیاه مخلوط شده و درجه خلوص آن به تدریج کمتر شده است.



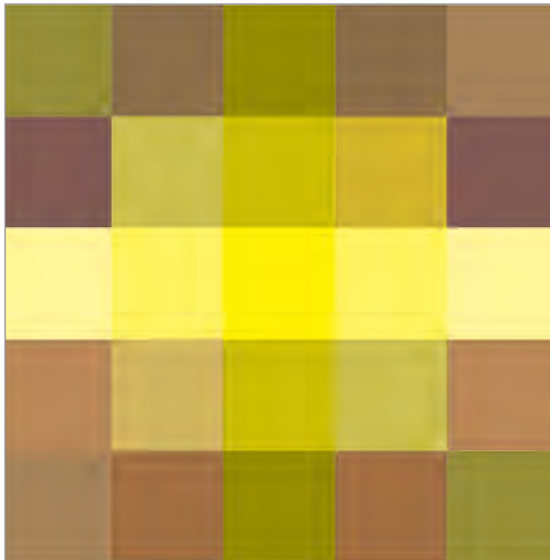
▲ تصویر ۵-۷۰- رنگ سبز به مقدار مختلفی با سفید مخلوط شده و درجه خلوص آن به تدریج کاهش یافته است.



▲ تصویر ۵-۷۱- رنگ آبی به مقدار مختلفی با رنگ مکمل خود مخلوط شده و به تدریج درجه خلوص خود را از دست داده است.



▲ تصویر ۵-۷۲- رنگ قرمز به مقدار مختلفی با خاکستری بی فام مخلوط شده و به تدریج درجه خلوص آن کاهش یافته است.



▲ تصویر ۷۳-۵- رنگ زرد در مرکز جدول خالص ترین کیفیت خود را دارد و در خانه‌های پیرامونی به مقدار مختلفی با سیاه، سفید، خاکستری و رنگ مکمل خود مخلوط شده است.

درجه کدر بودن و ناخالصی این مایه رنگ‌ها زمانی بیشتر دیده می‌شود که در کنار رنگ‌های خالص قرار گیرند. درخشش و درجه خلوص یک رنگ زمانی بیشتر جلوه گر می‌شود که در مجاورت رنگ‌های ناخالصی که با سیاه، سفید، خاکستری و یا رنگ مکمل خود مخلوط شده‌اند، قرار گیرد (تصویر ۷۳-۵). معمولاً در هنرهای بصری با بهره گرفتن از کنتراست کیفیت، اوج درخشش رنگ‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. کنتراست کیفیت در همه مواردی که به کارگیری رنگ با درخشش تمام مورد نیاز است می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، زیرا رنگ در این حالت بیشترین جذابیت خود را پیدا می‌کند.

کنتراست کمیت (وسعت سطح)

مباحث قبلی نشان داد که چه اندازه وسعت سطوح رنگی در شدت‌بخشیدن به کنتراست‌ها مؤثر است. اما به همین نسبت استفاده از کنتراست‌های دیگر نیز برای نشان دادن شدت کنتراست وسعت سطح نقش بسیار مهمی دارند. به عنوان مثال خلوص رنگ‌ها، گرمی و همچنین درخشش آن‌ها تأثیری قوی در ایجاد کنتراست وسعت سطح دارند.

کنتراست کمیت مربوط به رابطه متقابل دو یا چند سطح رنگین از نظر وسعت است. در این کنتراست رابطه بزرگی و کوچکی سطوح رنگین نقش اصلی را بازی می‌کند. زیرا نسبت بزرگی سطح رنگ‌ها با یکدیگر می‌تواند در ایجاد رابطه هماهنگ میان آن‌ها مؤثر باشد. به طوری که از نظر بصری هیچ کدام نسبت به دیگری برتری خاصی نداشته باشد.

در ایجاد کنتراست کمیت دو عامل نقش اساسی دارند:

۱ میزان درخشش و خلوص رنگ

۲ میزان بزرگی سطح یا لکه رنگی

قبلاً توضیح داده شد که میزان درخشش رنگ‌ها نسبت به یکدیگر متفاوت است. یعنی برخی از آن‌ها تیره‌تر از برخی دیگر هستند و همین موضوع مبنای ایجاد تناسب میان سطوح رنگی براساس میزان درخشش آن‌هاست. گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) شاعر، فیلسوف و رنگ‌شناس سده نوزدهم برای میزان روشنی رنگ‌ها اعدادی را پیشنهاد کرده است. واقعیت این است که ارزش‌های عددی که گوته برای رنگ‌ها پیشنهاد کرده است از قطعیت کافی برخوردار نیستند. به همین دلیل نباید مبنای هر نوع رنگ‌بندی آثار هنری تلقی شوند. زیرا هنرمندان معمولاً ترکیب‌های رنگی خود را براساس اعداد و ارقام به وجود نمی‌آورند. بلکه همه چیز بستگی به احساس درونی،

توانایی، مهارت و تجربه هنرمند دارد. با این وجود اعداد پیشنهادی گوته را جهت اطلاع در اینجا ذکر می‌کنیم:
 زرد ۹ / نارنجی ۸ / قرمز ۶ / سبز ۶ / آبی ۴ / بنفش ۳
 بنابراین ارزش‌های عددی رنگ‌های مکمل نسبت به یکدیگر به شرح ذیل است:
 زرد به بنفش = ۳:۹

بنابراین وسعت سطح متناسب دو رنگ زرد و بنفش برابر ۱ به ۳ است. یعنی وسعت سطح رنگ بنفش بایستی ۳ برابر وسعت سطح رنگ زرد باشد تا از نظر تأثیر بصری با آن هماهنگ باشد (تصویر ۵-۷۴).



▲ تصویر ۵-۷۴

نارنجی به آبی = ۴:۸

بنابراین وسعت سطح متناسب دو رنگ نارنجی و آبی برابر ۱ به ۲ است. یعنی وسعت سطح رنگ آبی بایستی ۲ برابر وسعت سطح رنگ نارنجی باشد تا از نظر تأثیر بصری با آن هماهنگ شود (تصویر ۵-۷۵).



▲ تصویر ۵-۷۵

قرمز به سبز = ۶:۶

بنابراین وسعت سطح متناسب دو رنگ سبز و قرمز برابر ۱ به ۱ است. یعنی لازم است رنگ‌های قرمز و سبز برای ایجاد تأثیر بصری هماهنگ از وسعت سطح برابری برخوردار باشند (تصویر ۵-۷۶).



▲ تصویر ۵-۷۶

برای ایجاد شدت کنتراست کمیت، هرچه وسعت سطح یکی از رنگ‌ها از رنگ‌های دیگر بیشتر باشد، میزان تأثیرگذاری و قدرت بصری کنتراست وسعت سطح رنگ افزایش می‌یابد، زیرا هر دو شدت درخشش و رنگ یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنانچه یک لکه رنگ تیره در میان رنگ‌های روشن قرار گیرد برای جلوه‌گری نیاز به سطح بزرگ‌تری دارد. درحالی که یک لکه رنگ روشن برای جلوه‌کردن در میان رنگ‌های تیره به وسعت سطح کوچک‌تری نیاز دارد.



۱ یک کادر 15×15 سانتی متر را از هر طرف به ۵ قسمت مساوی تقسیم‌بندی کنید به طوری که یک جدول مرکب از ۲۵ خانه به دست بیاید. اینک با توجه به توضیحاتی که دربارهٔ کنتراست تیرگی - روشنی داده شده و با استفاده از راهنمایی‌های هنرآموز، یک رنگ را انتخاب و با اختلاط تدریجی آن با سیاه و سفید خانه‌های جدول را طوری رنگ‌آمیزی کنید که کنتراست تیرگی - روشنی رنگ در آن نشان داده شود. سپس با استفاده از همان رنگ‌ها یک نقاشی برای ارائه در کلاس بکشید.

۲ یک کادر 15×15 سانتی متر را از هر طرف به ۵ قسمت مساوی تقسیم‌بندی کنید. به طوری که یک جدول مرکب از ۲۵ خانه به دست آید. اینک با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص کنتراست تهرنگ و با استفاده از راهنمایی هنرآموز، سعی کنید با رنگ‌آمیزی آن جدول به طور دلخواه، شدیدترین حالت کنتراست تهرنگ را نشان دهید. سپس با استفاده از رنگ‌هایی که به کار برده‌اید همان نقاشی تمرین شماره ۱ را رنگ‌آمیزی کنید به طوری که کنتراست تهرنگ در آن به وجود آید.

۳ یک کادر 15×15 سانتی متر را از هر طرف به ۵ قسمت تقسیم‌بندی کنید به طوری که یک جدول ۲۵ خانه حاصل شود. اینک با توجه به توضیحات ارائه شده و با استفاده از راهنمایی‌های هنرآموز، طوری خانه‌های جدول را با رنگ‌های سرد و گرم رنگ‌آمیزی کنید که کنتراست سرد و گرم در آن نشان داده شود. سپس همان نقاشی تمرین قبل را طوری رنگ‌آمیزی کنید که کنتراست سرد و گرم در آن دیده شود.

۴ یک کادر 20×20 سانتی متر را با استفاده از تعدادی خط آزاد عمودی و افقی (بدون استفاده از خط کش)، به قسمت‌های مختلف بخش‌بندی کنید. سپس با رنگ‌آمیزی خانه‌ها با تنالیت‌های مختلف از یک رنگ و رنگ مکمل آن، کنتراست وسعت سطح را نشان دهید.

۵ یک کادر 20×20 سانتی متر را به طریق تمرین شماره ۴ به خانه‌های دلخواه بخش‌بندی کنید. سپس با استفاده از تنالیت‌های مختلف رنگ‌های اصلی که با سیاه یا با سفید مخلوط شده‌اند، حداقل $\frac{2}{3}$ خانه‌ها را رنگ‌آمیزی کنید. اینک خانه‌های باقی‌مانده را با رنگ‌های اصلی خالص رنگ‌آمیزی کنید. حاصل کار نشان‌دهنده کنتراست کیفیت است.

هماهنگی رنگ‌ها (هارمونی)

معمولاً علی‌رغم نظریه پردازی‌هایی که راجع به رنگ‌ها و روابط متقابل آن‌ها با یکدیگر وجود دارد، نحوهٔ انتخاب و ترکیب رنگ‌ها در یک اثر تجسمی براساس تجربهٔ هنرمند صورت می‌گیرد. وقتی به آثار هنرمندان مختلف توجه کنیم، مشاهده می‌شود که از نظر به کار بردن رنگ همه آن‌ها دارای موفقیت‌هایی هستند، اگرچه تفاوت‌های بسیار زیادی در نوع و چگونگی به کار گرفتن رنگ‌ها وجود دارد.

رنگ‌های به کار گرفته شده در آثار نقاشان دورهٔ رنسانس دارای نوعی از هماهنگی است که بیش از هر چیز تکیه بر ایجاد تعادل بصری میان خاکستری‌های رنگی و تیرگی - روشنی رنگ‌ها دارد.

در آثار نقاشان امپرسیونیست نوع دیگری از هماهنگی وجود دارد که بیشتر متکی به تأثیرات بصری و روابط متقابل کلیه رنگ‌های سرد و گرم است. در آثار نقاشان پس از امپرسیونیسم نیز هنرمندان به روش‌های مختلفی برای ایجاد هماهنگی میان رنگ‌ها کوشیده‌اند.



▲ تصویر ۷۷-۵- منسوب به سلطان محمد، مراسم جشن سده (برگی از شاهنامه فردوسی - شاه طهماسبی) سدهٔ دهم هجری قمری. تبریز

زیبایی تحسین برانگیز و ارتباط متعادل رنگ‌ها در آثار نقاشان ایرانی به نحو دیگری روابط موزون و متعادل رنگ‌ها را به نمایش می‌گذارد. این تجارب گوناگون نشان می‌دهد که هنرمندان بسته به شیوه و روش کار خود سعی کرده‌اند در همه حال تعادل بصری و هماهنگی میان رنگ‌های آثار خود را مورد توجه قرار دهند (تصویر ۷۷-۵).

معمولاً اعتقاد عمومی بر این است که رنگ‌هایی که با یکدیگر دارای کنتراست نیستند، رنگ‌های هماهنگی هستند. آن رنگ‌ها عبارت‌اند از:

(الف) رنگ‌های یک خانواده رنگی که با یکدیگر دارای خصوصیات رنگی مشترکی هستند. مثل گام‌های مختلف رنگ قرمز که با سفید و یا با سیاه یا با مکمل خود مخلوط شده‌اند.

(ب) رنگ‌هایی که به‌طور کلی از نظر سرد بودن یا گرم بودن مشابه هم هستند.

(ج) رنگ‌هایی که از نظر تیرگی و روشنی دارای ارزش‌های مشابهی هستند.

(د) گاهی نیز علاقهٔ شخصی افراد به برخی از رنگ‌ها دلیل هماهنگ بودن یا هماهنگ نبودن رنگ‌های یک ترکیب محسوب می‌شود.

این همه اگرچه عقاید عمومی درخصوص هماهنگ بودن رنگ‌ها را نشان می‌دهد، اما واقعیت این است که ایجاد هماهنگی به معنای ایجاد تعادل بصری و رابطهٔ متناسب میان رنگ‌های یک ترکیب است، به‌طوری که برای چشم از نظر بصری خوشایند و خشنودکننده باشد. در بخش مربوط به کنتراست اشاره شد که معمولاً چشم با دیدن یک رنگ، مکمل آن را طلب می‌کند و در صورتی که رنگ مکمل را نبیند، آن را به‌طور ذهنی می‌سازد و احساس می‌کند. این موضوع با پدیده پس تصویر نیز توضیح داده شد. بنابراین ایجاد هماهنگی میان رنگ‌ها براساس ساختار طبیعی و کارکرد چشم و ارتباط ذهنی و روانی ما با رنگ‌هاست. از نگاهی دیگر رنگ‌هایی که مخلوط‌شدن یا ترکیب‌کردن آن‌ها با هم نتیجه‌ای مشابه اختلاط سه رنگ اصلی با یکدیگر داشته باشد، یعنی ایجاد خاکستری تیره کند، می‌توانند در مجاورت با یکدیگر تعادل و هماهنگی رنگی به‌وجود آورند. البته ایجاد این هماهنگی به هیچ‌وجه به‌طور مکانیکی صورت نخواهد گرفت بلکه براساس رعایت موارد ذیل می‌باشد:

۱ تجربه و شناخت هنرمند از روابط میان رنگ‌ها

۲ متناسب بودن وسعت سطح رنگ‌ها نسبت به یکدیگر

۳ رعایت درجهٔ خلوص و درخشش آن‌ها نسبت به یکدیگر

۴ متناسب بودن جهت و شکل رنگ‌ها نسبت به یکدیگر

آنچه در خصوص هماهنگی و ارتباط بصری متعادل میان رنگ‌های یک ترکیب گفته شد، به معنای آن نیست که ارزش یک اثر هنری صرفاً مربوط به وجود هماهنگی یا روابط متعادل میان رنگ‌های آن است. زیرا در بسیاری از آثار هنری ممکن است چنین تعادلی وجود نداشته باشد، مثل آثار بسیاری از نقاشان اکسپرسیونیست و فوویست^۱ که در آن‌ها شدت تأثیر بصری رنگ‌ها بیش از سایر عناصر تجسمی تخیلات و تصورات مخاطب را برمی‌انگیزد؛ بنابراین در این دسته از آثار قدرت بصری و بینایی رنگ‌ها نقش اصلی را خواهد داشت و نه تعادل بصری رنگ‌ها با یکدیگر (تصویرهای ۵-۷۸ و ۵-۷۹).



▲ تصویر ۵-۷۹- هانری ماتیس، ۱۹۰۸، رنگ روغنی روی بوم، (۲۲۰×۱۸۰ سانتی‌متر)



▲ تصویر ۵-۷۸

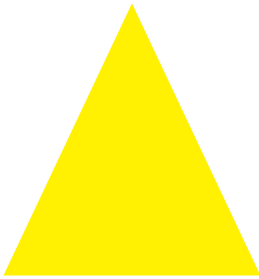
شکل و رنگ

همان‌طور که سه رنگ زرد، قرمز و آبی به‌عنوان رنگ‌های اصلی محسوب می‌شوند و سایر رنگ‌ها از مخلوط شدن این سه رنگ به‌وجود می‌آیند، سه شکل اصلی نیز وجود دارند که پایه و اساس سایر شکل‌ها را ایجاد می‌کنند و شکل‌های دیگر از آن‌ها ساخته می‌شوند.

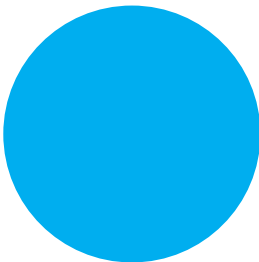
این سه شکل عبارت‌اند از: مربع، مثلث و دایره.

در مربع دو ضلع عمودی و دو ضلع افقی مساوی وجود دارد که با زاویه ۹۰ درجه یکدیگر را قطع می‌کنند. این شکل به‌عنوان نماد ماده محسوب می‌شود که دارای وزن و استحکام است. در نوشته‌های تصویری مصر باستان شکل مربع برای نشان دادن مزرعه به‌کار می‌رفته است. زاویه‌های قائمه و خطوط مستقیم و موازی مربع که یکدیگر را در فواصل مساوی قطع می‌کنند، صراحت و قاطعیت این شکل را نشان می‌دهد. همه شکل‌های دیگری نیز که براساس خطوط موازی افقی و عمودی متقاطع ایجاد می‌شوند متعلق به خانواده مربع هستند. در نمادشناسی رنگ، شکل مربع با رنگ قرمز که آن نیز نمادی از مادیت، صراحت و سنگینی است مطابقت می‌کند.

۱. شیوه‌ای از نقاشی مدرن در اوایل سده بیستم که بیش از هر چیز بر کاربرد رنگ به‌طور اغراق‌آمیز و بدون رعایت جنبه‌های توصیف‌گرایانه آن تأکید داشت.



مثلث شکلی است که براساس سه خط متقاطع و با ایجاد سه زاویه به وجود می‌آید. زاویه‌های تند مثلث بر شخصیت تهاجمی، برنده و صریح آن تأکید دارند. سایر شکل‌های سه‌گوش با زاویه‌های مختلف و تیز نیز جزو خانواده مثلث به‌شمار می‌آیند. مثلث در عین حال نمادی از تفکر و روشنایی است و به سرعت دگرگون می‌شود. رنگی که از نظر نمادشناسی با خصوصیات مثلث متناسب است و شخصیت آن را به کمال نشان می‌دهد، رنگ زرد است.



دایره نمایشگر حرکتی نامتناهی و جاودانه است و احساسی از آرامش ایجاد می‌کند، این شکل نشانه‌ای است از گنبد مینایی آسمان و نمادی است از روان و جنبه‌های روحانی که عمق تفکر و پایداری را نشان می‌دهد. همهٔ شکل‌های دیگری که حرکتی دوار و منحنی را نشان می‌دهند، جزو خانواده دایره محسوب می‌شوند. از میان رنگ‌ها، آبی روشن با ویژگی‌های معنوی دایره متناسب است.



در آثار برخی دیگر از هنرمندان که براساس بافت و لکه‌های رنگی کار خود را به وجود آورده‌اند بیش از آن که شکل مورد توجه قرار گیرد، رنگ حائز اهمیت است (تصویر ۵-۸۰).

▲ تصویر ۵-۸۰- سم فرانسیس، رنگ روغنی روی بوم، ۱۹۵۸. تناسب میان شکل و رنگ در این تابلو مورد توجه واقع نشده و رنگ‌ها با شکل‌های نامشخص تأثیرات شوک‌آمیزی را به وجود آورده‌اند.



۱ یک کادر 25×25 سانتی متر را از هر طرف با تعدادی خط مستقیم (بدون استفاده از خط کش) بخش بندی کنید. فاصله خط ها از یکدیگر می تواند مساوی نباشد و تعداد خط ها نیز آزاد است. حالا خانه های به دست آمده را با رنگ های دلخواه خود طوری رنگ آمیزی کنید که هماهنگی رنگی دلخواه شما در آن دیده شود. پس از انجام تمرین، کارها را به کمک هنرآموز با یکدیگر مقایسه کنید تا مشخص شود هر کس به چه ترتیبی رنگ ها را با هم هماهنگ کرده است.

۲ یک جدول 20×20 سانتی متر را از هر طرف به ۵ قسمت مساوی تقسیم بندی کنید و سپس با استفاده از راهنمایی های هنرآموز، از سه رنگ هماهنگ که طبق توضیحات کتاب انتخاب شده باشند و سیاه و سفید برای رنگ آمیزی آن استفاده کنید، به طوری که یک ترکیب هماهنگ رنگی به وجود آید.

۳ یک کادر 20×20 سانتی متر را از هر طرف به ۵ قسمت تقسیم بندی کنید و با استفاده از راهنمایی های هنرآموز، از چهار رنگ هماهنگ که طبق توضیحات کتاب انتخاب شده باشند و سیاه و سفید برای رنگ آمیزی آن استفاده کنید، به طوری که یک ترکیب هماهنگ رنگی به وجود آید.

۴ به صورت گروه های سه نفری با راهنمایی هنرآموز سه رنگ را انتخاب کنید و با تحقیق و نظرخواهی از دیگران (در مدرسه و خارج از مدرسه) راجع به تأثیرات بصری و روانی آن سه رنگ گزارشی تهیه و در کلاس ارائه نمایید.

۵ برای آزمون پایان تدریس کتاب، با راهنمایی هنرآموز و تعیین جزئیات توسط ایشان یک نقاشی با موضوع دلخواه و یک نقاشی از طبیعت بی جان و یا یک پوستر با موضوع فرهنگی و... انجام دهید. (موضوع و روش انجام این تمرین با توجه به رشته های مختلف می تواند با نظر هنرآموز تعیین شود). سعی کنید کاری را که انجام می دهید از طراحی و ترکیب بندی مناسبی برخوردار باشد و قبل از شروع به رنگ آمیزی ضمن مشورت با هنرآموز از خوب بودن کارتان مطمئن شوید. سپس آن را به دو روش زیر اجرا و رنگ آمیزی کنید:

(الف) با استفاده از حداکثر سه رنگ اصلی و سیاه و سفید.

(ب) با استفاده از تعداد دلخواهی از رنگ ها (حداقل پنج رنگ).

منابع و مآخذ

- برنامه درسی درس طراحی و زبان بصری، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۴.
- پالاسما، یوهانی، دست متفکر، ترجمه: علی اکبری، نشر پرهام بنقش، ۱۳۶۴.
- عبدالحسینی‌راد، مجید، مبانی هنرهای تجسمی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- خان محمدی، محمدعلی، نقشه‌کشی معماری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۴.
- خان محمدی، محمدعلی، نقشه‌کشی ساختمان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۸.
- احمدپناه، سید ابوتراب، صلح طلب، افسانه طراحی و نقاشی (کارگاه خودآزمایی) شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۵.
- فرانسیس د. ک. چینگ، کورکی بینکلی، طراحی داخلی، ترجمه: محمد احمدی‌نژاد، نشر خاک، ۱۳۸۷.
- قلی‌زاده، عادل، شاهپوریان، فریبا، بهرامی، محمد و... و دیگران آشنایی با هنرهای تجسمی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۹.
- شاهپوریان، فریبا، طراحی ۱، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۴.
- فرانسیس د. ک. چینگ، نقشه‌کشی معماری برای مبتدیان، ترجمه: محمدی ده‌ده‌بیگلو، کوروش، پیرتاج همدانی، سارا، نشر بیهق کتاب، ۱۳۹۲.
- صدیق، مرتضی، آموزش راندو، ویراستار فنی: سیدباقر حسینی.
- دو نیس. الف. داندیس، مبادی سواد بصری، ترجمه: مسعود سپهر، نشر سروش، ۱۳۶۸.
- لائور، دیوید، پن تاک، استیون، مبانی طراحی، ترجمه: محمدتقی فرامرزی، نشر لاهیتا، ۱۳۹۴.
- وزیری‌مقدم، محسن، شیوه طراحی.
- داندیس، دونیس، مبادی سواد بصری، ترجمه: مسعود سپهر، سروش، تهران، ۱۳۷۵.
- کپس، جئورگی، زبان تصویر، ترجمه: فیروزه مهاجر، سروش، تهران، ۱۳۶۸.
- فلدمن، ادموند بورک، تنوع تجارب تجسمی، ترجمه: پرویز مرزبان، سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- موناری، برونو، طراحی و ارتباطات بصری، ترجمه: پاینده شاهنده، سروش، تهران، ۱۳۷۵.
- نامی، غلامحسین، مبانی هنرهای تجسمی، توس، تهران، ۱۳۷۸.
- هافمن، آرمین، طراحی گرافیک، ترجمه: محمد خزایی و سیدمحمد آوینی، برگ، تهران، ۱۳۶۹.
- CHVALIER, Jean & GHEERBRANT, Alain: DICTIONNAIRE DES SYMBOLES, Robest Laffont, JUPITER Paris 1992.
- DUCHTING, Hajo: COMPRENDRE ET CREER LA COULEUR Dessain et Tolra, Paris, 1990.
- GOETHE: LE TRAITE DES COULEURS, TRIADES, Paris, 1973.
- ITTEN, Johannes: ART DE LA COULEUR, Dessain et Tolra, Paris, 1985.
- MARX, Ellen: COULEUR OPTIQUE, Dessain et Tolra, Paris, 1983.
- Piper, D.; Voir et Comprendre La Peinture, Booking, Paris, 1993.
- Rottger, Ernest; Point et Ligne, dessain et tolra, Paris, 1991.
- Seuphor, Michel; L'art abstrait, Maeght Editeur, Paris, 1973.
- Souriau, Etienne; Vocabulaire déesthétique, Puf, Paris, 1990.
- ZWIMPFER, Moritz: couleur, OPTIQUE ET PERCEPTION, Dessain et, Paris 1992.
- FOR ARCHITECTS AND DESIGNERS , MARK ARENDS.
- COLOUR HARMONY 2 BRIDEM . WHELAN , ROCKPORT , PUBLISHERS , INC.

- آبادان که می‌جنگد، یک عکس - گزارش از بهمن جلالی، زمینه، ۱۳۶۰.
- اصول و مبانی طراحی، تألیف: فرانسیس د. ک. چینگ، ترجمه: فرهاد گشایش و محمدحسن اثباتی، جهاد دانشگاهی واحد هنر، ۱۳۷۳.
- پنجمین نمایشگاه بین‌المللی دوسالانه عکس ایران، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۲.
- تکنیک‌های گرافیک، تألیف: تام پرت، ترجمه: اردشیر کشاورزی، جهاد دانشگاهی هنر، ۱۳۷۲.
- تنوع تجارب تجسمی، تألیف: ادموند بورک فلدمن، ترجمه: پرویز مرزبان، سروش، ۱۳۷۵.
- ترکیب‌بندی در عکاسی، تألیف: هارالد مانت، ترجمه: پیروز سیار، سروش، ۱۳۶۵.
- دومین نمایشگاه بین‌المللی کارتون و کاریکاتور، خانه کاریکاتور، ۱۳۸۳.
- دومین دوسالانه آثار مجسمه‌سازان معاصر ایران، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۸.
- زبان تصویر، تألیف: جنورگی کپس، ترجمه: فیروزه مهاجر، سروش، ۱۳۶۸.
- سومین نمایشگاه دوسالانه آثار طراحان گرافیک ایران، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۱.
- سفال و سرامیک معاصر ایران، هفتمین نمایشگاه دوسالانه سفالگران معاصر ایران، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۰.
- شکل‌های ۳۲ تا ۳۹ از تمرین‌های دانشجویان اتوسا خلیج، مریم خسروشاهی و سیداسماعیل محمدی استفاده شده است.
- طراحی گرافیک، تألیف: آرمین هافمن، ترجمه: محمدخزایی و سیدمحمد آوینی، برگ، ۱۳۶۹.
- طراحی و ارتباطات بصری، تألیف: برونر موناری، ترجمه: پاینده شاهنده، سروش، ۱۳۷۵.
- کتاب پایان، گزیده‌ای از آثار کاریکاتور ایران و جهان، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۸.
- مبادی سواد بصری، تألیف: دونیس داندیس، ترجمه: مسعود سپهر، سروش، ۱۳۷۵.
- مجموعه عکس جنگ، تألیف: سعید صادقی، روایت فتح، ۱۳۷۸.
- نگاه معنوی، (کتاب نمایشگاه)، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۲.
- هفتمین نمایشگاه عکس ایران، انجمن هنرهای تجسمی ایران با همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۷۵.
- هنر اسلامی، تألیف: کارتل جی. دوری، ترجمه: رضا بصیری، یساولی و فرهنگسرا، ۱۳۶۸.
- برگزیده آثار، مریم سالور، ۱۳۹۷-۱۳۶۵، نشر نظر، تهران، ۱۳۹۹.
- Arts de l'Islam; Gründ, Paris 1989.
- Connaitre l'Art; Comptoir du livre, Paris, 1998.
- Histoire Universelle de l'art; Larousse, Paris, 1990.
- L'art Abstrait; Michel Senphor, Maeght Editeur, Paris, 1973.
- Leonardo Da Vinci; Yale University Press, London, 1989.
- Musée des Beaux- Arts Berne; Musées suisses, 1994.
- Peinture Espagnole, Geocolor, 1979.
- Point et Ligne; Ernest Rottger, dessin et tolra, Paris, 1991.
- The Museum of Modern Art, New York; Harry N.Abrams, Inct. New York, 1993.
- The Arts of Persia; R.W.Ferrier, London, 1989.

برخی از تصویرهای پودمان سوم و پودمان دهم و تصاویر ضمیمه از تمرین‌های کلاس مبانی هنرهای تجسمی دانشجویان: اتوسا خلیج، مریم خسروشاهی، سیداسماعیل محمدی، سمیه انوری‌زاده، مژگان حاجی ملاحسینی، زینب مظفری‌خواه، سجاد عمادی، به‌یان حیدری، معصومه روستا، سحر بیرانوند، مریم زین‌العابدین قدیم، سمانه رضایی‌موفق، اصغرهاشمی، سارا راه‌انجام و محمدامین ملکیان استفاده شده است.

پیوست ۱ و ۲

رنگ در عکاسی



▲ تصویر ۱



▲ تصویر ۲



▲ تصویر ۴

می‌دانیم که تَن‌های مختلف رنگی از قابلیت انتقال احساسات و مفاهیم برخوردار است اما چگونه می‌توان از رنگ برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب و انتقال پیام بهره برد؟

با ایجاد تعادل رنگی و ترکیب هماهنگی رنگ‌های متفاوت، می‌توان در عکس احساسی از تعادل و آرامش ایجاد کرده با استفاده از رنگ‌های منوکروماتیک و پرده‌های مختلف تک‌رنگ و یا بهره‌گیری از رنگ‌های مشابه که در دایره رنگی در مجاورت یکدیگر هستند و اغلب در طبیعت یافت می‌شوند، می‌توان به تعادل رنگی دست‌یافت و با ایجاد تعادل رنگی بین رنگ‌های مکمل که در چرخه رنگ مقابل یکدیگر هستند می‌توان به تصویری سرزنده‌تر دست‌یافت و از طریق تعادل رنگی تضاد رنگ‌ها را کنترل کرد. با استفاده از رنگ‌های سه‌گانه که در دایره رنگ از هم فواصل همسان دارند، می‌توان به عکسی متعادل متنوع دست‌یافت. در عکاسی علاوه بر تنظیم صحنه، گاه از فیلترهای رنگی نیز بهره می‌گیرند. رنگ در پس‌زمینه سفید شفافیت خود را از دست می‌دهد و برعکس در مقابل زمینه تیره‌رنگ شفاف‌تر و روشن‌تر به نظر می‌رسد.



▲ تصویر ۳

رنگ در گرافیک

یکی از عوامل اصلی مورد استفاده از رنگ در ارتباط تصویری و هنر گرافیک و نحوه کاربرد آن است. امروزه از رنگ و تزیینات با حاشیه و جلوه‌های گویا در طرح روی بسته‌بندی انواع کالاها که می‌تواند باعث رونق تجارت و توسعه صادرات شود، یا طراحی یک اعلان (پوستر) که می‌تواند یک خبر علمی، فرهنگی را به زیبایی ابلاغ کرده و برای مشارکت جلب کند یا با طراحی روی جلد یک کتاب بر غنا و جذابیت مطالب کتاب تأکید نماید، استفاده می‌شود. طراحان گرافیک از رنگ برای ایجاد تمایز بین محصولات، انتقال اطلاعات و تداعی نمادین به مثابه ابزار پیام و اقناع استفاده می‌کنند.



▲ تصویر ۶



▲ تصویر ۵



▲ تصویر ۷



یک دوربین عکاسی تهیه کنید و آنگاه از دو پرتره زیبا، دو منظره از دو تصویر از آسمان شب، دو فضای شهر و نیز دو فضای داخلی عکاسی کنید، تجربه خود را ثبت کرده و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- ۱ در عکاسی از هر کدام از موضوعات فوق به چه نکاتی از قبیل موقعیت و زاویه دوربین، نوع نور، فاصله تا سوژه، تنظیمات دوربین نوع ترکیب بندی توجه کردید؟
- ۲ تفاوت های اصلی در عکاسی از موضوعات مختلف کدام موارد بود؟
- ۳ به نظر شما کیفیت کدام عکس بهتر است؟
- ۴ رنگ های موجود در عکس چه رابطه ای باهم دارند؟
- ۵ با چه سؤالات و مشکلاتی مواجه شدید؟



- ۱ درباره سؤالاتی که در هنگام عکاسی با آن مواجه شدید با سایر هنرجویان گفت و گو کنید.
- ۲ درباره ارتباط نورهای رنگی در عکس هایی که تهیه نموده اید و یا خود عکاسی کرده اید، یک کاربرگ تهیه کنید.



کاربرگ تنظیم شده و عکس های خود را به کارپوشه اضافه کنید.

رنگ در معماری داخلی

استفاده خلاقانه از رنگ در تزیینات، معماری داخلی و فضای زندگی روزانه می تواند به ریتم زندگی ما غنا و عمق دهد.



▲ تصویر ۸



▲ تصویر ۱۰



▲ تصویر ۹

به گزاره‌های زیر در مورد کاربردهای رنگ در معماری داخلی و عکاسی توجه کنید و برای آن‌ها نمونه‌های تصویری انتخاب کنید.

- ۱ رنگ به عنوان شاخص در مبلمان شهری
- ۲ رنگ به عنوان سمبل و مفاهیم اجتماعی فرهنگی آن
- ۳ رنگ به عنوان جزء در طراحی داخلی
- ۴ رنگ به عنوان کیفیت و با توجه به کاربردهای رنگ در جامعه

تجربه
و دانش



درباره نمونه‌های تصویری که انتخاب کرده‌اید در کلاس گفت‌وگو کنید.

پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



تصاویر انتخابی را در کارپوشه قرار دهید و برای آن‌ها گزارش مکتوب و یا کاربرگ تهیه کنید.

تحلیل و
نتیجه‌گیری



رنگ در طراحی پارچه و لباس

انتخاب رنگ‌های مناسب برای لباس چیزی فراتر از سلیقه شخصی است زیرا در انتخاب رنگ لباس علاوه بر ملاحظات هنری و زیباشناختی مسائل فنی و فرهنگی، سن و جنس اثرگذارند. کشور ما با فرهنگ غنی و هنرهای ریشه‌دارش الگوهای زیبایی از طرح و رنگ را در تولید پارچه و لباس عرضه کرده است. همان‌طور که هماهنگی در رنگ‌های موسیقی می‌تواند آهنگی گوش‌نواز داشته باشد و هماهنگی در رنگ‌بندی پارچه و لباس نیز می‌تواند باوقار و چشم‌نواز باشد.

انتخاب رنگ‌های گرم یا سرد، زنده یا کدر، روشن یا تیره می‌تواند چهره فرد را بسیار متفاوت جلوه دهد. رنگ‌های گرم مانند قرمز، نارنجی، صورتی، زرد و یا قهوه‌ای بر احساسات تأثیرگذار بوده و توجه برانگیز و سرزنده‌اند. از رنگ‌های زنده چه سرد یا گرم که حس از سلامت، شادابی و سرزندگی دارند، معمولاً در لباس بچه‌ها به کار می‌رود. از رنگ‌های سرد و یا کدر و مرده معمولاً در کنار رنگ زنده استفاده می‌شود تا تأثیر بهتری داشته باشد.



▲ تصویر ۱۱



▲ تصویر ۱۳



▲ تصویر ۱۲



در قالب یک تیم دونفره تعدادی لباس‌های بومی و سنتی محل زندگی خود را انتخاب کنید. به همان تعداد از نمونه لباس‌های رایج در زندگی امروز را برگزینید به گونه‌ای که از نظر سنی و جنسیت اغلب اقشار اجتماعی را شامل شود. مشخصات طرح و رنگ لباس‌ها را بررسی کنید. آن‌ها را دسته‌بندی کرده به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ رنگ‌های به کاررفته در لباس‌ها کدام‌اند و با توجه به گروه استفاده‌کننده به نظر شما آیا رنگ به درستی انتخاب شده است یا نه؟

۲ آیا رابطه‌ای بین طرح لباس‌ها و رنگ آن‌ها وجود دارد؟

۳ رنگ‌های استفاده‌شده به نظر شما چه احساسی را ایجاد می‌کنند و چه پیامی ممکن است داشته باشند؟

۴ چند طرح لباس را انتخاب کرده و یکی را به صورت آنالیز رنگی روی مقوا اجرا کنید (در انتخاب مواد و ابزار اجرا، آزاد هستید).



از کتاب‌های طراحی لباس چند تصویر انتخاب کرده و آن‌ها را در کلاس نصب کنید. سپس درباره همنشینی رنگ‌ها در لباس‌ها، تأثیر رنگ‌ها بر فرم و شکل کلی لباس گفت‌وگو کنید.



پس از تهیه گزارش از کارهای کارگاهی و نیز پاسخ به پرسش‌های بخش تجربه و دانش، کارهای رنگی و منتخب خود را در کارپوشه قرار دهید.

رنگ در هنرهای نمایشی

هر نوع فیلم یا نمایش با هر زمینه محتوا و قالبی، زبان خاص خود را می‌طلبد. از این رو به طراحی صحنه خاص نیاز دارد و به تناسب آن از ترکیبات ویژه رنگی استفاده می‌کند. رنگ در هنرهای نمایشی نه تنها می‌تواند سبب ایجاد جذابیت و تأثیرگذاری بر مخاطب شود، بلکه به انتقال معانی و مفاهیم در ساختار بصری فیلم کمک می‌کند. هنر نمایش با استفاده از امکانات تأثیرگذاری بصری و روانی رنگ در طراحی صحنه، طراحی لباس بازیگران، نور و... دامنه استفاده از رنگ‌ها را در اثرگذاری و انتقال پیام نمایش توسعه می‌دهد.

طراح می‌بایست با بهره‌گیری از نگاه هنری، قدرت تخیل و خلاقیت، مهارت طراحی، دقت در جزئیات، طرح صحنه و نورپردازی رنگ‌های صحنه را طوری انتخاب کند که هم با ژانر اصلی فیلم یا نمایش هماهنگ باشد و هم به خوبی با لحظات حساس و مهم نمایش مانند صحنه‌های کشف، مرگ، تصمیم مهم، روز، شب، طلوع و غروب، باران، رعدوبرق، حادثه، تاریخ و... در فضای داخل محیط شهری و محیط طبیعی همراهی و هماهنگی داشته



▲ تصویر ۱۴

باشد. به این منظور طراح صحنه و کارگردان باید به معنی نورها در فضای نمایش و فیلم توجه کنند. اغلب در هنرهای نمایشی از رنگ کهربایی برای القای روز، از رنگ آبی برای القای شب، نور قرمز برای حالت ترس، برای حالت زندگی رنگ‌های روشن، برای حالت غم رنگ‌های تیره و... بهره می‌گیرند.



▲ تصویر ۱۵



▲ تصویر ۱۶

- ۱ چند عکس از نمایش‌های اجرا شده را انتخاب کنید و رنگ‌های حاکم بر صحنه نمایش را بنویسید.
- ۲ تأثیر رنگ‌ها و نورهای رنگی را در فضای حسی نمایش توضیح دهید.

تجربه
و دانش



پرسش و
گفت‌وگوی
کلاسی



تحلیل و
نتیجه‌گیری



کاربرگ‌های خود را براساس گفت‌وگوی کلاسی تکمیل کنید.

رنگ اصلی‌ترین واسطه در نقاشی برای ایجاد ترکیبات زیبا و جذاب برای انتقال پیام و بیان عواطف است زیرا ارتباط ما با رنگ بسیار ساده و قوی است و به راحتی در ما نفوذ کرده و بر ما اثر می‌گذارد. رنگ‌ها معانی روان‌شناختی ویژه‌ای دارند. نقاشان ماهر از رنگ برای به وجود آوردن پندار دوری و نزدیکی، ایجاد حس پویایی و یا سکون، حالت سرزندگی و شادابی، احساس گرمی یا سردی، غصه و شادی، وحشت و بیان حالت‌های عمیق درونی استفاده می‌کنند. رنگ‌ها، جدا از کیفیت و مفهوم طبیعی که دارند بسته به زمینه‌های فرهنگی گوناگون معنی ویژه‌ای می‌یابند. از نظر پژوهشگران روان‌شناسی رنگ، هر کدام از رنگ‌ها مانند قرمز، آبی، بنفش، زرد، سبز و نارنجی، خاکستری، سیاه و یا سفید در هنر نقاشی حالات کیفی و اثرات روانی خاص خود را دارند. قواعد شناخت و کاربرد و چگونگی تأثیرگذاری رنگ‌ها لازم و ضروری است اما کار خلاقانه با رنگ هیچ‌گاه به معنای پیروی صرف از قواعد توضیح داده شده نیست. این قواعد تنها می‌توانند به درک خصوصیات و شناخت اولیه ما از ابزار و مواد کار هنری کمک نمایند و پس از کسب این شناخت و درک قواعد مربوط به آن است که کار خلاقانه هنرمند شروع می‌شود. به همین دلیل در کار هنری همواره چیزهای تازه‌ای وجود دارد که توسط هنرمندان و کار خلاقانه آن‌ها پدیدار می‌شود و در اثر هنری معنا پیدا می‌کند.



▲ تصویر ۱۸



▲ تصویر ۱۷



▲ تصویر ۱۹

آثار گوناگون صنایع دستی در کشور از رنگ‌های متنوع و زیبایی بهره برده‌اند. رنگ‌ها در انواع صنایع دستی که با مواد اولیه متنوعی تولید می‌شوند، حکایت از هویت ملی و اصیلی دارند. بسیاری از آثار صنایع دستی که در اقلیم و مناطق مختلف ایران تولید می‌شوند، خاستگاهی بومی داشته و این آثار علاوه بر شکل، نقش و رنگ‌های خاص و ویژه همان منطقه را نمایان می‌سازند و حکایت از آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای مردمان خویش دارد. هنرمندان صنایع دستی علاوه بر استفاده از خلاقیت، مهارت در طراحی و ساخت، دقت در جزئیات و ظرافت‌های کار، رنگ‌ها را با حساسیت فراوان و با توجه به معانی و مفاهیم نهفته و ویژه هر منطقه در تولید یک اثر بکار می‌گیرند، ترکیب‌بندی رنگ‌ها و هم‌نشینی آن‌ها در انواع صنایع دستی مانند شناسنامه‌ای هویتی برای محل و منطقه تولیدکننده است. تنوع رنگی و استفاده از رنگ‌های شاد جزء ویژگی‌های بارز صنایع دستی بومی کشور مانند فرش، نگارگری، سوزن‌دوزی‌ها، سفال و سرامیک، پارچه‌های سنتی، کاشیکاری و... می‌باشد.



▲ تصویر ۲۱



▲ تصویر ۲۰

پیوست ۲



▲ تصویر ۱- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با استفاده از رنگ‌های گرم و تیره - روشن



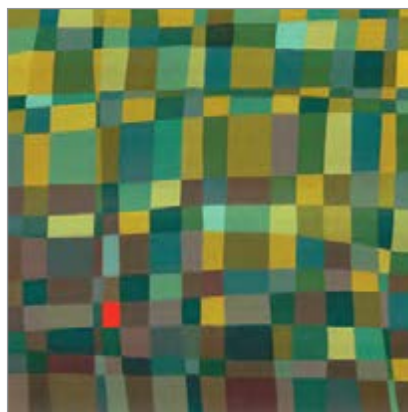
▲ تصویر ۴- ترکیب هماهنگ رنگ‌های متنوع به کمک خطوط سفید بینابین



▲ تصویر ۳- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با استفاده از رنگ‌هایی با وسعت سطح متنوع



▲ تصویر ۲- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با استفاده از اختلاط رنگ‌ها با سفید



▲ تصویر ۷- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با استفاده از رنگ‌های هم‌خانواده به اضافه یک رنگ مکمل



▲ تصویر ۶- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با وسعت سطح متفاوت و به کمک خطوط تیره



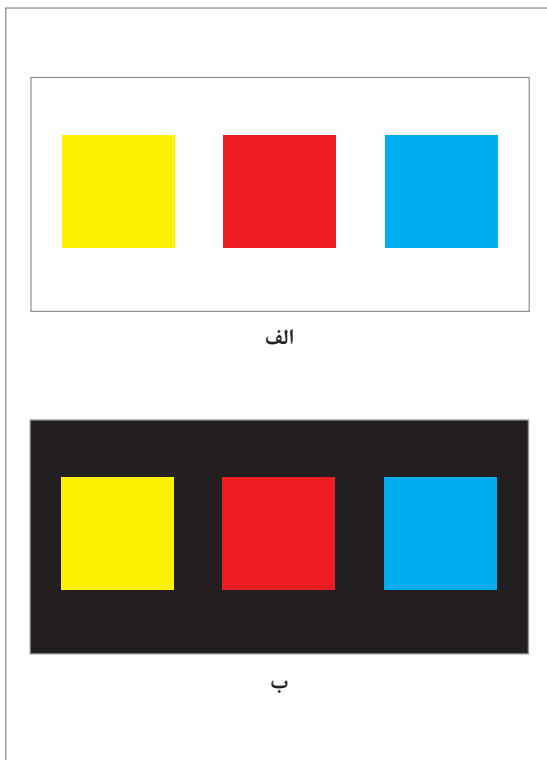
▲ تصویر ۵- ترکیب هماهنگ رنگ‌ها با استفاده از تنوع رنگ‌ها



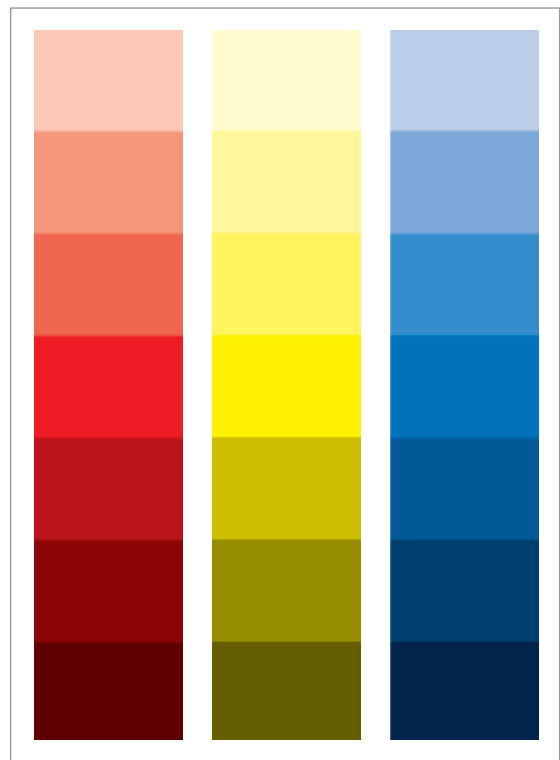
▲ تصویر ۸- ترکیب هماهنگ رنگ‌های متنوع با وسعت سطح‌های متفاوت



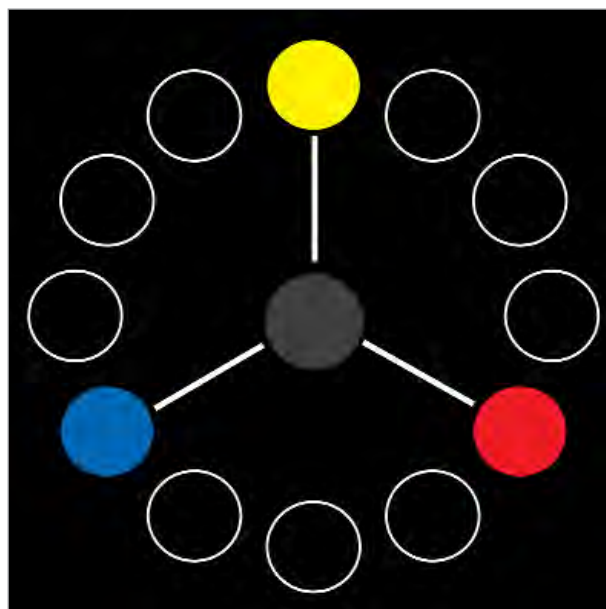
▲ تصویر ۹- ترکیب هماهنگ رنگ‌های یک خانواده رنگی گرم



▲ تصویر ۱۱- به نظر می‌رسد در قسمت (ب) نسبت به قسمت (الف) رنگ‌ها روی زمینه سیاه از درخشش بیشتر و ابعاد بزرگ‌تری برخوردارند و بیشتر به ما نزدیک می‌شوند.



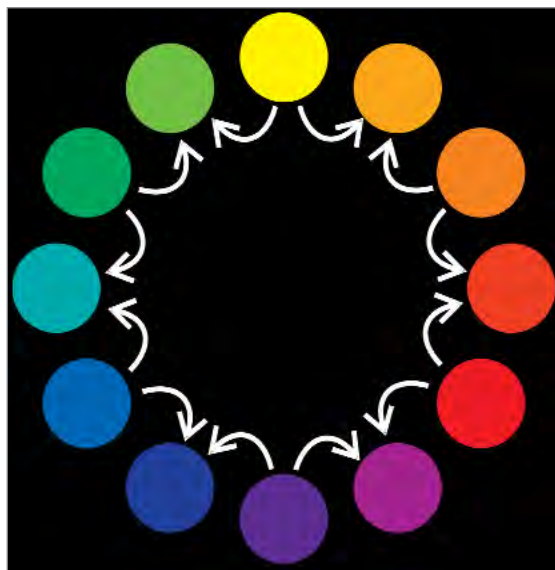
▲ تصویر ۱۰- درجاتی از روشنایی سه رنگ اصلی که از یک سو با سفید روشن شده‌اند و از سوی دیگر در ترکیب با سیاه تیره شده‌اند.



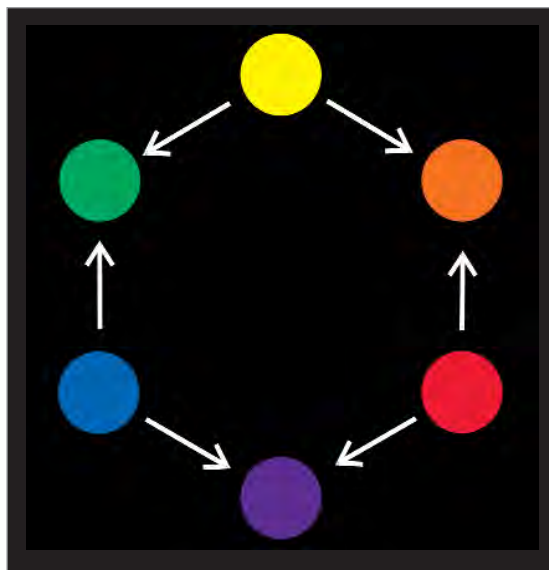
▲ تصویر ۱۲- از ترکیب کردن سه رنگ اصلی زرد، قرمز و آبی خاکستری بسیار تیره‌ای حاصل می‌شود. به این نوع ترکیب رنگ، ترکیب کاهشی گفته می‌شود.



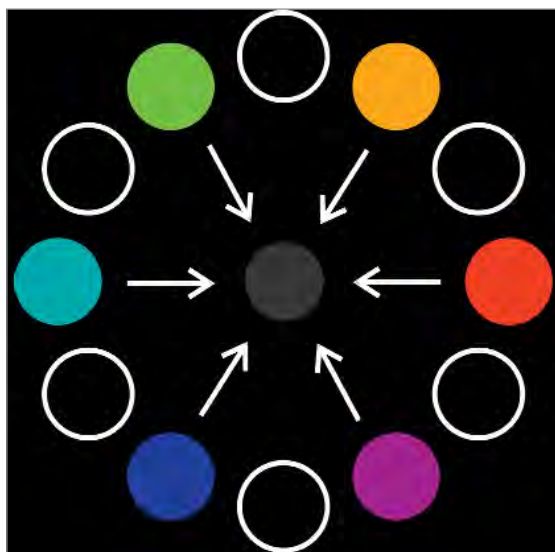
▲ تصویر ۱۳- دسته‌بندی رنگ‌ها در چرخه دوازده رنگی به پیشنهاد ایتن



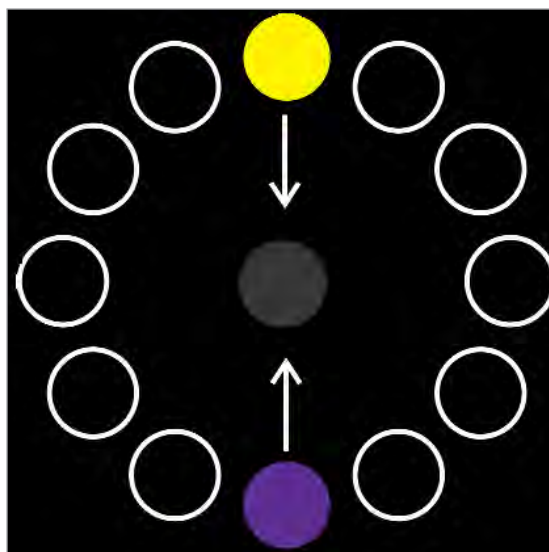
▲ تصویر ۱۵- از مخلوط کردن یک رنگ اصلی با یک رنگ درجه دوم، یک رنگ درجه سوم به دست می آید.



▲ تصویر ۱۴- از مخلوط کردن دو رنگ اصلی یک رنگ درجه دوم ساخته می شود.



▲ تصویر ۱۷- در چرخه دوازده رنگ هر دو رنگ روبه روی هم به عنوان دو رنگ مکمل محسوب می شوند که از ترکیب شدن آن ها با یکدیگر، خاکستری بسیار تیره ای به دست می آید.



▲ تصویر ۱۶- از مخلوط شدن دو رنگ مکمل، خاکستری بسیار تیره حاصل می شود.



▲ تصویر ۱۸- قرار گرفتن رنگ‌های اصلی در کنار یکدیگر می‌تواند شدیدترین کنتراست ته‌رنگ را ایجاد کند.



▲ تصویر ۱۹- شدت کنتراست ته‌رنگ در رنگ‌های درجه دوم از رنگ‌های اصلی کمتر است.



▲ تصویر ۲۰- رنگ‌هایی که از نظر رنگین بودن به یکدیگر نزدیک هستند، شدت کنتراست ته‌رنگ کمتری ایجاد می‌کنند.



▲ تصویر ۲۱- در قسمت (الف) رنگ‌ها با سیاه تیره و در قسمت (ب) با سفید روشن شده‌اند. در هر دو مورد از شدت کنتراست ته‌رنگ کاسته شده است.



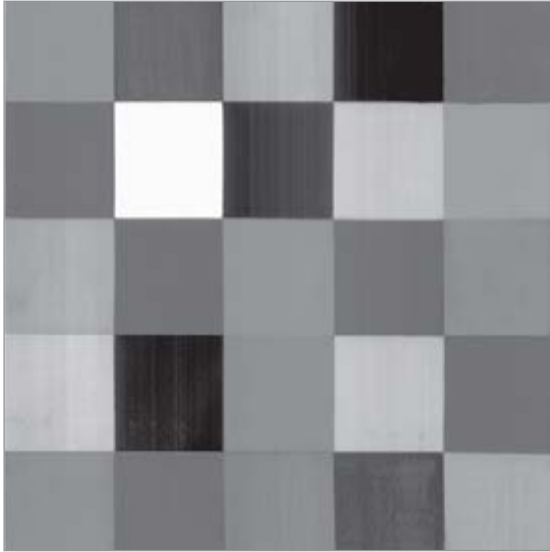
▲ تصویر ۲۴- کنتراست ته‌رنگ با استفاده از رنگ‌های اصلی، رنگ‌های درجه دوم و رنگ‌های میانی آن‌ها



▲ تصویر ۲۳- ایجاد کنتراست ته‌رنگ و استفاده از سیاه در کنار رنگ‌های اصلی



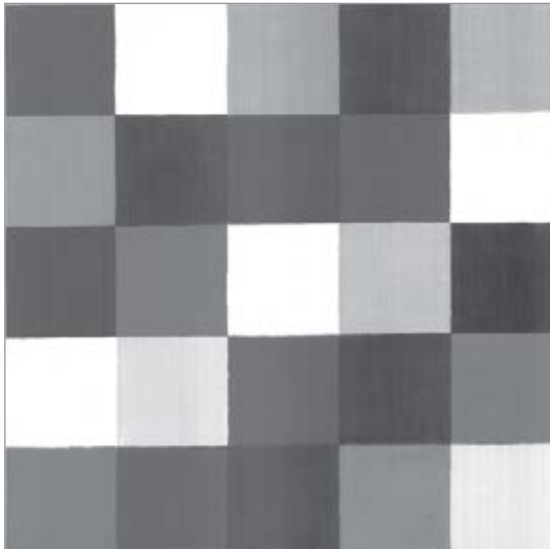
▲ تصویر ۲۲- ایجاد کنتراست ته‌رنگ با استفاده از رنگ‌های اصلی



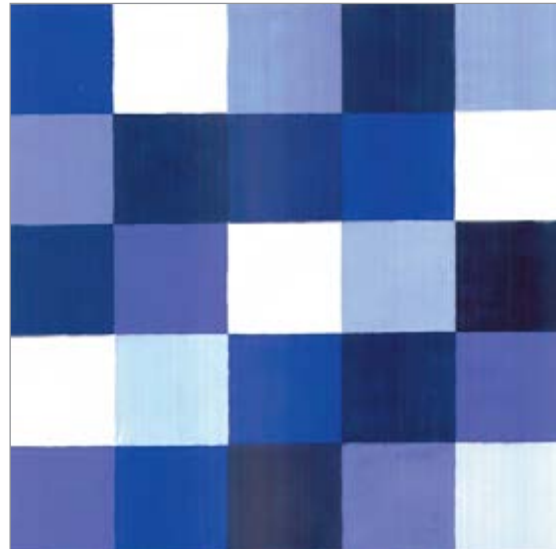
▲ تصویر ۲۶- نمایش میزان تیرگی رنگ‌های تصویر ۲۵ که به صورت درجاتی از خاکستری در کنار هم قرار دارند.



▲ تصویر ۲۵- نمایش رنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر



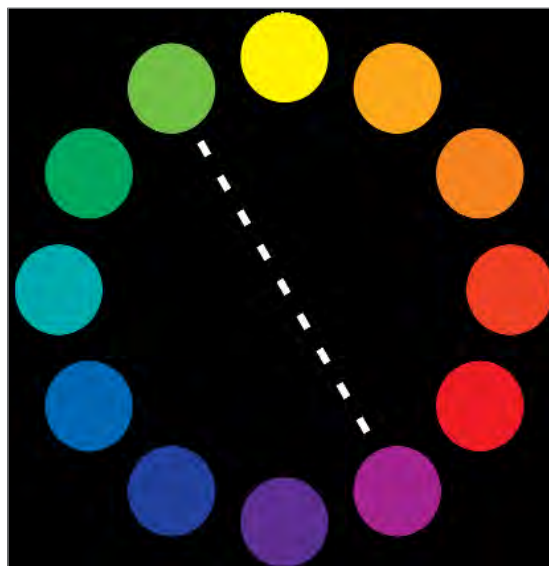
▲ تصویر ۲۸- درجات مختلف خاکستری متناسب با تیرگی‌های مختلف رنگ آبی در تصویر ۲۷



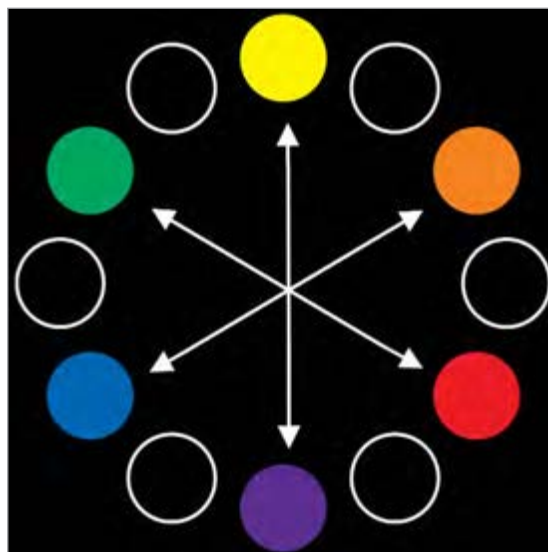
▲ تصویر ۲۷- درجات مختلفی از رنگ آبی که با سیاه تیره و با سفید روشن شده‌اند.



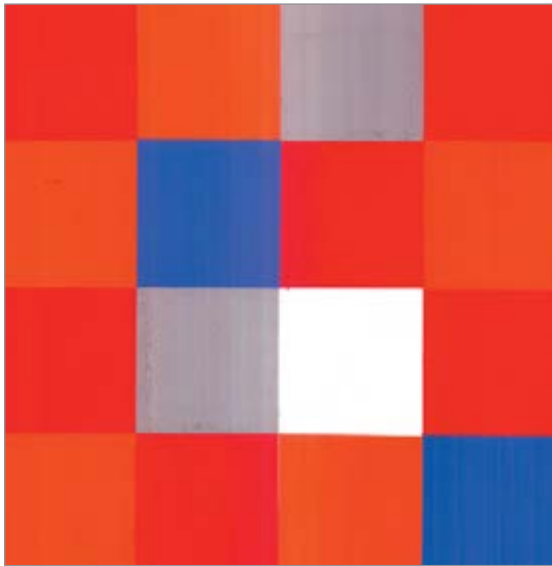
▲ تصویر ۳۰- دو رنگ مکمل وقتی با یکدیگر ترکیب می‌شوند، خصوصیت رنگین یکدیگر را خنثی و خاکستری‌های رنگین حاصل می‌کنند.



▲ تصویر ۲۹- خط قطری مقطع به طور نسبی خانواده رنگ‌های گرم را در سمت راست و خانواده رنگ‌های سرد را در سمت چپ نشان می‌دهد.



▲ تصویر ۳۱- در چرخه دوازده رنگی، هر دو رنگ مکمل روی قطرهای دایره روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند.



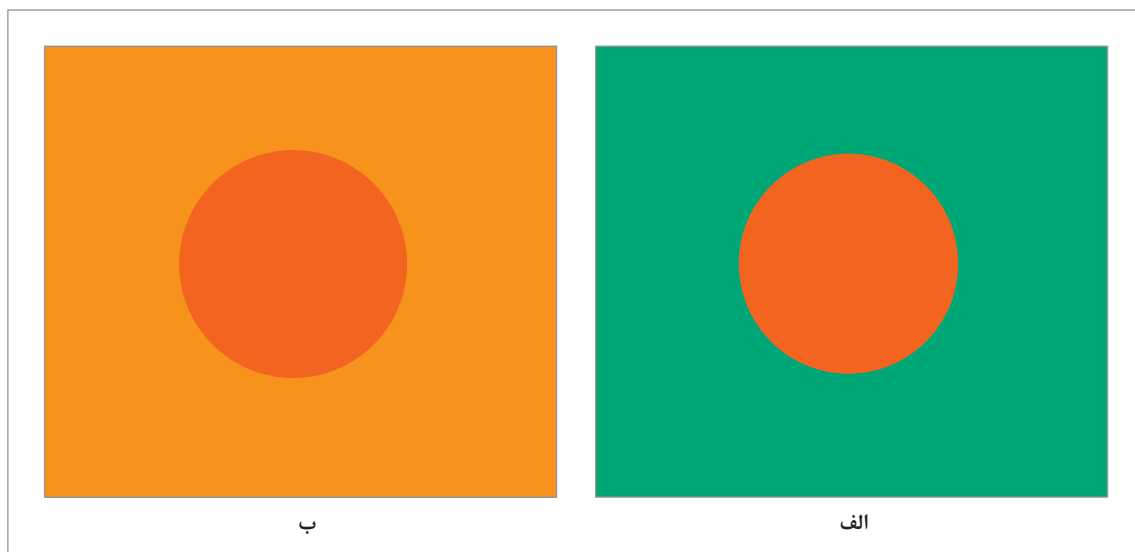
▲ تصویر ۳۳- رنگ آبی در کنار نارنجی و قرمز نارنجی شدت کنتراست دو رنگ مکمل را نشان می دهد.



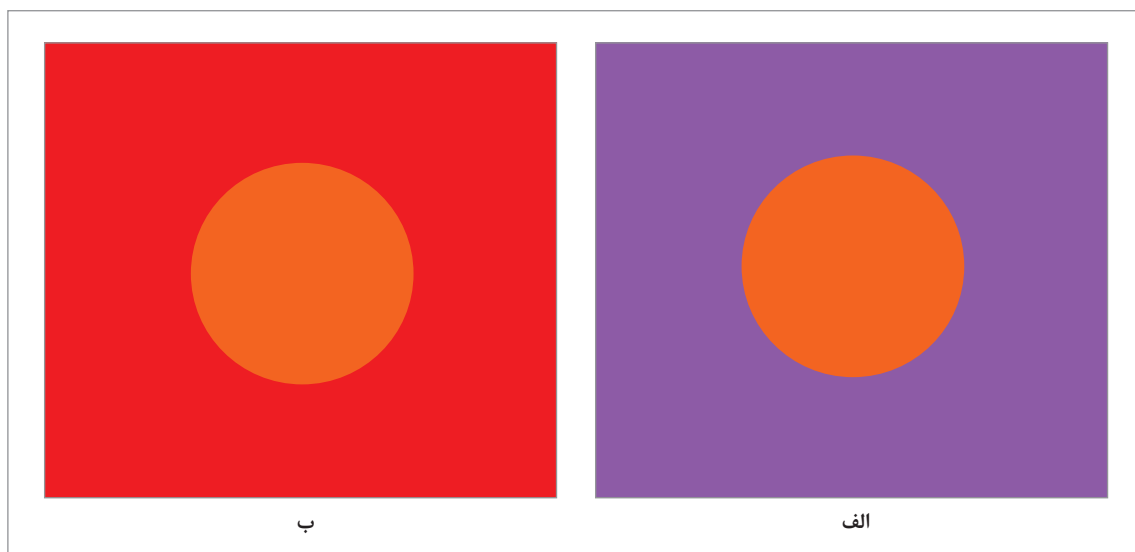
▲ تصویر ۳۲- تنالیت‌های مختلف حاصل از اختلاط دو رنگ زرد و بنفش در کنار هم



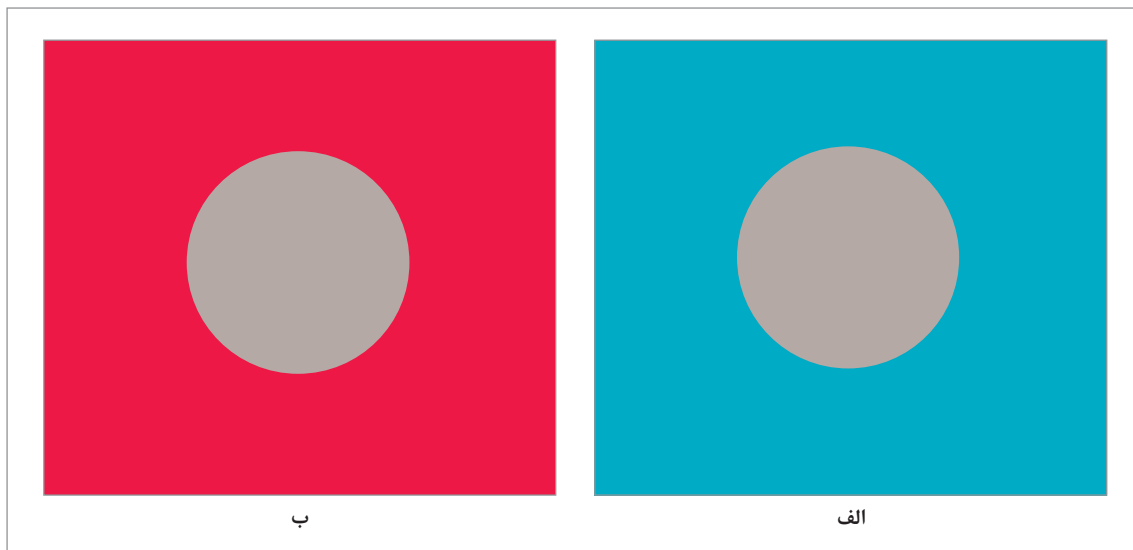
▲ تصویر ۳۴- خاکستری وسط که از نظر تیرگی متناسب با رنگ زمینه است، در اثر تأثیرات کنتراست همزمانی، مایل به رنگ زرد، یعنی رنگ مکمل زمینه دیده می شود.



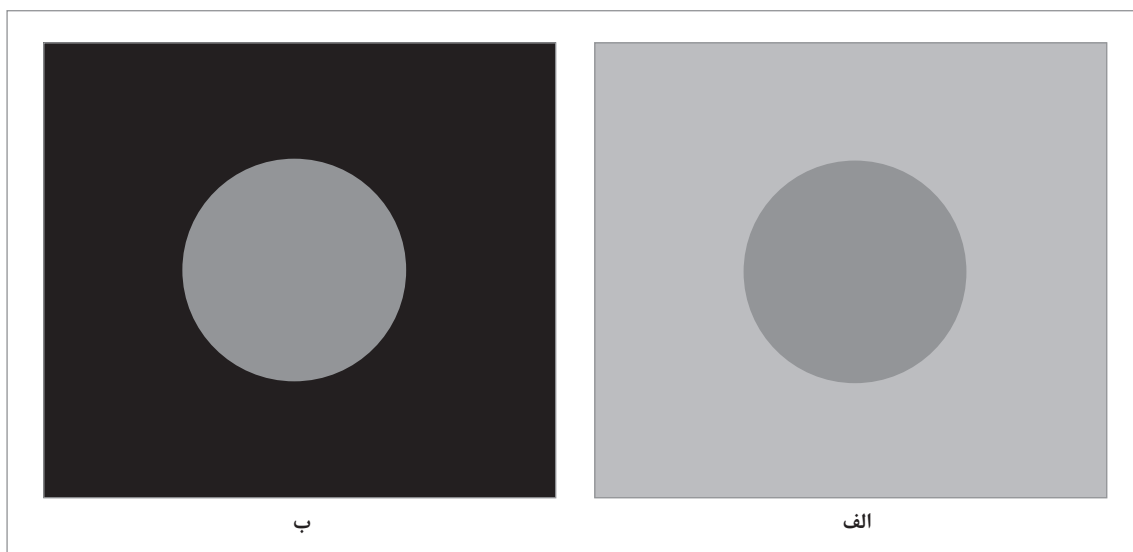
▲ تصویر ۳۵- تأثیر کنتراست همزمان باعث شده است که در تصویر (الف) قرمز نارنجی بر زمینه سبز به صورت قرمز دیده شود. در حالی که تصویر (ب) همان قرمز نارنجی بر زمینه قرمز به صورت روشن تر دیده شود.



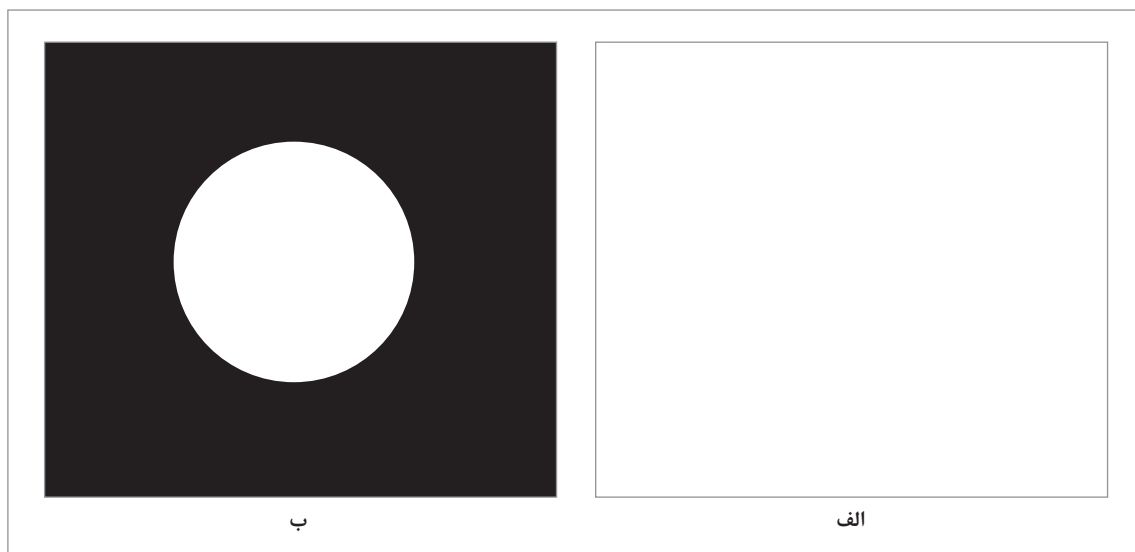
▲ تصویر ۳۶- در حالی که هر دو دایره رنگ قرمز یکسانی دارند، در تصویر (الف) به دلیل تأثیرات کنتراست همزمان به صورت روشن تری دیده می شود و در تصویر (ب) به صورت تیره تر



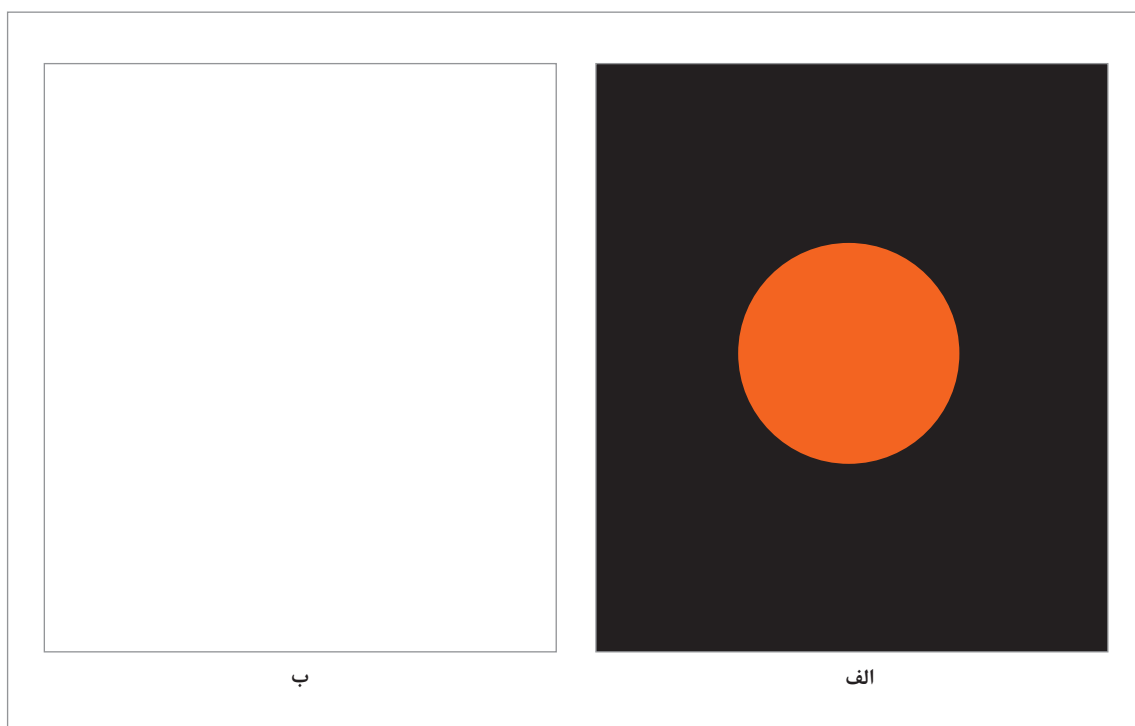
▲ تصویر ۳۷- در حالی که هر دو دایره خاکستری و از نظر تیرگی یکسان هستند، دایره‌ای که بر زمینه آبی فیروزه‌ای قرار گرفته به دلیل تأثیرات کنتراست همزمان مایل به قرمز دیده می‌شود.



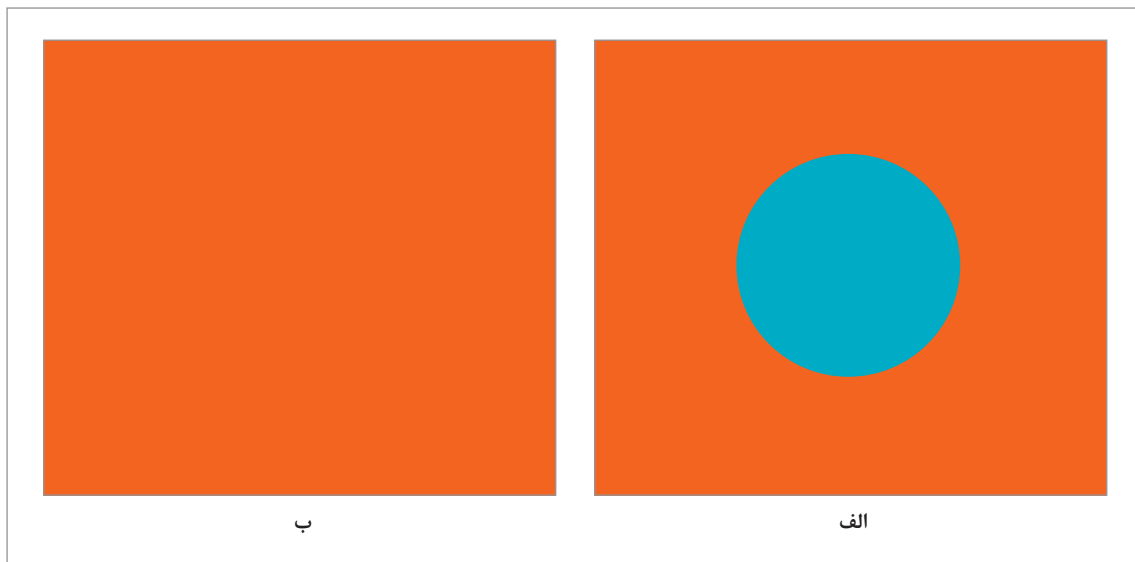
▲ تصویر ۳۸- در حالی که هر دو دایره خاکستری کاملاً یکسان هستند، در اثر کنتراست همزمان به روی زمینه تیره روشن‌تر و روی زمینه روشن، تیره‌تر دیده می‌شود.



▲ تصویر ۳۹- در صورتی که پس از حدود ۳۰ ثانیه خیره شدن به دایره سفید، به یک سطح سفید نگاه کنید، دایره‌ای تیره رنگ روی آن احساس می‌شود.



▲ تصویر ۴۰



▲ تصویر ۴۱



▲ تصویر ۴۲- رنگ قرمز به مقدار مختلفی با سیاه مخلوط شده و درجه خلوص آن به تدریج کمتر شده است.



▲ تصویر ۴۳- رنگ سبز به مقدار مختلفی با سفید مخلوط شده و درجه خلوص آن به تدریج کاهش یافته است.



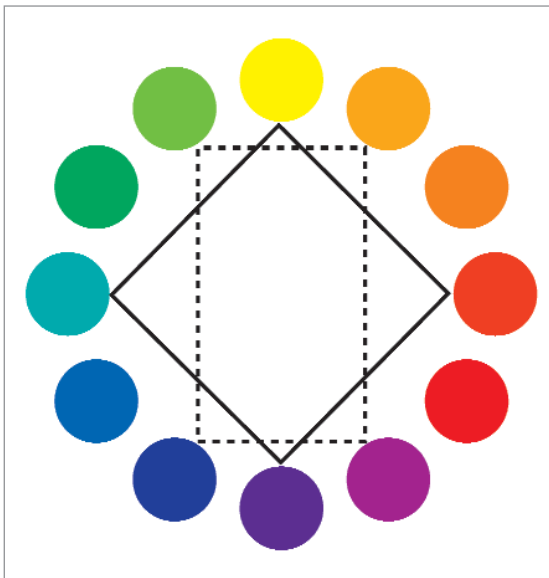
▲ تصویر ۴۴- رنگ آبی به مقدار مختلفی با رنگ مکمل خود مخلوط شده و به تدریج درجه خلوص خود را از دست داده است.



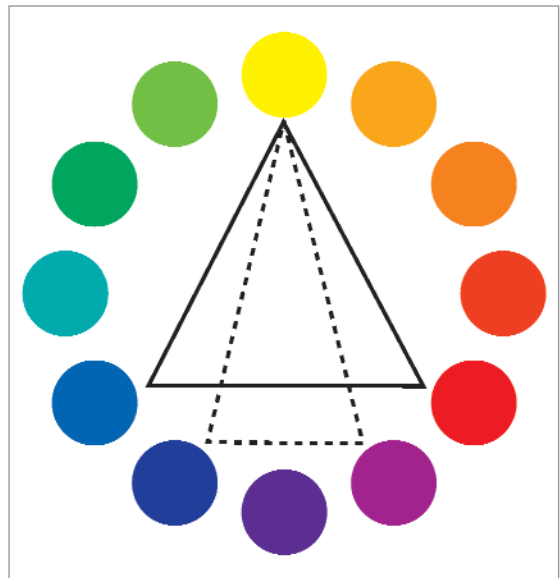
▲ تصویر ۴۵- رنگ قرمز به مقدار مختلفی با خاکستری بی فام مخلوط شده و به تدریج درجه خلوص آن کاهش یافته است.



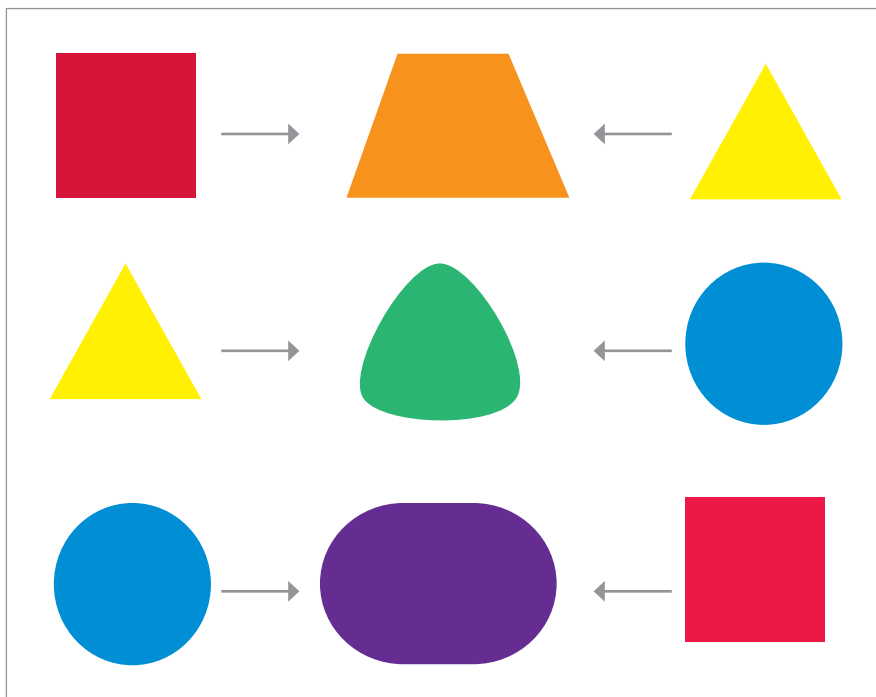
▲ تصویر ۴۶- رنگ زرد در مرکز جدول خالص ترین کیفیت خود را دارد و در خانه های پیرامونی به مقدار مختلفی با سیاه، سفید، خاکستری و رنگ مکمل خود مخلوط شده است.



▲ تصویر ۴۸- هماهنگی رنگ‌ها براساس ارتباط چهارگانه رنگ‌های چرخه دوازده رنگی



▲ تصویر ۴۷- هماهنگی رنگ‌ها براساس ارتباط سه‌گانه رنگ‌های چرخه دوازده رنگی



▲ تصویر ۴۹- تناسب میان شکل و رنگ در رنگ‌های اصلی و رنگ‌های درجه دوم